

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

# همایش فرهنگی رسالت دانشگاهیان در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف

معاونت فرهنگی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

سال انتشار

۱۳۹۲

سرشناسه	: همایش رسالت دانشگاهیان در ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف (۱۳۹۰: خوراسگان)
عنوان و نام پدیدآور	: همایش فرهنگی رسالت دانشگاهیان در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف/مجری معاونت فرهنگی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
مشخصات نشر	: خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان. معاونت پژوهشی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۰ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۲۰۱۵-۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت	: عنوان روی جلد: مجموعه مقالات همایش حجاب رسالت دانشگاهیان در ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف.
عنوان روی جلد	: مجموعه مقالات همایش حجاب رسالت دانشگاهیان در ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف
موضوع	: حجاب -- کنگره‌ها
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان. معاونت فرهنگی
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان. معاونت پژوهشی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ / ۱۷/ ۵۸۳ / BP۲۳۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۳۰۷۲۸



ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

نشانی: اصفهان، خیابان جی، صندوق پستی: ۸۱۵۹۵-۱۵۸

تلفن: ۹-۵۳۵۴۰۰۱-۰۳۱۱، فاکس: ۰۳۱۱-۵۳۵۴۰۶۰، Email: info@khuisf.ac.ir

## همایش فرهنگی رسالت دانشگاهیان در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب

معاونت فرهنگی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

گردآورندگان: رضا اسماعیلی، حسین کاظمی، اقدس بیگی

- مدیر تولید: فاطمه دادرس
- تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
- طراح جلد: شمیم شکرانی
- نوبت چاپ: اول/ وزیر
- تعداد صفحات: ۳۴۰ صفحه
- تاریخ نشر: ۱۳۹۲

قیمت: تومان

© حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 978-964-10-2015-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۲۰۱۵-۸

مشخصات اعضاء کمیته علمی و اجرای همایش فرهنگی رسالت دانشگاهیان

در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف

۹۰/۸/۸- دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

رئیس همایش

- دکتر احمدعلی فروغی ابری

رئیس همایش و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

دبیر علمی همایش

- دکتر رضا اسماعیلی

دبیر علمی همایش و معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

کمیته علمی همایش

- حجت الاسلام والمسلمین سید مجتبی میر دامادی

رئیس دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان

- حجت الاسلام والمسلمین احمد خیر الهی

معاونت دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان

- حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر بیگی

مدیر فرهنگی منطقه ۴ دانشگاه آزاد اسلامی

- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد محمد زاده

رئیس دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

- فرشته منافی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

- دکتر پیام نجفی

معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

کمیته اجرائی همایش

- حوزه معاونت فرهنگی و دیگر مسئولین حوزه‌های معاونت اداری مالی، پژوهشی،

دانشجوئی، آموزشی و عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

لیست مشخصات مقالات برتر همایش فرهنگی (رسالت دانشگاهیان در توسعه و ترویج فرهنگ  
حجاب و عفاف) مورخ ۹۰/۸/۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	عنوان مقاله	صفحه
۱	آقایان دکتر رضا اسماعیلی، محمدحسین پسندیده و حسین کاظمی	اصول و مبانی مسئله عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم	۱۱
۲	خانم اعظم ابراهیم نجف آبادی	تبیینی بر مسئله حجاب	۳۳
۳	خانم دکتر فرزانه تقیان	حجاب، ورزش و اقتدار ایران اسلامی	۴۳
۴	خانم سحر غفاریان	بررسی وضعیت حجاب و نقش عوامل مؤثر بر استفاده یا عدم استفاده از حجاب اسلامی مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان	۶۱
۵	خانم لیلا کمالی بانیانی، آقایان مهدی رضا کمالی بانیانی و مجیدرضا کمالی بانیانی	سیما نگاری و کالبدینه سازی عفاف و پاکدامنی در نگاره های دینی	۹۲
۶	آقای سیدمحمدجواد آزمون	حجاب و الگوهایی از حضرت زهرا(س)	۱۰۵
۷	آقای سیدمحمدجواد آزمون	جایگاه و تاثیر شخصیت حضرت زهرا(س) در تعلیم و تربیت مدرن	۱۱۹
۸	خانم اعظم ابراهیم نجف آبادی	بررسی فرآیند الگوپذیری حجاب از برنامه های سیمای شبکه اصفهان	۱۴۹
۹	خانم زهره زیودار و آقای جواد فروزنده	بررسی علل بدحجابی دانشجویان و ارائه راهکار	۱۸۲
۱۰	آقای سیدمحمدجواد آزمون	مدیریت حجاب و عفاف از دیدگاه قرآن و اهل بیت	۱۹۴

۲۳۱	زن مدرن در مکتب تربیتی فاطمه (س)	آقای سیدمحمدجواد آزمون	۱۱
۲۵۵	راهکارهای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاه	آقای اصغر محمدی	۱۲
۲۸۱	رسانه راهکارهای مناسب جهت توسعه فرهنگ حجاب	خانم دکتر فائزه تقی پور، خانم عفت طالبی	۱۳
۲۹۹	راهکارهای ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در سطح دانشگاه	آقای دکتر علی سلیمانی و خانم لیلا نارنجانی	۱۴
۳۱۰	طراحی الگوهای اعتقادی در خانواده به عنوان مبدا تربیت اخلاقی فرزند	خانم زهره سادات میرمقصدائی	۱۵

معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان



## مقدمه

حجاب و عفاف تجلی گاه شعر عاشقان و مقصد متعالی عقیقان و مظهر تقبل نور خداوندی است. حجاب کاروان حقیقی عفاف را همراه خود دارد، زن و مرد نمی شناسد «سیر من الخلق الی الحق» یعنی در حرکت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست. هر کس به آن رسید به مقصد عالی رسیده چرا که هیچ خلق و خوئی همچون حجاب و عفاف این قدر برای انسان تأثیرگذار نبوده است. بنابراین باید به دلایل گرایش جوانان به بد حجایی و عدم رویکرد جوانان به داشتن رفتار مناسب و منطبق بر شئون اسلامی را در اجتماع مورد مطالعه دقیق علمی قرار داده و از بررسی موشکافانه و ریشه یابی آنها، راهکارهای مناسب و قابل اجرا ارائه دهیم و مسلماً این اجرا مرهون همت و تلاش دستگاههای اجرایی به خصوص نظام آموزش عالی کشور است.

اهمیت حجاب و عفاف در دانشگاهها و ضرورت انسجام بخشی به فعالیت های فرهنگی در حوزه حجاب و عفاف، مسولان این واحد را بر آن داشت تا با استفاده از تجربیات و ظرفیت فکری موجود همایش رسالت دانشگاهیان در ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف را برگزار نمایند. مجموعه ای که پیش روی شماست حاوی مجموعه مقالات ارائه شده به دبیرخانه علمی همایش می باشد که هدف از گردآوری و ارائه مقالات جهت استفاده پژوهشگران و ارائه راهکارهای علمی و عملی در این خصوص برای نظام آموزش عالی می باشد که امید است با بهره مندی از توان و ظرفیت بالای دانشگاهها و همفکری با صاحب نظران به هدف توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاهها دست یابیم.

دکتر پیام نجفی

معاونت پژوهشی دانشگاه

دکتر رضا اسماعیلی

دبیر علمی همایش



## اصول و مبانی مسئله عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم

دکتر رضا اسماعیلی

معاون فرهنگی و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

محمد حسین پسندیده

کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

حسین کاظمی

کارشناس فرهنگی

### چکیده

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم و پسامدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند. اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر مادیات، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد. از این روی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از منظر

قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی جمع آوری شده و امید است این تحقیق بتواند در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

**کلید واژگان:** عفاف، حجاب، قرآن کریم، فرهنگ

## مقدمه

واقعا پرداختن به بحث عفاف و حجاب مهم است؟ چرا تا این اندازه اسلام بر روی آن تاکید دارد به حدی که ضرورت حجاب مورد اتفاق شیعه و سنی است؟ و چرا برخی کشورهای غربی و غیر اسلامی مانند فرانسه و ترکیه نسبت به آن این چنین حساسیت نشان می دهند و برای زنان محجبه محدودیت ایجاد می کنند؟ چرا نسبت به آنان تبعیض قائل می شوند و انواع فشارها را بر آنها وارد می کنند؟ امروزه نمونه این فشارها را در این کشورها زیاد می بینیم به طور مثال می توان به اخراج پیرزنی از یک بیمارستان در ترکیه اشاره کرد که به علت داشتن همراه محجبه اخراج شد. اهمیت مسئله حجاب تا حدی است که سکولارها در ترکیه روسری را نماد اسلام سیاسی می دانند. آنها به خوبی متوجه جایگاه زنان و حجاب آنان در عفاف جوامع اسلامی شده اند که به هر صورت در صدد ضربه زدن به آن هستند تا بتوانند از طریق آن به اهداف خود دست پیدا کنند. بر خلاف ادعای غرب، زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، اهمیت مقام زن را در جمله ای زیبا از امام خمینی می شود درک کرد: ((از دامن زن مرد به معراج می رسد)).

با قدری تأمل می توان به حقیقت این جمله دست یافت یقینا وقتی زنان جامعه ای خوب و باحیا باشند، مردان آن جامعه نیز از تربیتی صحیح و نیکو بهره مند خواهند بود و تاثیر زنان بر زندگی مردان انکار ناپذیر است. غریبان نیز به درستی این سخنان پی بردند و در صدد ضربه زدن به ما هستند، آنها فهمیده اند که از مواردی که می توان با آن به حیا زنان آسیب وارد کرد حجاب آنان است. و به همین جهت است که دین مبین اسلام نیز بر امر حجاب و مسائل پیرامون آن تأکیدات فراوانی دارد.

## مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که

ابن منظور می‌نویسد: «الحجاب: الستر ... و الحجاب اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین: حجاب ... و کل شیءٍ منع شیئاً فقد حجبه ...» (ابن منظور ۲۰۰۰م) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجاب نموده است.» و در کلامی دیگر خداوند مَنان می‌فرماید: «و من بیننا و بینک حجاب.» «میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در نحله و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است.» (سوره فصلت، آیه ۵).

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می‌کند: «کلمه‌ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله‌ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این‌طور توصیف می‌کند: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص، آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.» پرده‌ی حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند (مطهری، ۱۳۵۳).

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه‌ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می‌پوشانند» (معین، ۱۳۷۹). در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی‌ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد. به نظر می‌رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می‌دارد. چنان که «حجاب در علوم‌ی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به

کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.» (جمشیدی، ۱۳۸۶).

«شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه‌ی (ستر به پوشش در مفهوم) حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه‌ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه‌ی حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه‌ی پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده‌ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۵۳).

### سیر تاریخی حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه‌ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ‌گاه به طور کامل از میان نرفته است. «مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می‌کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه به قول اندیشمندان قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت: وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است.» (محمدی آشنانی، ۱۳۷۳). شهید مطهری در مورد

این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می‌کند: «در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله‌ی اسلام در عرب پیدا شده است.» (مطهری، ۱۳۵۳).

مهدی قلی هدایت در کتاب خاطرات و فطرت زنانه پوشش در ملل مختلف می‌گوید: «اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می‌یابیم. براون و اشناپور، نویسنده‌ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی‌ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است، به گونه‌ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی‌شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده‌اند.» (هدایت، ۱۳۶۳). در مجموع می‌توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

### مبانی مسئله حجاب در قرآن

حجاب در کلام الله مجید در سوره‌های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. «در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در



حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه‌ی مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است. «لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است:

- قرآن کریم

- روایات شریفه

- سیره‌ی اهل بیت علیه السلام

- براهین عقلی

- فطرت و طبیعت انسانی

- تاریخ

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها یک بُعدی نبود، بلکه همه‌ی ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است. از این روی در این مقاله حجاب تنها از دیدگاه قرآن و روایت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است که حجاب فیزیکی بدن، حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و در قلب را می‌توان اشاره کرد.

### حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علما، فقها و روشنفکران بوده است. این بخش از حجاب محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بُعد می‌باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است.

### خمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه‌ی پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب» از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ

جُوبِهِنَّ» (نور، آیه ۳۰) «خمارهای خود را بر گریبان‌های خویش بیفکنید.» که این قسمت آیه بیان‌گر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند. «خمر»، جمع خمار است و در کتب لغت آمده است: «الخمار ثوب تغطي به المرأة أسما» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م) «خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند.» مصطفوی در تحقیق فی کلمات القرآن می‌نویسد: «خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را خمر گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می‌پوشاند. به روسری زن نیز خمار گویند؛ زیرا به وسیله آن سرش را می‌پوشاند.» (مصطفوی، ۱۳۶۰) ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه‌ی شریفه می‌گوید: «تغط شعرها و صدرها و ترائبها و سوالصفا» (طبرسی، ۱۳۸۰) «موی سر، سینه و دور گردن و زیر گلوئی خود را بپوشاند.» (بیرقی، ۱۳۷۷)

«آنچه می‌تواند به این فرمان الهی جامه‌ی عمل بپوشاند، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر، بر روی گردن و سینه افتد.» و شهید مطهری معتقد است: «ترکیب لغوی «ضرب علی» در لغت عرب این معنا را می‌سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود.» براساس آیه‌ی شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سر هر چه که هست، اعم از شال، روسری، مقنعه باید مو، سینه، دور گردن و زیر گلوئی زن را بپوشاند. «در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس‌های بلند و گشاد می‌پوشیدند، بر سر یا شانه خود عبا می‌انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه‌تر از جلباب روی سرشان می‌بستند. شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می‌کنند که زنان عرب معمولاً پیراهن‌هایی می‌پوشیدند که گریبان‌های شان باز بود، دور گردن و سینه را نمی‌پوشاند و روسری‌هایی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت سر می‌آویختند، قهراً گوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن نمایان می‌شد. این آیه دستور می‌دهد که باید قسمت آویخته‌ی همان روسری‌ها از دو

طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد.» (مطهری، ۱۳۵۳).

### جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «یا ایها النبی قل لآزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدئین علیهن من جلابیهن ذلک أدنی آن یعرفن و لایوذین و کان الله غفوراً رحیماً.» (سوره احزاب، آیه ۵۹). «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس‌رانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.» علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است: «الجلابی جمع جلباب و هو ثوب تشتمل به المرأه فیغطی جمیع بدنها او الخمار الذی تغطی به رأسها و وجهها.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ ه.ق) «جلابی جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می‌کند و همه بدن خود را می‌پوشاند یا مقنعه‌ای است که سر و صورت خود را به آن می‌پوشاند.» زمخشری نیز در کشاف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می‌گوید: «الرداء الذی سیته من فوق الی اسفل» «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می‌پوشاند.» (زمخشری، ۱۳۵۲). ابن منظور نیز در لسان العرب جلبا را لباس بلند معنا کرده و می‌نویسد: «الجلباب ثوب واسع من الخمار دون الرداء تغطی به المرأه رأسها و صدرها و قیل هو ثوب واسع دون الملحفه تلسبه المرأه و قیل هو الملحفه» جلباب لباسی بزرگ‌تر از سرپوش و کوچک‌تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می‌پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه‌تر است و زن آن را می‌پوشد و گفته شده است همان ملحفه است.» (بیرقی، ۱۳۷۷).

علاوه بر مباحث لغت‌شناسی، چند نکته ویژه نیز در آیه‌ی جلباب وجود دارد:

- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره‌ی احزاب پس از آیات خمار در سوره‌ی نور. با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام، این نظر محتمل است که آیه‌ی خمار دستور نخستین و آیه‌ی جلباب دستور نهایی آن است؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.

- عمومیت آیه‌ی جلباب بر همه‌ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر(ص) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر. «هدایت خواه، ۱۳۷۴».

- دستور بر نحوه‌ی پوشش جلباب با عنوان «یدنین علیهن من جلابیهن» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه‌ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را پوشاند.

- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه‌ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده: «ذلک أدنی ان یعرفن فلا یؤذین»

این پوشش جلباب نزدیکترین چیزی است که به وسیله‌ی آن ایمان و عفاف تعیین می‌یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می‌شوند تا از تعرض هوس رانان آزار نبینند از همین رو ارادل و اوباش مجبور می‌شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و ... جدا نمایند. در تعیین این که از زینت‌ها چه زینت‌هایی نباید آشکار شوند، میان فقها اختلاف رأی وجود دارد. کلمه‌ی «زینت» در زبان عربی عام‌تر از واژه‌ی «زیور» در زبان فارسی است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌شود؛ مانند طلاجات و جواهرات، ولی کلمه‌ی زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ مانند سرمه و خضاب. مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند؛ اما استثنای اول می‌گوید: پوشش زینت‌هایی که آشکار است، لازم نیست. پس زینت‌های زن بر دو نوع است: یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند؛ اما سؤالی که در اینجا

پیش می آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام؟ درباره‌ی این انشاء از قدیم ترین زمان ها از صحابه و تابعین و ائمه ی طاهرین سؤال می شده و به آن جواب داده شده است. ایشان در پایان این مبحث تصریح می کنند: «ما این مسئله را از نظر خودمان بیان می کنیم و استنباط خودمان را ذکر می کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم ها از هر کس که تقلید می کنند عملاً باید تابع مرجع تقلید خودشان باشند.» شهید مطهری در این مبحث معتقد است: «پوشاندن چهره و دست ها تا میچ واجب نیست؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق العاده به شمار می رود نیز مانعی ندارد. ایشان تأکید می کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می کند، ولی ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکند؛ گرچه یادآوری می کند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هر چه هست احتیاط است نه فتوای صریح.» (مطهری، ۱۳۵۳).

### حجاب در نگاه

بُعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است. این بخش از حجاب بعد از بُعد اول، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد. که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است، هم چنان که خداوند در سوره ی مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می کند که چشم های خود را فرو افکنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱). اصطلاح «غضّ بصر» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می باشد و نه فرو بستن آن. «غض» به تنهایی به معنای کاستن، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می شود و هم برای چشم؛ برای مثال آیه ی سوره لقمان می فرماید: «وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» «صدای خود را کوتاه کن.» (قریشی، ۱۳۷۸).

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می فرماید: «غض بصر» با «غمض عین» متفاوت است. «غمض» به معنای فرو بستن است که با کلمه عین همراه می شود نه کلمه بصر. شهید مطهری «با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته ی «استقلالی» و «آلی» تقسیم می کند. «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و ورنه از کردن آن برای ارزیابی آن؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است. بر این اساس، امر الهی به زنان و مردان مؤمن، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است.» (مطهری، ۱۳۵۶).

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی، یعنی چشم گفته می شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد.» (قریشی، ۱۳۷۸) از مطالب مزبور نکات ذیل را می توان بدست آورد:

- امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن، بلکه به خاطر تأکید این امر.
- تقدم امر به مردان پیش از زنان؛ در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته اند و پس از آنان زنان؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است.
- تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان: لازمه ی ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گرو پاک داشتن چشم شان از آلودگی ها، لذت های حرام و آلودگی های بصری است.
- حضرت رسول (ص) در زمینه نگاه و حرمت آن می فرماید: «از نگاه بعد از نگاه پرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می باشد و نگاه سوم ویران گر است.» و «امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: نگاه بعد از نگاه، بذر

شهوت در دل می‌کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷).

حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پرکند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می‌کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.» نکته‌ی مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه‌های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می‌کند؛ از این رو حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیر شوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پرکند.»

### حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه‌ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم‌ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روان‌شناسانه مدنظر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات شریفه‌ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه‌ی گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» (با خضوع در گفتار سخن نگویند که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویند.) (سوره احزاب، آیه ۳۲).

مخاطب نخست آیه‌ی شریفه، زنان رسول خدا (ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبایی می‌نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می‌دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق). بنا به نظر شهید مطهری «مسئله جو از استماع صدای زن

جزء مسلمات است و دلیل آن سیره‌ی قطعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره‌ی قطعی و رایج میان مسلمانان می باشد. (مطهری، ۱۳۵۳).  
 علامه طباطبایی معتقد است: «آیه‌ی مذکور در مجموعه‌ی آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا (ص) مربوط است و به آنان تذکر می دهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره‌ای ندارد؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند، و گر نه مانند سایر مردم اند.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق).

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار امن تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند؛ چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده تر است و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است. نکته دیگر در آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت های باطل دلش را به هوس نمی اندازد؛ چرا که آیه شریفه می فرماید: «فیطمع الذی فی قلبه مرض» (سوره احزاب، آیه ۳۲) یعنی اگر زنی بی تقوایی کند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید، تنها مردان بیمار دل هستند که در دام شیطان می افتند و مردان با تقوا در قلعه‌ی ایمان در امانند.

### حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه‌ی اعضا و جوارح پدید می آیند. آن چه به حجاب در رفتار تعلق می گیرد، مجموع چند امر و نهی الهی است:  
 - آشکار ساختن زینت های پنهان: خداوند در سوره مبارکه نور می فرماید: «ولایضربن بار جِلْهِنَّ لَیَعْلَمَ مَا یخْفینَ مِنْ زینَتِهِنَّ» (سوره نور، آیه ۳۱) «به زنان مؤمن بگو آن گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود.» نهی مذکور در آیه‌ی شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه در آوردن و اظهار زینت های پنهان زنانه



سخن می گوید. اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن، یعنی سهل انگاری یا مکر زنانه در جلوه گری و خود نمایی. خداوند متعال در آیهی شریفه از نحوه ی خاصی از راه رفتن نهی نموده است؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت های پنهانی زن آگاه می کند. شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می گوید: «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند. از این دستور می توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می گردد؛ مانند استعمال عطرهای تند و زننده و هم چنین آرایش های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.» (مطهری، ۱۳۵۳). برخی دیگر از صاحب نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیهی شریفه از آن نهی شده است، آشکار شدن هر گونه زینت و زیبایی های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می باشد. از سوی دیگر، زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس ها و زینت های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر، آن زینت ها آشکار شده و ناقض حجاب می گردد.»

- استعمال عطر: از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد. حضرت پیامبر (ص) می فرمایند: «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی که به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می شود تا هر وقت که برگردد.» (شعبه الحرائی، ۱۳۶۳) آن چه مسلم است، این است که عطر زدن برای خانم ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص که برای همسر باشد. آن چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند.» (شجاعی، ۱۳۸۵).

— آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تبرج جاهلی: در آیه ی شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر(ص) علاوه بر تقوا، امر می شود که در خانه های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند.»(سوره احزاب، آیه ی ۳۳). «کلمه ی «فَرَن» امر از ماده ی قرء است که به معنای پا برجا شدن است و ممکن است از ماده ی قازیقار به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه ها باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق) و کلمه ی «برج» یعنی آشکار شدن. صاحب مجمع البیان می گوید: «تبرج آن است که زن زیبایی های خود را اظهار کند. اصل آن به معنای ظهور است و به عبارتی دیگر، از آن جهت به آن «برج» گویند که ظاهر و هویدا است.

زمخشری نیز در کشاف می گوید: «بداو برز» به معنای ظهور و نظیر تبرج هستند. اشتقاق بروج از تبرج است به جهت ظاهر بودن آن ها. براساس نظرات تفسیری مذکور، معنای آیه شریفه «و تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى»، «ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی جاهلیت اولی». نکته ای که در این آیه شریفه مطرح گردیده است «تحرّز و پرهیز از آمیزش و مراد با مردان بیگانه» اختصاص به زنان رسول خدا(ص) ندارد بلکه و شامل عموم زنان می شود. همان گونه که در روایت های بسیاری آمده است که بهترین محیط زندگی برای زن خانه اش است، حتی ثواب نماز زنان جوان در خانه به مراتب از حضور در مساجد و مجامع بالاتر شمرده شده است و البته این بدان معنی نیست که زن از فعالیت اجتماعی محروم باشند(قریشی، ۱۳۷۸). مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر(ص) و هیچ زنی در خانه نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا(ص) زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود. بلکه مقصود از این دستور، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود. آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان ها، ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند.»(هدایت خواه، ۱۳۶۳).

### حجاب در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در قرآن: «وإذا سألتهم عن متاعا فاسئلوهم من وراء حجابٍ ذلکم اطهر لقلوبکم وقلوبهم» «هنگامی که از همسران پیامبر (ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه تر است.» (سوره احزاب، آیه ۵۳). در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می‌کند: «هنگامی که رسول خدا (ص) با زینب ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد. انس که خادم مخصوص پیامبر (ص) بود می‌گوید: پیامبر (ص) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می‌آمدند و غذا می‌خوردند و از اتاق خارج می‌شدند، تا این که عرض کردم: ای پیامبر خدا! کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر (ص) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند. آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶).

از بعضی قرائن استفاده می‌شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر (ص) می‌آمدند، برای حفظ حیثیت همسران پیامبر (ص) آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می‌خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.» (بابایی، ۱۳۸۰). علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: «درخواست متاع از همسران حضرت، کنایه از این است که مردم با آنها درباره‌ی حوایجی که دارند، سؤال کنند؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل‌های تان دچار وسوسه نمی‌شود و در نتیجه، این روش دل‌هایتان را پاک تر نگه می‌دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ. ق).

نکته حایز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر(ص) است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه ی پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می نماید. نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده ی آسیب پذیری دل مردان بیش از زنان است؛ چرا که زنان پیامبر(ص) در مأمن و مأوای زوجیت آن حضرت در امانند، اما کسانی که بیش از پیش از ایشان می توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا(ص) مراجعه و با زنان ایشان مواجه می شوند؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو، پرده پوششی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکی دل آنان نیز بهتر است. برای آن که کسی حریم الهی را در حیطةی تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیطة حجاب و پوشش را حفظ کند، لازم است بعد قلبی حجاب را جدی تلقی نماید و در این زمینه، تسامح و تساهل روا ندارند که دروازه ی دل، چشم است و «دل کتاب چشم است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷).

در دنیایی که در تبلیغات رنگارنگ خویش که فرهنگ برهنگی و سقوط اخلاقی و ارزش های انسانی نماد برتری و پیشرفت و توسعه !! را جلوه گر ساخته است، دین مبین اسلام با فرهنگ پوشش و توجه به هویت انسانی، معنویت و جاذبه ی روحی و آرامش را در جامعه نمایان گر ساخته است. زیرا قاموس الهی بر اساس فطرت، هویت، توانایی و جاذبه های فیزیکی زن و مرد نازل شده است، که اگر جوامع انسانی اگر تنها به فطرت و دستورات الهی عمل کنند به جایگاه و هویت اصلی خود دست پیدا می کنند و جامعه با امنیت و مصونیت می تواند راه خویش را طی کند.

## نتیجه گیری

خداوند تنها برای دین شرافت و کرامت قائل است و بر همین اساس پارساترین افراد را با کرامت ترین می داند و حجاب در تعریف خالق انسان یکی از نمادهای پارسایی است. زن مسلمان واقعی، پارسا و با کرامت است و خداوند راضی نیست زیبایی و محاسن چنین زنی در منظر و دید افراد فاسد قرار گیرد تا در بعضی موارد مورد استمتاع و شهوترانی آنان واقع شود. حرمت زن مسلمان به اعتبار اسلام و پارسایی اقتضا دارد که زن مسلمان برخلاف زن کافر، محاسن و زیبایی های خود را از نامحرمان بپوشاند و مجاز باشد تنها برای محارم تا حدودی و برای شوهرش هیچ گونه حجابی نداشته باشد. احکام اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع مفاسد مبتنی بر فطرت پاک انسان و عدم ضرراست. خالق انسان بهتر از هر نهاد یا منبعی می داند که نیاز فطری انسان چیست؛ زیرا بدون تردید اگر پروردگار را تنها علت اصلی پیدایش عالم هستی بدانیم، به طور قطع علم و عدالت آن ذات بی همتا اقتضا دارد که منبع اصلی قانونگذاری نیز برای رفتار و گفتار شخصی و اجتماعی انسان باشد. فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می آید. پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است. این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم

تا انسان‌های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کار کردها و نقش‌های خویش پردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

## منابع

### منابع عربی

۱. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب. بیروت: دارصادر. ۲۰۰۰ م.
۲. زمخشری، ابوالقاسم محمد بن عمر، تفسیر کشاف. قم: دارالکتب الاسلامیه، جلد سوم، ۱۳۵۲.
۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، مفردات القرآن. بیروت: دارالشامیه. ۱۹۹۲
- ۴.
۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. جلد ۱۶، ۱۳۹۸ ق.
۶. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروۃ الوثقی. قم. کراوری. ۱۳۷۳.
۷. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان. تهران: سازمان وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۸۰.
۸. فیض کاشانی، محمد حسن، تفسیر الصافی. مشهد: دارالمرتضی. جلد ۴.
۹. قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی. نجف. جلد دوم، ۱۳۷۸ هـ. ق.
۱۰. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: گلبان، ۱۳۸۰.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق، اصول کافی. بیروت. دارالاضواء. جلد پنجم، ۱۴۱۳ هـ. ق.

### منابع فارسی

۱. الحرائی، حسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین ۱۳۶۳.
۲. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۰.
۳. بیرقی اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر. اصفهان: پیام عزت، ۱۳۷۷.
۴. شجاعی، محمد، درو الصدق. قم: محیی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۶. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۷۸.
۷. محمدی آشنائی، علی، حجاب در ادیان الهی. قم: اشراق، ۱۳۷۳.
۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه. ترجمه حمید رضا شیخی. قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷.
۹. محمدی نیا، اسداله، بهشت جوانان. قم: سبط اکبر علیه السلام، چاپ ۱۹، ۱۳۸۳.
۱۰. مصطفوی، حسین، التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب. تهران: نشریه انجمن اسلامی. ۱۳۵۳.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه. تصحیح احمد بابایی. قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

۲۴. هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات. تهران: زوار، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
۲۵. هدایت خواه، ستار، زیور عفاف. مشهد: معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.



## تبیین بر مسئله حجاب

### اعظم ابراهیم نجف آبادی

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مربی دانشگاه علمی-کاربردی اصفهان و پیام نور نجف آباد

و مددکار مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد- حوزه معاونت دانشجویی - مرکز مشاوره و خدمات

روانشناختی

شماره تلفن: ۰۹۱۳۲۸۹۴۱۵۲

شماره تلفن: ۰۹۱۳۲۸۹۴۱۵۲

شماره ثابت: ۰۳۳۱-۲۶۳۸۹۶۸

E mail: a\_ebra2004@yahoo.com

### چکیده

این مقاله برای تبیین گوشه‌هایی از مسئله حجاب ضمن اشاره‌ای به پیشینه این مسئله در ملل و نحل و سایر ادیان، به سؤالاتی در خصوص فلسفه حجاب پاسخ داده است. مهم‌ترین محورهایی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده عبارتند از: تأثیر حجاب بر ایجاد امنیت، تحکیم خانواده، و جلوگیری از فحشا. بنابراین، حجاب نه تنها موجب منزوی بودن زن نمی‌شود، بلکه حضور او را در جامعه راحت‌تر می‌سازد.

**کلمات کلیدی:** حجاب، پوشش، راهکارهای مکتب اسلام، امنیت، طلاق، فحشا، انزوا، ملل و اقوام گذشته.

## مقدمه

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه‌هایی که از سوی خالق حکیم صادر می‌گردند چیزی جز پاسخ‌گویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده‌اند.

مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشن‌فکران، چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و چه خارج از کشور، بوده است. دامنه این سخنان و گستره عقاید برخاسته از آن، چنان است که گاه گروهی از این اندیشمندان در مقام تحلیل و بررسی، تا آنجا پیش می‌روند که «حجاب» را شاخصی «محدود» کننده و عامل «تضییع» در زیست فردی و حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می‌دانند و حتی از این رهگذر، خواهان «منع» یا دست‌کم «اختیاری‌شدن» آن می‌شوند و گاه گروهی دیگر، با دفاع نامناسب و ناآگاهانه خود، راه را بر محقق جلوه دادن گروه نخستین هموار می‌کنند.

به راستی، «حجاب» چیست؟ آیا حجاب محدود‌کننده‌ای ذاتی در جامعه است؟ یا عاملی مصونیت‌بخش است؟ آیا حجاب مخصوص دین اسلام است؟ یا در ملل و اقوام دیگر هم وجود داشته است؟

این مقاله به صورت تحلیلی - پژوهشی قصد آن دارد تا در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی این‌چنین، همراه با بهره‌مندی از دیدی منصفانه و بهره‌گیری از منابع و سرچشمه‌های اصیل مکتب اسلام، به مسئله «حجاب» در جامعه اسلامی و اقوام و ملل گذشته و فلسفه آن بنگرد تا از این رهگذر، به چشم‌اندازی درباره وضعیت اجرای این دستور استوار و ارزش مستحکم در جامعه امروزین اسلامی ایران دست یابد.

## واکاوی حجاب در اسلام

«حجاب»، این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای «پرده» بیشترین کاربرد را دارد و همین امر موجب شده است که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

اندیشمند شهید مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید: «پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنا را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت، می‌توان به دست آورد. در آیات مربوطه، لغت «حجاب» به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد.» [۱]

با توجه به چنین سخنانی، فهرست‌وار همراه با بیانی کوتاه و سخنی مجمل، به توصیف و تبیین «حجاب اسلامی» یا «پوشش اسلامی» در قالب گزاره‌های ذیل می‌پردازیم:

## حجاب و فلسفه آن

اگر به انسان و ساختار وجودی او، چه از لحاظ جسمی و چه از نگاه روحی، بنگریم و از این رهگذر، نظری به انگیزه‌های نهفته و امیال گوناگون خفته در سرشت و خمیرمایه وجودی او، که «فطرت» نامیده می‌شوند، بیندازیم، به راحتی درمی‌یابیم که از جمله نیرومندترین، بزرگ‌ترین و برترین نیروهای موجود در او، غریزه «جنسی» است؛ میلی نیرومند که اگر در مسیر صحیح و راه درست خویش هدایت نشود، به سهولت سرچشمه گناهان بزرگ و معاصی نابخشودنی می‌گردد و پیامدی جز تبدیل زندگی پرنشاط و پویای انسانی به زندگی سراسر فلاکت و تباهی چیزی در پی ندارد.

اندیشمندان و روشن فکران با توجه به چنین نکته‌ای، سعی در چاره‌جویی بنیادین در رویارویی با این گزینه و میل فطری داشته و در این راه، نظریه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. گروهی همچون مانی، بودا و تولستوی گفته‌اند: این میل نهفته و گزینه ذاتی را بکلی باید از بین برد تا انسان و جامعه انسانی از آسیب‌های آن در امان باشند و گروهی دیگر همچون فروید عکس این مطلب را بیان نموده‌اند.

در کشاکش میان این دو نظر، که یکی جانب افراط می‌پیماید و دیگری جانب تفریط، مکتبی زندگی آفرین همچون اسلام، که همواره از جایگاه اعتدال و گریز از افراط و تفریط سخن می‌گوید، راه کاری میانه و معتدل ارائه کرده است؛ راه کاری که به رغم گذشت چهارده قرن از پیدایش آن، هنوز بوی تازگی از آن برمی‌خیزد. اسلام میل جنسی را به رسمیت می‌شناسد و حتی آن را پلید نیز نمی‌داند، به شرط آنکه به درستی و با شیوه‌ای مناسب در مسیر انسان‌ساز خویش به حرکت درآید.

راه کار مکتب اسلام در چنین اندیشه‌ای و در مقام عمل به آن، به طور کلی، در دو راهبرد ذیل خلاصه می‌شود:

الف. راهبردهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت همچون ازدواج سهل و آسان در جامعه و ترویج فرهنگ آن در میان اقشار گوناگون، به ویژه جوانان.

ب. راهبردهای بلندمدت و اساسی همچون از بین بردن زمینه‌های به کارگیری ناسالم این میل در جامعه برپایه دستورات و ارزش‌هایی مانند: حجاب، عفاف، خویش‌داری و پرهیز از اختلاط زنان و مردان.

این دو راهبرد که برگرفته از دستورات صریح و فرمان‌های روشن پروردگار در قرآن و کلام الهی‌اند، ما را در بیان فلسفه وجودی و وجوبی حجاب و پوشش، با نکاتی همچون نکات ذیل مواجه می‌سازند:

۱. «امنیت» به تمام معنای آن از جمله مسائلی است که در اندیشه اسلامی به آن توجه کافی شده است. «برهنگی» به معنای عدم پوشش و ناپوشیدگی در جامعه یا تضعیف و کم توجهی به آن، پیامدهایی ناگوار همچون آرایش، خودآرایی، و عشوه‌گری به همراه دارد و مردان، به ویژه جوانان، را در معرض تحریک دایم عصبی و ایجاد التهاب و هیجان دروغین زودگذر قرار می‌دهد. این بار هیجان و التهاب آن چنان است که گاه فرد را به بیماری روانی مبتلا می‌کند و از این رو، او را به اعمالی و امی دارد که سرچشمه بسیاری از مفاسد و معاصی دیگر می‌شود؛ آن چنان که برخی از دانشمندان با توجه به چنین نکته‌ای بر این اعتقادند که «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید، مگر آنکه پای زنی در میان است.»

۲. نگاهی گذرا به تلاش خانواده‌ها در جوامع گوناگون و گذری آماری بر دلایل بیشتر «طلاق»ها، این پدیده شوم، نکته‌ای مسلم را به خودنمایی وامی‌دارد: درهم شکستن حریم خانواده و برهنگی روزافزون در جامعه انسانی، جدایی و از هم گسیختگی خانواده‌ها و در پی آن، پدیده‌ای تلخ و جانسوز همچون «فرزندان طلاق» را در پی می‌آورد؛ زیرا در بازار آزاد برهنگی، زنان به صورت «کالای مشترک»، دست کم در مراحل غیر آمیزش جنسی به شمار می‌آیند و دیگر پیوند زناشویی قداست و پاکی خاص خویش را در میان دو نفر، که به یکدیگر تعلق خاطر دارند، ندارد؛ چرا که هر روز مردی در دام زنی دیگر و زنی در دام مردی دیگر فرو می‌افتد و کانون زندگی او را سست می‌گرداند.

۳. بسط و گسترش دامنه فحشا در جامعه و افزایش شمار فرزندان نامشروع از دیگر دلایل فلسفه «وجوبی» حجاب است. نگاهی کوتاه به آمار تولد فرزندان نامشروع در کشور ایالات متحده آمریکا (سال ۱۹۹۹ میلادی) نشانگر آن است که بسیاری از فرزندان تازه تولد یافته نامشروع هستند. اگر صادقانه و با انصاف به شکل‌گیری چنین روندی نظر اندازیم، مشاهده می‌کنیم که از جمله بسترسازهای اساسی در وقوع چنین فرایندی، «برهنگی» و روابط بی‌حد و حصر میان زنان و مردان است.

۴. هنگامی که برهنگی زن در جامعه به ارزش تبدیل شود، پیامد طبیعی آن افزایش روزافزون آرایش و خودنمایی او در جامعه است.

در چنین جامعه‌ای، زن دیگر از راه علم و آگاهی و دانایی، ارزش نمی‌یابد، بلکه همچون عروسکی از راه جاذبه جنسی افزون‌تر به وسیله کسب درآمد گروهی آلوده و فریب‌کار و دیو صفت تبدیل می‌شود و کار به جایی می‌رسد که این اصل در جامعه پای می‌گیرد که «هر چه جاذبه جنسی افزون‌تر، ارزش شخصیتی بیشتر!»

### حجاب و پاسخ به شبهات

مخالفان پدیده حجاب پرسش‌هایی مطرح می‌نمایند؛ همچون مسائل ذیل:

۱. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، آیا حجاب سبب انزوای این گروه بزرگ و سبب عقب‌افتادگی این گروه فعال و در نهایت، تبدیل آنان به نیرویی سربار و مصرف‌کننده در جامعه نمی‌شود؟

در پاسخ به این پرسش، باید گفت: حجاب و پوشش هیچ‌گاه زن را در جامعه منزوی نمی‌سازد؛ زیرا حضور امروزی او در جایگاه‌های گوناگون، نادرستی این سخن را به اثبات می‌رساند.

۲. حجاب دست و پاگیر است و زن را از فعالیت سازنده بازمی‌دارد.

اولاً، این پرسش زمانی درست است که منظور از «حجاب» چادر باشد، ولی اگر حجاب به معنای پوشش باشد، که چادر هم نوعی پوشش است، چنین اشکالی پیش نمی‌آید؛ زیرا اگر به مناطق گوناگون کشورمان بنگریم، غالب زنان روستایی در شالیزارها و دیگر عرصه‌های کشاورزی، فعالیت‌های خود را با حفظ حجاب، انجام می‌دهند و جالب آنکه حتی این کار را در بسیاری اوقات، بهتر و برتر از مردان به انجام می‌رسانند.

ثانیاً، اگر بپذیریم منظور از حجاب «چادر» است و یا اصلاً حجاب زحمت دارد، چون این اصل برای سلامت و رشد جامعه مفید است، باید آن را تحمّل کرد؛ زیرا مگر

دانش‌اندوزی زحمت ندارد؟ مگر راست‌گویی و دیگر ارزش‌های اخلاقی برخی از آزادی‌ها را سلب نمی‌کنند؟

۳. حجاب طبع حریص مردان را بیشتر تحریک می‌کند و حرص آنان را شعله‌ورتر می‌سازد. آیا این شیوه کارآمد است؟

انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود، اما حجاب و پوشش زن در جامعه چنین نیست، بلکه حجاب از نگاه اسلام، تنها به منزله پوششی است که زن را در برابر تیره‌های سهمگین نگاه مرد، که زهر گناه را با خود به همراه دارند، حفظ می‌کند و به او مصونیت می‌بخشد.

۴. دلیل معقول و منطقی برای حجاب زنان چیست؟

شهید مطهری رحمه‌الله می‌فرماید: «به عقیده ما، ریشه پدید آمدن حریم و حایل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی برای زن یا عادت زنانگی نباید جست و لاف‌ل، کمتر در اینجا جست‌وجو کرد. به طور کلی، بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف و از آن جمله است: تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا، نظریاتی ابراز شده است با دقیق‌ترین آن‌ها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک الهام برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حسّ مخصوص به خود دریافته است که از نظر جسمی، نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد برنمی‌آید و از طرف دیگر، نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است ... وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف خود دانست، همان‌طور که متوسّل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، توسّل به دور نگه‌داشتن

خود از دسترس مرد نیز جست و دانست که نباید خود را رایگان در اختیار گذارد، بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند.» [۲]

۵. آیا حجاب اختصاصی به دین اسلام دارد یا در ملل و اقوام گذشته هم وجود داشته است؟ قرآن در سوره اعراف، آیه ۲۰ راجع به آدم و حوا می‌فرماید: وقتی شیطان آن دو را فریفت و آن دو از درخت ممنوعه خوردند و عورت‌های آن‌ها آشکار شد، آن‌ها با برگ‌های درختان عورت‌های خود را پوشانیدند. پس مسئله پوشش از اول آفرینش مطرح بوده؛ زیرا کتیبه‌ها، سکه‌ها، تندیس‌ها، نقاشی‌ها، فرش‌ها، ظروف نقره‌ای و نقش‌های برجسته تاریخی حاکی از آن هستند که انسان‌ها از روزی که پا بر این کره خاکی نهاده‌اند، پوشش را مراعات می‌کرده‌اند. از کتاب مقدس برمی‌آید که در عهد حضرت سلیمان علیه‌السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، رو بند بر صورت می‌انداختند. [۳] و باز از قرآن استفاده می‌شود که در عهد حضرت سلیمان علیه‌السلام حتی ملکه سبا، که خورشیدپرست بود، پوشش کامل داشت؛ زیرا از آیات مربوط به داستان ملکه سبا چنین به دست می‌آید که وقتی او وارد قصر حضرت سلیمان علیه‌السلام شد و خواست به نزدیک تخت او برود، چون حضرت سلیمان علیه‌السلام دستور داده بود کاخ را از سنگی آبیگینه فرش نمایند، بلقیس دامنش را بالا کشید تا هنگام رد شدن خیس نشود. در زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیز حجاب رایج بود؛ نامزد اسحاق وقتی او را دید، برقع بر صورت انداخت. [۴] زنان ایرانی در دوره‌های گوناگون، از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دارای پوشش بودند.

طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت‌تر بوده است.

ویل دورانت درباره قوم یهود می‌نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت؛ چنان که - مثلاً - بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا میان مردم می‌رفت و با هر سنخی از مردم درد دل می‌کرد یا صدایش آن‌قدر بلند



بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» [۵]

در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم و جامعه رفت و آمد می‌کردند. اما پس از داریوش، مقام زن، بخصوص در طبقه ثروتمند، تنزل پیدا کرد. زنان فقیر، چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشه‌نشینی زمان حیض، که برایشان واجب بود، به تدریج امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آن‌ها را فراگرفت. زنان طبقه بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند و حق نداشتند حتی پدران و برادران خود را ببینند؛ زیرا پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شدند. به همین دلیل، در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت و شمایل زنی دیده نمی‌شود.

### منابع

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ج ۴۳، صدرا، ۱۳۷۵، ص ۲۸.
۲. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۶۹ - ۷۰.
۳. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری، کتاب سرود سلیمان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، فصل پنجم، سفر نشید الاناشید، ب ۵، ص ۱۰۰۳، آیه ۸.
۴. همان، سفر تکوین، باب ۲۴، آیه ۶۶.
۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهری، انتشارات فرانکلین و اقبال، کتاب چهارم، «عصر ایمان»، بخش سوم، «عصر عظمت».

## حجاب، ورزش و اقتدار ایران اسلامی

### دکتر فرزانه تقیان

استادیار فیزیولوژی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان،

اصفهان

تلفن: ۰۹۱۱۳۳۰۸۰۲۴۱

Email : f\_taghian@yahoo.com

### چکیده

مسئله حجاب زن مسلمان به عنوان یک پوشش متعارف به عرف جامعه اسلامی در طول تاریخ مسلمانان، همواره یک مسئله فقهی بوده است که زنان مسلمان بدون توجه به قانون حاکمیت، پوشش خود را حفظ می کرده اند. خداوند تنها برای دین شرافت و کرامت قائل است و بر همین اساس پارساترین افراد را با کرامت ترین می داند و حجاب در تعریف خالق انسان یکی از نمادهای پارسایی است. زن مسلمان واقعی، پارسا و با کرامت است و خداوند راضی نیست زیبایی و محاسن چنین زنی در منظر و دید افراد فاسد قرار گیرد تا در بعضی موارد مورد استمتاع و شهوترانی آنان واقع شود.

حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد. امروزه ورزش و تربیت بدنی در کشورهای مختلف در حال گسترش است. کسب مدالهای المپیک و جهانی آرزوی هر ورزشکار است. از طرفی هر کشور با کسب مدال میتواند عزت و اقتدار خود را به رخ جهانیان بکشد. از آنجایی که نیمی از مدالهای جهانی توسط زنان کسب میگردد پس در بعد قهرمانی ورزش نیاز به رقابت با دیگر کشورها در حوزه زنان هستیم. برای تحقق این امر ادارات تربیت بدنی باید به چند نکته اهمیت دهند که شامل: ۱) عفاف و حجاب

شاخص ارزیابی هیئت‌های ورزشی قرار گیرد. ۲) بانوان ورزشکار سفیران عفاف و حجاب هستند. ۳) الگوسازی مثبت از ورزشکاران مروج فرهنگ و عفاف است. هدف از این مقاله بررسی اهمیت حجاب در جامعه و نقش حجاب در توسعه ورزش قهرمانی است. جوانان ایران زمین با الگو قرار دادن ورزشکاران زن محجبه می‌توانند نقش مهمی در افزایش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه ایفا کنند.

## حجاب و عفاف

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند، اما با جستجو در متون دینی و فرهنگنامه ها به نکته قابل توجهی می رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این گونه تعریف کرده اند: الحجاب: المنع من الوصول؛ حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می شود. برخی گفته اند: حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد آیه شریفه ((و من بیننا و بینک حجاب)) را ذکر کرده اند. در دیگر کتابهای لغت حجاب را به معنای ((پرده)) آورده و نوشته اند: امرأه محجوبه (محجبه)؛ زنی که پوشانیده است خود را به پوشاندنی. با توجه به معانی ذکر شده درمی یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد؛ یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می گویند، که مانع از نگاه نامحرم به آنان می شود.

عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است، که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در ((مفردات القرآن)) می نویسد: العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی دارد. امام خمینی، پیام آور ارزشهای الهی، در باره حجاب و عفاف می فرماید: ((توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ ارزشهای شماست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای مرد و چه برای زن - برای این است که آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و

ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار پایمال شوند، این ارزشها زنده بشوند.»

### ویژگی های عفاف

- خصلتی انسانی است.
- حالتی درونی است.
- نشانه های بیرونی دارد.
- در رفتار و گفتار بروز می کند.
- با رفتار و نشانه های متناقض، سازگار نیست.
- نه از موضع ناتوانی بلکه از بلندای عزت و اقتدار، صورت می بندد.

شهید مطهری در مسئله حجاب می نویسد: «وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض آنها شوند.» (۱) ایشان در ذیل آیه ۶۱ سوره نور (۲) چنین می نویسد: «از جمله ان يستعففن خیر لهن» می توان یک قانون کلی را استنباط کرد و آن اینست که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر (پوشش) را مراعات کند پسندیده تر است و رخصتهای تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است، این اصل کلی اخلاقی را نباید از یاد برد.» (۱).

### مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده

است. اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید. علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند (۳).

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله ی تزکیه ی نفس و تقوا به دست می آید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ: بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست (۴).  
از قرآن کریم استنباط می شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم چون:  
قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است (۵).

حجاب چشم: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ: ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند (۶).

حجاب در گفتار: فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ: پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (۷).  
از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد.

### آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

**الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی:** یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. گزینه‌ی جنسی، گزینه‌ی نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش‌تر اطاعت شود بیش‌تر سرکش می‌گردد؛ هم‌چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از گزینه‌ی جنسی بیش‌تر شده است.

**ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی:** یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی‌تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش‌تر کانون خانواده می‌گردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این‌گونه بیان کرده است. در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه‌ی خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند.



زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد.

**ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی:** بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت‌جویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت‌ها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود (۸).

### راهبردهای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف

- توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها؛
- اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته نظیر مدیران، معلمان و اساتید معتقد و عامل به رعایت **حجاب و عفاف** در کلیه مراکز اداری و آموزشی؛
- تبیین آموزه‌های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت متناسب با قابلیت‌ها و ویژگی‌های زنان و مردان و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی آنها؛
- احیا و ترویج سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر؛
- ارتقای سطح آگاهی جوانان در خصوص ارتباطات صحیح انسانی و اخلاقی بین آنها و حفظ حدود عفاف و حجاب در جامعه و خانواده؛

- تبیین دیدگاه اسلام در خصوص عفاف، پوشش، حجاب و ضرورت بیان، فلسفه، احکام و دستاوردهای مثبت رعایت آن در جامعه متناسب با شرایط سنی جوانان و نوجوانان با شیوه‌های جذاب؛

- توجه دادن به رعایت و نیز باور پوشش نه به عنوان یک اجبار اجتماعی بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛

- افزایش آگاهی والدین نسبت به رعایت **حجاب و عفاف** خصوصاً در خانواده و نقش الگویی آنان در این امر؛

- اهتمام جدی نهاد خانواده نسبت به تأمین نیازهای عاطفی و شخصیتی فرزندان به ویژه دختران و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی آنها؛

- تبیین نقش عفاف و حجاب در تقویت هویت ملی و فرهنگی جوانان و تأثیر آن بر استقلال فرهنگی و سیاسی کشور؛ \*تقویت روحیه تعادل در جوانان در رویکرد آنان به مدگرایی و بیان مستدل و منطقی اثرات و پیامدهای مدگرایی افراطی و پرهیز از تقلید کورکورانه از مدهای غربی و تقویت مدگرایی ملی؛

- تبیین ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و نشانه‌های روشن از وجود حجاب و پوشش در ادیان الهی و جوامع دارای سابقه تاریخی و تمدن فرهنگی؛

- زمینه‌سازی اجتماعی مناسب برای دختران و پسران جهت کشف، هدایت و بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و تأمین مطالبات خود به منظور جلوگیری از بروز جلوه‌گری‌های نامناسب در حیطه فرهنگ عفاف و حجاب؛

- اختصاص بخشی از موضوعات تحقیقاتی به بررسی «زمینه، علل و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه» و بررسی تأثیرات محصولات فرهنگی کشور بر این موضوع؛

- توسعه فعالیت‌های بنیادهای ازدواج به منظور جلب مساعدت دولت و خیرین در امر ازدواج جوانان؛
- ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندی‌های جوانان جهت توسعه طرح‌های خوداشتغالی و آشنایی با بازار کار و زمینه‌های مختلف فعالیت به عنوان زمینه‌ساز ازدواج، تشکیل خانواده و نهایتاً توسعه فرهنگ عفاف؛
- اهتمام جدی مراکز فرهنگی و کلیه رسانه‌های کشور نسبت به ارائه الگوی مطلوب از عفاف و حجاب در محصولات فرهنگی خود (فیلم، سریال، تئاتر و...) و پرهیز از ایجاد تضاد و تناقض برای جوانان در این امر؛
- جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی آگاه و عامل به مبانی دینی عفاف و حجاب در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی؛
- جهت‌دهی و تقویت امر عفاف و حجاب با استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت سازمان‌ها، احزاب، تشکل‌های غیردولتی و هیئت‌های مذهبی در کشور؛
- سازماندهی مبلغان آشنا به اصول و مبانی فرهنگ عفاف و حجاب به روش‌های صحیح تبلیغ و استفاده بهینه از آنها در مجامع دینی و خودجوش مردمی؛
- نظارت دقیق و همه‌جانبه در امر تولید و نشر کتاب، مطبوعات و مجلات سینمایی در خصوص رعایت حریم عفاف و حجاب از نظر محتوایی و شکلی؛
- تبیین ضرورت رعایت حجاب و عفاف توسط زنان و مردان در برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و هنری و پرهیز از یک‌سونگری؛
- الگوسازی و ایجاد گرایش‌ات عمیق و پایدار نسبت به امر **حجاب و عفاف** از طریق معرفی سیره عملی معصومین (ع)، بزرگان علمی و ادبی و فرهنگی، منطبق با مقتضیات زمان و مکان و شرایط سنی جوانان؛

- تبیین عدم مغایرت پوشیدگی، حجاب و عفاف با حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان و رفع شبهه تعارض بین آن دو؛ - تربیت و توسعه نیروی انسانی مؤمن، کارآمد و آشنا به مسائل فرهنگی - تبلیغی در امر عفاف و حجاب و پرهیز از برخوردهای خشن، فیزیکی و تحقیرآمیز با متخلفین؛

- هماهنگی و وحدت رویه مستمر و پایدار در برخورد با ناهنجاری‌های فرهنگی توسط دستگاه‌های مختلف در چارچوب قانون؛ \*توسعه و تنوع بخشی به الگوهای مناسب حجاب و تبلیغ آن توسط رسانه‌ها به منظور اقناع روحیه تنوع طلبی و حس زیباشناختی جوانان ضمن ترویج و تشویق چادر به عنوان حجاب برتر و پرهیز از تحمیل و اجباری کردن یک الگوی ثابت از حجاب؛

- اتخاذ تدابیر لازم جهت تولید و توزیع اقلام مورد نیاز جامعه در رعایت حجاب؛  
- ایجاد زمینه تبادل فرهنگی ملل اسلامی از طریق ارائه الگوها و نمادهای پارچه و لباس ایرانی - اسلامی؛

- تهیه مقررات لازم برای جلوگیری از واردات پارچه و لباس غیر متناسب با فرهنگ عفاف و حجاب (۸).

### برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه فرهنگ عفاف

به منظور آفت‌زدایی از حضور گسترده زنان در حیات اجتماعی می‌بایست برنامه‌ها و سیاست‌هایی تدوین و اعمال کرد که از طریق آنها زنان بتوانند بصورت توأمان هم به حفظ حجاب و عفاف خود نایل آیند و هم در جهت رشد و توسعه جامعه خود به ایفای نقش پردازند.

برخی از راهکارهای علمی که می‌توانند در جهت تحقق چنین آرمانی مؤثر واقع گردند به قرار زیر می‌باشد:

- (۱) تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب در زمینه حجاب که با مبانی دینی و ملی کشور مطابقت داشته باشند.
- (۲) تبیین آموزه‌های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت در روابط اجتماعی.
- (۳) استفاده از آراء و نظریات اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی امین و آگاه به اصول مترقی اسلام به منظور تبیین صحیح مسأله حجاب.
- (۴) احیا و ترویج سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر.
- (۵) سپردن بخش اعظم اجرای پروژه ترویج حجاب و عفاف به زنان به عنوان متولیان اصلی این امر.
- (۶) تبیین فلسفه و پیامدهای مثبت فرهنگی، اجتماعی، روانی و اخلاقی عفاف و حجاب در عرصه‌های مختلف زندگی و اثرات منفی عدم رعایت آن در سست شدن بنیان‌های اخلاقی جامعه.
- (۷) توجه دادن به رعایت پوشش نه به عنوان یک اجبار اجتماعی، بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی.
- (۸) راهنمایی و هدایت همراه با دقت، ظرافت، خیرخواهی و دوستی کسانی که قصد نادیده گرفتن هنجارهای جامعه را دارند.
- (۹) اختصاص بخشی از موضوعات تحقیقاتی به بررسی زمینه، علل و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه.
- (۱۰) اهتمام جدی نسبت به ارائه الگوی مطلوب از عفاف و حجاب و پرهیز از ایجاد تضاد و تناقض در این امر.
- (۱۱) به کارگیری نیروی انسانی آگاه و عامل به مبانی دینی عفاف و حجاب در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی.

- (۱۲) استفاده بهینه از مبلغان آشنا به اصول و مبانی فرهنگ عفاف و حجاب.
- (۱۳) الگوسازی و ایجاد گرایشات عمیق و پایدار نسبت به امر حجاب و عفاف از طریق معرفی سیره عملی معصومین.
- (۱۴) تبیین عدم مغایرت پوشیدگی، حجاب و عفاف با حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان و رفع شبهه تعارض میان این دو مسأله.
- (۱۵) برخورد همراه با رأفت اسلامی و پرهیز از برخوردهای خشن، فیزیکی و تحقیرآمیز با متخلفین.
- (۱۶) اتخاذ تدابیر لازم جهت تولید و توزیع اقلام مورد نیاز در رعایت حجاب.
- (۱۷) توسعه و تنوع بخشی به الگوهای مناسب حجاب به منظور اقلان روحیه تنوع طلبی و حس زیباشناختی زنان، در ضمن ترویج و تشویق چادر به عنوان حجاب برتر (۳).

### حجاب و قهرمانی در ورزش

«اتفاقاً حجاب محدودیت است» حجاب نمی‌گذارد که دختر در هر رشته ورزشی وارد شود و قهرمان گردد، چرا که برخی از رشته‌ها را نمی‌توان با حجاب انجام داد. دختران بدحجاب راحت‌تر می‌توانند کار پیدا کنند و درآمدی کسب کنند، چون فضای بسیاری از شغل‌ها و کارها، برای یک دختر باحجاب مناسب نیست. یک دختر، هرگز نمی‌تواند با حفظ حجاب کامل و رعایت حلال و حرام خدا ستاره سینما شود، امکان ندارد. دختر، بدون حجاب زیباتر است، پس حجاب، جلوه‌گری دختر را در محدود می‌کند. بسیاری از دخترانی که از حجاب فراری‌اند و آن را محدودیت می‌دانند، منظورشان از محدودیت همین هاست و حق دارند که آن را محدودیت بدانند.

حجاب هم مثل هر وظیفه و تکلیف دیگری سختی‌های خود را دارد، ولی به راه راست هدایت نمی‌شود آن کس که همواره از سختیها فرار کند و هیچ محدودیتی را نپذیرد. محکم بگوییم که حجاب محدودیت است، ولی تنها فرق انسان و حیوان این است که انسان

برای رسیدن به کمالش قدرت محدود کردن خود را دارد، اما حیوان ندارد. به نظر می‌رسد که این روش، بهتر باشد و با قرآن سازگارتر. خدا نیز در قرآن تعارف را کنار گذاشته و راحت از سختی نماز گفته است، تا کسی فکر نکند که نماز راحت الحلقوم است. خداوند بیخود و بیجهت از روش تربیتی لقمان را تأیید نکرد. لقمان کاربلد بود و می‌دانست چگونه فرزندش را تربیت کند. به او گفت: نماز را بپا دار و به معروف امر کن و از منکر بازدار و بر آن چه بر تو آمد صبر کن. "يا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ" (۹). در این صورت هر مشکلی که بر سر راه فرزند می‌آید، او را از مسیر حق خسته نمی‌کند، چرا که همه مشکلات موجود در مسیر حق را طبق قاعده می‌داند. البته می‌دانم که در مسیر حق با همه مشکلاتش بیشتر خوش می‌گذرد. و انسان مؤمن در همین دنیا نیز بهره بیشتری از سعادت دارد. ولی نباید از مشکلات و مکافات و محدودیتهای مسیر حق را ندید گرفت و منکر شد.

### حجاب مانع ورزش دختران!؟

دختر مسلمان آمریکایی عضو تیم بسکتبال ایالت ماساچوست که یکی از بهترین بازیکنان بسکتبال تاریخ آمریکا شده، دین و حجاب خود را عامل اصلی ستاره شدنش دانست "بلقیس عبدالقادر" که اخیراً رکورد بیشترین امتیاز در یک مسابقه را شکست، طی اظهاراتی می‌گوید: دین برای من در مقام اول اهمیت دارد و از همه چیز برایم مهم تر است. حجاب مانع ورزش کردن من نیست و هیچ مشکلی را برایم به وجود نمی‌آورد زیرا به گفته‌های مردم در مورد حجابم توجه زیادی نمی‌کنم. من روزه هم می‌گیرم. روزه هم برایم مشکل ساز نیست. گرسنگی و تشنگی برایم مهم نیست و مشکلی در ورزش کردنم ایجاد نمی‌کند "بلقیس عبدالقادر" که در حال حاضر یک دانش آموز دبیرستانی است، در ادامه اظهارات خود می‌گوید: من به دینم افتخار می‌کنم و همواره بر بیشتر آموختن تعالیم دین مبین اسلام اصرار می‌ورزم. با وجود اینکه در کشوری مسیحی هستم، اما بسیاری از اطرافیانم

به دین من احترام می‌گذارند. من از تمام آنان سپاسگذارم. وی همچنین افزود: در این ماه رمضان، هر روز وقت تمرین که وقت اذان مغرب میشد، مربی تیم که احترام زیادی برای من قائل است، دقایقی به من اجازه می‌داد تا برای افطار کردن، تمرین را رها کنم. این کار کمک زیادی به من می‌کرد. حتی وقتی وقت نماز می‌شود، تمرین متوقف شده و به من اجازه داده می‌شود که نماز بخوانم.

این دختر جوان مسلمان در ادامه می‌گوید: امیدوارم که حجاب من برای دیگر الگو باشد. آرزو می‌کنم که دیگر دختران مسلمان هم با حجاب خود با قدرت وارد عرصه‌های مختلف شوند تا ستاره شوند و به همگان نشان دهند که حجاب هیچ‌گونه مانعی برای زنان مسلمان نیست.

وظایف تربیت بدنی در آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

به شرح زیر است:

- ۱) گسترش و بهینه‌سازی فرهنگ عفاف در مراکز آموزشی و سالن‌های ورزشی سازمان تربیت بدنی و افزایش ضریب اطمینان خانواده‌ها نسبت به رعایت حریم عفاف و حجاب در ورزشگاه‌ها و سالن‌های مخصوص بانوان.
- ۲) اختصاص مراکز ورزشی مناسب برای بانوان جهت گذراندن اوقات فراغت و فضا سازی مناسب جهت برخورداری زنان از آزادی عمل در رعایت حجاب.
- ۳) کنترل سالن‌ها و مجتمع‌های ورزشی بزرگ و کوچک از نظر رعایت پوشش و حجاب.
- ۴) دقت نظر در «صلاحیت متقاضیان» تأسیس اماکن ورزشی به منظور جلوگیری از ورود افراد ناباب و فاقد صلاحیت اخلاقی و ... در این گونه مشاغل.
- ۵) شناسایی اماکن ورزشی غیرمجاز و رسیدگی به تخلفات این گونه مراکز (اعم از دارای مجوز و فاقد مجوز) در خصوص عدم رعایت مقررات مصوب مربوطه.
- ۶) تقلیل مشکلات موجود در مراکز ورزشی و ارائه راهکارهای مفید جهت رفع آنها، اطلاع‌رسانی مناسب به مدیران، شاغلین و مراجعین این گونه اماکن برای پیشگیری از بروز



تخلفات اجتماعی و ایجاد فضای سالم برای استفاده بهینه از امکانات ورزشی توسط خانواده‌ها.

۷) استفاده نکردن از مربیان مرد برای خانم‌ها و مربیان زن برای آقایان.

۸) عدم استفاده از نوارهای صوتی و تصویری غیرمجاز در اماکن ورزشی.

۹) جلوگیری از آوردن تلفن‌های همراه مجهز به دوربین عکاسی و فیلمبرداری به مراکز آموزشی مختص بانوان.

۱۰) عدم ورود بانوان به سالن‌های ورزشی مختص آقایان و بالعکس تحت هر عنوان، تماشاگر و...

۱۱) تذکر جدی توسط مدیر مربوطه به افرادی که در ورود به اماکن ورزشی عفاف و حجاب را رعایت نمی‌کنند.

۱۲) طراحی لباس‌های مناسب برای بانوان ورزشکار در راستای حفظ حریم عفاف و حجاب.

۱۳) توجه به شیوه‌های تبلیغاتی مناسب و مرتبط و استفاده از تعالیم دینی مرتبط با فرهنگ عفاف و سلامت جسم و روح.

۱۴) تجلیل و تشویق ورزشکاران مروج فرهنگ عفاف.

۱۵) تبلیغ و الگوسازی مثبت از افراد و تیم‌های اعزامی ورزشی که مروج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ عفاف در خارج از کشور هستند.

۱۶) بلاغ چارچوب‌های روشن برای برگزاری جشنواره‌ها و مراسم افتتاحیه و اختتامیه و شرایط حضور حاضران در آن در داخل و خارج از کشور.

۱۷) برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت آشنایی مربیان و ورزشکاران با احکام و موازن حجاب و عفاف.

۱۸) تأکید بر اجرای مقررات انضباطی جهت گسترش فرهنگ عفاف.

سوال اول: تأثیر حجاب اسلامی در رقابتهای بین المللی ورزش بانوان چیست؟  
 هر شخص منصف و محققی می داند که احکام حجاب در ادیان و نیز در قرآن و اسلام بی فائده و اثر مطلوب نیست حتی در کشورهای غیر اسلامی البته طبق مطالعات و جستجو در اخبار ورزشی بانوان این نتیجه حاصل شده که بسیاری از تازه مسلمانان غربی مخصوصاً زنان با دیدن حجاب و پایداری زنان ورزشکار بر حفظ آن در رقابتهای متمایل و علاقمند به اسلام شده اند و یقیناً زیبایی معنوی بسیار بیشتر و با ثبات تر و شیرینتر از زیبایی های مادی و دنیایی بوده و خواهد بود. دشمنی های برخی مسئولین خارجی و یا دیگران در ورزشگاههای خارجی نیز ناشی از حکومت لائیک یا ضد اسلامی و ارتباط نزدیک سیاستهای آنان با صهیونیستهای اشغالگر فلسطین می باشد...

سوال ۲: آیا پوشش اسلامی، مانع رقابت برابر بانوان نیست؟ رقابتهای ورزشی اسلامی با حمایت و پشتیبانی سازمان کنفرانس اسلامی در مکانهای سرپوشیده یا محصور و محافظت شده انجام می گیرید و شرایط آنان بسیار یکسان است. اما در رقابت بانوان ورزشکار مسلمان و محبوب با زنان و مردان بین المللی و غیر مسلمان شرایط و مقررات ویژه یی تنظیم و به اجرا درآمده است که مورد تأیید مراجع و فقیهان شیعه و سنی نیز می باشد از جمله اولویت پوشش مو بر گردن و دست ها و نیز اختیار خاص ورزشکار بانو در رقابت جهانی خود در انتخاب پوشش و حجاب کامل چادر یا مانتو یا لباس گرم کن یا ویژه ی آن رشته و در سایر رشته ها که لباس یا اختلاط در آن مغایر حرمت و ارزش و حیاء بانوی مسلمان باشد عقلاً و شرعاً شرکت و رقابت جایز نخواهد بود.

سوال ۳: راهکارهای فراهم آمدن شرایط برابر با دیگر ورزشکاران چیست؟  
 به یقین از آنجایی که اختلافات مذهبی اعتقادی و سیاسی و فرهنگی بسیار آشکاری در بین بانوان ورزشکار بین المللی وجود دارد شاید همانند جدا نمودن اتوبوس و قطار یا بخش زنان از مردان در ایران و ژاپن و چین و برخی کشورهای توسعه یافته بخاطر درخواست مردم

متعهد و فواید ویژه‌ی آن، در رقابتهای بین‌المللی نیز سازمان ملل و کنفرانس اسلامی و شرکت‌های ورزشی تابعه‌ی آنها بتوانند با تدابیر مشابه و اختصاص مکانها و میدانهای مخصوص بانوان ورزشکار با امکانات خاص و ویژه‌ی آنها و نیز مقررات و آئین‌نامه‌های تنظیم شده در جهت حفظ آزادی امنیت و آسایش ورزشکاران زن از هر دین و آئین و کشور به نتایج شگفت‌انگیز و رضایت‌بخشی دست یابند.

### نتیجه‌گیری

بانوان ورزشکار محجبه ایرانی سفیران عفاف و حجاب در میادین ورزشی هستند. ورزش انسان را شاداب و با نشاط نگه می‌دارد بنابراین باید خانواده‌ها به ورزش اهمیت فراوانی دهند. اهمیت دادن به امر ورزش در جامعه ضروری بوده و جامعه‌ای که ورزش در آن حاکم باشد با نشاط و با طراوت است. امروزه جنگ نرم دشمن بر کسی پوشیده نیست و مردم ایران با رهنمودهای خردمندانه مقام معظم رهبری، این بار نیز مانند پروژه‌های تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، توطئه‌های آنها در قالب جنگ نرم را خنثی می‌کنند. بانوان ورزشکار ایرانی در مسابقات برون مرزی با حفظ شئونات جایگاه زن مسلمان را به جهانیان نشان دادند، به طوری که به الگویی برای دیگر بانوان کشورهای اسلامی تبدیل شدند. بانوان ورزشکار ایرانی با حفظ جایگاه زن در عرصه ورزش با پای‌بندی به اخلاق و عفاف به مبارزه با جنگ نرم دشمن پرداختند و امر به معروف را در میدان ورزشی انجام دادند. ترویج بدحجابی و بی‌بند و باری از شگردهای اصلی دشمن برای مبارزه با نظام اسلامی است که بانوان ورزشکار محجبه کشورمان در این عرصه برای مقابله با این توطئه به درستی مقابله کرده‌اند. لذا دانشجویان ما با دیدن ورزشکاران محجب و مدال آور باید به این مساله اعتقاد پیدا کنند که قهرمانی در کنار حفظ ارزشهای ملی مذهبی بسیار با ارزش و دوست‌داشتنی است.

### منابع

۱. مطهری، مرتضی. مساله حجاب، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷
۲. سوره نور، آیه ۶۱
۳. <http://goharenab.blogfa.com>
۴. سوره حجرات، آیه ۱۳
۵. سوره نور، آیه ۳۱
۶. سوره نور، آیه ۳۰
۷. سوره احزاب، آیه ۳۲
۸. <http://kamsedamohamad.mihanblog.com>
۹. سوره لقمان، آیه ۱۷

## بررسی وضعیت حجاب و نقش عوامل مؤثر بر استفاده یا عدم استفاده از حجاب اسلامی مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان

سحر غفاریان

کارشناسی ارشد رشته مدیریت امور فرهنگی و کارشناس امور فرهنگی خواهران دانشگاه آزاد اسلامی،  
واحد فلاورجان

### چکیده

با وجود اینکه حجاب از واجبات دین اسلام است، اما متأسفانه امروزه مظاهر و جلوه های حجاب و عفاف تحت تأثیر تهاج فرهنگی غرب در جامعه کم رنگ شده و این مسئله بر وضعیت حجاب دانشگاهها نیز بی تأثیر نبوده است. هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت حجاب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان و شناسایی عوامل تأثیر گذار بر استفاده یا عدم استفاده از حجاب اسلامی می باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی پیمایشی بود که بر روی ۳۴۰ نفر نمونه آماری از مجموع ۳۸۰۰ نفر دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان که دانشگاهی دخترانه است انجام شد. نمونه ها به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته بود که در دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و شناسایی عوامل مؤثر بر استفاده یا عدم استفاده از حجاب اسلامی تنظیم گردید. پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برای علل و عوامل عدم استفاده افراد به حجاب و ۰/۸۱ برای علل و عوامل استفاده افراد به حجاب محاسبه گردید. داده های تحقیق با کمک نرم افزار spss در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از آزمون t تک متغیره تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها نشان داد عوامل درون فردی در حد متوسط بر وضعیت حجاب تأثیر دارند. از بین عوامل بیرونی، عوامل فرهنگی در حد متوسط، عوامل خانوادگی در حد متوسط و عوامل اجتماعی اقتصادی بیش از حد متوسط بر وضعیت حجاب تأثیر گذارند. از بین عوامل خانوادگی الگوگیری و از بین عوامل فرهنگی تأثیر رسانه ها بیش از سایر عوامل می باشد.

**کلیدواژه ها:** حجاب، عفاف، حیا، استفاده از حجاب اسلامی

## مقدمه

امروزه با مدرن شدن جوامع شاهد ظهور تعداد بسیار زیادی از قشرها و گروه های اجتماعی هستیم که خود را به نحوی از دیگران متمایز می کنند. این تمایز بخشی به اشکال متنوع و متعددی صورت می گیرد که یکی از جلوه ها و مظاهر آن پوشش و حجاب است. پوشش یکی از مسائل عمیق و ریشه ای جوامع انسانی است که ضمن ایجاد وقار موجب حفاظت انسان در برابر تغییرات جوی و وجه تمایز او از سایر موجودات است. بشر در زندگی اجتماعی خود به منظور ایجاد ارتباط و رساندن پیام از نشانه هایی استفاده می کند که یکی از مشهورترین این نشانه ها پوشاک است. پوشاک از ابزارهای کارآمد و مؤثر در پیشبرد هر گونه هویت سازی و هویت پردازی است. حتی در میان جوامع ساده تر نیز نوع لباس افراد، اولین ابزاری است که موجب شناخته شدن و تشخیص هویت آنان می شود و معمولاً افرادی که به گروه خاصی تعلق دارند از لباسهای مشابهی استفاده می کنند. اما باید توجه داشت که پوشش علاوه بر جنبه های فرهنگی از زیرساختهای دیگری چون حیا، قناعت، عفاف و عزت نفس نیز نشأت می گیرد. بطوری که لباس هر فرد نشانه ای است که به سادگی توسط افراد دیگر رمزگشایی می شود و گاهی این فرآیند، احترام بیشتر، طرد برای گروه های اجتماعی، تداعی مناسک خاص و معانی متفاوتی در پی دارد.

در جامعه ما به سبب رواج اعتقادات دینی و وجود دستور حجاب به مثابه الزامی در پوشش زنانه، دو مفهوم حجاب و پوشش تا حدی درهم گره خورده و در هم ادغام شده است. بنابر این برای پرداختن به پوشش زنان باید به مفهوم دینی حجاب نیز توجه شود.

## بیان مسئله

**عفاف (عفت):** این واژه در قرآن کریم به معنای خودنگهداری آمده است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» (سوره نور آیه ۶۰). خودنگهداری هم در مورد نمودهای شهوانی است مانند آنچه در آیات مذکور آمده، هم در مورد مال حرام یا شبهه ناک. برای عفت معانی دیگری مانند

«ترک شهوت و پاکی خوی و جسم» و «نگاهداشت از ارتکاب حرام و درخواست از مردم»، ذکر شده است که به نوعی هم معنای قناعت در آن نهفته است و هم معنای تقوا و خودنگهداری. راغب اصفهانی درباره عفاف می نویسد: حالتی نفسانی (درونی) است که از چیرگی شهوت بر افراد جلوگیری می کند. از مجموع مطالب پیش گفته می توان دریافت که عفاف، نوعی حالت درونی است که انسان را از گناه باز می دارد و سکاندار هدایت رفتارهای بیرونی است.

از تعریف عفاف توسط راغب اصفهانی چند نکته مهم دریافت می شود:

- ۱- عفاف اکتسابی است و این مطلب از «حصول حالت» فهمیده می شود، یعنی تحصیلی (اکتسابی) است، نه ذاتی که در این وصف با حیا مشترک است.
  - ۲- نوعی بازدارندگی و نگاهداشت در آن نسبت به تمام انواع شهوات وجود دارد و در این تعریف «غلبه شهوت» مطرح است که ظاهراً چیرگی آن بر عقل منظور است.
  - ۳- عفاف حالتی است که به «نفس» آدمی برمی گردد، پس نر و ماده در آن راه ندارد (چون نفس فراتر از جنسیت است) و اختصاص به زنان ندارد. صفت و حالت عفاف باید در وجود مرد و زن نهادینه شود (طیبی، ۱۳۸۵، ۷). عفاف، سکاندار هدایت رفتارهای بیرونی است.
- حیا:** حیا ملکه ای است که انسان را از گناه و ارتکاب به حرام دور می کند. حیا نیز از امور اکتسابی است زیرا با انجام معاصی، فرد از حیا جدا می شود. ملکه صفتی است که در نفس راسخ و استوار شده باشد و یا استعدادی است که در پرتو آن می توان کاری را با مهارت و ذوق انجام داد مانند استعداد ریاضیات. بنابراین ملکه حیا در نفس انسان راسخ می شود و در پی آن مهارت زیست پاک و دور از گناه به وجود می آید. در روایات، حیا از فرشته های خدا مطرح شده است (طیبی، ۱۳۸۵، ۷).

**حجاب:** یک کلمه عربی است در لغت به معنای «ممانعت از رسیدن به چیزی» است. به معنای حائل و سد و نیز به معنی پوشیدن و پرده و حاجب نیز به کار می رود. گفته شده که

حُجْب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از داخل شدن است. آیه شریفه «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ» شاهد بر این مدعا است. اگر چه در ادبیات عرب و زبان دین (آیات و روایات) برای بحث پوشش زنان از واژه «ستر» استفاده شده و کمتر به حجاب اشاره شده اما در کتب لغت به واژگان «امرأة محجوبة» به معنای زنی که خود را با نوعی پوشش پوشانده است، برمی‌خوریم. در مجموع می‌توان گفت حجاب ثمره عفاف درونی است که تظاهر و نمود بیرونی یافته است و در اصطلاح به نوع پوشش در ظهور اجتماعی افراد و در رویارویی با نامحرم گفته می‌شود (طیبی، ۱۳۸۵، ۸). شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست. آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است (مردانی، ۱۳۸۰، ۱۶۴). بنابر این حجاب، پاکی نگاه و خیال و تفکر و ... از مصادیق بیرونی و نماد عفاف هستند.

بحث مهم در مسئله حجاب و عفاف در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی توجه به عوامل مؤثر بر وضعیت حجاب و عفاف است که نمی‌توان آن را جدا از بستر جامعه و خانواده و عقاید دینی فرد دانشجویان بررسی نمود و نیاز به یک نوع نگرش سیستمی و زیربنایی دارد و تا زمانی که زیرساختهای اعتقادی و فرهنگی آن در جامعه مستحکم نشود نمی‌توان انتظار داشت که علیرغم تبلیغات سوء دشمن و تضعیف فرهنگ عفاف و حجاب از طریق رسانه‌ها و ماهواره‌ها، شاهد وضعیت مناسب پوشش دختران در سطح دانشگاه‌ها باشیم.

### اصول و پایه‌های استفاده از حجاب اسلامی

شناسایی ماهیت هر پدیده‌ای (با توجه به اصول و پایه‌های آن) در ژرف نگری مؤثر است. هر فرآیندی دارای اصول و مبانی‌ای است که موجب استواری آن در برابر تندباد شبهه‌ها و یورش‌ها می‌شود و عفاف از این فرآیند مستثنا نیست.



در یک نگاه کلی اصول زیر را می‌توان به عنوان پایه‌های اساسی در فرهنگ عفاف و حجاب برشمرد:

**الف)** حجاب و به طریق اولی عفاف (که مقدمه حجاب است) از مصادیق حق الله به شمار می‌رود و ادای این حق از واجبات است.

**ب)** عفاف و حجاب، حق نفس انسان بر او هم هست، پیش از آنکه تکلیفی شرعی و اجتماعی باشد. این مطلب را از رساله حقوق امام سجاد(ع) نیز می‌توان برداشت کرد: حق نفس بر تو این است که آن را تمام در راه طاعت خداوند قرار دهی. «قرار دادن نفس برای پیروی از خدا به جز در سایه عفاف و نیرویی درونی که انسان را از گناه و حرام دور کند، حاصل نخواهد شد. می‌توان از سخن معصوم این نتیجه را گرفت که حق نفس انسان بر او حرکت براساس عفاف و حیا در زندگی است.

**پ)** پدیده حجاب تنها یک پوشش نیست بلکه نماد باورها و گرایش‌های افراد است، حتی گاه نمادی برای معرفی ملیت و فرهنگ بومی می‌باشد. پس می‌توان گفت حجاب، ثمره حیا و عفاف، افزون بر حفظ تن و روان فرد، نماد هویت دینی و ملی است.

**ت)** حجاب مانع حضور اجتماعی زنان نمی‌شود بلکه حکم حجاب و طرح آن در موارد متعددی در قرآن کریم نوعی امضای حضور اجتماعی زن است. زیرا اگر بنا باشد زنان در خانه بنشینند و با نامحرم روبه‌رو نشوند، نیازی به حکم حجاب نخواهد بود.

**ث)** حجاب و عفاف موجب خودارزشمندی افراد و در نتیجه استواری شخصیت آنان می‌گردد و سطح عزت نفس را بالا می‌برد؛ البته در صورتی که برای این رفتار، دلایل محکمی آورده شود و آگاهانه‌گزینش گردد.

**ج)** عفاف و در پی آن حجاب براساس روایات مانع افسردگی و فرسودگی روحی و روانی می‌شود. حضرت علی(ع) فرمود: «ثمره و محصول عفاف کم شدن اندوه‌ها است.» بنابراین افراد عقیف دارای نشاط خواهند بود. شاید این نشاط (که امری درونی و باطنی است و نمود

ظاهری آن به صورت لبخند و تبسم دیده می‌شود) به علت پاکی درونی یعنی عفاف باشد (طیسی، ۱۳۸۵، ۱۰).

### پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش حقگو (۱۳۷۵) که با موضوع «بررسی علل انتخاب حجاب برتر» در بین کارکنان یکی از ادارات دولتی انجام شده است بیانگر آن است که در مورد نوع پوشش اسلامی در ادارات ۱۰ درصد نمونه آماری معتقدند که چادر باید به عنوان حجاب برتر به صورت قانون در محیط کار درآید و استفاده از این پوشش اجباری شود. ۳۲/۵ درصد پاسخگویان معتقدند چادر به عنوان پوشش برتر در محیط کار و جامعه محسوب می‌گردد به شرطی که استفاده از آن به انتخاب افراد گذاشته شود و اجباری نباشد. زیرا هرچیزی اگر با جبر و تحمیل باشد ایجاد مقاومت و تعارض نموده و به ضدا ارزش تبدیل خواهد شد. همچنین ۲۵ درصد پاسخگویان حجاب را منحصر به چادر نمی‌دانند و مقنعه را به علت راحت تر بودن و دست و پاگیر نبودن آن ترجیح می‌دهند.

پژوهش دیگری توسط بوشهری (۱۳۷۶) با عنوان بررسی ویژگی های حجاب خواهران در دانشگاه تهران انجام شد. نتایج آن نشان داد ۶۰ درصد پاسخگویان دارای مانتو و ۴۰ درصد دارای چادر بودند. بیش از ۸۷ درصد دانشجویان دارای حجاب کاملاً مناسب بوده‌اند. تنها ۲/۷ درصد دارای حجاب نامناسب ارزیابی شدند.

نتایج پژوهش ملاباشی، کاظمی، نجفی (۱۳۸۱) که بر روی ۸۰۰ دانشجوی دختر درباره عوامل بازدارنده و برانگیزاننده گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاه پیام نور شهرکرد انجام شد نشان داد که ۶۵٪ دانشجویان حجاب را دوست دارند و ۶۹ درصد خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند، درحالی‌که فقط ۴۵ درصد نگرش یکسانی با خانواده خود درباره پوشش اسلامی دارند. ۱۵ درصد حجاب را به خاطر اصرار و پافشاری خانواده رعایت می‌کنند. ۴۱ درصد به صورت دقیق با قوانین عرفی و شرعی و فلسفه حجاب آشنایی دارند. ۱۴ درصد به ندرت

تحت تأثیر دوستان قرار گرفته اند و ۲۱ درصد افراد قوانین و مقررات اجتماعی در برخورد با بدحجابی را می پسندند.

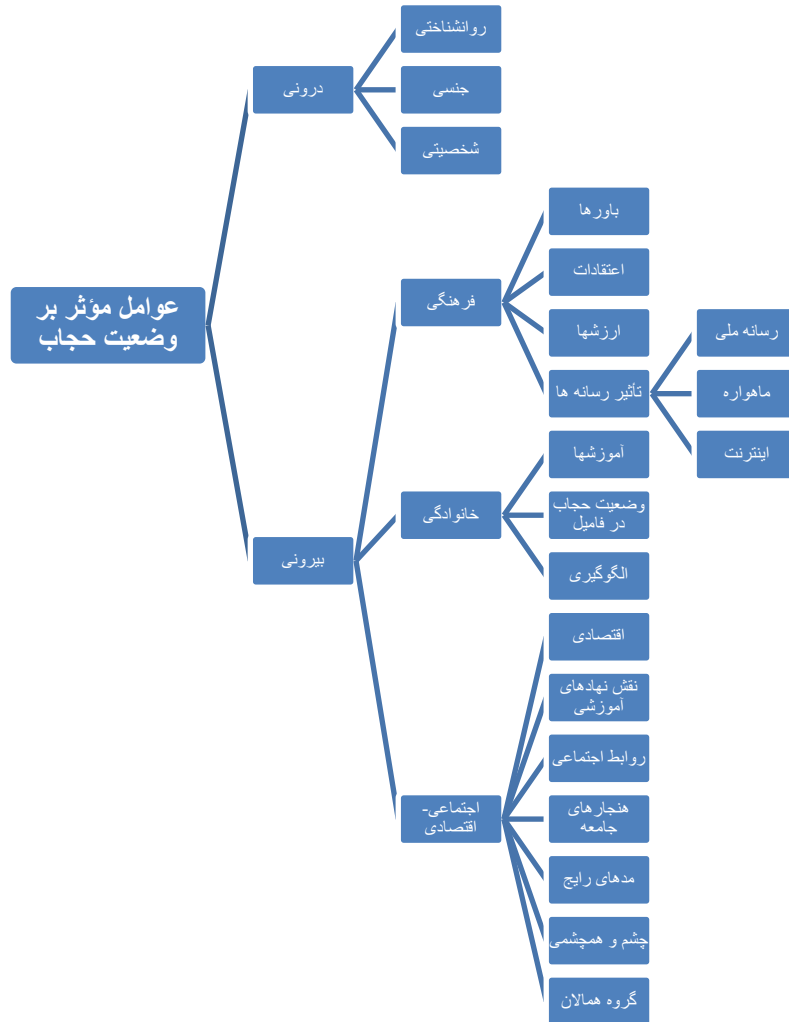
نتایج پژوهش عنایت، علی پور و بی بی کبادی (۱۳۷۶) تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر حجاب دختران دانش آموز دبیرستانی شهر شیراز حاکی از آن است که شرایط اقتصادی - اجتماعی خانواده با چگونگی حجاب دختران و با میزان گرایش دختران نسبت به حجاب همبستگی قوی دارد. همچنین میزان گرایش به حجاب دختران با چگونگی رعایت حجاب از سوی دختران همبستگی قوی دارد. و نیز رعایت حجاب از سوی دوستان نزدیک و هم سن و سالان، بیشترین همبستگی را با نوع حجاب دختران نشان می دهد. الگوهایی که از رسانه های گروهی ارائه می شود، همبستگی معکوسی با نوع حجاب دختران دانش آموز داشته و حجاب معلمین نیز همبستگی کمتری با حجاب دختران دانش آموز دارد.

در مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر پوشش اسلامی دانشگاه توسط سبزیان موسی آبادی (۱۳۸۷) انجام شد. بر اساس نتایج حاصل در مجموع ۵۶/۴ درصد پاسخگویان الگوی پوشش خود را پدر و مادر و خانواده اعلام نمودند. همچنین ۵۸/۵ درصد پاسخگویان در صورتی که در انتخاب مدل پوشش آزاد باشند، پوشش آزاد و متناسب با حدود اسلامی و شئون دانشگاه را انتخاب می کنند. بعلاوه ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان نقش انتظامات دانشگاه را در تقویت پوشش و حجاب دانشجویان منفی و ۳۸/۵ درصد بی تأثیر و کم تأثیر ارزیابی کردند.

حمیدی و فرجی (۱۳۸۷) در یک تحقیق کیفی با عنوان سبک زندگی و پوشش زنان با چهل نفر از زنان ساکن تهران مصاحبه نمودند و بر اساس آن نه تیپ اجتماعی متمایز از یکدیگر در سبک پوشش زنان مشخص نمودند. این پژوهش نشان داد گونه شناسی انجام شده تقسیم بندی هایی برای تقریب مفاهیم حجاب و عفاف به ذهن افراد است و مانند همه تیپ سازی های دیگری که در علوم اجتماعی استفاده از آنها رایج است، همسانی کامل با

جهان واقع نخواهد داشت و آنچه در جهان و در زندگی روزمره عملاً رخ می دهد ترکیبی از موارد فوق است. مثلاً برخی زنان که حجاب را به مثابه ایدئولوژی پذیرفته اند، ممکن است در گروهی قرار گیرند که نوعی سبک زندگی مبتنی بر بازاندیشی را انتخاب کرده باشند. در عین حال هیچ تناقض منطقی درمیان نیست که تصور کنیم برخی از آنها با استفاده از انواع لباسهای خاص دست به تمایز می زنند.

بررسی فراتحلیلی پیشینه پژوهش های انجام شده بر روی عوامل مؤثر بر حجاب نشان می دهد که عوامل مؤثر بر وضعیت پوشش زنان و دختران را می توان به دو دسته کلی عوامل داخلی (روانشناختی و درون فردی) و عوامل بیرونی (عوامل خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی) طبقه بندی نمود. منظور از عوامل فرهنگی باورها، اعتقادات و ارزشهاست. مسائل درونی و روانشناختی به جز عوامل جنسی به شخصیت و روح و روان هر فرد باز می گردد. همچنین عوامل بیرونی شامل روابط اجتماعی، هنجارهای جامعه، مدهای رایج در جامعه و وجود چشم و هم چشمی، الگوگیری از مادر، اساتید و معلمان، گروه همسالان و دوستان، تأثیر خانواده، نقش نهادهای آموزشی (مدرسه و دانشگاه) در شکل گیری باورها و نیز تأثیر ماهواره، اینترنت و رسانه ها در وضعیت حجاب دانشجویان است. مدل نظری پژوهش به صورت زیر است:



این پژوهش به دنبال تعیین وضعیت فعلی حجاب دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان و شناسایی علل و عوامل مؤثر بر استفاده یا عدم استفاده از حجاب در دانشجویان می باشد.

## رویکردهای نظری به مسئله پوشش و حجاب نظریه کارکردگرایی

طبق نظریه کارکردگرایی، هر فرهنگ، مجموعه‌ای به هم پیوسته، یگانه و نسبتاً منسجمی است که باید آن را به عنوان یک کل ملاحظه و تبیین کرد؛ از این رو جدا کردن یک عنصر یا ویژگی فرهنگی یا یک نهاد (همچون پوشش) از بستر و زمینه اصلی آن، مانع از تبیین واقع‌بینانه آن خواهد بود؛ زیرا عناصر و ویژگی‌های فرهنگی در صورتی که خارج از موقعیت و جایگاه ساختاری‌شان در مجموعه مربوط و به گونه‌ای مستقل از ارتباط با سایر عناصر فرهنگی ملاحظه شوند، پدیده‌هایی بی‌معنا و غیر قابل تفسیر خواهند بود (کوزر، ۱۳۸۰، ۲۰۰۲). در الگوی ساختی - کارکردی، فرهنگ به عنوان استراتژی پیچیده‌ای جهت رفع نیازهای اساسی انسان توصیف می‌شود و با الهام گرفتن از نظریه فلسفی ایده آلیسم، ارزشها به عنوان کانون و مرکزیت یک فرهنگ تلقی می‌شود. (پهلوان، ۱۳۸۲، صص ۸۰-۷۹).

بر اساس این دیدگاه حجاب جزئی از فرهنگ هر ملت است که در بستر جامعه و شکل می‌گیرد و دارای کارکردهایی است. مهم‌ترین وظیفه و کارکرد حجاب، تأمین امنیت زن و حفظ ارزشمندی او در برابر مردان و پایداری نسبی خانواده است.

در بینش کارکردگرایانه نهادها و شیوه‌های کنش بر اساس آنها در کلیت نظام اجتماعی تحلیل می‌شوند و چیستی و بقای آنها بر حسب فایده‌ای که به کل نظام و یا اجزای دیگر آن می‌رسانند، تبیین می‌گردد (بستان و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۳۱). با بهره‌گیری از این نظریه می‌توان جایگاه حجاب را در ارتباط با سایر عناصر (چون عفاف، حیا، قناعت و عزت نفس) به عنوان یکی از نیازهای محوری در نظام اجتماعی موجود دریافت؛ اینکه حجاب در اقوام و ملل نخستین چگونه به وجود آمده و چه کارکردهایی دارد با این نظریه تبیین می‌شود.

### نظریه سیستمی

برتالنفی نظریه سیستمی را در عبارت زیر خلاصه کرده است: «بر خلاف پدیده های فیزیکی مانند جاذبه و الکتریسته دیده حیات فقط در "موجودیتهای منحصر به فرد" به نام "ارگانسیم" یافت می شود. هر ارگانسیم یک سیستم است. بدین معنی که اجزا و فراگردهای آن در تعاملی طرفینی، نظمی پویا دارند» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۱۳). ویژگی خاص این نگرش توجه به کل یا کل گرایی است قسمت اعظم مفاهیم مرتبط با آن در شناخت اجتماع، سازمانها و درک صحیح موقعیت و نیز اداره ی امور پدیده های مرکب و پیچیده مورد استفاده قرار گرفته است (هیچینز، ۱۳۷۶، ص ۱۳). رهیافت سیستمی، با در نظر گرفتن چهارچوبی برای تجسم عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی اجتماع در قالب یک مجموعه واحد، به شناخت "خرده سیستمها"، "سیستم اصلی"، و "ابر سیستم پیچیده محیط بر سازمان" کمک می کند. به طور کلی تحلیل هر پدیده در نظریه سیستمی، با توجه به عناصر اصلی آن (داده ها، فراگرد، بازدهها) انجام می پذیرد.

بر اساس نظریه سیستمی مسئله بروز رفتار حجاب یک برون داد است که نمی توان آنرا جدا از عوامل و ریشه هایش، که درون دادهای این سیستم محسوب می شوند مطالعه نمود. در تأیید این مطلب لازم است دقت شود که ترک عفاف همیشه به خاطر تمایل جنسی نیست، بلکه می تواند به دلایل دیگری چون عقده ها، انگیزه های مالی، خود کم بینی و اظهار وجود، انتقام گیری، تقلید از الگوهای نامناسب، عدم اعتماد به نفس و .... باشد. که در این صورت تا حذف این عوامل نمی توان بدحجابی و بی حجابی را از جامعه ریشه کن نمود (هماهی، ۱۳۸۸، ۲۴۰).

### نظریه مبادله

نظریه مبادله با محوریت هومنز<sup>۱</sup> یکی از نظریات جامعه‌شناختی است که از دهه ۱۹۵۰ به بعد مطرح شده و در حوزه‌های متعدد جامعه‌شناسی به کار رفته است. در این نظریه جامعه بر آنچه در جریان مبادله داده و گرفته می‌شود متمرکز است. اساس مبادله (بده و بستان) بر پاداش یا مجازات استوار است. مبادله بر اساس نظام هنجاری که عمل متقابل و تکمیلی است، سامان می‌یابد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ۲۴). بر اساس این نظریه حجاب در جوامعی که به عنوان یک هنجار پذیرفته شده و یا حتی به صورت یک قانون و یا واجب شرعی در نظر است، پاداش داده می‌شود و زنان از آن استقبال می‌کنند. از سوی دیگر زنان در شرایطی که محبوبیت خود نزد مردان را وابسته به در دسترس نبودن و در حجاب قرار گرفتن می‌بینند آن را انتخاب می‌کنند.

فروید از متفکرین غربی می‌گوید که انتخاب حریم در بین زن و مرد باعث اختلالهای روانی و التهاها و محرومیت و محدودیت‌های زیادی می‌گردد و باید قیود اجتماعی را در بطن جوامع برداشت تا انسان از نعمتی بنام آزادی غریزه بهره‌مند گردد. بدین منظور که محدود کردن غریزه جنسی حرص و طمع انسان را بیشتر می‌کند. ویل دورانت در ارتباط با حجاب زن نظری مغایر با فروید اعلام می‌دارد و در «لذات فلسفه» می‌گوید: «آنچه بجوئیم و نیایم عزیز و گرانبها می‌گردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می‌گردد. خودداری زنان از انبساط و امساک در بذل و بخشش خویش بهترین سلاح برای شکار مردان است.» و یا مجله زنانهای که از آلفرد هیچکاک نقل شده است که این دانشمند می‌گوید: «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآنتریک باشد بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود ذهن و تخیل و تصور مرد را فعالتر نماید.»

1 - George Homans.



### نظریه جرج سیمل

یکی از مسائلی که امروزه در بحث پوشش مطرح می شود، مد و مدگرایی است. طبق نظریه‌ی جرج سیمل<sup>۱</sup>، مد همان تغییر غیر متمرکز جنبه‌های فرهنگی زندگی است و از یک تنش اساسی و پایه‌ای در وضعیت اجتماعی انسان‌ها ناشی می‌شود. از یک سو، هر کدام از ما تمایل داریم که از دیگران تقلید کنیم و از سوی دیگر دوست داریم نسبت به آن‌ها متفاوت باشیم. جریان مد به هر دوی این تمایلات توجه می‌کند. مد یکی از راه‌های گوناگون زندگی است که به کمک آن‌ها می‌توان با همگونی با سایر انسان‌ها به سمت یک زندگی اجتماعی حرکت نمود، ضمن این که در اوج این همگونی، می‌توان که از آن‌ها متمایز بود. یعنی دو نیروی متضاد در درون انسان است اما مدگرایی و مد تنها در یکی از قطب‌های مخالف عمل کرده و فرد مدگرا یا مدام خود را شبیه به دیگران در می‌آورد یا همه‌ی سعی او این است که با دیگران متفاوت باشد. در حقیقت وقتی مد جدید گسترش پیدا می‌کند، به تدریج افت کرده و به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. دلیل آن نیز این است که هر لحظه تعداد بیشتری از افراد از آن پیروی کرده و پس از مدتی آن مد به صورت امر عادی در آمده که تنوع قبلی را ندارد (ساروخانی، ۱۳۸۸).

### نظریه تکامل اجتماعی

بهداروند (۱۳۸۱) این نظریه را در خصوص حجاب چنین بیان می‌کند: اگر تکامل را در ساده‌ترین وجه به معنای تبدیل «ساختار، مسایل و موضوعات» بدانیم، در این صورت هر گاه نظام‌های متکفل وظایف اجتماعی، به گونه‌ای تغییر یابد که مسایل و موضوعات مد نظر، تغییر یافته و وحدت و کثرت جدیدی یابد و موضوعاتی طرح شود که قبلاً اساساً قابلیت طرح هم نداشت و تغییراتی همراه با «امنیت، تفاهم و تعاون» رخ دهد، آنگاه تکامل واقع شده است؛ در این صورت با گذار از یک سطح به سطح دیگر تکامل حاصل خواهد

1 - George simel.

شد. پس تکامل به این معناست که یک حساسیتهایی در یک زمان (در زمانی که هنوز تکامل حاصل نشده است) قابل طرح است، ولی در زمان بعد (که تکامل حاصل شده) آن حساسیت خیلی خرد و کوچک شمرده شده و موضوعات قابل طرح هم نیست.

پس از ظهور اسلام، حجاب وسیله یک نوع ارتباط قاعده‌مند شده است، نه اینکه وسیله ارتباطی باشد که آن ارتباط قاعده‌مند نیست، چون هرج و مرج در ارتباط، در هیچ سطح از اجتماع قابل قبول نیست، در حالی که قاعده‌مند شدن ارتباط، لازمه تکامل روابط اجتماعی است و ارتقاء سطح حضور و مشارکت مردم در سه بخش تأمین، تفاهم و تعاون شاخصه تکامل اجتماعی است.

بنابراین تبدیل «ساختار، مسایل و موضوعات» معرف تکامل است، تکامل به معنای تغییر مقیاس حضور اجتماعی مردم است و این به معنای تغییر مشارکت و حضور مردم در «توسعه امنیت، تفاهم و تعاون اجتماعی» است و می‌توان گفت تکامل به معنای ارتقاء سطح حضور و مشارکت است.

در نظریه تکامل اجتماعی به سه مسئله مهم باید توجه شود: ۱. ضرورت‌های حجاب (شامل ضرورت تخصیص منابع و اولویت بندی برای دستیابی به وضعیت پوشش مناسب، ضرورت مجموعه نگرانی جامعه و درک عوامل و ریشه‌های بدحجابی و ضرورت وجود خاستگاه آرمانی در اوصاف کیفی و کمی مجموعه) ۲. اصول (اوصاف فرد و جامعه و رابطه بین این دو) ۳. کارآمدی مدل مفروض برای حجاب (پایگاه ارزشی آن).

تکامل اجتماعی در سه سطح قابلیت طرح دارد. ۱ سطح اول، احکام توصیفی یا جهان‌بینی است که اولین بخش آن مبحث نظام احکام ارزشی یا اخلاق آرمانی و یا همان مقاصد عالی الهی در بحث حجاب است. که با روایات و مدارک و منابع الهی قابل تبیین است.

۲ سطح دوم، نظام احکام دستوری است که همان احکام کلی الهی و قوانین حجاب است که در آن بحث می‌شود در چه حدی حجاب واجب است؟ در چه حدی حجاب مستحب است؟ از چه حدی که بگذرد مکروه و بالاخره به چه سطحی که می‌رسد ممنوع و حرام است؟

۳ سطح سوم، نظام احکام اجتماعی یا برنامه اجرایی است که همان بحث تکامل اجتماعی حجاب است.

تفاوت احکام اجتماعی با دو قسمت قبل آن است که در این مرحله می‌بایست «عینیت» ملاحظه گردد و موانع و مقدمات مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، در این مرحله اموری باید ملاحظه شود که در «اجراء» ملاحظه آنها ضروری به شمار می‌رود. فرضاً در این مرحله بررسی شود که حجاب، لباس کرامت است، چادر لباس کرامت است و اگر قرار باشد با زور و تحمیل آن را ترویج دهند، این موجب اهانت به چادر خواهد شد. چادر، پوششی است که مربوط به اخلاق آرمانی است، لذا پوشش آن می‌بایست به عنوان مقابله با استکبار و مقابله با فساد، همراه با عشق و ایثار پوشیده شود. رواج آن با تهدید و تحمیل به معنای تضعیف منزلت چادر است. در مسئله حجاب و ترویج آن در جامعه باید به این نکته ظریف توجه داشته باشیم که می‌بایست جلوی محرمات را گرفت، اما یک امر مستحب (حجاب برتر یا چادر) می‌بایست با عزت و کرامت رواج یابد.

### نظریات روانشناسی

طبق نظر روان‌شناسان، یک فرد که لباسش مورد توجه زیاد است، بیشتر تلاش می‌کند که عدم اعتماد به نفس خود را مخفی کند، جلب توجه کند و گاهی خود بزرگ بینی اش را به کمک لباس تأیید کند. (دهاقین، ۱۳۸۷). ما انسان‌ها مجموعه‌ای از پوشش‌ها را برای پنهان ساختن ضعف‌هایمان به وجود می‌آوریم. پوشش نقش مهمی در سازگاری روانی - اجتماعی ما انسان‌ها ایفا می‌کند و عامل مهم در این بین، بازخوردی است که از دیگران در

مورد بدن خود دریافت می کند (میخایووا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). طبق نظر لوینسون<sup>۲</sup> منظور از سلامت روان، کیفیت احساس شخص نسبت به خود، دنیای اطراف، محیط زندگی و اطرافیان است. در همین زمینه پژوهش پور رحیمی مرنی و همکاران (۱۳۸۷) که با موضوع کشف رابطه بین احساس پوشیدگی با هوش هیجانی و سلامت روان انجام شده نشان داد که بین افراد با پوشش چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مددار از لحاظ احساس پوشیدگی تفاوت وجود دارد که در این بین، گروه با پوشش چادر بالاترین احساس پوشیدگی و مانتویی معمولی کمترین احساس پوشیدگی را دارا هستند. همچنین بین احساس پوشیدگی، سلامت روان و متغیرهای آن رابطه و نیز هوش هیجانی و متغیرهایش وجود دارد. بین هوش هیجانی و سلامت روانی هم رابطه معنی دار وجود دارد. در این پژوهش منظور از احساس پوشیدگی، احساسی درونی در مورد حفظ و پوشاندن بدن در برابر نگاه دیگران است. به عبارت دیگر، منظور از احساس پوشیدگی الزاماً با پوشش فیزیکی حاصل نمی شود، بدین معنا که ممکن است خانمی دارای چادر باشد، اما احساس کند اندامش مورد توجه قرار داد. در نتیجه احساس پوشیدگی پایینی دارد. برعکس، خانمی که از نظر پوشش فیزیکی چندان پوشیده نیست، ممکن است احساس کند پوشش قابل قبولی دارد و در نتیجه احساس پوشیدگی بالایی داشته باشد. به نظر می رسد، این احساس به نوع پوشش، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی وابسته است. این حس در موقعیت ها و برخوردهای اجتماعی برای شخص قابل درک است.

به عقیده علمای روانشناسی، شدت امیال لذت بخشی که انسان در خود احساس می کند با شدت واکنش های غم و اندوه وی در ارتباط است. اگر افراد در معرض برانگیختگی جنسی قرار نگیرند افسرده نیز نمی شوند؛ بطوریکه اکثر تغییرات خلقی نوجوانان و جوانان به دلیل ظهور فراز و نشیب های هیجانی در این سن است. چنانچه خداوند نیز در سوره حدید آیه ۲۲ می فرماید « تا هرگز بر آن چه از دست شما رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما

1 -Mikhaiva

2 - Levinson

می‌رسد دلشاد نگردید و خدا دوستدار هیچ متکبر فخرفروشی نیست.» این آیه به خوبی اهمیت تعادل هیجانی را نشان می‌دهد. اگر انسان تحت تأثیر خشم و حرص و شهوت قرار نگیرد به عالی‌ترین مراحل تعالی شخصیت خواهد رسید. به نظر می‌رسد زنان از خودنمایی و تبرج و ظاهر نمودن زیبایی‌های خود به عنوان حربه‌ای جهت برتری طلبی بر مردان و آزار آنها بر می‌آیند، زیرا بطور ناهشیار احساس می‌کنند در مقابل مردان از قدرت جسمانی و وجهه اجتماعی و فرهنگی کمتری برخوردارند.

### نظریه اسلام درباره حجاب

در قرآن مجید حجاب به عنوان یک سپر دفاعی در مقابل افراد شرور و بیمار دلان معرفی می‌شود. تا این که عظمت و کرامت زن در مقابل مردان خصوصاً هوس بازان مصون بماند. «ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنه بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای این است که آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند که برای آنها بسیار بهتر است» (سوره احزاب / آیه ۵۹).

### روش پژوهش

تحقیق حاضر از آنجا که واقعیت‌های زندگی مردم، باورها، عقاید، و نگرش‌ها و انگیزش‌ها و رفتارهای آنان را مورد توجه قرار می‌دهد به روش پیمایشی و با هدف بررسی وضعیت پوشش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان که تنها دانشگاه آزاد اسلامی دخترانه در سطح کشور می‌باشد انجام شده.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کلیه دانشجویان این واحد دانشگاهی است که که در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ شاغل به تحصیل می‌باشند و مشتمل بر ۳۸۰۰ دانشجوی دختر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با  $t$  که در سطح اطمینان

۹۵ درصد (خطا پذیری ۵ درصد) ۱/۹۶ می باشد و p و q معادل ۰/۵ و d برابر با ۰/۰۵ و N و ۳۸۰۰ نفر محاسبه گردیده و جمعیت نمونه ۳۴۹ نفر محاسبه شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 p \cdot q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 p \cdot q}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1.96)^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{3800} \left( \frac{(1.96)^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{(0.05)^2} - 1 \right)}$$

نمونه ها به روش خوشه ای انتخاب شدند. در این روش ابتدا از کل رشته های تحصیلی موجود در دانشگاه تعدادی به شیوه تصادفی انتخاب شدند. سپس در درون هر رشته تحصیلی تعدادی از کلاسها به تصادف برگزیده شد و پرسشنامه بین کل دانشجویان کلاس توزیع و پس از ارائه توضیحات مختصر به پاسخ دهندگان در خصوص اهداف پژوهش پرسشنامه ها تکمیل و به صورت محرمانه جمع آوری گردید. در نهایت ۹ پرسشنامه به دلیل مخدوش و یا بدون جواب بودن خارج گردید و داده های ۳۴۰ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با ۶ سؤال دموگرافیک و ۴۰ سؤال علل و عوامل استفاده یا عدم استفاده افراد به حجاب که با طیف لیکرت پنج درجه سنجیده شده است. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS ۰/۸۳ برای علل و عوامل عدم استفاده افراد به حجاب و ۰/۸۱ برای علل و عوامل استفاده افراد به حجاب محاسبه گردید. همچنین برای بررسی همسانی درونی سؤالات پرسشنامه از همبسته کردن نمره کل با نمره تک تک سؤالات استفاده شد که نتایج نشان داد همه سؤالات در سطح ضریب اطمینان ۰/۹۹ معنی دار هستند.

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

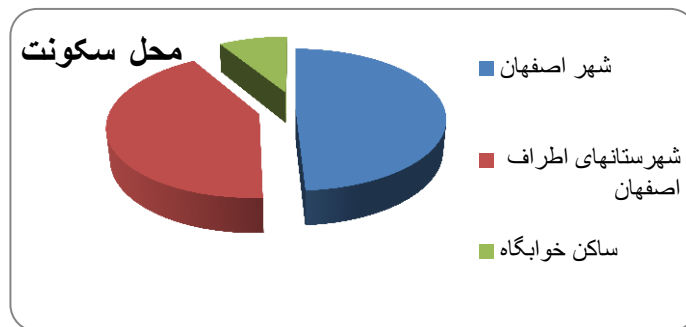
داده های حاصل از پژوهش توسط نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید. در سطح توصیفی از فراوانی، درصد و درصد تراکمی و در سطح استنباطی از آزمون t تک متغیره استفاده شده است.

### تجزیه و تحلیل داده ها

#### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل سکونت

مربوط به محل سکونت دانشجویان ملاحظه می گردد که ۴۹/۱ درصد دانشجویان ساکن شهر اصفهان، ۴۲/۱ درصد ساکن شهرستانهای اطراف اصفهان و ۸/۸ درصد پاسخگویان ساکن خوابگاه می باشند.

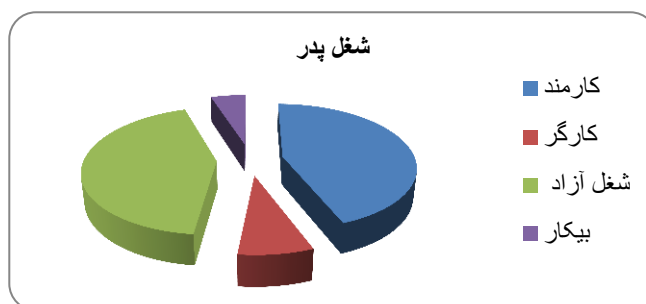
محل سکونت	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
شهر اصفهان	۱۶۷	۴۹/۱	۴۹/۱
شهرستانهای اطراف اصفهان	۱۴۳	۴۲/۱	۹۱/۱
ساکن خوابگاه	۳۰	۸/۸	۹۹/۹



#### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پدر

جهت تعیین طبقه اجتماعی باید به شغل پدر و درآمد خانوادگی پاسخگویان توجه نمود. چنانچه ملاحظه می گردد شغل پدر ۴۴/۱ درصد از پاسخگویان کارمند، ۷/۶ درصد کارگر، ۴۳/۲ درصد دارای شغل آزاد و ۵ درصد در حال حاضر بیکار می باشند.

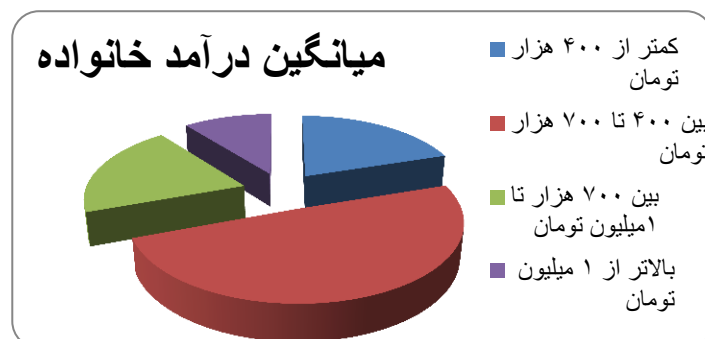
شغل پدر	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
کارمند	۱۵۰	۴۴/۱	۴۴/۱
کارگر	۲۶	۷/۶	۵۱/۷
شغل آزاد	۱۴۷	۴۳/۲	۴۹/۹
بیکار	۱۷	۵	۹۹/۹



### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درآمد خانواده

داده ها نشان می دهد درآمد خانواده ۲۰ درصد از پاسخگویان کمتر از ۴۰۰ هزار تومان ، ۴۹/۴ درصد بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان، ۲۰ درصد بین ۷۰۰ هزار تا یک میلیون تومان و ۱۰/۶ درصد بیش از ۱ میلیون تومان می باشد.

درآمد خانواده	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
کمتر از ۴۰۰ هزار تومان	۶۸	۲۰	۲۰
بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان	۱۶۸	۴۹/۴	۶۹/۴
بین ۷۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان	۶۹	۲۰	۸۹/۴
بالاتر از ۱ میلیون تومان	۳۵	۱۰/۶	۱۰۰

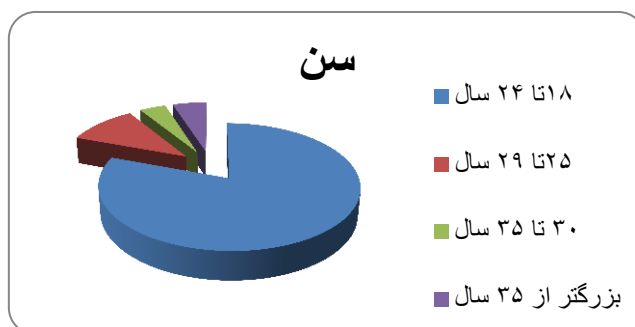




### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رده سنی

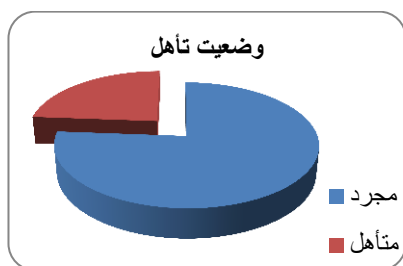
بررسی توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب رده سنی نشان می دهد ۸۰/۶ درصد بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۱۰/۵ درصد بین ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳/۹ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۵ درصد بزرگتر از ۳۵ سال می باشند.

سن	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱۸ تا ۲۴ سال	۲۴۷	۸۰/۶	۸۰/۶
۲۵ تا ۲۹ سال	۳۶	۱۰/۵	۹۱/۱
۳۰ تا ۳۵ سال	۱۳	۳/۹	۹۵
بزرگتر از ۳۵ سال	۱۷	۵	۱۰۰



### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

۷۶/۲ درصد مجرد و ۲۳/۸ درصد پاسخگویان متأهل می باشند.

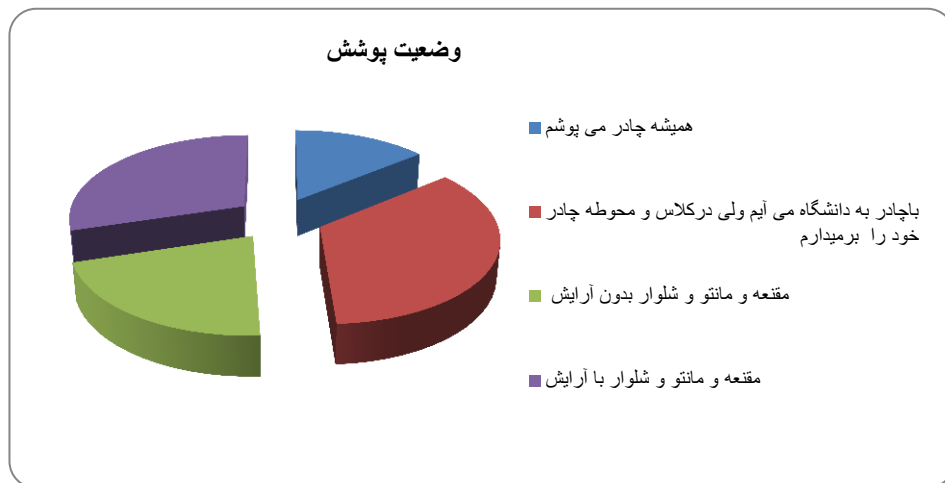


وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
مجرد	۲۶۰	۷۶/۲	۷۶/۲
متأهل	۸۰	۲۳/۸	۱۰۰

### توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت فعلی پوشش در دانشگاه

بررسی وضعیت پوشش دانشجویان در دانشگاه بیانگر آن است که ۴۹/۱ درصد از پوشش چادر استفاده می کنند اما ۳۵ درصد آنها با توجیه دخترانه بودن دانشگاه در محوطه و کلاس درس از چادر استفاده نمی کنند. همچنین از بین افرادی که با پوشش مانتو و مقنعه و شلوار به دانشگاه می آیند ۲۱/۱ درصد ساده و بدون آرایش و ۲۹/۷ درصد با آرایش در دانشگاه حاضر می شوند.

وضعیت پوشش	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
همیشه چادر می پوشم	۴۸	۱۴/۱	۱۴/۱
با چادر به دانشگاه می آیم ولی در کلاس و محوطه چادر خود را برمیدارم	۱۱۹	۳۵	۴۹/۱
مقنعه و مانتو و شلوار بدون آرایش	۷۲	۲۱/۱	۷۰/۲
مقنعه و مانتو و شلوار با آرایش	۱۰۱	۲۹/۷	۹۹/۹



بررسی آمار استنباطی

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	علل عدم استفاده از حجاب میزان توافق خود را با جملات زیر مشخص فرمایید.	
۱۰/۱	۲۰/۹	۱۸/۵	۲۸/۲	۲۲/۹	به میزان کافی با فلسفه حجاب آشنایی ندارم.	۱
۲۰/۸	۳۲/۳	۱۶/۱	۱۶/۸	۱۴/۱	با وجود آشنایی با فلسفه حجاب لزوم آن را باور ندارم.	۲
۹/۵	۱۰/۵	۲۵/۴	۳۲/۳	۲۲/۳	خانواده ام مقید به حجاب اسلامی نیستند.	۳
۱۲/۷	۲۸/۸	۳۲/۳	۱۶/۱	۱۰/۱	با الگوگیری از مادرم لباس می پوشم.	۴
۱۴/۴	۲۵/۴	۲۰/۹	۲۵/۴	۱۳/۸	انتظامات در رعایت حجاب توسط دانشجویان نقشی ندارد.	۵
۱۶/۸	۲۲/۹	۱۱/۷	۲۳/۲	۲۵/۴	مقررات پوشش و حجاب وضع شده توسط دانشگاه برایم اهمیت ندارد.	۶
۴۸/۵	۳۲	۸/۸	۵	۵/۷	نوع برخورد کارکنان انتظامات با دانشجویان در رعایت حجاب دانشجویان مؤثر است.	۷
۵	۷	۲۰/۹	۳۲/۱	۳۵	در مدل لباسهای خود از برنامه های تلویزیون ملی الگو می گیرم.	۸
۲۵/۴	۲۸/۸	۱۱/۷	۲۰/۹	۱۳/۲	در مدل پوشش و آرایش خود از ماهواره الگو می گیرم.	۹
۱۱/۷	۲۵/۴	۱۶/۱	۳۲/۶	۱۴/۱	برای انتخاب آرایش و مدل لباسهایم از اینترنت کمک می گیرم.	۱۰
۲۹/۹	۳۲/۶	۲۰/۹	۱۴/۴	۲/۳	برای انتخاب پوشش و آرایش خود از مد های رایج در بین جوانان در جامعه تبعیت می کنم.	۱۱
۴/۱	۱۷/۶	۴۱/۱	۱۶/۱	۲۰/۹	خود را به اندازه کافی زیبا نمی دانم و برای زیبا نمودن خود آرایش می کنم.	۱۲
۲۸/۸	۳۲	۲۳/۵	۱۱/۷	۴/۱	نوع لباس و میزان پوشش خود را با توجه به سایر همسالان، همکلاسیها و دوستان خود تعیین می کنم.	۱۳
۱۲/۹	۲۸/۸	۲۳/۲	۲۰/۱	۱۵	به دنبال پیروی از مدل های متنوع غربی هستم.	۱۴
۷	۱۶/۱	۲۳/۵	۲۰/۹	۳۲/۶	برای لجبازی با والدین خود آرایش می کنم.	۱۵

۱۷/۶	۱۶/۱	۲۵/۸	۲۸/۸	۱۱/۷	برای اعلام مخالفت با مسئولین دانشگاه با پوشش و آرایشی برخلاف مقررات دانشگاه، در کلاسهایم حاضر می شوم.	۱۶
۲۵/۴	۳۲/۶	۲۰/۹	۱۴/۱	۷	برای جلب توجه اساتید خود آرایش می کنم.	۱۷
۹/۵	۱۱/۷	۳۲/۶	۲۸/۸	۱۷/۴	خانواده ام بر پوشش و آرایش من نظارتی ندارند و هرطور که بخواهم در جامعه ظاهر می شوم.	۱۸
۵	۱۴/۱	۲۷	۲۳/۲	۳۰/۵	برای جبران ناکامی های مالی و سرپوش گذاشتن بر وضعیت بد اقتصادی خانواده ام از دیدگاه دوستان و همکلاسی ها، از مدل های جدید لباس و آرایش استفاده می کنم.	۱۹
۲۲/۹	۲۸/۸	۲۰	۱۶/۱	۱۱/۷	با استفاده آرایش و لباس های مد روز احساس ارزشمندی می کنم.	۲۰
۲۱/۱	۲۲/۶	۲۴/۱	۱۵	۱۷/۳	حجاب را دوست ندارم چون همیشه آنرا به زور به من تحمیل کرده اند.	۲۱
۲۲/۹	۳۰	۳۰/۵	۱۶/۱	۲	رعایت نکردن حجاب و استفاده از آرایش را اقتضای سن و سال خود می دانم.	۲۲
۳۲/۶	۲۷	۲۲/۲	۱۳/۲	۵	حجاب را مانع فعالیتهای اجتماعی و اشتغال زنان می دانم.	۲۳

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	علل استفاده از حجاب میزان توافق خود را با جملات زیر مشخص فرمایید.
۳۸/۵	۳۰/۵	۱۶/۱	۷/۶	۷/۳	چون دستور دین است.
۱۶/۱	۲۵/۴	۳۲/۶	۱۴/۱	۱۶/۱	با حجاب احساس ارزشمندی می کنم.
۱۶/۱	۱۱/۷	۲۲/۹	۲۸/۸	۲۰	چون حجاب را دوست دارم و در آن احساس آرامش می کنم.
۳۲/۶	۲۸/۸	۱۷/۴	۱۱/۷	۹/۵	برای در امان بودن از نگاه نامحرمان از حجاب استفاده می کنم.
۱۷/۶	۴۱/۱	۴/۱	۲۰/۹	۱۶/۱	احساس می کنم جامعه ای که پوشش اسلامی

					توسط اکثریت افراد رعایت شود سالم تر است.
۱۴/۴	۲۵/۴	۲۰/۹	۲۸/۴	۱۰/۸	۶ با رعایت حجاب به حفظ بنیان خانواده ها کمک می کنم.
۱۷/۶	۴۱/۱	۲۰/۹	۱۶/۱	۴/۱	۷ به زور خانواده ام از حجاب استفاده می کنم.
۱۲/۷	۳۲/۳	۲۸/۸	۱۷/۱	۹/۱	۸ از اساتید خود الگو می گیرم.
۳۵/۶	۲۸/۸	۱۴/۴	۱۱/۷	۸/۵	۹ به دلیل احساس ناامنی در اجتماع از حجاب استفاده می کنم.
۲۲/۹	۲۸	۳۲/۵	۱۴/۱	۴/۵	۱۰ بر حسب عادت حجاب خود را رعایت می کنم.
۲۲/۹	۲۵/۳	۲۷/۵	۱۴/۱	۱۰/۲	۱۱ به تقلید از مادرم از حجاب استفاده می کنم.
۱۵/۵	۱۹/۵	۲۹/۱	۲۸/۶	۷/۳	۱۲ از فلسفه حجاب اطلاع دارم و با اعتقاد عمیق به آن، از حجاب اسلامی تبعیت می کنم.
۷	۱۴/۱	۲۰/۹	۳۲/۶	۲۵/۴	۱۳ اساتید به دانشجویانی که محجب هستند بیشتر توجه می کنند و آنها را تشویق می نمایند.
۱۲/۷	۲۸/۸	۳۲/۳	۱۶/۱	۱۰/۱	۱۴ من حجاب اسلامی را به انتخاب و اختیار خود می پوشم و در این کار هیچ اجباری متوجه من نیست.
۴/۱	۱۱/۷	۹/۵	۱۴/۸	۵۹/۹	۱۵ اجباری نمودن چادر در دانشگاه کار درستی است.
۲۰/۹	۲۷/۳	۲۶/۵	۱۴/۱	۱۱/۱	۱۶ در مورد پوشش اسلامی خود، با خانواده ام هم عقیده هستم.
۱۶/۱	۳۵	۱۳/۹	۳۰	۵	۱۷ در محیط دانشگاه، به دلیل وجود قوانین و مقررات خود را ملزم به رعایت حجاب و عدم استفاده از هرگونه آرایش می دانم.

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش از ۳۴۰ دانشجوی دختر درباره عوامل برانگیزاننده و بازدارنده گسترش فرهنگ حجاب پرسش شد. از این تعداد ۱۴/۱ درصد همیشه و ۳۵ درصد در مسیر رفت و آمد خود از خانه تا دانشگاه از چادر استفاده می کنند و در طیف مخالف ۲۹/۷ درصد با پوشش مانتو و شلوار و مقنعه و دارای آرایش در دانشگاه حاضر می شوند.

فرضیه اول: الگوگیری گروه های همسالان، خانواده و مدهای رایج در جامعه در وضعیت حجاب نقش دارد.

مقایسه میانگین نمره نقش الگوگیری در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عامل الگوگیری	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
الگوگیری از گروه همسالان و دوستان، خانواده، مدهای جامعه	۳/۹	۰/۴۶	۰/۰۴۷	۷/۴۹۳	۳۳۹	۰/۰۰۰

در حالیکه فقط حدود ۳۲ درصد کاملاً از فلسفه حجاب آگاهی دارند، ۴۱ درصد از مادران خود الگو می گیرند و ۵۰/۹ درصد بر حسب عادت حجاب خود را رعایت می کنند. اما نمی توان تأثیر گروه همسالان و چشم و هم چشمی را در بین جوانان نادیده گرفت. چنانچه نتایج پژوهش عنایت، علی پور و بی بی کبادی نیز نشان داده است، زیرا ۶۰/۸ درصد ابراز نموده اند که تحت تأثیر دوستان خود و ۶۲/۵ درصد با پیروی از مدهای رایج در جامعه پوشش و آرایش خود را انتخاب می کنند و متأسفانه ۲۰ درصد خانواده ها مقید به رعایت حجاب اسلامی نیستند و ۲۱/۲ درصد خانواده ها هیچ نظارتی بر وضعیت پوشش و آرایش دختران خود ندارند. که این نتیجه نتایج پژوهش ملباشی، کاظمی، نجفی را تأیید می کند.

مقایسه میانگین نمره نقش رسانه ها در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عامل رسانه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
تأثیر رسانه ها (ماهواره، رسانه ملی، اینترنت)	۴/۱	۰/۶۷	۰/۰۵۲	۵/۲۳۵	۳۳۹	۰/۰۰۰

با نگاهی به وضعیت تأثیرگیری دانشجویان از رسانه‌ها متوجه نقش تأثیرگذار ماهواره در وضعیت حجاب دانشجویان خواهیم شد. بطوریکه در این پژوهش ۱۲ درصد پاسخگویان از تلویزیون ملی، ۵۴/۲ درصد از ماهواره، ۳۷/۱ از اینترنت الگو می‌گیرند. این نتیجه نتایج پژوهش عنایت، علی پور و بی بی کبادی در خصوص تأثیر رسانه را تأیید نمی‌کند. با وجود آنکه ۵۱/۱ درصد دانشجویان وجود قوانین و مقررات مربوط به حجاب را در دانشگاه پذیرفته و پایبند به رعایت آن هستند، ۳۳/۷ درصد نیز با رعایت نکرد حجاب اسلامی به نوعی مخالفت خود را با این مقررات نشان می‌دهند. در این زمینه باید به نقش انتظامات و نوع برخورد آنها توجه ویژه ای مبذول گردد. زیرا ۳۹/۸ معتقد بودند که انتظامات نقش زیادی در رعایت حجاب از سوی دانشجویان ندارد. اما ۸۰/۵ درصد پاسخگویان نحوه ی برخورد انتظامات را تأثیرگذار دانسته اند. این نتایج با نتایج پژوهش سبزیان موسی آبادی همخوانی دارد.

مقایسه میانگین نمره نقش عوامل درونی در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عوامل درونی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل درونی (درمان بودن از نگاه نامحرمان، احساس ناامنی، احساس آرامش، لجبازی و مخالفت)	۳/۱	۰/۳۳	۰/۰۴۰	۳/۲۶	۳۳۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول نشانگر آن است که t عوامل درونی از t جدول بیشتر است. بنابراین عوامل درونی در حد متوسط بر وضعیت حجاب نقش دارد.

۶۹ درصد دانشجویان برای رعایت دستورات دین، ۶۱/۴ درصد از دانشجویان برای در امان بودن از نگاه نامحرمان، ۶۴/۴ درصد به دلیل احساس ناامنی در جامعه و ۲۷/۸ درصد به

دلیل داشتن احساس آرامش و ۴۱/۵ به دلیل احساس ارزشمندی از حجاب اسلامی استفاده می کنند. ۳۹/۸ درصد رعایت حجاب را برای حفظ بنیان خانواده مفید دانسته اند. از سوی دیگر ۵۳/۱ درصد به لزوم حجاب باور ندارند و ۵۲/۹ درصد رعایت نکردن حجاب را اقتضای سن و سال جوانی می دانند. ۴۳/۷ درصد حجاب را تحمیلی می دانند. ۲۳/۱ درصد برای لجبازی با والدین خود از رعایت حجاب اسلامی سرباز می زنند. ۵۱/۷ درصد با پیروی از مدها احساس ارزشمندی می کنند و نیز ۴۱/۷ درصد به دنبال تبعیت از غرب هستند.

مقایسه میانگین نمره نقش عوامل فرهنگی در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عوامل فرهنگی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
تأثیر دین، احساس ارزشمندی، هنجارهای جامعه، قوانین	۲/۹	۰/۵۴	۰/۰۵۳	۲/۲۱۸	۳۳۹	۰/۰۰۰

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر رفتار حجاب دانشجویان اساتید هستند. لازم است توجه شود ۴۵ درصد دانشجویان در نحوه پوشش خود از اساتید الگو می گیرند. ۵۸ درصد برای جلب توجه استادان خود آرایش می کنند ولی فقط ۲۱/۱ درصد آنها معتقدند که اساتید به دانشجویانی که محجب هستند بیشتر توجه می کنند و آنها را تشویق می نمایند.

مقایسه میانگین نمره نقش اساتید در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عامل اساتید	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
	۲/۹۹	۰/۶۵	۰/۰۴۰	۰/۸۳	۳۳۹	۰/۰۰۰



بر اساس یافته های جدول عامل اساتید  $t$  محاسبه شده از  $t$  جدول کوچکتر بوده لذا نقش اساتید بر وضعیت حجاب کمتر از حد متوسط می باشد.

با توجه به درآمد خانواده و شغل پدر ۲۰ درصد دانشجویان زیر خط فقر هستند. و بین نظرات این افراد همبستگی مثبتی برای جبران ناکامی های مالی و سرپوش گذاشتن بر وضعیت بد اقتصادی خانواده از دیدگاه دوستان و همکلاسی ها نشان داده شده است. بدین معنی که افرادی که به لحاظ اقتصادی در وضعیت بدتری قرار دارند برای بهتر نمایش دادن وضعیت اقتصادی خود به دوستان و همکلاسی ها بیشتر از سایرین از آرایش و مدهای رایج در جامعه پیروی می کنند.

مقایسه میانگین نمره نقش عوامل اجتماعی - اقتصادی در وضعیت حجاب در دانشگاه با میانگین فرضی ۳

عوامل اجتماعی اقتصادی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	$t$	درجه آزادی	سطح معناداری
	۳/۳۵	۰/۶۴	۰/۰۴۷	۷/۴۹۳	۳۳۹	۰/۰۰۰

مطابق یافته های این جدول با احتمال بیش از ۹۹ درصد  $t$  محاسبه شده از  $t$  جدول بزرگتر بوده. بنابراین نقش عوامل اجتماعی در وضعیت حجاب بیش از حد متوسط می باشد.

## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. نظریه در جامعه شناسی. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول. ۱۳۷۵. تهران.
۲. بستان (نجفی)، حسین. اسلام و جامعه شناسی خانواده. چاپ چهارم. چاپ سبحان. ۱۳۸۸. قم.
۳. یوشهری، جعفر. کتاب خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان. «بررسی ویژگیهای حجاب خواهران در دانشگاه تهران و آماده سازی چک لیست حجاب». ۱۳۷۶. دانشگاه تهران.
۴. بهداروند، محمد مهدی. ماهنامه پیام زن، «رابطه حجاب با تکامل اجتماعی». سال یازدهم، فروردین ۱۳۸۱، شماره ۱۲۱.
۵. پور رحیمی مرنی، مریم؛ سلیمانی، علی؛ مهدویان، علیرضا؛ بزمی. نعیمه. قابل دسترس در سایت <http://www.rasekhoon.net/Article/Show-55840.aspx>. «بررسی رابطه احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روان». ۱۳۸۷.
۶. آزاد ارمکی، تقی. جامعه شناسی خانواده ایرانی. انتشارات سمت، چاپ اول. ۱۳۸۶. تهران.
۷. پهلوان، چنگیز. فرهنگ شناسی. نشر قطره. ۱۳۸۲. تهران.
۸. حقگو، ناصر. مجموعه مقالات همایش دانشجو و عفاف. «بررسی علل انتخاب حجاب برتر». ۱۳۷۵. دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
۹. حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی. «سبک زندگی و پوشش زنان». سال اول، ۱۳۸۷. شماره ۱: صص ۶۵-۹۲.
۱۰. دهاقین، وحیده. بررسی ارتباط نوع پوشش با سلامت روان جهت گیری مذهبی، ویژگی های شخصیتی و عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان دختر دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و جهاد دانشگاهی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، ۱۳۸۷. دانشگاه تهران.
۱۱. رضاییان، علی. ۱۳۸۴. مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. سارو خانی، باقر. جامعه شناسی ارتباطات. نشر اطلاعات. ۱۳۸۸. تهران.
۱۳. سبزیان موسی آبادی، علیرضا. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، «بررسی عوامل مؤثر بر پوشش اسلامی در دانشگاه». سال سوم شماره هفتم. ۱۳۸۷: صص ۱۸۵-۲۲۳.
۱۴. طیبی، ناهید. ماهنامه پیام زن، هرم عفاف از حیا تا حجاب. مرداد ۱۳۸۵، شماره ۱۷۳: صص ۶-۱۴.
۱۵. عنایت، حلیمه و علی پور، فاطمه و بی بی کبادی، فاطمه. گزارش پژوهش «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر حجاب و گرایش به حجاب دختران دانش آموز دبیرستانی شهر شیراز». ۱۳۷۶. کمیسیون امور بانوان فارس. قابل دسترس بر سایت مدارک علمی ایران.

۱۶. کوزر ال. زندگی و اندیشه بزرگان اجتماعی. ترجمه محسن ثلاث؛ چاپ نهم، انتشارات علمی. ۱۳۸۰. تهران.
۱۷. مردانی، صدیقه. مجموعه مقالات عفاف و حجاب. «زن در صدف حجاب». ۱۳۸۰.
۱۸. ملاباشی، حورا و کاظمی، سیدفاطمه و نجفی، مصطفی. کتاب چکیده مقالات سومین همایش مشاوره از دیدگاه اسلام. «تعیین عوامل برانگیزاننده و بازدارنده گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاه». ۱۳۸۱. معاونت پژوهشی نهاد و نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و پژوهشکده حوزه و دانشگاه. صص ۱۲۳-۱۲۴.
۱۹. هماهی، عباس. مجموعه مقالات همایش دانشجو و عفاف. «عفاف در آینه قرآن و حدیث با نگاهی بر روابط اجتماعی». ۱۳۸۸. صص ۲۳۶-۲۴۸.
۲۰. هیچینز، درک. کی. کاربرد اندیشه سیستمی. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی. ۱۳۷۶. تهران.
21. Mikheeva, Yana. Ezine Articles. «Psychology of Clothing ».2006 .available from <http://ezinearticles.com/?Psychology-of-lothing&id=166295>.

## سیمانگاری و کالبدینه سازی عفاف و پاکدامنی در نگاره های دینی

### لیلا کمالی بانیانی

دبیر آموزش و پرورش کامفیروز

### مهدی رضا کمالی بانیانی

دانشجوی دکتری (Phd) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

### مجید رضا کمالی بانیانی

مربی دانشگاه پیام نور

آدرس پستی: استان فارس، فسا، خیابان فلسطین، کوچه شماره ۳، کوی شهید شیدایی، پلاک ۲۲، منزل کمالی.

شماره تلفن: ۰۹۱۷۶۹۹۲۵۷۷ - ۰۹۳۶۸۴۹۵۰۸۷

کد پستی: ۷۴۶۱۷۹۳۳۹۴

## چکیده

بدون تردید پوشش اسلامی برای زنان، از ضروریات دین مقدس اسلام است، چنان که آیات متعددی از قرآن بر این مطلب دلالت دارند. از طرفی مسأله حجاب یکی از جنجالی ترین مسائل دنیای دیروز و امروز است، به ویژه طرفداران اعلامیه حقوق بشر، که با عنوان کردن «تساوی حقوق زن و مرد»، پوشش را برای زن دست و پاگیر دانسته، و آن را برخلاف آزادی قلمداد و به عنوان حمایت از حقوق زن، مطرح می نمایند، این مسأله را بسیار حساس نموده است، در صورتی که پوشش اسلامی را باید در مجموع ابعادش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، که با توجه به مجموع، به نفع زن و جامعه است، و نه تنها دست و پاگیر نیست و تضادی با آزادی ندارد، بلکه زنان در عین حفظ پوشش اسلامی، می توانند برترین فعالیت های اجتماعی را داشته باشند، و در چارچوب آزادی های صحیح و مقبول، از حق آزادی خود بهره مند گردند، زیرا حجاب در اسلام به معنای پرده نشینی نیست، بلکه به معنای پوششی معقول برای جلوگیری از فساد، و حفظ کرامت زن است، و ما امروز در جمهوری اسلامی ایران می بینیم که زنان در همه صحنه ها و عرصه ها، از مجلس قانون گذاری گرفته تا آموزش و پرورش و بیمارستان ها و ادارات، می توانند در چهارچوب حفظ

پوشش اسلامی، به کار و تلاش پردازند، بی آن که حجاب اسلامی برای تلاش‌های آنان، مشکلی ایجاد کند، و حق آزادی صحیح آنها را تضییع نماید. ازین رو مسئله عفاف یکی از اساسی‌ترین مسائل جهان امروزی است. در این مقاله سعی می‌شود به شاخصه‌هایی از این مهم اشاره گردد.

**کلید واژه:** فرهنگ، آموزه‌های دینی، عفاف،

## درآمد

بدون تردید فرهنگ عفاف و پاکدامنی یکی از ضروری ترین نیازهای سلامت یک جامعه و یا به تعبیری شاخص اندازه گیری سلامت، رشد و بالندگی آن به حساب می آید. نگارنده در این نوشتار بحث عفاف را از حیث فردی و اجتماعی در ابعاد گوناگون مورد بررسی و واکاوی قرار داده است که اینک با هم آن را از نظر می گذرانیم.

## اگزیتانس وجودی فرهنگ

در آموزه های دینی عفاف یکی از ارزش و فضیلت های مطلوب و زیربنای قرار گرفته و ستوده شده است زیرا عفاف یک مسئله فطری است.

و فطرت همه انسان ها پاک است مگر اینکه بعدا آلوده شود که رسول خدا(ص) در این راستا فرمودند: هیچ نوزادی نیست جز آن که بر فطرت پاک توحید به وجود می آید، این پدر و مادرانند که او را منحرف و آلوده نموده یهودی و نصرانی و مجوسی بار می آورند.» و فطرت انسان ها همیشه آنان را زیبا، پاک، نورانی و با معنویت پیش می برد.

**عفاف** در لغت خویشتن داری از کشش های نفسانی است، عفاف به بزرگی بشریت است. به عبارت دیگر عفاف یک مکتب خاص نیست بلکه یک فضیلت انسانی است - که در درون انسان ها قرار گرفته و در رفتار و کردارها آشکار می شود، عفاف به بلندای عزت و اقتدار انسان هاست، عفاف یک برنامه عقلی است، عفاف مدیریت عقل بر نفس و حاکمیت عقل بر او در چارچوب های پذیرفته شده فطری است. فرهیختگان فرهنگ و ادب و صاحبان لغت این چنین بیان نموده اند: راغب اصفهانی در مورد واژه عفاف می گوید: «هرگاه نفس انسانی به درجه ای برسد که شهوات نفسانی و تمایلات حیوانی و غیرشایسته بر او چیره نشود چنین نفس را عفاف گویند و صاحب آن را اهل عفت می نامند. پس عفت درونی همیشه خود را به صورت شرم و حیاء منطقی و مثبت در بیرون نشان می دهد. نیز عقیف یعنی:

پاکدامنی، پارسایی، نجیب، رفتار عاری (از هرزگی، عاری از دریدگی) پاکیزگی نیز عف: کف و امتنع عما لا یحل اولاً یجمل فهو عقیف.

و از طرف دیگر **عفاف** یک مسئله اخلاقی است ملا احمد نراقی در جلد دوم، صفحه ۱۷ کتاب جامع السعادات آن را چنین بیان می کند: عفت فضیلتی است که انسان مؤمن باید آن را به دست آورد و آن را در وجود خود ایجاد و تقویت کند زیرا فطرت و عقل سالم او را می طلبد و خود را با آن مزین می کند و می خواهد جان و وجود انسان را در فرمان او قرار دهد و غرائز دیگر را با او مهار و مدیریت صحیح نماید. (باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲).

شهید علامه مرتضی مطهری (ره) (**عفاف** را ضامن امنیت انسان ها دانسته و چنین می گوید: «وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب **عفاف** و **پاکدامنی** را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض او شوند.» که خداوند باری تعالی در قرآن می فرماید: «و ان یتعففن خیر لهن والله علیم حکیم.» که استاد شهید می گوید: از این آیه می توان یک قانون کلی را استنباط نمود و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب **عفاف** و ستر را مراعات کند پسندیده تر است و رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است. این اصل کلی اخلاقی را نباید از یاد برد.» در نتیجه می توان گفت این خصلت انسانی یکی از دلایل اصلی پوشش انسان هاست. لازم به ذکر است برای نهادینه کردن **عفاف** باید همه دستگاه های اداری، اجتماعی، فرهنگی، خانواده، متولیان، مربیان، معلمان، مبلغان و صاحبان جراید سمعی و بصری و صاحبان قلم و تریبون مشارکت داشته و به طور جدی به صورت مستمر و هدفمند توجه جدی داشته باشند و در دو عرصه سنتی و مدرن **فرهنگ عفاف** را نهادینه کنند و عمق بخشند.

مقام معظم رهبری در این مورد می فرماید: اسلام به مسئله **عفاف** زن اهمیت می دهد. البته **عفاف** مرد هم مهم است» معظم له دلیل بی بندوباری های زن در جامعه غرب را نبودن

همین عفاف دانسته و فرمودند: در غرب به خاطر این که مسئله عفت زنان، مورد اهتمام قرار نگرفت، کار به این بی بندوباری ها کشید. نباید بگذارند عفت زن - که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی اعتنایی قرار بگیرد. داشتن عفاف انسان ها را از کارهای پست و بد و ناهنجاری جامعه حفظ می کند که امیر سخن و مجسمه خوبی ها علی (ع) فرمودند: «ال عفاف یصون النفس و ینزهها عن الدنایا - عفاف بازدارنده نفس ها و پاک کننده از پلیدی ها و پستی هاست.»

### ورجاوندی و فرهمند بودن

انسان های با شرافت و با دیانت همیشه در افق های بلند زندگی می کنند هم شجاعت و هم شهامت و کارهای عقلانی انجام داده و از کارهای پست دامن شان را دور نگاه می دارند و به بهترین خصلت ها آراسته می شوند مرد عمل صالح امیر موحدان در این مورد فرمودند: «علیک بال عفاف فانه افضل شیم الاشراف - بر تو باد عفاف و پاکدامنی که همانا از بهترین و برترین خصلت انسان های شریف است.» نیز فرمودند: «ال عفاف افضل شیمه - عفاف بهترین فضیلت است.» که مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند: «نبايد بگذارند عفت - که بهترین عنصر برای شخصیت زن است مورد بی اعتنایی قرار گیرد» امام چهارم (ع) عفت را ستوده و فرمودند: «ای الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج کدام سعی و تلاش برتر از پاکی شکم و شرمگاه انسان است.»

### شایسته ترین نیایش

عفاف به خاطر قداست و معنوی بودنش انسان را به خدا نزدیک می کند و هر انسانی و زنی که عفاف داشته باشد و به خدا نزدیک باشد ارزشش زیاد می شود که فرزند عزیز زهرا ی اطهر مقام معظم رهبری فرمودند: «ارزش حضرت فاطمه زهرا (س) به عبودیت و بندگی خداست.»



امام عابدان علی (ع) عفاف را از برترین عبادت‌ها دانسته و فرمودند: «افضل العباده العفاف- برترین عبادت عفاف است» و شکافنده علم و دانش باقرالعلوم (ع) در این مورد فرمودند: «ما عبدالله بشیء افضل من عفه بطن و فرج- خداوند عبادت نشده است به چیز برتر از عفت شکم و شرمگاه» پیامبر اکرم (ص) انسان عقیف را عابد نامیده و فرمودند: «من عف عن محارم الله كان عابداً- هر کس از محرمات خدا دوری نماید عابد است.» (فروغی، گلستان، سعدی، ص ۵۸)

### فراندیش‌ترین خوبیها

برخی از کارها به اندازه ای مهم است که ریشه و اول و منشأ سایر کارهای بد یا خوب می باشد مانند حب دنیا که رأس همه بدیهاست و یا دروغ که رأس همه خطاها و انحرافات است در خوبی نیز این برنامه وجود دارد همانند: تقوی، راستی و... رأس خوبیهاست یکی از اینها عفاف است که درآموزه های دینی رأس هر کار خیر قرار گرفته که صدیق اکبر علی (ع) در این راستا فرمودند: «العفه رأس کل خیر- عفت رأس همه کارهای خوب است» ۱۳ این مسأله به اندازه ای اهمیت دارد که هرگاه باری تعالی خواست به کسی خیر دهد او را عقیف می کند.

امام علی (ع) در این مورد فرمودند: «اذا آرادالله بعبد خیرا عف بطنه و فرجه عن الحرام - هنگامی که خداوند متعال خواست به بنده ای خیر رساند شکم و شرمگاه او را از حرام پاک نگاه می دارد.» که در تاریخ برای انسانهای عقیف نمره های خوبی ثبت شده است. از آنان می توان حضرت یوسف و ابن سیرین را نام برد که از مصداقهای بارز این مسأله هستند که عقیف ترین شخصیت جهان بشریت سیدالانبیاء - محمد مصطفی (ص) عفت را یکی از برترین و زیباترین زینت انسانها دانسته و فرمودند: «ما زان الله العباد بزینة افضل من زهاده فی الدنيا و عفاف فی بطنه و فرجه - خداوند زینت نداده بنده ای را به زینتی برتر از تقوی در دنیا و از عفاف در شکم و شرمگاه»

### سبب سازِ ستواری زنان

**عفاف** در همه اوصاف گفتاری و کرداری و به همه مردان و زنان جامعه ضروری است و نقش مهمی در فرهنگ جامعه دارد. اگر یک قشر و یا یک جنس از جامعه آن را رعایت و دیگری رعایت نکند تعادل جامعه به هم می خورد و آنطوری که باید جامعه مطلوب باشد نخواهد بود. اما در این مساله **عفاف** زن بیشتر سفارش شده است زیرا با سلامتی و متانت بیشتر مناسب می باشد.

رهبر انقلاب در این راستا فرموده اند: عفت زن مایه احترام به شخصیت اوست. این مساله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه **عفاف** در این بین سالم نگاه داشته شود. اسلام به مساله **عفاف** زن اهمیت می دهد. البته **عفاف** مرد هم مهم است **عفاف** مخصوص زنان نیست مردان هم باید عقیف باشند. منتهی چون در جامعه مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.

نبی مکرم اسلام در این راستا فرمودند: «ال عفاف زینه النساء - عفاف زینت زن است.» یکی از دانشمندان بنام «ژرژهربرت» در مورد تفاهم زن و مرد در خانواده گوید: «برای شوهر دانش لازم است و برای زن نجابت.»

زن که پشتوانه خوبی برای منزل و شوهر و جامعه است زنی است که با نجابت و نیک سیرت باشد که در این راستا یکی از دانشمندان «دوتر کوپل» می گوید: مرد در زندگی خود تکیه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجه نیک سیرت و با اخلاق نمی تواند به دست آورد. در تمام گفتارها و کردارها باید بانوان از اسوه **عفاف** و عصمت دختر گرامی پیامبر اسلام و کوثر قرآن حضرت فاطمه زهرا (س) الگوگیری کنند که سرور همه بانوان دوجهان است که امام راحل (ره) در این راستا فرمودند: اگر شما زنها هم و زنهای ما همه، کشور ما همه پذیرفتند که امروز روز زن است؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن کمال و آن وضعیت را دارد،

پذیرفتید که روز زن است بر عهده شما مسائل بزرگی [خواهد آمد]؛ از قبیل مجاهدت که حضرت مجاهده داشته است، حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است با حکومت های وقت، محاکمه می کرده است حکومت های وقت را، شما باید اقتدا به او کنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است؛ یعنی روز تولد این حضرت روز زن است.

زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفافی که او داشته است و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آنها را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید، هر کس نپذیرفت، این در روز زن وارد نشده است و در این شرافت وارده نشده است.

### مَنَش و کُنَش این فرهنگ در بستر جامعه

جامعه را افراد تشکیل می دهند فرهنگ تک تک افراد جامعه در آداب و رسوم و مسلک و روش هر چه باشد فرهنگ عمومی جامعه را رقم می زند. دومین پایه جامعه خانواده ها می باشند که به آن جامعه کوچکتر نیز گفته می شود. در آموزه های دینی به این پایه ها توجه خاصی می شد و برای آنان دستورات و احکام و برنامه های گفته شده است خداوند متعال در مورد قیام و حرکت به سوی خود را از فرد و گروه شروع می کنند که فرمودند: «انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تفکروا» - شما را به یک چیز اندرز می دهم و آن آنکه دو نفر یا یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیاندیشید «خداشناسی را و تعلیم و تربیت و پاکی و عفت را در خانواده باید نهادینه کرد که نقش پدر و مادر در این مورد بسی مهم و اثرگذار است، زیرا خانواده نخستین مدرسه ای است که کودکان اخلاق و ادب و پاکی و پاکیزگی و عفاف را در کلاس رفتاری پدر و مادر می آموزد. خدای مهربان به مؤمنین دستور می دهد خود و اهل خانواده شان از بدی گناه که آنان را به آتش

می کشد بر حذر کنند. در این زمینه فرمودند «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یومرون علامه مجلسی (ره) در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید: معنی آیه مبارکه قوا انفسکم و اهلیکم نارا، یعنی:

۱- بدعائهم الی طاعه الله- اهل خانواده را به اطاعت از خدا و انبیاء و اوصیا دعوت کنند.

۲- تعلیمهم الفرائض- واجبات دین را بر آنان بیاموزند

۳- نهیهم عن القبائح- آنان را از ارتکاب به گناهان نهی کنند. (سیف، ۱۳۷۹، ص ۶۴)

و حبهم علی افعال الخیر- آنان را به اعمال خیر و کارهای پسندیده تشویق و راهنمایی و وادار کنند. پدر و مادر که سرپرست و متولیان خانواده هستند اگر خود با عمل و گفتارشان این وظیفه مهم را انجام دهند که از سوی خدا به آن مأمورند. عفاف و نجابت و پاکی و پاکیزگی اخلاقی در جامعه تبلور پیدا می کند که امام ششم (ع) شیعیان جهان را در این مورد فرمودند: «اذا امرتموهن و نهیتموهن فقد قضیتما علیکم- وقتی که پدر و مادر فرزندان را به آنچه که عملش امر شده است امر کنند و از آنچه که از طرف خدا نهی شده است نهی کنند به وظیفه خود عمل نموده اند و چون عفاف و حجاب با فطرت و شاکله مادران و بانوان بیشتر مناسب است و تربیت فرزندان بویژه دختران که عفاف در حفظ شخصیت آنان بسیار مؤثر است وظیفه خطیری متوجه آنان است زیرا مادران هستند که بذر محبت و عفاف را در دل فرزندان می کارند و با خون دل آبیاری اش کرده و با حرارت و شوق پرورش داده و با نسیم مهربانی می شکوفاند.

امام خمینی (ره) در این مورد فرمودند: نقش زن در یک جامعه بالاتر از مرد است، برای اینکه زنان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند» هماهنگی و همسوئی در چارچوب قانون اساسی در بین

اعضاء محترم خانواده که پدر و مادر نقش اساسی را ایفا می کنند ضروری است زیرا سعادت و خوشبختی خانواده ها زمانی تأمین می شود که از هر نظر میان اعضاء آن خانواده تفاهم و دوستی برقرار باشد و به همین طریق در جامعه عمومی این روش باید نهادینه شود که هر مسئول فرهنگی، اجتماعی و... باید نقش خود را ایفا کنند. (صبور اردوبادی، ۱۳۶۰، ص ۶۸).

جامعه ای که عفاف در آن باشد که نمودش در گفتار و کردار بویژه با حجاب و آن هم حجاب برتر (چادر، لباس بلند) نمود پیدا می کند جامعه رشد یافته و پویا خواهد بود. مربی و جامعه شناس معصوم علی ابن ابیطالب (ع) فرمودند: «بال عفاف تزکوالاعمال - بوسیله عفاف و نجابت کارها پاکیزه شده و رشد پیدا می کند. جامعه با عفت و پاکیزگی خسارت ندارد و غنی ترین جامعه خواهد بود زیرا با برکت می باشد. امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «لا فاقه مع العفاف - با پاکدامنی و عفاف تنگدستی نیست» نیز فرمودند: «وعلیکم بلزوم العفه و الامانه فانهما اشرف ما اسررتم و احسن ما اعلمتم و افضل ما ادخرتم - بر شما باد ملازم پاکدامنی و امانتداری، چون آن دو شریف ترین کارهای پنهانی شما و بهترین اعمال آشکارتان و برترین پس اندازها و ذخیره هایتان می باشد.»

که امام همام عفاف را بهترین زیربنای بذرهای نهانی دانسته اند که با سبز شدن در جامعه به آن نشاط می دهد و با برکت ترین پس انداز حساب کرده که پشتوانه خوب و تقویت دهنده جامعه دانسته و بهترین ذخیره جامعه معرفی فرمودند که جامعه را مستقل نگه داشته و به خوداتکائی و خودباوری بشارت می دهد. (محمدی آشتیانی، ۱۳۷۳، ص ۶۲).

### سپندی و ارجمندی صاحبان آن

در سنجش و ارزش کالاهای خوب و صفات برجسته با ایمان کامل و مقام شهدا و ... ارزش گذاری می شود مثلا کسی که محب اهل بیت طهارت و عصمت باشند شهید از دنیا می رود و اگر کسی فلان کار را انجام دهد ثواب مجاهد فی سبیل الله را دارد همانند خوب

همسرداری بانوان اسلامی و یا تربیت سه دختر مادران را بهشتی می کند. در مورد انسان عقیف که می تواند گناه کند و زمینه گناه بر او آماده است همانند انتقام گرفتن، چشم چرانی کردن، حقی را ضایع کردن و ... اما خود را کنترل کرده و نجابت بخرج داده و گناه را مرتکب نمی شود و یا می توانست انتقام بگیرد اما اقدام نکرد و در مقابل اینها صبر و استقامت نمود از شیرینی و لذت آن چشم پوشی کرد و یا به تلخی آنها صبر نموده و به اجر و پاداش رزمنده و شهید راه اسلام می رسد که امیرالمومنین علی (ع) در این راستا می فرمایند: «ما المجاهد الشهيد في سبيل الله باعظم ممن قدر فعف لكاد العقیف ان يكون ملكا من الملائكة» - پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست، که قدرت برگناه دارد و آلوده نمی گردد، همانا عقیف پاکدامن، فرشته ای از فرشته هاست.»

چون انسان عقیف ایثار و گذشت دارد مطابق شخصیت و نجابت و متانت خود با افراد جامعه برخورد می کند و با این روش رضایت خداوند متعال را به دست می آورد و آن را به رضایت خود مقدم می دارد. نیز امام خیرشکن فرمودند: «من عف خف وزره و عظم عندالله قدره» - هر کس نجیب باشد گناهِش سبک و قدر و منزلت اش در پیشگاه خداوند خوبان بزرگ شود» ۲۵ که در این سخن گهربار عفاف سبب ارتقاء قدر و منزلت انسانها شمرده شده است.

عفت برای صاحب اش عزت و ارجمندی می آورد که امام خوبان علی (ع) فرمودند: «من اتحف العفه حالفه الغز» - به هر کسی عفت داده شد عزت و ارجمندی به او داده می شود.»

### خواسته پیام آور الهی

هر اندازه انسان دانش و آگاهی بیشتر داشته باشد خواسته هایش از خداوند متعال عمیق و منطقی و پرمحتوا خواهد بود به عبارت دیگر انسان فرهیخته و حکیم خواسته های حکیمانه می کند چه کسی از پیامبر اسلام (ص) که عقل کل بوده و تجلی اوصاف خداوندی است و به قول باری تعالی: و ما ينطق عن الهوى ان هو الا و حى يوحى

که همه گفتارش معصومانه است با عصمت و طهارت خدایی سخن می گوید زیرا خداوند متعال فرمودند: *انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا* آن سیدالانبیاء و اشرف کائنات در دعاها و خواسته هایش از خداوند متعال **عفاف** را خواستار شده و به درگاه ایزدمنان چنین عرض می نماید: *اللهم انی اسئلك الهدی و التقی و ال عفاف و الغنی*. ای خدای همانا از تو مسئلت دارم هدایت، پرهیزگاری، **عفاف** و بی نیازی را چون هرکسی وجودش عفیف باشد همه اوصاف اش و اخلاقش خوب خواهد شد وجودش ذی وجود و مفید و معطر به معنویت خواهد بود که ولی خدا علی بن ابیطالب (ع) در این باره فرمودند: *من عفت اطرافه حسنت اوصافه*. هر کس اطراف وجودش عفیف باشد اوصاف اخلاقی اش بهتر خواهد بود.

### نتیجه گیری

**عفاف**، حجاب و حیا از امور فطری انسان است. متداول بودن حجاب در میان ملل مختلف با آنکه دارای عقاید، مذاهب و شرایط جغرافیایی متفاوت بوده اند نشانگر آن است که تمایل به پوشش و حجاب امری فطری است.

تقید و حفظ و نگهداری امور فطری بر اساس آنچه خالق هستی مقرر کرده است، ضامن بقا، سعادت، سلامت و تکامل موجود واجد آن از جمله انسان است. اما انسان برخلاف همه موجودات به سبب داشتن اختیار و نیاز و خواست های متنوع روانی و جسمانی برای حفظ سلامت و بقای خود باید تعادلی مناسب بین خواست ها و نیازها برقرار کند اما از آنجا که او به جهت ضعف آگاهی نمی تواند میزان و شکل بروز نیازها و خواسته های خود را تشخیص دهد. بنابراین باید از قواعدی که از طرف آفریننده حکیم وضع شده است تبعیت کند. بنابراین با توجه به پژوهش انجام گرفته، بدیهی است که مسئله عفاف از مهمترین مسائل جامعه مدنی است و هر شخصی در جامعه کوچک خود (خانواده) و یا در جامعه بزرگتر از آن (اجتماع) ملزم به رعایت و پیروی از آن می باشند.

### منابع

۱. محمدی آشتیانی، علی، حجاب در ادیان الهی، انتشارات اشراق، ۱۳۷۳.
۲. صبور اردوبادی، احمد، نقش تربیتی عادت، انتشارات هدی، ۱۳۶۰.
۳. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
۴. فروغی، محمدعلی، گلستان سعدی.
۵. باقری، خسرو، تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.



## حجاب و الگوهای از حضرت فاطمه (س)

سیدمحمدجواد آزمون

باشگاه پژوهشگران جوان، مهندسی نفت بهره برداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

Email: Javad.Azmoon20@yahoo.com

### تقدیم:

به شفیعه‌ی روز جزا، دخترپاک پیامبر، همسر و همراز شجاع علی (ع)

مادر صبوری و بزرگواری، فاطمه زهرا (ع)

آنکه پرطراوت ترین دوران زندگی ام را برای

اتصال و جودش به جوانان خصوصاً خودم صرف کردم ...

### چکیده

خانواده به معنی عام، یا خانواده گسترده، عبارتند از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می برند. خانواده به معنی خاص، یا خانواده هسته ای، عبارتند از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنهاست که معمولاً با هم زندگی می کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار ظابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است. خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهرمنند شود. خانواده، با اینکه قوانین ما آن را تعریف نکرده و برای آن شخصیت حقوقی قائل نشده است، قدیمی ترین و مهمترین گروه اجتماعی است؛ چرا که یک گروه طبیعی است که از آغاز زندگی بشر وجود داشته است. مهمترین گروه است برای آنکه بدون آن زندگی در اجتماع متصور نیست. خانواده هسته ی مرکزی اجتماع است و نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می نهد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خود گذشتگی را در آن فرا می گیرد. خانواده کانونی برای حمایت از انسان است. کسانی که از حمایت خانواده برخوردار نیستند، بی پناهند و در معرض فساد و تباهی و بیهودگی قرار می گیرند. کودکانی که بدون خانواده بزرگ می شوند، دارای

کمیوهای عاطفی و اخلاقی فراوانی هستند. زن و مردی که از کانون گرم خانوادگی بی بهره اند اغلب با فساد و تیره روزی هم آغوش اند. خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش موثری ایفا می کند. به بیان دیگر رابطه ای نزدیک بین قدرت ملی و خانواده وجود دارد و سستی و تباهی خانواده ها انحطاط ملت را به دنبال می آورد. چنانکه ژوسران دانشمند بزرگ فرانسوی می گوید: «تاریخ به ما می آموزد که توانا ترین ملتها مللی بوده اند که خانواده در آن قوی ترین سازمان را داشته است».

بسیاری از مردها این ادعا را که ادیان جایگاهی ثانوی به زنها می دهد را رد می کنند. بارها شنیده ایم که گفته شده است زن و مرد «برابرند اما متفاوت» یا «برابرند اما مکمل یکدیگرند». زنان هر روز بیشتر به این باور می رسند که توانایی ابراز عقیده را دارند و می توانند بگویند که در عمل، زن و مرد نابرابر و متفاوت هستند.

ازدواج مسئله ای است که به روابط خصوصی افراد محدود نمی شود. تشکیل خانواده یکی از نتایج روابط جنسی است و خود رابطه جنسی نیز به عنوان یکی از ابعاد معنوی ازدواج محسوب می شود. خداوند زنان و مردان را در رابطه زناشویی خطاب کرده، می فرماید:

«آنها لباس شمایند و شما لباس آنها ...» (بقره - ۱۸۷)

## مقدمه

زندگی کوتاه اما آکنده از خیر و برکت فاطمه زهرا (س) که وجود مقدسش هنگامه‌ای از نور و معرفت بود و زندگی مبارکش محل قوام ولایت، در هر لحظه لمحّه اش جایگاهی برای تامل و عبرت آموختن خصوصاً زنان شیعه شیفته اوست. بی شک مهمترین رویداد زندگی و حیات شریف آن حضرت، ازدواج او با علی بن ابی طالب (ع) بود که بهانه و وسیله استمرار ولایت شد. تامل و بررسی در چند و چون این رویداد گرانقدر، ما را به درسهای بسیاری در زندگی حضرت صدیقه طاهره (ع) رهنمون می‌سازد. درسهایی که جوانان ما در این برهه بیش از هر چیز بدان نیازمندند. الف) زمینه های پیوند مقدس: خانواده ارزشمندترین بنیاد اجتماعی نزد خداست که با پیوند زن و مرد بوجود می‌آید و با آمدن فرزندان، کامل می‌شود. پس از تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را می‌پذیرند و فرزندان خود را در دامن مهربان خود تربیت می‌کنند. در این گفتار به بررسی این مسئله می‌پردازیم که:

۱- نگاه دین به مرد و زن به عنوان انسان چیست...؟

۲- عوامل و زمینه های جذب مرد و زن به یکدیگر برای تشکیل خانواده کدامند...؟

۳- چه اهدافی برای تشکیل خانواده مناسب اند...؟

ب) پیوند مقدس: از زیباترین و حساسترین تصمیم های زندگی، انتخاب همسر و آقا در زندگی مشترک است. به خاطر اهمیت و حساسیت این تصمیم، شایسته است از هم اکنون به مطالعه در این باره پردازیم و آگاهی خود را در این زمینه افزایش دهیم تا در آینده با آمادگی لازم و به درستی تصمیم بگیریم. معمولاً برای همه نوجوانان و جوانان در زمینه انتخاب همسر سوال هایی پیش می‌آید که در این جا بعضی از آنها را مطرح و پاسخ می‌دهیم:

۱- همسر مناسب و دلخواه، چه کسی است...؟

۲- برای اینکه ما همسری شایسته داشته باشیم، چه مسئولیت هایی را باید بر دوش بکشیم...؟

۳- با چه موانعی در ازدواج روبرو هستیم و چگونه می توانیم از آنها عبور کنیم...؟  
ج) کانون مهر: با انتخاب همسر، زن و مرد گام اصلی را به سوی تشکیل خانواده برمی دارند و احساسی جدید در آنها پدید می آید. خانواده ی آنها تلاش خود را برای برگزاری مراسم ازدواج آغاز می کنند و در سامان دادن به خانه و زندگی جدید، آنها را یاری می دهند. در همین حال مسئله ای جدید این دوزوج رادر اندیشه ای عمیق فرو برده است:  
«در چه صورتی این خانواده می تواند کانون رشد و تعالی اعضای آن باشد...؟»

### ۱- ازدواج از دید اسلام

از نظر دین اسلام، ازدواج عامل اساسی پرورش روح و روان مرد و زن است. قرآن در این باره می فرماید: «و آنان توبه کننده گان هستند که می گویند پروردگارا همسران و فرزندانمان را مایه ی روشنی چشم ما قرار بده و ما را پیشوای اهل تقوا کن. «فرقان - ۷۴»  
دین اسلام تصریح می کند که هدف از ازدواج تکمیل ایمان، تقرب به خدا و لذت از زندگی است. وظیفه اصلی زن در مقابل شوهر، تمکین جنسی او و تمهید شرایط مناسب برای عبادت خداوند است. این وظایف شامل مرد نیز می شود.

«و از نشانه های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش بیابید، و میان شما رأفت و مهربانی برقرار نمود...» «روم - ۲۱»

هدف اولیه ازدواج رسیدن به آرامش روحی است. بنابراین در صورت محقق نشدن این امر، می توان ازدواج را فسخ کرد؛ علی رغم اینکه قرآن هشدار داده است: با همسر خود خوش رفتار و منصف باشید؛ چنانچه دلپسند شما نبودند (اظهار کراهت نکنند) بسا چیزها که ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیاری قرار داده است... «نساء - ۱۹»

## ۲- بلوغ و مفهوم آن

بلوغ در لغت رسیدن به چیزی است و در اصطلاح فقهی عبارت است از رسیدن به سنی که غریزه‌ی جنسی در آن به حد کافی رشد کرده و شخص آماده تولید مثل می‌گردد. در فقه امامیه، بنابر قول مشهور، سن بلوغ در دختر نه سال تمام قمری و در پسر پانزده سال تمام قمری است. غیر از سن مذکور، نشانه‌های دیگری نیز برای بلوغ ذکر شده است (ترشح هورمون‌های مختلف و...). در واقع بلوغ در حقوق اسلام یک پدیده‌ی طبیعی و فیزیولوژیکی است که زمان در همه جا و همه کس یکسان نیست. البته برای استقلال در امر ازدواج، تنها رسیدن به سن بلوغ در فرقه امامیه کافی نیست، بلکه علاوه بر آن دختر و پسر باید رشید باشند، یعنی بتوانند مصلحت خویش را تشخیص دهند، به دیگر سخن عقل معاش داشته باشند تا بتوانند به استقلال، عقد ازدواج ببندند، یا لاقلاً اراده آنان در ازدواج یک رکن اساسی به شمار آید.

## ۳- سن ازدواج

در زمینه سن ازدواج چنین مقرر کرده بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام ممنوع است.» معذالک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه مکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود.

برخی دانشمندان در رد نظریه‌ی ازدواج حضرت فاطمه (ع) در نه سالگی استدلال کرده‌اند که: یقیناً امام حسن مجتبی (ع) یک سال پس از ازدواج از ایشان متولد شده‌اند؛ پس اگر وی در نه سالگی ازدواج کرده باشد، باید در سن ده سالگی بچه دار شده باشد و این بعید و دور از ذهن است... در جواب این استدلال باید گفت: ملاک در ازدواج حضرت فاطمه بر اساس روایات و احادیث موجود، سن نه سالگی نبوده، بلکه ملاک اصلی و اساسی، رسیدن ایشان به سن بلوغ و توانایی برای قبول وظایف و مسئولیت‌های همسری بوده است.

همانطور که در تذکر قبلی گفته شد ممکن است برای یک دختر این توانایی در سنین نه و ده سالگی ایجاد شود و برای دیگری حتی تا چند سال بعد هم بدست نیاید.

#### ۴- زمینه های طبیعی تشکیل خانواده

الف) نیاز جنسی: ابتدایی ترین زمینه شکل گیری نهاد خانواده، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان مرد و زن ایجاد می کند.

ب) نیاز به آرامش و انس روحی با همسر: نیاز برتری که مرد و زن را به زندگی با یکدیگر فرا می خواند، آرامشی است که بدین وسیله بدست می آید. این آرامش تنها با بودن در کنار همسر حاصل می شود و هیچ راه دیگری برای دستیابی به آن نیست. اگر فردی غرق در لذت های جنسی باشد اما مجرد زندگی کند باز هم نوعی بی قراری درونی او را آزار می دهد و جای خالی همسر را در کنار خود حفظ می کند. بعضی از ازدواج های ناموفق هم ریشه در این موضوع دارد. زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتار آرامش بخش از خود نشان نمی دهد. تجربه های روان شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

ج) رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهاد دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و رشد و بالندگی او را پایداری وجود خود می یابند. مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می گیرد، بسیار سنگین و غیر قابل چشم پوشی است. بنابراین تمام فعالیت های بعدی پدر و مادر باید به گونه ای تنظیم شود که به رشد این نهال ها کمک کند. هر یک از استعداد های فرزندان که به خاطر بی تدبیری والدین، خود خواهی ها و... سرکوب شود، در پیشگاه خدا مجازاتی را به همراه دارد.

د) نیاز به رشد معنوی و اخلاقی: عالی ترین زمینه برای تشکیل خانواده، نیاز به فرصتی مناسب برای رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی زن و مرد و فرزندان است. خانواده فضایی ایجاد می کند که نه تنها فرزندان، بلکه پدر و مادر نیز می توانند فضایل اخلاقی خود را تقویت کنند و رشد دهند. جوان با تشکیل خانواده زمینه های فساد را از خود دور می کند، مسئولیت پذیری را تجربه می نماید، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود می یابد، ایثار و از خود گذشتگی برای دیگری را تمرین می کند، هدفدار و با انگیزه می شود، احساس استقلال و شخصیت می کند و زندگی برای او معنای جدیدتری می دهد.

#### ۵- راه های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه ای که به کمک آن بتوان به شکلی مطمئن تصمیم گیری کرد، امری ضروری است. تحقیق باید نتیجه بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد. بنابراین تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت هایی که منشأ آن تنها هوس های زود گذر است، اشتباه کرد. این گونه معاشرت ها هر چند با عنوان هایی مانند شناخت روحیه همسر و امتحان او باشد، نتیجه بخش نیست و آثار زیان بار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه ی اینگونه معاشرت ها را نداده است. در این گونه معاشرت ها که معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می شود، هر طرف اصرار دارد، خود را بهتر از آنچه که هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً بیشتر این معاشرت ها به سستی رابطه و جدایی می انجامد.<sup>۱</sup>

۱- گاه افرادی که به تعبیر قرآن کریم، قلبی مریض دارند، اینگونه معاشرت را وسیله هوس رانی قرار می دهند و پس از مدتی، زمینه جدایی را فراهم می کنند. اعتقاد به راهنمایی خداوند، بهترین راه خوشبختی است. فکر نکنیم که اگر در برخی از کشورها رابطه آزاد دختر و پسر را تجویز کرده اند، خانواده ها مستحکم تر شده اند و خوشبختی افراد افزایش یافته است. اینگونه معاشرت ها فقط سبب شده که روابط نامشروع قبل از ازدواج افزایش یابد و فرزندان با یک سرپرست که در بیشتر مواقع هم آن یک سرپرست مادر است، زیاد گردد و در نتیجه آن، ناهنجاری های دیگری شکل خواهد گرفت.

- متناسب با فرهنگ اسلامی، راه های زیر برای شناخت همسر آینده پیشنهاد می شود:
- ۱- تحقیق درباره خانواده ی همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
  - ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت بیشتری دارد.
  - ۳- تحقیق درباره روحیات و خُلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
  - ۴- معاشرت خانواده های دو طرف با یکدیگر و بهره بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرات.
  - ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان (بزرگان فامیل و ...)
  - ۶- گفتگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظریات و دیدگاه درباره موضوعات مختلف.

## ۶- زمان ازدواج

اکنون جا دارد این سوال را بررسی کنیم که سن مناسب ازدواج کدام است. در این میان، دختران و پسران با پیشنهادات گوناگونی روبرو هستند که هر یک از آنها بر محوری خاص، تاکید می کند. نباید از یاد ببریم که ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ گویی به قانون خلقت انجام می شود. اگر به این نیازهای طبیعی در زمان و موقعیت مناسب پاسخ داده نشود، مانند سایر نیازها اختلاف و مشکلات خاص خود را به دنبال خواهد داشت و آسیب های جبران ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی وارد می کند. شادابی، نشاط، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، تعادل در حالات و رفتار، خوش رویی و خوش خلقی، کاهش فشار جنسی، کاهش روابط نامشروع و آسیب های روانی و اجتماعی از فواید ازدواج به موقع است. زندگی یک جوان در کنار کسی که همسر او محسوب می شود، چنان برکتی برای جسم و روح او دارد و چنان لذتی را به ارمغان می آورد که هیچ چیز دیگر جای آن را نمی گیرد.



درست، برعکس این حالت، وقتی است که فردی بخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیاز جنسی خود پاسخ دهد. در آن صورت، لذت جنسی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه افراد به جای برگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هر چه بیشتر به او آب می‌دهند، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود و بی‌قراری‌اش شدت می‌گیرد.

آمادگی زیستی و روحی ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی ایجاد می‌شود و نباید فاصله‌ای میان این دو با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تاخیر افتد. به همین علت پیشوایان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم برای ازدواج آنان را فراهم کنند و به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب نسازند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد...» (بحارالانوار - ج ۱۰۰ - ص ۲۱۹) «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند...» (نوادیر اوندی - ص ۳۶)

## ۷- خواستگاری

معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می‌گیرد. این سنت پسندیده بیانگر کراهت، عزت نفس و حیای دختر و نیز نشانه‌ی آن است که پسر است که باید سوال و درخواست کند و دختر است که می‌تواند بپذیرد یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که باید در ابتدا محبت خود را اعلام کند و به دنبال دختر بیاید تا

دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این به اقتضای احترام و حفظ عظمت و شخصیت دختر است. دختر به طور طبیعی و فطری، مردی را برای همسری می‌پسندد که به دنبال او بیاید و اعلام محبت و وفاداری کند. البته طرح خواستگاری از سوی مرد بدین معنا نیست که دختران همسر مناسب خود را انتخاب نکنند و مستقیم یا غیره مستقیم خود را به وی معرفی نمایند. این کار می‌تواند صورت گیرد اما باید شرایطی فراهم شود که مرد درخواست ازدواج را به خانواده‌ی دختر بدهد تا در صورتی که امکان ازدواج فراهم نشد، کراهت و عزت نفس دختر حفظ شود. نمونه زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم (ص) با حضرت خدیجه پیش از نبوت است.

#### ۸- مشکلات پیش رو

وقتی به واقعیت نگاه می‌کنیم و شرایط جامعه و خانواده‌ها را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم که ازدواج به موقع با مشکلاتی رو به روست و اولین سوالی که به ذهن جوان‌ها خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند. چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آنها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع را به عمل آورند. در عین حال، با مدیریت و تدبیر اعضای خانواده می‌توان بر بسیاری از مشکلات پیروز شد و شرایط مناسبی را برای ازدواج فراهم کرد. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به مسکن.
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده (فقر و تهیدستی).<sup>۱</sup>
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی.
- ۴- توقعات غیر ضروری که بر اثر برخی آداب و رسوم غلط بر خانواده تحمیل می‌شود.
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی.

۱- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: در مورد ازدواج اگر فقیر هستید نترسید، خداوند قول غنا داده است...

۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین خصوصاً حضرت علی (ع) و فاطمه (س) و بی توجهی به راهنمایی های آنها.

### ۹- فقر و ازدواج حضرت علی (ع)

هنگامی که ابوبکر به همراه سعد بن معاذ انصاری از حضرت علی (ع) پرسیدند که چرا به خواستگاری حضرت فاطمه (س) نمی روی، چشمان علی (ع) پر از اشک شد و گفت: ای ابوبکر، تو آرامش مرا به هیجان مبدل کردی و مرا برای مطلبی که از آن غافل بودم، بیدار کردی. به خدا قسم من به فاطمه رغبت لازم و نسبت به او بی میل نیستم ولی چیزی که مانع از خواستگاری من از او شده، فقر و تنگدستی من است. ابوبکر گفت: ای علی این سخن را بر زبان نیاور، زیرا دنیا و هر چه که در آن است در نظر خدا و رسول او ناچیز و بی مقدار است.

بلافاصله پس از خواستگاری رسول اکرم (ص) از علی (ع) پرسید که «از اموال دنیا چه داری...؟»  
تذکر مهم:

در این بخش از روایت دریافتیم که رسول خدا (ص) در امر ازدواج دخترش با حضرت علی (ع) گذشته از ایمان علی (ع) و سابقه ی او در اسلام و پیوند خویشی، از دارایی علی (ع) نیز سوال کردند. بدیهی است که پیامبر به دلیل ارتباط بسیار نزدیک علی (ع) با ایشان، می دانست که وی از اموال دنیا چه دارد و لذا ضرورتی برای طرح این سوال که «از مال دنیا چه داری...؟» وجود نداشت و به نظر می رسد که آن حضرت با طرح این سوال قصد داشت تا به جوانی که قصد ازدواج دارند، این نکته را بفهماند که یک جوان مسلمان سزاوار است در هنگام ازدواج از امکانات مالی هر چند اندک برخوردار باشد تا بتواند از عهده ی اداره ی زندگی برآید. البته منظور پیامبر (ص) این نبوده است که جوانی که برای خواستگاری دختری می رود، از همه مواهب و امکانات زندگی برخوردار باشد، زیرا واقعیت امر درباره ی

علی (ع) غیر از این بوده و آن حضرت به هنگام تصمیم برای تشکیل زندگی و خواستگاری از فاطمه (س) جز مالی بسیار اندک (اسب - زره جنگی - دلو) هیچ چیز دیگری نداشت. بنابراین بر دختران و اولیاء ایشان است که بعد از اطمینان از دیانت و سلامت جوانی که به خواستگاری آمده و اطمینان به اینکه او قادر است زندگی خود و همسرش را با کار شرافتمندانه تأمین نماید، از سختگیری های بی مورد خودداری نماید و بر جوانان نیز لازم است که به هنگام تصمیم برای تشکیل زندگی مشترک و اختیار همسر، مقداری هر چند اندک از مال و دارایی فراهم آورند تا در روزهای اول زندگی صرف تأمین نیازهای ضروری زندگی مشترک خویش نمایند و محتاج دیگران نباشند.

#### ۱۰- نقش همسران در زندگی مشترک

وقتی که یک دختر و پسر پیمان ازدواج می بندند و زندگی مشترک را آغاز می کنند، به معنای این است که نقش جدیدی را پذیرفته و به اجرای آن نقش متعهد شده اند؛ به طوری که هر مسئولیت و نقش دیگری را با این نقش می سنجند و تنظیم می کنند. آنان می دانند که هر برنامه دیگری، نباید نقش آنها را در خانواده تحت الشعاع قرار دهد و به آن آسیب رساند. همچنین می دانند که زن و شوهر مکمل یکدیگر و هر یک باید نقش خود را خوب انجام دهد و جز در مواردی ضروری، از یکسان سازی نقش ها دوری کنند. مرد، همسر زن خود و پدر فرزندان است و زن، همسر شوهر خود و مادر فرزندان است. بر این مبنا، مرد و زن دارای نقش های مشترک و اختصاصی اند.

یادآوری این نکته ضروری است که وقتی از نقش ها سخن می گوئیم، منظورمان این نیست که هر کس فقط نقش خود را ایفا کند و به کمک دیگری برنخیزد. خانواده جایگاه همدلی و همیاری است و زن و مرد یار و مددکار همدیگرند. در کارها با هم و با فرزندان مشورت می کنند، با پشتیبانی و همیاری همدیگر کارها را به جلو می برند و در صورت ضرورت یکی بار دیگری را هم بر دوش می کشد.

## ۱۱- نتیجه

زن در کتاب های قانون شخصیتی وابسته دارد. زن وابسته به شوهر و خانواده اش است. در کودکی باید پدرش او را نگهداری و محافظت کند، در جوانی، شوهرش و در کهنسالی پسرانش. اما از طرف دیگر مانو در مسئله ی ازدواج آزادی شایان توجهی را برای زنان در نظر گرفته است.

اگر والدین بعد از سن بلوغ او، نتوانند در طول سه سال شوهرش دهند، آزاد است که خود همسرش را انتخاب کند. زن آرمانی، زنی است که به شوهرش عشق بورزد و اسباب آسایش او را فراهم کند. حتی اگر شوهرش قدر عشق او را نداند. وظیفه یک زن آرمانی، وفاداری و تعلق به شوهر است. فردیت زن در وجود شوهرش مستهلک شده است و او بدون شوهر وجود مستقلی ندارد.

در مذهب هندوئیسیم از نظر قانون، مردها مجاز نیستند که بیش از یک همسر اختیار کنند یا همسرشان را طلاق دهند، بلکه می توانند پس از فوت همسرشان مجدداً ازدواج کنند.

« زن در مقام مادر شأنی والاتر از معلم و یا پدر دارد. مادر به عنوان آموزگار فرزندان محسوب می شود، اما در مقام همسر باید در خدمت شوهرش باشد و خواسته های او را به جای آورد. مقام مادری شأن زن را بسیار ارتقا می بخشد؛ هندوها و چینی ها معتقدند که فرزند سعادت پدر و مادر را فراهم خواهد کرد.

قصه ها و افسانه های دنیا مملو از حکایات عشق و محبت مادری ست. از آن رو که محقق شده است که مادر شدن اولین وظیفه زن است و هرگونه تخطی در رسیدن به این مقام، زن را مجرم و مستوجب عقوبت می کند. زن با بزرگ شدن هویت بزرگسالان را پیدا می کند و احساس مسئولیت خود به خود از گذشته سنگین تر خواهد شد...»  
و من الله توفیق...

### منابع

۱. زن در ادیان بزرگ جهان..... جین هولم - جان بوکر
۲. زندگی مذهبی زنان..... ریثام گراس
۳. حقوق خانواده «۳»..... دکتر مهدی خالصی
۴. آینه همسران الگویی از زندگی حضرت علی (ع) و فاطمه (س)..... الهام مخدومی
۵. قرآن کریم
۶. ازدواج فاطمه زهرا (س)..... محمد روحانی - علی آبادی
۷. دین و زندگی «۳»..... دکتر محمد مهدی اعتصامی
۸. مختصر حقوق خانواده..... دکتر سید حسین صفایی - دکتر اسدالله امامی
۹. انتخاب همسر..... ابراهیم امینی
۱۰. نظام حقوق زن..... استاد شهید مرتضی مطهری
۱۱. مقالات مذهبی..... لیلا بدوی

## جایگاه و تاثیر شخصیت حضرت زهرا (س) در تعلیم و تربیت زن مدرن

سیدمحمدجواد آزمون

باشگاه پژوهشگران جوان، مهندسی نفت بهره برداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

Email: Javad.Azmoon20@yahoo.com

### چکیده

فاطمه (س) یک زن بود، آنچنان که اسلام می خواهد که زن باشد. زن شایسته و بانویی نمونه در تمام مراحل و همه حالات. مظهر یک « دختر » نمونه در برابر پدرش، مظهر یک « همسر » در برابر شویش، مظهر یک « مادر » در برابر فرزندانش، مظهر یک « زن مبارز و مسئول » در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش. در اندیشه و رفتار و زندگیش، « چگونه بودن » را به زن پاسخ می داد. با توجه به اینکه نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است، صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان جامعه سرچشمه می گیرد. زن، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند و می تواند عکس آن هم باشد.

## مقدمه

حضرت زهرا(س) غیر از اینکه یک شخصیت آسمانی است دارای مراتب و درجات معنوی و روحانی، آموزگار بشریت بالاخص زنان محسوب می شود و درس زندگانی ایشان الگوی همه زنان است. بی شک ایشان آسوه کاملی بوده که هیچ بشری به اوج پرواز او نمی رسد. او معنای مباحثی مانند اشتغال زنان، مدیریت اجتماعی آنان و حجاب به معنای خاص و غلیظ آن از جمله مباحث جدی امروز است که در این بحث به نحو مبسوط و به دور از مباحث سیاسی و سخنان افراد با گرایش های خاص، بلکه با توجه به آیات الهی و رفتار عملی پیامبر اسلام و حضرت زهرا(س) مورد بررسی قرار می گیرد. در نهایت، اینکه عده ای از یاوران حضرت مهدی(عج) را زنان تشکیل می دهند پس شایسته اخذ مناصب مدیریتی هستند و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند.

فاطمه زهرا(س) تنها زن معصوم اسلامی است که نقش رهبری دارد و به عنوان «حجّت» و «آسوه» برای مردم معرفی و اطاعتش نیز واجب می باشد. بنابراین ابعاد فکری و زندگی باید کاملاً شناخته شود و پیروان ایشان باید بدانند که زنان نمونه در مسائل تربیتی و پرورش، از چه شیوه هایی استفاده کنند و بدانند که زن موجودی است اجتماعی که در صورت لزوم در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بایستی دخالت داشته باشد.

مطابق حدیث شریف ثقلین دو امر گرانبار در میان امت اسلامی به ودیعه گذاشته شد. اول آنها کتاب خدا و دوم عترت پاک پیامبر(ص) است. تردیدی نیست که حضرت زهرا(س) در زمره عترت می باشد و همانگونه که تمسک به اهل بیت و قرآن کریم انسان را از مهلکه و گمراهی نجات می بخشد، تمسک به وجود سراسر مبارک صدیقه کبری نیز همین نقش را دارد. مطابق شریعت اسلام و مذهب شیعی هم سکوت معصوم حجت است و هم سخن او و هم تقریر و تایید او. بنابراین همان طوری که قرآن کریم تمام ابعاد کلامی و اوامر و نواهی آن حجت است و در ابعاد مختلف انسانی برای بشر الگو است، کلام آن



حضرت نیز همین نقش را دارد. شخصیت زهرای اطهر، در ابعاد مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پر مغز او درس بگیرند. زندگی فاطمه زهرا(س) اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید، اما این زندگی، از جهت جهاد، مبارزه، تلاش، کار انقلابی، صبر انقلابی، درس، فراگیری و آموزش، سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است.

فاطمه زهرا(س) به ظاهر یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است، اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است.

### نیاز به الگو، امری فطری

حضرت زهرا(س) شخصیت اش در طول تاریخ توانسته است تاثیر شگرفی در احیای شخصیت زن ایفا نماید و در ابعاد مختلف حیاتی الگو باشد. لازم است بدانیم چرا خداوند عزوجل این خانواده را در میان تمام خانواده های عالم و در طول تاریخ برتری داده است و آنها را الگو و حجت قرار داده است. ادعا این است که او الگوی تمام الگوهای عالم است. بلکه معتقدیم نه تنها در رفتارها بلکه در جان ها نیز موثر است و تاثیر شگرفی در جان های بشریت دارد. آنگاه سوال این است که چرا خود خدا و قرآن را الگو قرار ندهیم. یک جواب کوتاه این است که انسانها چه بخواهند و چه نخواهند الگو پذیرند. از سویی دیگر غالب انسانها چنان هستند که باید رفتارها را به صورت عملی مشاهده نمایند تا در آنها کارگر افتد. به همین جهت است که در متون دینی ما این مقدار توصیه شده است تا به زیارت سید الشهداء و در مرتبه پایین تر به زیارت اهل قبول بروید، زیرا نفس انسانی به گونه ای است که تا مسائل را به عیان و مشاهده نبیند باور نمی کند و یا در او اثر مطلوب را ندارد.

از آنجا که خداوند ضعف انسان ها را بدان آگاهی داشته است، موجودتی را معرفی نموده است که می توان گفت در تمام ابعاد حیاتی مانند سایر انسان ها هستند، ولی در عین حال در انسانیت و طهارت کامل مطلق هستند و از این جهت برای همه افراد در همه اوقات و همه ابعاد می توانند الگو باشند.

در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: « دخترم ، هیچ کدام از زنان جهان ارزش و مقام تو را ندارند. پس در صبر و بردباری همانند کم ترین زنان نباش، زیرا تو سید و بزرگ زنان بهشتی» (۱).

با توجه به این روایت، فاطمه زهرا (س) به عنوان برترین زنان عالم هستی، همواره به عنوان الگویی برتر مطرح بوده و هست که ابعاد وجودی آن بزرگوار فراتر از حضور در زمان و مکانی خاص است. به این عنوان که فضایل اخلاقی انسان هرگز اسیر زمان و مکان نمی شود. این الگوی فضیلت برای همیشه تاریخ، شایستگی پیروی و متابعت را داراست. فراگیری درس زندگی در مکتب انسان ساز این بانوی نمونه، توفیقی بس ارجمند و بزرگ است که هر کس را نصیب نمی شود. تنها کسانی لیاقت حضور در این وادی را دارند که جان خویش را سرشار از محبت او و فرزندانش کرده باشند.

آن چه در این بحث پیش رو دارید، اشاره ای کوتاه و گذرا از رفتار و منش و جایگاه و تاثیر شخصیت آن حضرت در تعلیم و تربیت زنان است. امید است که زنان جامعه ما هم با معرفت و آشنایی هر چه بیشتر از شخصیت وجودی این بانوی بزرگوار سعی نمایند تا آموزه های زندگانی آن حضرت را بعنوان الگو از مکتب تربیتی ایشان فرا گرفته و با بکارگیری جنبه های مختلف از ابعاد شخصیتی آن اسوه و برگزیده و مجسمه ارزش های انسانی از جمله پیروان راستین مکتبش قرار گیرند.

بنابراین ما نیز بیاییم وضوی حضور گرفته، رو به قبله با فروتنی کامل زانوی ادب زده، جرعه ای از این کوثر بی پایان به کام جان بریزیم.

### فاطمه زهرا (س)

الغرض، بانوی بانوان به تناسب شخصیت والا و ابعاد گوناگون شخصیت شکوهمندش، نام‌های مختلفی دارد و روشن است که هر کدام، اشاره به بعدی از ابعاد شخصیت او می‌نماید.

نام مقدس فاطمه از واژه «فطم» که به معنای بریدن و جدا کردن است، برگرفته شده است. علی(ع) از رسول الله(ص) نقل می‌کند که: فاطمه را فاطمه نامیدند. زیرا خدا و ذریه او را که موحد هستند و به آنچه بر من نازل شده ایمان آورده اند از آتش دور می‌دارد و نیز از رسول الله(ص) نقل شده، دخترم فاطمه نامیده شد، زیرا خدا او و محب او را از آتش بریده(۲). این تعبیرات که محب یا ذریه زهرا(س) که موحد باشند از آتش دوزخ نجات می‌یابند، اشاره به مقام شفاعت زهرا(س) می‌باشد که شفاعت حضرت شامل کسانی که زمینه شفاعت را فراهم کرده باشند می‌شود.

چرا (زهرا) نامیده شده؟ از امام صادق(ع) نقل شده که:

فاطمه را «زهرا» نامیدند، زیرا برای او قُبّه ای از یاقوت در بهشت است که وقتی اهل آن را می‌بینند می‌گویند این شکوفایی از فاطمه است(۳).

ابن عباس آورده است که پیامبر گرامی فرمود:

«اما دخت ارجمندم «فاطمه»، سالار زنان گیتی در همه عصرها و نسل هاست. او پاره تن من، نور دیده، میوه دل و روح من است که در سازمان وجودم قرار دارد. او حوریه‌ای است در سیمای انسان که هرگاه در محراب عبادت در برابر پروردگارش قرار می‌گیرد، نور وجودش برای فرشتگان می‌درخشید، درست همانگونه که ستارگان برای زمینیان نورافشانی می‌کنند»(۴).

و نیز می‌فرماید: او را زهرا نامیدند زیرا وقتی در محراب عبادت قرار می‌گرفت، نور او

بر اهل آسمان‌ها ظاهر می‌شد(۵).

### تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت غالباً با هم استعمال می‌شوند، به طوری که گویا یک معنا دارند؛ در صورتی که هر یک از آنها دارای مفهومی غیر از مفهوم دیگری است. «تعلیم» در لغت به معنای یاد دادن و آموزش است و تربیت به معنای پرورش و نشو و نما دادن به کار می‌رود (۶).

بنابراین باید هر یک از این دو لفظ را به طور جداگانه تعریف کنیم. در تعریف تعلیم می‌توان چنین گفت: تعلیم عبارت است از سخن گفتن و القای کلمات معنادار، تا متعلم به معانی آن پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فعلیت تبدیل سازد و عالم شود. کسانی که به تحصیل علم علاقه دارند باید در تحصیل مقدمات از قبیل درس، مطالعه، سوال، مباحثه و تفکر جدیت کنند و وقتی استعداد و لیاقت پیدا کردند، کمالات علمی از جانب خدای متعال بر نفوس آنان افزوده می‌شود و تکامل می‌یابند (۷).

### فضیلت حضرت زهرا (س)

کتاب فضل پیمبر تمام نتوان کرد      اگر دوات شود ابحر و قلم اشجار  
کسی که دم زند از فضل بی نهایت او      چو مرغکی است که از بحر، ترکند منقار

خداوند متعال به حبیب خویش «خیر کثیر» و «فضل عظیم» و فضایل بیرون از حد عطا فرموده است که مصادیق آن از حیثه شمار خارج است. بنابر عقیده بسیاری از علمای شیعه و پاره ای از علمای اهل سنت، بارزترین مصداق «کوثر» وجود نازنین حضرت زهرا (س) می‌باشد.

فضائل و مناقب فاطمه زهرا (س)، همچون اقیانوس بزرگی است که انواع جواهرات گران قیمت در آن متمرکز گردیده است و هر چه غواصان و شیفتگان آن در گرانبها، بتوانند از آنها استفاده کنند، باز هم نسبت به باقیمانده ها و ناشناخته ها به مراتب اندک است.

حضرت فاطمه دختری عقیف و نجیب و مأخوذ به حیا و دارای عصمت و طهارت بود. او وارث صفات فضل، ارادت قلبی، جود و بخشش، عشق و علاقه، بزرگ منش و عزت نفس مادرش خدیجه بود و از پدرش نیز ملکات آسمانی تقوی و پارسائی، زیرکی و کیاست، مناعت نفس و قناعت، صبر و بردباری بر مشکلات، جود و ایثار را به ارث برده بود. نمونه هایی از عظمت او را در سخنان پیامبر خدا(ص) بر می شماریم: انس بن مالک از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود:

«بهترین زنان امتم فاطمه(س) دختر محمد(ص) است». هم چنین درباره شخصیت بی مانند فاطمه(س) فرمود: «ولو كان الحسن هيئة لكانت فاطمه(س) بل هي اعظم»، «اگر تمام خوبی ها و فضایل اخلاقی مجسم شود، شایسته است که فاطمه(س) والاتر از همه آنها می باشد».

از پیامبر(ص) چنین آمده:

برترین مردان عالم در زمان من علی است و برترین زنان اولین و آخرین فاطمه(س) است(۸). اینکه فاطمه زهرا(س)، برترین زن جهان هستی است و در پیشگاه خدا و بهشت برین بر تمام زنان تفوق خواهد داشت، یک موضوع مسلم است، که از روایات زیاد استنتاج می گردد و در منابع معتبر سنی و شیعی به آن تصریح گردیده است.

رسول خدا می فرماید: «فرزندانم حسن و حسین بعد از من و پدرشان بهترین انسان روی زمینند و مادرشان فاطمه(س) برترین زن روی زمین می باشد(۹).

در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است:

و بالاخره در حدیث دیگر، پیامبر(ص) می فرماید: ملکی به من نازل شده که بی سابقه بود و در ضمن سخنانش مژده داد که حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت و مادرشان فاطمه(س) سرور اهل بهشت است(۱۰).

از این احادیث استفاده می شود که فاطمه زهرا برترین زنان جهان و بهشت است.

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۴۳ حضرت مریم را برترین زنان عالم معرفی می‌کند. آیا فاطمه(ع) برتر است یا مریم؟ حقیقت امر کدام است؟ این سؤال را حسن بن زیاد از امام صادق(ع) کرد و امام صادق(ع) در جواب فرمودند: اینکه قرآن، مریم را سرور زنان علم معرفی می‌کند مربوط و محدود به زمان خود مریم است و شامل سایر زن‌ها نمی‌گردد، ولی فاطمه(س) سرور زنان اهل بهشت و اهل عالم از اولین و آخرین است(۱۱).

### نمونه‌هایی (خلاصه) از آموزه‌های اخلاقی در مکتب تربیتی فاطمه

انسان‌هایی پاک سرشت در پی یک زندگی پاک و حیات پاکیزه هستند که زیباترین نماد آن را می‌توان در زندگانی رهبران دینی جستجو کرد. فاطمه(س) از آن مریبان و معلمان اخلاق است که بشر و بالخصوص زنان می‌توانند زندگی او را به عنوان بهترین الگو برای رفتار و معاشرت خود قرار دهند. بررسی و شناساندن جایگاه و شخصیت حضرت زهرا(س) در تعلیم و تربیت زنان و نحوه تاثیر گذاری آن که توفیقی است بس ارجمند و بزرگ و تنها کسانی را نصیب می‌شود که تلاش نمایند تا با تمام وجود، جان خویش را سرشار از عشق و محبت به او و فرزندان‌ش کرده باشند. ما در اینجا سعی در شناساندن برخی از ابعاد وجودی آن بانوی بزرگوار به زنان و بلاخص نسل جوان شیعه داریم، چرا که اغلب نسل جوان ایرانی از شناخت صحیح چهره‌های متعالی اسلامی یا به کلی ناآگاه هستند و یا اینکه چهره سازنده حقیقی آنها در اثر عشق و علاقه بیش از حد، به صورت شخصیت‌های تاریخی و افسانه‌ای در آورده‌اند. از این رو تلاش این بحث در این جهت بوده که زندگانی حرکت بخش و مرقی حضرت زهرا(س) را از ابعاد مختلف زندگانشان با توجه به متون و اخبار و روایات متعبر و قابل اعتماد، نشان دهد تا زنان و جوانان بتوانند با مطالعه زندگانی ایشان الگو گرفته و شیوه درست زندگی را انتخاب نمایند. از جمله ابعاد شخصیتی ایشان که می‌تواند برای ما درس باشد، بدین شرح می‌باشد.

### بر صراط مستقیم بودن

او «صراط مستقیم» است؛ زیرا هر کس بر مسیر او گام بگذارد و ساحت مقدس او را دریابد، بی شک رستگار گشته است؛ چه این امر موجب خشنودی رسول خدا(ص) و خشنودی رسول الله، سبب خشنودی خدا می شود و برای بنده ی سالک طریق حق، چه دستاوردی بهتر از خشنودی خدا؟ او «صراط مستقیم است» چون انسان کامل بر این صراط است و تا پای جان بر این صراط استقامت میورزد.

### ایمان و یقین

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «به راستی که خدا قلب و اعضای فاطمه(س) تا استخوان‌هایش از ایمان و یقین آکنده ساخته است. به گونه ای که در اطاعت خدا غرق است» (۱۲). او انسان فهمیده ای است که در سایه رهائی از پای بندی‌ها به مقام «إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرَّجْعِي» (۱۳) می رسد و آماده پذیرش خطاب « يَا أَيُّهَا النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةُ » و برای رجوع به خدا، راضیه و مرضیه می شود (۱۴).

### لیاقت یافتن برای مشورت پیامبر

در ازدواج، دو نظر مشترکاً می توانند سعادت دنیا و آخرت را تامین نمایند. یکی نظر شخصی خود دختر است که خداوند اراده و اختیار به او داده تا خود در سرنوشت خود تصمیم بگیرد و دیگری رأی و نظر والدین، به ویژه پدر به عنوان شخصی با تجربه های ارزشمند همراه با دلسوزی برای پاره تن خود. هر گاه این دو نظر در تعامل با یکدیگر قرار گیرند می تواند، ثمره‌ای بس شیرین و سعادت بخش داشته باشد و سر تافتن از هر یک، پیامدهای ناگواری در پی دارد.

پیامبر بزرگ اسلام(ص) همواره این اصل مهم تربیتی یعنی مشورت و تبادل افکار با دختر را به دقت رعایت می کردند و به امت اسلامی نیز سفارش می فرمودند تا از ظلم و ستم دوران جاهلیت دوری گزینند و پدران و مادران، بدون مشورت و رضایت دختران در امر

ازدواج اقدامی نکنند. آن حضرت در ازدواج فاطمه (س) با امام علی (ع) به مشورت و تبادل نظر با دخترشان روی آوردند و فرمودند: « دخترم فاطمه! پسر عمویت علی (ع) از تو خواستگاری نموده است. پاسخ تو چیست؟ فاطمه (س) به پدر احترام می کند که نظر شما چه می باشد؟ پیامبر (ص) فرمودند:

«خدا از آسمان در این ازدواج اجازت فرمود» فاطمه (س) گفتند: خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند».

دختران و پسران جوان ما به خوبی می دانند که ازدواج با چه کسانی مورد رضایت خداوند و پیامبر اوست و در مقابل، خداوند و پیامبر (ص) با ازدواج با چه کسانی مخالف و ناراضی هستند.

### تسلیم اوامر پدر بودن و ادب ورزیدن

از آنجا که هیچ پدر و مادری نیست که آرزوی خوشبختی و سعادت فرزندان خود را نداشته باشد، از این رو دختران و پسران نباید در خیر خواهی آنان تردید کنند و نظر آنان را نادیده بگیرند.

حضرت زهرا (س) پس از مشورت پدر با او، به پدر احترام نموده، رأی و نظر پدر را محترم شمردند و سپس عرض کردند: «ای رسول خدا تو از من سزاوارتری که اظهار نظر کنی (۱۵)».

البته والدین نیز وقتی بینند پسر یا دختر در انتخاب خود، قلبا و عقلا خطا نکرده و مورد مناسبی را برگزیده اند، نباید نظر خود را بر آنها تحمیل کنند که این بس خیانتی بزرگ است.

### پای بند به ارزش های والای انسانی

از آن جایی که پایه تربیت انسان هایی نسل های آینده، در امر مقدس ازدواج گذاشته می شود، توجه و پای بندی به ارزشهای انسانی و اخلاقی از اساسی ترین اموری است که



مورد توجه دختر و پسر قرار می‌گیرد. سلامت جسم، جان، دین و ایمان، از مهم‌ترین مسائل در این زمینه است. به همین دلیل، وقتی بزرگان و ثروتمندان قریش به خواستگاری آن حضرت آمدند، جواب رد شنیدند. ولی وقتی حضرت علی(ع) که به ظاهر مال و ثروتی از دنیا نداشتند ولی از عظمت و بزرگی روح برخوردار بودند، به خواستگاری آن حضرت آمدند، آن بزرگوار جواب مثبت دادند.

مهریه و جهیزیه از جمله سنن اسلامی است که باید به آن توجه نمود. مهریه سنگین و جهیزیه بی‌حد و حساب سبب خوداری جوانان از تشکیل خانواده و ازدیاد روز افزون جوانان بی‌زن و دختران بی‌شوهر و در نتیجه کثرت جرائم و فسادها، آلودگی‌های اجتماعی و جنایات جنسی خواهد شد.

درباره مقدار مهریه فاطمه زهرا(س) مرحوم شیخ صدوق می‌نویسد:

«اگر خواستی ازدواج کنی پس بنگر مهری که قرار می‌دهی از پانصد درهم بیشتر نشود که همان «مهر السنّه» باشد و بر همین مقدار پیامبر(ص) با همسران خویش ازدواج کرد و بر همین اساس و پایه دختران خود را به شوهر داد، بدین جهت مهر السنّه مبلغ پانصد درهم گشت» (۱۶).

حضرت فاطمه(س) با پای بندی به تعالیم گهر بار اسلام هم مهریه کم و هم جهیزیه بسیار ساده داشتند.

### حالات معنوی و توجه به آفریدگار هستی

شب ازدواج و آغازین لحظه‌های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره‌انگیز است، ولی متأسفانه برخی این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه و معاصی می‌آلایند و می‌پردازند که هر گونه زشتی‌ها و مفاسدهای می‌تواند مجاز باشد. غافل از این که، وقتی آغاز زندگی مشترک و فصل جدید حیات با گناه و نافرمانی خدا آغاز شود، ثمراتی بس تلخ و رنج‌آور و فرجامی ناخوشایند خواهد داشت و فراموش نمی‌شود که در

مواقع حساس امتحانات الهی سخت و دشوارتر از زمان های عادی است. البته دختران و پسرانی که در نگاه خود به آینده ای سعادت‌مند فکر می کنند، حتی الامکان از فراهم شدن زمینه گناه جلوگیری می کنند.

### فاطمه (س) و اشتغال زنان

از جمله مباحثی که به موازات شرایط خاص اجتماعی امروزی مطرح است، مساله اشتغال و استقلال مالی زنان است. در حقیقت می توان این مساله را در دو بخش جداگانه طرح نمود. نخست آنکه آیا اسلام با اصل اشتغال زنان و کار در محیط اجتماعی و بیرون از منزل موافق است یا خیر...؟ در وهله دوم و پس از پذیرش اصل اشتغال، سوال این است که آیا می توان پست های مدیریتی را به نحوی که حتی گروهی از مردان نیز تحت مدیریت آنها باشند به زن ها تحویل نمود یا خیر...؟

یکی از ابعاد شخصیتی آن حضرت که به نحو شگرفی در محیط اجتماعی مسلمانان و رفتارهای زن ها نفوذ نموده است، همین است. گویا منشأ این روایت تقسیم کار رسول گرامی اسلام است که پس از ازدواج علی(ع) و فاطمه (س) برای آن دو بزرگوار انجام دادند.

در قدم اول باید گفت بی تردید اصل حضور زن در جامعه و رسیدگی به بسیاری از کارهای روزمره با حفظ حجاب مطلوب برای زن بلامانع است. اساساً حجاب برای زن معنایی غیر از این ندارد مگر آنکه وقتی در برابر نامحرم قرار می گیرد و یا برای سامان دادن به کاری وارد اجتماع می شود، حجابش را رعایت کند، در غیر این صورت برای حجاب، محل و جایگاهی باقی نمی ماند.

آن حضرت اگر چه در شرایط عادی یک بانوی پرده نشین و دور از مردان بیگانه زندگی می کرد ولی با افراد مخصوصی که به اهل بیت نزدیک بودند و در ولایت مولای متقیان تلاش می کردند، ارتباط نزدیک داشت. فاطمه زهرا (س) با سلمان، مقداد، جابر بن

عبدالله انصاری، اباذر و غیر آنان که با علی و اولاد علی بودند رازهای محرمانه داشت و چنانچه مریض می شد به عیادت او می آمدند و در اعیاد و روزهای خجسته و تولد فرزندان او برای عرض تبریک به حضورش می رسیدند. فاطمه (س) با این گروه نشست و برخاست داشت و حوزه ی درسی برایشان تشکیل می داد و سخنان آموزنده و اطلاعات غیبی و دعاهای مخصوصی را به آنان تعلیم داده . دعای نور را که فاطمه (س) به سلمان یا داد از این مقوله است. خود آن حضرت به کرات در میان نامحرمان قرار گرفت بلکه آن دو خطبه معروف خود را در میان محرم و نامحرم ایراد فرمودند. همچنین برای سلمان و ابوذر کلاس خصوصی داشتند.

بنابراین اصل ارتباط با نامحرم با حفظ شئون یک زن مسلمان و رعایت حریمی که باید بین یک زن و مرد نامحرم رعایت شود، بی اشکال است. اما سوال فراتر از این است و آن اینکه آیا می تواند اشتغال داشته باشد یا خیر؟

ایشان با تقسیم کاری که نمودند عملاً خط مشی را بیان فرمودند که ای علی: وظیفه تو کار در بیرون از منزل و وظیفه تو ای دختر گرامی من ، تدبیر منزل و تربیت فرزندان و کار در منزل است. این تقسیم کار بسیار بر حضرت زهرا (س) زیبا جلوه نمود و رضایت بخش بود که تا آخر عمر و زندگی با علی (ع) این دستور پدر بزرگوار را نصب العین خود قرار داد.

اگرچه نمی توان از این روایت شریف استفاده نمود مبنی بر اینکه کار در محیط بیرون از خانه برای زن ممنوع و حرام است، اما این نکته را به طور قطع می توان به دست آورد که وظیفه زن منزل داری و تدبیر منزل و کار در منزل است و باید منزل را محل آسایش برای شوهر و فرزندان قرار دهد . این وظیفه اصلی اوست.

بنابراین اگر زنی در بیرون از منزل، یک فرد بسیار موفق باشد، یک مدیر لایقی باشد، گوینده ی مقتدری باشد، اما در منزل وظیفه همسری و مادری و گرمابخشی محیط منزل را

به نحو احسن انجام ندهد، چنین زنی از نگاه دینی و اسلامی زن موفق نیست. همسری ناموفق و مادری ضعیف است. در مقابل اگر زنی توانست کار در بیرون خانه را با کار در منزل جمع کند و از حقوق شوهر و فرزندان چیزی فرو نگذارد در این صورت هیچ اشکالی ندارد که در بیرون از منزل کار بکند. اما اینکه چرا خود حضرت زهرا (س) چنین کاری را نکردند پاسخ آن است که ایشان نمونه کامل و الگویی بی بدیل می باشند و معلوم است که اگر او کاری را که اندکی شبهه نامطلوبیت داشته باشد نمی تواند انجام دهد زیرا از لحاظ روانی اگر الگو کمی نرمش نشان بدهد افرادی که تابع او هستند به سهولت به کارهای بالاتر از شبهه دست می زنند.

#### نگاهی به تعاملات اجتماعی ، سیاسی زنان و مردان

از منظر قرآن، سرشت زن و مرد، سرشتی واحد و یکسان است. اسلام نگاه شر نگر دیگر مکاتب بشری را نسبت به جنس زن ندارد و در آیات متعدد با کمال صراحت می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر مردان آفریدیم . از سوی دیگر قرآن کریم تصریح دارد که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست بلکه رابطه مستقیمی با ایمان و عمل صالح دارد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیس، از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می کند. در نتیجه اسلام در نگاهی متعالی به زن ، وی را به چشم موجودی متعالی می نگرد که توانایی طی تمام مراتب معنوی ، انسانی و علمی را به صورت بالقوه در خود دارد. اسلام با نگرشی واقع نگرانه نسبت به جنس زن و مرد، با در نظر گرفتن تفاوت های ناشی از قانون خلقت، مسئولیت ها و حقوق و وظایفی متمایز از یکدیگر برای آنان قائل است. این تفاوت ها، راه تناسب بین زنان و مردان را تسهیل کرده و آنان را برای یک زندگی مشترک مهیا می نماید. دو گونه‌گی احساسات مردان و زنان نسبت به هم مؤید همین مطلب است. تفاوت های جسمی و روانی بین دو جنس زن و مرد، زمینه تقسیم وظایف فردی و اجتماعی را فراهم می آورد. زنان با عواطف و احساساتی عمیق تر و شدیدتر،

مسئولیت نگهداری از فرزندان و از همه مهم تر، تربیت انسان و انسان سازی را بر عهده دارند. وظیفه‌ای که شاید هیچ مردی به شایستگی زنان نتواند از عهده آن برآید. در حقیقت مسئولیت ساخت جامعه به دست زنان توانمند آن صورت می‌گیرد، چرا که آنان از طریق تربیت افرادی سالم، صالح و بی‌عقده عملاً جامعه و اجتماع را سامان می‌دهند.

مقام معظم رهبری در این باره در دیدار جمعی از بانوان استان هرمزگان فرمودند:

«اساسی‌ترین کار زن، کاری است که با خلقت زنانه او، با احساسات و عواطف به ودیعت نهاده الهی در وجود او، هم‌خوان و هماهنگ باشد. رسیدن و پرداختن به عواطف جوشان و پاسخ گفتن به آن محبتی که خدای متعال در وجود زن نهاده است، مهم است. اما علت اینکه زنان از حضور در برخی مناصب از جمله مدیریت کلان جامعه (حکومت)، فرماندهی جنگ و قضاوت منع شده‌اند نیز به دلیل همین عواطف و احساسات ژرف و شدید است که بر قوه تعقل آنان غلبه دارد. در این رابطه در بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه از قول امیر مومنان علی (ع) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) چنین آمده است:

«در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان بپرهیز، که رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است...»

از سوی دیگر، توان جسمی زنان از مردان کمتر بوده که موجب می‌گردد تا مردان انجام برخی امور را به صورت انحصاری بر عهده گیرند. امیرالمومنین در بخشی دیگر از نامه ۳۱ می‌فرمایند:

«آری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سختکوش.»

با این اوصاف، محرومیت زنان از برخی مشاغل، نه ظلم اجتماع و نه اجحاف اسلام در حق آنان است بلکه به دلیل موقعیت روحی و جسمی جنس زن است. کما اینکه مردان نیز به جهت دارا بودن روحیاتی خشن تر، توانایی انجام بسیاری از اموری را ندارند.

مقام معظم رهبری نیز با نگرشی عمیق تر به این موضوع پرداخته و در دیدار جمعی از نمایندگان زن مجلس ششم فرمودند:

«بحث اینکه زنی وزیر بشود یا نشود، یا در مجلس عضو هیئت رئیسه باشد یا نباشد، این مسأله‌ای نیست که ما آن را در قضیه زن‌ها تاثیرگذار بدانیم. بنابراین مسئله اصلی زن، اینها نیست. این که یک زن، معاون وزیر یا استاندار و یا سفیر بشود، مگر چقدر اثر دارد؟ مگر اینکه در خصوص رشد و تمییز یک کشور در بر طرف کردن مشکل زن و مرد، به این چیزها نگاه می‌کند؟ مگر قضاوت دنیا درباره بنگلادش این است که این‌ها مسائل زن‌ها را حل کردند؟ مگر کشوری مثل آمریکا، در طول این ۲۰۰ سال چند نفر رئیس جمهور زن داشته است؟ خود آن‌ها مدعی همه دنیايند.»

ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«من می‌گویم به مسأله اصلی نگاه کنید. مسأله اصلی فرهنگ عمومی جامعه است. ما دچار یک مشکل فرهنگی هستیم. چرا همه اش خیال می‌کنیم که اگر معاون وزی، یا معاون استاندار یا فرماندار فلان شهرستان دور دست شدیم، ارزش پیدا می‌کنیم؟ من می‌خواهم شما این نگرش را در جامعه تصحیح کنید.»

علاوه بر همه این مباحث، ذکر نمونه‌ای تاریخی از سیره ائمه معصومین می‌توان به زندگی حضرت زهرا (س) اشاره کرد. ایشان گرچه در شوونی از مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود وارد شدند و صحنه سیاسی روز و خصوصاً حمایت امام زمانشان را ترک نکردند، اما هیچ‌گاه عهده دار مناصب سیاسی نه در زمان پیامبر اکرم (ص) و نه در زمان امیرالمومنین (ع) نشدند. لازم به تاکید است که ایشان نسبت به تمام زنان عالم در تمام زمینه‌های علمی، معرفتی و معنوی شایسته‌ترین بوده و هستند.

### توجه به کارهای ویژه بانوان و دور بودن از کارهای مردانه

آورده اند روزی علی و فاطمه (ع) به خدمت رسول خدا آمده، درخواست کرده تا برنامه زندگی و خدمات در خانه را برای هر یک معین فرمایید. پیامبر (ص) فاطمه را به خدمت در درون خانه گماشت و آن چه مربوط به بیرون از خانه بود به علی واگذار کرد. فاطمه که از این تقسیم صحیح و حساب شده بسیار خوشحال گشته بود، گفت: «فقط خدا می داند، چقدر خرسندم از این که می بینم رسول خدا (ص) مرا از کارهایی که فقط از عهده مردان بر می آید معاف داشته است (۱۷)».

ناگفته نماند این تقسیم بدان معنا نبود که دیگر علی در منزل دست به هیچ کاری نزنند یا فاطمه (س) در کارهایی که مربوط به تامین معاش و زندگی است به علی (ع) کمک نکنند، بلکه براساس برخی از روایات، هم علی (ع) در خانه به کمک همسر می شتافت و گاهی خانه را جاروب می زد و گاهی فاطمه برای تامین معاش به کمک علی (ع) می شتافت و در مقابل ریسیدن پشم برای مردم، قدری جو می گرفت و از آن نانی تهیه می کرد. امام صادق (ع) فرمودند: «وضع خانه علی (ع) این گونه بود که امیر المومنین (ع) هیزم فراهم می کرد و آب می کشید و خانه را نظافت می کرد و فاطمه (س) آرد می کرد و آن را خمیر کرده و نان می پخت» (۱۸).

### از خود گذشتگی در زندگی مشترک

پیامبر (ص) علی (ع) و فاطمه (س) را مشاهده نمود که در خانه مشغول کار هستند از آنها پرسید: «کدامیک خسته تر هستید؟ امیر المومنین (ع) پاسخ داد: «فاطمه، رسول خدا (ص) در جای فاطمه (س) نشست و کارهای او را انجام داد».

از جمله نکاتی که در این نمونه کوتاه قابل توجه است، همکاری علی (ع) به همسرشان در امور خانه و دیگر نحوه پرسش پیامبر اکرم (ص) بود که مستقیماً خطاب به دختر خویش

نمود و از طرف دیگر علی (ع) با همین پاسخ کوتاه، عطوفت و مهربانی به همسرش را نشان می دهد (۱۹).

### کتمان مشکلات

رسول خدا فرموده اند: از برکات اخلاقی و فکری زن خوب این است که هزینه و مخارجش کم باشد. در اداره خانه و صرفه جویی در مصرف، یاور و همکار شوهر به حساب آید.

تمام این ویژگی ها در وجود مبارک حضرت زهرا (س) جمع بود و آن حضرت با مدیریت لازم و با صبر و بردباری، همه تلخی ها را به کام علی (ع) شیرین می کرد و در برابر مشکلات مالی عقب نشینی نمی نمود. حضرت زهرا (س) در کنار سایر تحملات خود در برابر سختی ها، روزهای زیادی را به گرسنگی گذرانید، ولی دردش را به کسی نگفت و حتی به رخ علی (ع) نیاورد و تا هنگام شهادت چیزی از شوهر درخواست نکرد.

در فرازی از خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه در گفتگوی علی (ع) با رسول گرامی اسلام (ص) پس از دفن آن دردانه رسول گرامی اسلام، می توان این حقیقت را بدان پی برد: «ای پیامبر بزرگ، حال دخترت را از او پرس و او را سؤال پیچ کن در غیر این صورت او به شما چیزی نمی گوید».

این جمله امیرالمومنین معنای دقیق و سنگینی دارد، زیرا می خواهد بفرماید فاطمه (س) هیچگاه زبان به گلایه و اظهار سختی و خستگی نگشود. او آن رنجهایی را که هرگز از ذهن تاریخ محو نخواهد شد، را هرگز با علی در میان نگذاشت.

### تحمل سختی های زندگی

جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی پیامبر (ص) چشمش به فاطمه افتاده در حالی که عبايي از پشم شتر بر سر افکند و با دو دست خود آرد می کرد، فرزند خود را نیز شیر می داد.



پیامبر (ص) از دیدن این منظره متأثر شده و در حالی که اشک بر گونه هایش جاری بود، فرمود: دخترم پیش از شیرینی آخرت تلخی دنیا را بچش.  
فاطمه (س) عرض کرد: یا رسول الله، خداوند را در برابر نعمت هایش ستایش می کنم و بر نعمت های ظاهری اش شکرگذارم (۲۰).

### خدمت بی منت

در طول نه سالی که فاطمه (س) در خانه علی (ع) بود با داشتن چهار فرزند خردسال (جز در سال های آخر که خادمه ای برای آن حضرت معین شد)، تمام کارهای خانه را تنها انجام می داد. فاطمه (س) علاوه بر بچه داری، خود از چاه آب می کشید و جو آسیاب می کرد، اما اظهار خستگی نکرده و هرگز به خاطر چنین کارهایی بر شوهر منت نگذاشت. یا از کار کردن در خانه استنکاف نکرد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمود.

### احترام متقابل

فاطمه (س) با الهام از دستورات الهی و پدر بزرگوارش، نسبت به امیر المومنین فوق العاده علاقمند بود و هرگز بر خلاف رضای او گام بر نمی داشت و زندگی و برخوردش با همسرش چنان بود، که غمها و غصه های وارده در بیرون از خانه، با دیدار فاطمه (س) برطرف می شد. حضرت علی (ع) خود در این باره می فرماید:

«والله فاطمه (س) را غضبناك نکردم و وی را در هیچ امری دل چرکین ننمودم تا زمانی که خدای تعالی وی را از دنیا برد و فاطمه (س) هرگز مرا به خشم در نیاورد و مخالفت با امر من نکرد. هر وقت نگاهش می کردم تمام غم ها از من زایل می شد» (۲۱).

### تواضع نسبت به همسر...

حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: «بهترین شما کسی است که شانه هایش نرم تر (افتاده تر و متواضع تر) است و نسبت به همسر خود اکرام و احترام بیشتری دارد» (۲۲).

### رضایت همسر

حضرت فاطمه (س) می فرماید که پیامبر (ص) فرمودند:

«وای به حال زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او خشنود باشد» (۲۳).

حال به نظر خودمان این «وای به حال» و این «خوشا به حال» چه وسعت معنایی می تواند داشته باشند...؟

### ایجاد آرامش در خانواده

هر مردی برای حل مشکلات خارج از منزل به روحیه ای قوی نیازمند است که سعی می کند از آرامش حاکم بر خانواده اش برای کاهش نگرانیهایش استفاده کند و بدون شک مردی که از چنین خانواده ای برخوردار است فرد پیروز و موفقی خواهد بود.

امیرالمومنین (ع) در این مورد می فرماید: «هیچ گاه فاطمه (س) از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند، او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده نساخت در هیچ امری قدمی بر خلاف میل باطنی من برداشت و هرگاه به رخسارش نظاره می کردم، تمام غصه هایم بر طرف می شد و دردهایم را فراموش می کردم» (۲۴).

### فاطمه (س) و تربیت فرزندان

یکی از ابعاد برجسته یک زن موفق تربیت فرزند موفق و سالم است و این وظیفه از زمان بارداری تا سالها پس از تولد ادامه دارد. بر کسی پوشیده نیست که تربیت فرزندان در سطح گسترده ای در اختیار زن منزل است و در حقیقت این نقش کلیدی را او بازی می کند و مرد نقش کمتری ایفا می نماید. بر زن های ما است که در این قسمت هم به اسوه ممتاز جهان اسلام حضرت زهرا (س) تأسی کنند.

علی رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه های ارائه شده از طرف اولیای دین، همیشه با انسان ها از هر تمدن و فرهنگی سازگار

است. از جمله مواردی که در شیوه تربیت حضرت زهرا (س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند. حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) در خانه به بازی بچه ها توجه کافی مبذول می داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روز افزون آنها می شد. نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه (س) از همان کودکی با فرزندانش همبازی می شد و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می گیرد.

یکی از مطالبی که باید همواره مورد توجه و دقت پدر و مادر و سایر مربیان قرار گیرد این است که مراقب کودک باشند که از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد. باید نظم در زندگی را به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حقش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند. البته شالوده ی این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می شود.

پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکانشان یکسان رفتار کنند و هیچ یک را بر دیگری مقدم ندارند. بین پسر و دختر، کوچک و بزرگ، زشت و زیبا و خوش فهم و بد فهم فرق نگذارند. در مورد اظهار محبت و علاقه نیز باید با همه آنان یک جور رفتار کنند تا حس حسد و کینه توزی در بین آنها بوجود نیاید. اگر کودک دید در خانه ی خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می شود، می فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمرد. اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد، خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می شود. این درس تربیتی به طور کامل در خانه ی حضرت زهرا (س) اجرا

می شد. به قدری در این باره دقت می شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد نیز مراعات می کردند.

### رعایت حق فرزندان و اهتمام به امور آنان

امیرالمومنین (ع) یکی از حقوقی را که فرزندان به عهده پدر دارند نام نیکو و پسندیده می شمارد (قبلاً تاکید شد) و می فرماید:

«تعیین نام مناسب حقی است که فرزند بر ذمه ی خود دارد» (۲۵).

حضرت زهرا (س) با هم فکری و همکاری پیامبر (ص) و علی (ع) زیباترین نام ها را برای فرزندان خود انتخاب نمود و از این جهت حقی که بر ذمه داشت به بهترین شکل ممکن ادا کرد (۲۶).

### همراهی با فرزندان و بازی کودکانه

تحرک و بازی با فرزندان در شیوه تربیتی آن بانو جایگاه خاصی داشت. حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) در خانه به بازی بچه ها توجه کافی مبذول می داشتند و همین امر موجب شادابی و نشاط روز افزون آنها می شد. آنها به این امر توجه داشتند که در بازی نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودکانه قرار می گیرد بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد و قالب بازی و شوخی کودک را تقویت نمود.

نقل شده است که حضرت زهرا (س) با فرزندش حسن (ع) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود: «پسرم حسن مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از حق برکن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن». همچنین وقتی با حسین (ع) مشغول بازی است با اشعار خود این گونه می فرمود: «تو به پدر من شبیهی و به پدرت علی شباهت نداری» و این کار موجب خنده و تبسم حضرت علی (ع) می شد (۲۷).

### عدالت و مساوات در مورد فرزندان

رفتار هماهنگ و عادلانه و بذل محبت و توجه به طور مساوی به فرزندان اصل سازنده‌ای است که تا اعماق وجود کودک اثر می‌گذارد. روزی پیامبر گرامی اسلام (ص) از امام حسن و امام حسین (ع) خواست که کشتی بگیرند. حضرت زهرا (س) می‌گوید: «می‌دیدم که پیامبر با حالتی حسن را تشویق کرده و در صدد تقویت اوست. بدین خاطر به پدرم گفتم: «ای پدر بزرگوار از شما تعجب می‌کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهید آن هم بزرگتر را بر کوچکتر!»

پیامبر (ص) فرمود: «دوستم جبرئیل حسین را تشویق و تحریک می‌کند و من حسن را تشجیع می‌نمایم». آن حضرت با توضیحی که از پدرش می‌شنود، متقاعد می‌گردد (۲۸).

### نظارت عمومی بر فرزندان

بی توجهی نسبت به نظارت فرزندان بخصوص رفت و آمدهای آنها نتایج زیانباری به دنبال دارد. حضرت فاطمه زهرا (س) با فداکاری خاصی مراقب تمام حرکات و سکنات فرزندان بود و به دقت رفت و برگشت‌های آنها را زیر نظر داشت.

نقل شده است روزی پیامبر (ص) فرمود:

«چرا اینجا ایستاده‌ای؟» فاطمه (س) با آهنگی مضطرب عرض کرد: «فرزندانم رفته‌اند و از آنها خبری ندارم». پیامبر (ص) به دنبال آنها روانه شد. چون به نزدیک غار جبل رسید، آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی هستند. آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (س) بازگشت (۲۹).

### آموزش فرزندان

آن بانو در مورد تعلیم و تربیت فرزندان خویش مادری آگاه و دلسوز، پرتلاش و موفق بوده است. آنگاه که حسن (ع) هفت ساله شد او را به مسجد می‌فرستاد تا مطلب وحی را از زبان پیغمبر بشنود و آنگاه که آن کودک هفت ساله به خانه باز می‌گشت مادر که گویا

منظور تشویق فرزند خود را هم داشت از وی می خواست آنچه را که از پیغمبر شنیده بود برای مادر بازگو نماید (۳۰).

### افتخار علی (ع) به فاطمه (س)

حضرت علی (ع) می فرماید:

«... من همسر بتول (س) هستم. همان کسی که سرور جهانیان است...» (۳۱).

### پاداش خانه داری

در یکی از روزها پیامبر اکرم (ص) از اصحاب خود پرسید: از نظر شما کدام زن در درگاه الهی مقرب تر است؟ «مسلمانان در جواب پیامبر عاجز ماندند تا اینکه سؤال به گوش فاطمه رسید و فرمود:

«نزدیک ترین زنان به خدا زنی است که ملازم خانه خود باشد و به ادای وظایف خانه و زندگی خویش بپردازد» (۳۲).

### مبارزه با باطل و دفاع از حق

حضرت زهرا (س) از دوران کودکی در فراز و نشیب های صدر اسلام و در صحنه جهاد با کفار و مشرکان همراه و یاور پیامبر بود و با تهیه آذوقه و پرستاری از رزمندگان به یاری دین حق می پرداخت. پس از رحلت پیامبر نیز با شجاعتی وصف ناپذیر در زمان غربت اسلام به دفاع از حق ولایت امیر المومنین (ع) برخاست تا آنجا که علاوه بر فرزندش محسن، خویش را در این راه مقدس فدا کرد.

### قناعت

روزی سلمان به خانه دختر پیامبر می رود. فاطمه (س) چادری بر سر دارد که از چند جا وصله خورده است. سلمان با تعجب در آن چادر می نگرد و اندوهگین می شود. چون

فاطمه (س) به دیدن پدر می رود، می گوید «پدر، سلمان از چادر وصله خورده من تعجب کرد».

فاطمه (س) نه تنها در پوشاک و خوراک به حداقل قناعت می کرد و بر خود سخت می گرفت، کارهای خانه را نیز به عهده دیگری نمی گذاشت (۳۳).

### ایثار و نوع دوستی

فاطمه (س) تجسم ایثار و نوع دوستی بوده است. او با همه کس اعم از افراد غریبه و اعضای خانواده حتی خادمش چنین بوده است.

از جمله روش ها و درس های تربیتی حضرت فاطمه (س) نوع دوستی او بود که در برابر چشمان تیز بین فرزندان به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند، ولی دیگران را سیر می نمود (۳۴).

فاطمه (س) گردن بندش را به فقرا ایثار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه ها خریداری شد و برای بی لباس ها، لباس مناسب تهیه گردید ... و پرده های خانه اش در اختیار پیامبر خدا قرار گرفت و از آن عریان ها پوشانده شد و حدیث «فاطمه بضعه منی» در حق آن حضرت صادر گشت (۳۵).

در تفسیر سوره هل اتی (دهر) آمده، فاطمه و علی (ع) و دیگر خانواده او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به مسکین، یتیم و اسیر دادند و همین سوره در جایگاه مناقب آن حضرت و سایر اهل بیت نازل گشت ... (۳۶).

### تهجد، عبادت و معنویت

پیامبر اسلام (س) از عظمت فاطمه (س) و از چگونگی عبادت و تهجد و راز و نیازش چنین پرده برداشته و ندای خداوند به فرشتگان را این چنین بیان می کند:

«فرشتگانم به فاطمه (س) بنگرید که چگونه در مقابل من ایستاده و از ترس من اعضای بدنش می لرزد و من قلبش را به عبادت خودم مشغول کرده ام، شاهد باشید که من دوستان و شیعیان او را از آتش جهنم ایمن کردم» (۳۷).

امام حسن (ع) فرمود: «فاطمه، عابدترین مردم بود، در عبادت حق تعالی آن قدر بر پا ایستاد تا پاهای مبارکش ورم کرد» (۳۸).

فردای روز ازدواج علی (ع) و فاطمه (س)، علی (ع) در پاسخی صریح و زیبا به این سؤال پیامبر (ص) که زهرا (س) را چگونه یافتی؟ این گونه فرمود: «فاطمه خوب یاوری در راه اطاعت و بندگی خداست» (۳۹).

### ضرورت حفظ اخلاق اجتماعی

حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: «... خدای بزرگ احترام و نیکی به پدر و مادر را سپر حفظ از خشم خود قرار داده است و صله ارحام و روابط فامیلی را سبب فراوانی نسل و دوری کردن از تهمت، محفوظ ماندن از عذاب و لعنت، دزدی را برای برقراری پاکدامنی و عفت انتخاب کرده است...» (۴۰).

### التزام به تعهدهای اخلاقی

بسیاری از انسان ها در موقع تبیین برخی از ارزش ها و طرفداری از آن خوب سخن می گویند، اما نوبت به مرحله عمل که می رسد، معلوم می شود که همه اش حرف بوده و بس. اما این اصل ارزشی، یعنی تطابق گفتار و کردار در زندگی معلمان اخلاقی همچون فاطمه (س) جایگاه بسیار مهم و ویژه ای دارد.

گویند: وقتی که قرار شد پیامبر (ص) یک اسیر زن را به فاطمه هدیه کند تا در کارهای خانه او را کمک نماید، رسول خدا یکی از اسرای ساحل بحر را به خانه دخترش فرستاد و سفارش فرمود: تا با او مدارا شود. هنگامی که فاطمه (س) این سفارش را از پدر شنید، به پدر



گفت: ای رسول خدا (ص)...! کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز با او و در مرحله عمل نیز چنین کرده و تا آخر بدان پای بند بود.

### علم

او در مقام انسانی خویش آگاه تر از اهل زمان است، زیرا مستقیماً از محضر نبوت رسول اکرم (ص) کسب معرفت نموده و به همراه دروازه شهر علم نبی، طی طریق کرده است پس جان او به تناسب این آگاهی از ملک نیز برتر است. در وی علم وراثت نیز از جانب حق به ودیعه نهاده شده است. این وارث تعلم توحید به دلیل بهره مندی از ظرفیت بسیار، در طبقه ای رفیع قرار دارد و با آنکه اسرار حق بر او جلوه گر است، از افشای آنها اجتناب می ورزد.

### هدایت و تلاش علمی

در آغاز کار، هنوز اسلام در حال شکل گرفتن بود. تلاش فاطمه (س) در این قسمت پراکنده و به تناسب شرایط، اتفاقی بود. اما بعدها که بازار اسلام رونقی نو یافت و بر عده مسلمین افزوده شد، مخصوصاً در سه سال آخر حیاتش، درس آموزی ها به صورت رسمی و منظم در آمد و بخشی از اوقات زندگی شبانه روزی او را پر می کرد. زنان مهاجر و انصار به خدمتش مراجعه کرده و از او درس زندگی و دین می آموختند (۴۱).

حضرت زهرا (س) در فرصت های مناسب با یادآوری سخنان پیامبر و با استناد به آیات قرآن کریم به هدایت و راهنمایی مردم و تربیت نفوس می پرداخت. معرفت الهی و فلسفه احکام را به آنان تعلیم می داد تا تکلیف و وظیفه خویش را بشناسند و به آن عمل کنند.

امام حسن عسکری (ع) فرمود:

زنی نزد حضرت فاطمه شرفیاب شد و گفت: من مادر ضعیفی دارم که در مورد نماز دچار اشتباهی گردیده و مرا نزد شما فرستاده تا از شما مشکل او را سؤال کنم. حضرت فاطمه جواب مسئله او را داد. وی بار دوم و سوم آمد و پرسید و پاسخ

گرفت و این عمل تا بارها تکرار شد و باز هم فاطمه زهرا جواب سؤال اول را بیان کرد. آن زن از این همه رفت و آمدهای پی در پی شرمنده شد و گفت: بیش از این شما را به زحمت نمی اندازم و دیگر سؤال نمی کنم. صدیقه طاهره فرمود باز هم بیا و هر چه سؤال داری بپرس. سپس ادامه داد اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را تا ارتفاعی بالا ببرد ولی در مقابل بعنوان اجر و مزد به وی صد هزار دینار طلا بدهند آیا در مقابل چنین اجرتی این بار سنگین برایش دشوار خواهد بود؟ آن زن پاسخ داد: نه ... حضرت فرمود: هر مسئله ای که پاسخ می دهم خداوند بیش از فاصله بین زمین و عرش که پر از لؤلؤ و جواهر شده باشد به من پاداش می دهد. پس مسلم است که تو هر قدر سوال کنی برای من هیچ گونه ناراحتی ایجاد نخواهد کرد. از پدرم رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: روز قیامت که علمای شیعیان ما محشور می گردند به میزان دانش به آنان خلعت های گران بهایی داده می شود و میزان خلعت ها با میزان تلاشی که برای ارشاد بندگان خدا نموده مناسبت دارد تا جایی که به یکی از آنها هزار زیور از نور هدیه می دهند. آنگاه منادی از سوی پروردگار ندا می دهد: ای کسانی که ایتم آل محمد را سرپرستی کردید و ای آنان که در هنگام نبود پدران این ایتم، (که ائمه اطهار باشند) از آنان محافظت و مراقبت می کردید، اینان همان شاگردان شمایند، همان یتیمانی که سرپرستی و نگهداری شان نمودید و با علوم خود، آنان را شاداب و با طراوت کردید، پس به مقدار علمی که به شاگردان خود داده اید، از سوی خدا به آنان خلعت دهید و از سوی خدای تبارک و تعالی امر می شود که به معلمان، دو برابر آن چه به شاگردان خود خلعت داده اند خلعت داده شود.

پس حضرت فاطمه فرمود: یک نخ از این خلعت های آخرتی از آن چه که خورشید بر آن بتابد با ارزش تر است (۴۲).

## منابع

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۶۲.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۳.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲.
۶. رجوع شود به المنجمد و منابع مشابه.
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷.
۸. فاطمه (س) الگوی حیات زیبا، محمد جواد مروجی طبسی، ص ۲۲، برگرفته از کتاب: احاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۱۵.
۹. «الحسن و الحسين خیر اهل الارض بعدی و بعد ایها و امها افضل نساء اهل الارض» بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۹، ح ۵.
۱۰. کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰۷ و ۲۰۸، ش ۳۴۰۱۷.
۱۱. تحلیل سیره فاطمه زهرا (ع)، علی اکبر بابا زاده، ص ۸۸.
۱۲. حضرت فاطمه (س) الگوی امام خمینی (ره)، بهزاد کاظمی.
۱۳. سوره عایق، آیه ۸.
۱۴. سوره فجر، آیه ۳۰.
۱۵. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۹.
۱۶. فاطمه (ع) الگوی حیات، محمد جواد مروجی طبسی، ص ۳۶... برگرفته از کتاب: المقنع، ص ۹.
۱۷. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۳، ص ۴۹.
۱۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱.
۱۹. جلوه های رفتاری حضرت زهرا (س)، عذرا انصاری، ص ۱۷.
۲۰. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۷۱.
۲۱. سفینه البحار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.
۲۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۰.
۲۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳.
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۳۹۹.
۲۵. جلوه های رفتاری حضرت زهرا (س) عذرا انصاری ص ۳۳.
۲۶. جلوه های رفتاری حضرت زهرا (س) عذرا انصاری، ص ۳۷.
۲۷. بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۲۶۸.
۲۸. جلوه های رفتاری حضرت زهرا (س) عذرا انصاری، ص ۴۹.
۲۹. فاطمه (س) عذرا انصاری، ص ۴۹۱.

۳۰. حقوق خانواده از نگاه حضرت فاطمه (س) برگرفته از: معانی الاهیبار، ص ۵۸.
۳۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.
۳۲. زندگی فاطمه زهرا (س)، سید جعفر شهیدی، ص ۸۳.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۴، ح ۶.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶، ح ۵۰.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷، تفاسیر مختلف ذیل آیات مربوطه ...
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
۳۹. قسمتی از خطبه حضرت زهرا (س).
۴۰. در مکتب فاطمه (س) دکتر علی قائمی، ص ۲۷۳.
۴۱. اخلاق فاطمه، ص ۱۰۶، بحار النوار، ج ۲، ص ۳.

#### منابع پراکنده

۱. زن در ادیان بزرگ جهان..... جین هولم- جان بوکر
۲. زندگی مذهبی زنان..... ریتام گراس
۳. حقوق خانواده «۳»..... دکتر مهدی خالصی
۴. آینه همسران (الگوی زندگی حضرت علی(ع) و فاطمه(س))..... الهام مخدومی
۵. مجموعه مقالات کنگره حضرت زهرا و انسان معاصر..... معاونت بشیخ استان اصفهان
۶. ازدواج فاطمه زهرا(س)..... محمد روحانی، علی آبادی
۷. فاطمه فاطمه است ..... علی شریعتی

#### منابع اینترنتی (سایت)

۱. www.ir-psri.com
۲. www.tebyan.net
۳. www.bashgah.com
۴. www.kayhannews.ir
۵. www.karajquaran.com
۶. www.irdc.ir

#### آدرس:

استان خوزستان، شهرستان ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر فرهنگ اسلامی،

«گیرنده سید محمد جواد آزمون، پرویز حامدیان»

تلفن تماس: ۰۹۳۷۴۶۱۰۹۸۸

## بررسی فرآیند الگوپذیری حجاب از برنامه‌های سیمای شبکه اصفهان (از نگاه زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان)

### اعظم ابراهیم نجف آبادی

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران

مربی دانشگاه علمی-کاربردی اصفهان و پیام نور نجف آباد

و مددکار مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد-حوزه معاونت دانشجویی - مرکز مشاوره و خدمات

روانشناختی

شماره تلفن: ۰۹۱۳۲۸۹۴۱۵۲

شماره تلفن: ۰۹۱۳۲۸۹۴۱۵۲

شماره ثابت: ۰۳۳۱-۲۶۳۸۹۶۸

E mail: a\_ebra2004@yahoo.com

### چکیده

**مسئله و هدف:** وسایل ارتباط جمعی، پدیده‌های خنثی و صرفاً کاتالیزور نیستند، و بر تمامی ارکان جامعه مؤثرند. تلویزیون نیز تأثیر متقابل بر جامعه دارد و در پیدایش عادات تازه، تغییر رفتار و خلق و خوی انسان‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. در حال حاضر وسایل ارتباط جمعی به خصوص تلویزیون در ارائه نقش، چهره و پوشش زن‌ها در خانواده و اجتماع سهم زیادی به عهده دارد. و با توجه به این‌که از واجبات دین اسلام رعایت حجاب برای زنان است هدف این پژوهش بررسی فرآیند الگوپذیری حجاب از برنامه‌های سیمای شبکه از نگاه زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان می‌باشد.

**روش:** روش تحقیق حاضر، پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله ساکن شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. تعداد کل زنان ۱۵-۲۴ ساله استان اصفهان ۲۳۹۰۷۲ نفر است. (مرکز آمار استان اصفهان) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با خطای ۵ درصد (خطای

جوابگویی) و  $d = 7\%$  (دقت احتمالی مطلوب)، با فرمول  $N = \frac{(t^2)(pq)2}{d^2}$  ۲۰۰ نفر برآورد شده است، روش نمونه‌گیری. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی متناسب در

منطقه استفاده گردیده است. به طوریکه نمونه ها از هر منطقه و متناسب با جمعیت آن منطقه انتخاب شده است. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه است. که این پرسشنامه محقق ساخته شامل ۵ سؤال در زمینه عوامل فردی پاسخگویان و ۳۳ سؤال در زمینه فرآیند الگوپذیری زنان جوان از برنامه های سیما بوده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس مدل یادگیری اجتماعی آلبرت بندروا طرح ریزی گردیده و در این مدل یادگیری مشاهده ای تحت تأثیر چهار مؤلفه، فرآیندهای توجهی، فرآیند یادداری، فرآیند بازتولید حرکتی و فرآیند انگیزشی قرار دارد، همچنین تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

**یافته ها:** تقریباً ۵۰ درصد نمونه های آماری دارای پوشش مانتو و مقنعه و مانتو و روسری بوده اند و ۵۰ درصد دارای پوشش چادر بوده اند که می تواند برشی از جامعه در زمینه چگونگی رعایت حجاب باشد. در مورد رنگ های مورد استفاده برای پوشش، رنگ های روشن به میزان ۳۴ درصد و رنگ های تیره به میزان ۶۶ درصد بوده اند در این ویژگی الگوی پوششی با الگوی پوششی ترویجی از سوی نهادهای مذهبی و حاکمیتی می باشد.

بیشترین میزان الگوبرداری بینندگان از بازیگران زن فیلم های ایرانی و پس از آن مجموعه های ایرانی و مجریان زن تلویزیون بوده است. کمترین الگوبرداری از فیلم ها و مجموعه های خارجی بوده است. همچنین تقریباً ۳۴ درصد از بینندگان اصلاً از هیچ الگوی حجاب در تلویزیون الگوبرداری نمی کنند و گروه مرجع آن ها تلویزیون نمی باشد.

میزان توجه به حجاب نمایش داده شده در برنامه های تلویزیون بیانگر آن است که بیشترین توجه به ترتیب به حجاب بازیگران مجموعه ها و فیلم های ایرانی است. پس از آن میزان توجه به نوع حجاب مجریان زن و رفتارهای نمایش داده شده در برنامه هاست. و در رتبه سوم نوع حجاب میهمانان زن برنامه های تلویزیون است. نوع پوشش بازیگران مجموعه های خارجی و فیلم های خارجی در رتبه چهارم و دارای کمترین میزان توجه بوده است. همچنین بین میزان تماشای برنامه های تلویزیون برحسب وضعیت تأهل، گروه های سنی، نوع پوشش تفاوت معنی داری وجود داشت.

**کلید واژه ها:** الگوپذیری، حجاب، برنامه های سیما، زنان جوان

## مقدمه و بیان مسئله

با توجه به اینکه تلویزیون بیشترین مورد استفاده را در بین اقشار جامعه دارد و وسیله ای است قابل دسترسی و مطالب آن با توجه به مخاطبینش در هر گروه سنی و در هر سطح سواد قابل درک است می توان گفت: که تلویزیون با این کاربرد وسیع می تواند بیشترین تأثیرات را بر افراد جامعه و در مرحله بعد در خانواده و در یک گستره وسیع تر بر جامعه بگذارد. خانواده متشکل از افراد و جامعه تشکیل شده از خانواده ها است، تأثیرپذیری هر کدام از این جزئیات باعث پدید آمدن تغییر و تحول در کلیات می شود به عقیده روان شناسان در برابر هر شخصی که توانایی و قدرت قانع سازی دارد باید فردی نفوذپذیر نیز وجود داشته باشد. روانشناسان اجتماعی بر این باورند که زنان به مراتب بیش از مردان نفوذپذیرند و تفاوت در میزان نفوذپذیری آن ها از نظر آماری معنی دار است.

همچنین تلویزیون بیشترین تأثیر را در شکل گیری نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد و مهمترین نقش را می تواند در انتقال اطلاعات، ارزشها، الگوها و آگاهی دادن به جامعه عهده دار شود. فرآیند انتقال ارزشها توسط برنامه های مختلف تلویزیونی (سریال ها، فیلم های داستانی بلند و کوتاه، اخبار و...) صورت می گیرد. تزریق این ارزش ها با ظرافت تمام از طریق کلمات، موسیقی، تکنیک های خاص تصویری، نوع لباس و... در لابلای برنامه ها پوشیده و مستور است در سطح جامعه انتقال می یابد و افراد با شیوه های مختلفی همچون همانندسازی و تقلید ارزش های منتشر شده توسط برنامه های تلویزیونی را درونی می کنند. از طرف دیگر با گسترش تکنولوژی ارتباطات قدرت این رسانه افزایش چشمگیری یافته است و دامنه نفوذ آن تا دورافتاده ترین شهرها و روستاها گسترش یافته و مخاطبان زیادی در بین همه اقشار جامعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان و با سواد و بی سواد دارد با توجه به اهمیت ارزشها در جامعه و تأثیر انکارناپذیر تلویزیون در این انتقال ارزشی پژوهش

حاضر به دنبال بررسی فرآیند الگو پذیری پوششی بینندگان از برنامه های سیما از نگاه زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله ای اصفهان می باشد.

فرآیند الگو پذیری شامل چهار مؤلفه، میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یاد سپاری و الگو برداری می باشد. در این پژوهش همچنین به مقایسه عوامل مؤثر در فرآیند الگو پذیری زنان از برنامه های سیما بر حسب، سطح در آمد خانواده، وضعیت تأهل و نوع حجاب زنان پرداخته خواهد شد. نتایج این پژوهش می تواند به مسئولین و تهیه کنندگان در تهیه برنامه ها و فیلم ها در ارائه انواع الگوهای حجاب مناسب جامعه اسلامی کمک نماید.

### بررسی تأثیر تلویزیون

ژان کازینو معتقد است فهم اثرات وسایل ارتباط جمعی، زمانی ممکن است که وظایف آن ها را مورد توجه قرار دهیم. نه تنها فهم وظایف آشکار این وسایل مهم است بلکه وظایف پنهان آن ها نیز اهمیتی در خور توجه دارد (کازینو، ۱۳۶۷، ۵۶)

همچنین گیدنز از تلویزیون به عنوان ابزاری زمینه ساز نگرش های اجتماعی نام می برد و اعتقاد دارد که نفوذ تلویزیون به عنوان یک وسیله فرهنگی نمی تواند چنان که باید بر حسب محتوای برنامه های ارائه شده ارزیابی گردد (گیدنز، ۱۳۷۹، ۶۰)

همچنین قابل ذکر است که بر طبق نظر روانشناسان قسمت زیادی از یادگیری انسان از طریق مشاهده است و در میان حواس پنج گانه آنچه از طریق حس بینایی تجربه شود ماندنی تر و اثر گذارتر است. بنابر آمار داده شده درباره یادگیری از طریق حواس در یک انسان معمولی ۷۵ درصد یادگیری از طریق بینایی و ۱۳ درصد از طریق شنوایی است. تلویزیون به دلیل کاربرد توأم دو حس بینایی و شنوایی بیشترین درصد یادگیری ۸۸ درصد را دارا است. و از آن جا که تلویزیون یک رسانه ی تصویری و در عین حال قابل دسترس



برای عموم مردم در هر سطح از سواد و فرهنگ است بیشترین تأثیر را بر مخاطبان خود می‌گذارد.

### آثار و فواید رعایت حجاب

۱- بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش عطش سیری ناپذیری شهوت است.

۲- تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین، با رواج بی‌حجابی و جلوه‌گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های جنسی خود تلقی می‌کنند و افراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آنچه دارند و ندارند، قرار می‌گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه‌زندگی را می‌سوزاند.

۳- استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیت دختر و پسری که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارایی آن‌ها کاسته می‌شود و حکومت شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است.

۴- بالا رفتن ارزش واقعی زن و جبران ضعف جسمانی او، عفاف و حجاب زن می‌تواند در نقش عاطفی و تأثیرگذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیل و عشق در مرد است و حریم‌نگه داشتن یکی از وسائل مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است (مطهری، ۱۳۷۱ص ۴۳۴).

### دلیل وجودی حجاب

اسلام حجاب را برای محدودیت و حبس زن نیاورده، بلکه برای مصونیت او توصیه کرده است، زیرا اسلام راضی به حبس، رکود و سرکوبی استعدادهای زنان نیست، بلکه با رعایت عفاف و حفظ حریم، اجازه حضور زن را در اجتماع داده اما از سوء استفاده شهوانی

و تجاری منع کرده است. در واقع حجاب موجب محدودیت، مردان هرزه می باشد که در صدد کام جویی های آزاد و بی حد و حصر هستند و مصونیت زنان از دست این گروه از مردان منظور است.

علاوه بر مطالب فوق استاد مطهری در بیان این که چرا حجاب به زنان اختصاص یافته می گوید: اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خود نمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از حس شکارچی گری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده به کار برند. بنابراین انحراف تبرج و برهنگی، از انحراف های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

### تاریخچه حجاب

نخستین اطلاع از وجود و حضور چادر در ایران پیش از اسلام متعلق به دوره هخامنشی است. پیدایی تعدادی پیکره این دوره که از سنگ و فلز ساخته شده و وجود حجاب را در بیش از اسلام در ایران روشن می کند. در دوره اشکانی اکثر زنان ملبس به چادر بوده اند. بر دیوارنگاره های شهر، زنان چادری به سر دارند که بی تردید بر تندیس ها و پیکره های شاهزادگان دوره اشکانی چادر مشاهده می شود.

آرتو کریستن سن و دیگر خاورشناسان و ایران شناسان وجود و حضور چادر را در فرهنگ ایران باستان تأیید کردند و چادر در این دوران ویژه طبقه یا گروه خاصی از بانوان نبوده و مورد استفاده عموم مردم از هر جایگاه و پایگاه اجتماعی می باشد. بعد از طلوع اسلام، چادر در ایران به حیات خود ادامه داد زیرا بر اساس نص صریح قرآن پوشش زنان از واجبات است (جعفری، ۱۳۷۴، ۱۸۴)

## اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی فرآیند الگویذیری حجاب از برنامه های سیما از نگاه زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان می باشد.

از دیگر اهداف این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

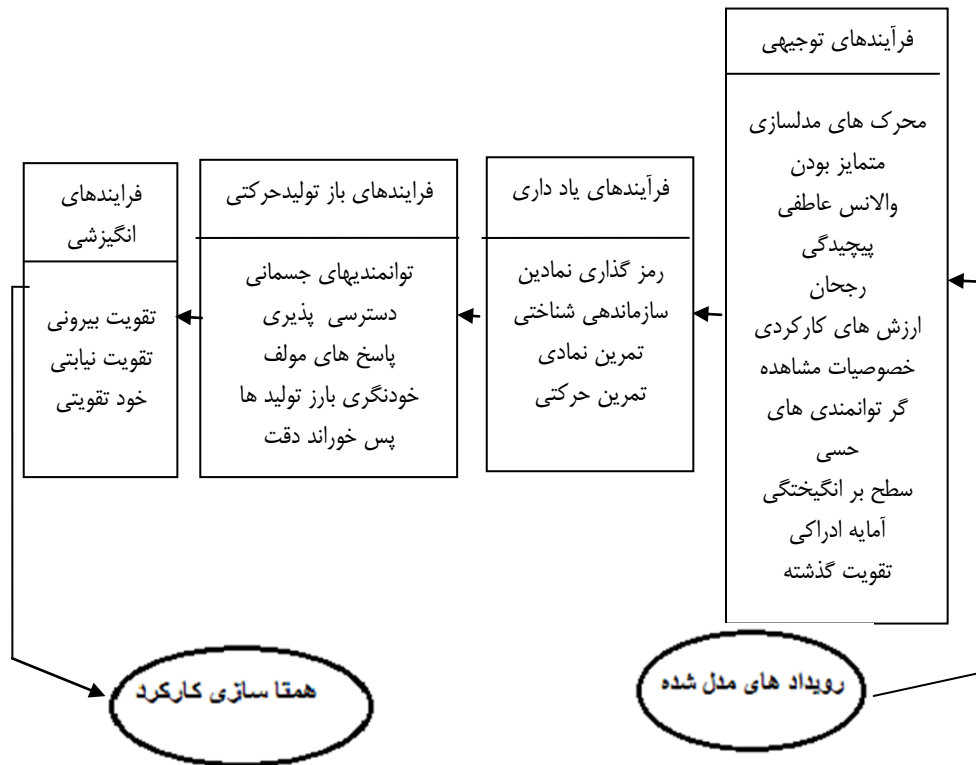
- بررسی الگوی رایج حجاب زنان و دختران جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان
- بررسی میزان الگوبرداری از حجاب بازیگران فیلم ها و سریال های ایرانی و خارجی و مجریان زن
- بررسی میزان رضایت بینندگان از حجاب بازیگران و مجریان تلویزیون
- بررسی و مقایسه میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری از بازیگران فیلم ها و سریال ها و مجریان زن بر حسب وضعیت تأهل، گروه های سنی، سطح درآمد، مدرک تحصیلی و نوع پوشش
- بررسی رابطه بین میزان تماشا برنامه ها و فیلم ها با میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری از نوع پوشش بازیگران و مجریان

## چهارچوب نظری پژوهش

### فرآیند یادگیری مشاهده ای

فرآیند یادگیری مشاهده ای بنا به نظریه یادگیری اجتماعی، تأثیرات مدل سازی اساساً از طریق کارکرد و نقش اطلاعاتی آن موجب یادگیری می شود. در طول مواجهه، مشاهده گران اساساً بازنماهای نمادین فعالیت های مدلی را می آموزند که به عنوان راهنمایی برای کارکرد مناسب عمل می کنند. در این مفهوم سازی، که شمای آن در شکل ۱ منعکس شده، یادگیری مشاهده ای تحت تأثیر چهار مؤلفه یا جزء قرار دارد.

شکل شماره (۱):



### فرآیندهای توجیهی

امکان یادگیری آدمی از طریق مشاهده زیاد نیست، مگر آنکه به خصوصیات معنی دار رفتار مدل توجه کرده و آن را به درستی بفهمند. فرآیندهای توجیهی معین می کنند که در بین انبوه تأثیرات مدل سازی که فرا روی فرد قرار می گیرد، کدام یک برای مشاهده انتخاب شده و برخی نیز به آرایه ساختاری تعاملات آدمی مربوط می شوند، میزان و نوع تجارت مشاهده ای را سامان می دهند.

در هر گروه اجتماعی، برخی افراد بیش از دیگران جلب توجه می کنند. رفتارهای مدل شده از لحاظ اثربخشی با هم فرق می کنند. ارزش کارکردی رفتارهایی که از سوی

مدل‌های مختلف ابراز می‌شود، در انتخاب برخی از مدل‌ها و بی‌تفاوتی نسبت به بقیه بسیار نافذ و مؤثر است. توجه به مدل‌ها نیز به واسطه جذابیت بین شخصی‌شان در دستور کار قرار می‌گیرد. مدل‌هایی که دارای کیفیات مطلوبند جلب توجه می‌کنند، اما مدل‌های فاقد خصوصیات خوشایند معمولاً مورد توجه قرار نگرفته یا طرد می‌شوند.

برخی از اشکال مدل‌سازی از لحاظ درونی چنان پاداش بخشند که مدت‌های مدید توجه همگان را در همه سنین به خود جلب می‌کنند. ظهور تلویزیون طیف مدل‌های در دسترس کودکان و بزرگسالان را تا حد بسیار زیادی به منابع خانوادگی و خرده‌فرهنگی مدل‌سازی محدود بودند، می‌توانند شیوه‌های گوناگون رفتار را در خانه خود و از طریق تماشای سرمشق‌های نمادینی که رسانه‌های گروهی به‌طور تولید می‌کنند، بیاموزند. مدل‌هایی که در اشکال تلویزیونی ارائه می‌شوند چنان در جلب توجه مؤثرند که بینندگان، بسیاری دیده‌های خود را بدون آنکه مشوقی در کار باشد، می‌آموزند. (باندورا، گروسک و منلاو، ۱۹۶۶، ۵۴، به نقل از تف رجمه رهاد ماهر، ۱۳۷۲، ۴۸)

### فرآیندهای یادداری

مردم در صورتی که بتوانند یادآوری نداشته باشند، چندان تحت تأثیر مشاهده رفتار مدل قرار نمی‌گیرند. دومین فرآیند مهم و درگیر در یادگیری مشاهده‌ای به یادداری فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که در این یا آن زمان مدل شده است. برای این که مشاهده‌گران از رفتار مدل‌هایی که دیگر حضور ندارند بهره‌مند شوند، لازم است الگوهای پاسخی در حافظه و در شکل نمادین باز نمود گردند.

یادگیری مشاهده‌ای اساساً متکی بر دو سیستم بازنمایی است: تصویری و کلامی. برخی از رفتارها به شکل «تصویرسازی ذهنی» حفظ می‌شوند. تحریک حسی احساس‌هایی را فعال می‌کند که موجب ادراک رویدادهای خارجی می‌گردد. در نتیجه رویارویی مکرر، محرک‌های مدل‌سازی سرانجام موجب تصویرهای ذهنی دیرپا و قابل‌باز یافت از

کارکردهای مدل شده، در موقعیت های بعد می گردند. تصویرهای ذهنی (که مشخصات ادراکات را موجب می شوند) می توانند بازخوان رویدادهایی باشند که حضور فیزیکی ندارند. در واقع، وقتی اشیاء همبستگی بالایی دارند، مثل زمانی که حضور یک اسم مستمراً با یک شخص خاص همبسته می گردد، تقریباً غیر ممکن است که آن اسم را بشنویم ولی تصویر ذهنی آن شخص را تجربه نکنیم.

دومین سیستم بازنمایی که احتمالاً مسئول سرعت قابل ملاحظه یادگیری مشاهده ای و یاد داری در آدمی است، فرآیند رمز گذاری کلامی رویدادهای مدل شده است. در حقیقت، عمده فرآیندهای شناختی که رفتار را سامان می بخشند، بیشتر کلامی اند تا دیداری. برای مثال جزئیات مسیری که توسط مدل طی می شوند، با تبدیل اطلاعات دیداری به رمز کلامی که مجموعه ای از گردش های راست و چپ را توصیف می کند (برای مثال، ر، چ، ر، ر، چ) بهتر و دقیق تر قابل فراگیری، حفظ و باز تولید است تا از طریق تصویر سازی ذهنی دیداری آن مسیر. با کار بست این گونه رمزهای نمادین، یادگیری مشاهده ای و یاد داری تسهیل می گردد، چرا که آن نمادها حاوی اطلاعات بسیاری است که به سادگی اندوخته شده است. بعد از آنکه فعالیت های مدل به تصاویر ذهنی و نمادهای کلامی قابل استفاده تبدیل شد، این رمزهای حافظه به عنوان سرنخ و راهنمایی از برای کارکرد آینده عمل خواهند کرد. اهمیت رمز گذاری نمادین در یادگیری مشاهده ای در مطالعاتی نشان داده شد. که هم از آزمودنی های خردسال (باندورا، گروسک و منلاو، ۱۹۶۶، کوتز و هارتوپ، ۱۹۶۹، به نقل از ترجمه فرهاد ماهر، ۱۳۷۲، ۵۱) و هم بزرگسالان (باندورا، جری و باجیچا، ۱۹۷۴، گرس، ۱۹۷۱، به نقل از ترجمه فرهاد ماهر، ۱۳۷۲، ۵۱) بهره برده اند.

### فرآیندهای باز تولید حرکتی

سومین مؤلفه مدل سازی مستلزم تبدیل بازنماهای درونی به کنش های مناسب است، برای درک و فهم چنین کارکردی، تحلیل مکانیسم های فکری - حرکتی عملکرد

لازم می آید. بازتولید رفتاری با سازماندهی پاسخ های فضائی، مکانی بر طبق الگوهای مدل شده حاصل می شود، برای تحلیل مسأله. می توان مراحل بازآفرینی رفتاری را به سازماندهی شناختی پاسخ ها. شروع آن ها، بازبینی و پالایش بر اساس پس خوراند اطلاعاتی تفکیک نمود.

### فرآیند انگیزی

نظریه یادگیری اجتماعی بین فراگیری و عملکرد تفاوت قائل است، چرا که مردم هر آنچه را که می آموزند، به عمل در نمی آورند. آن ها رفتار مدلی را که پیامدهای ارزشمند با خود دارد، بهتر می پذیرند تا رفتارهای مدلی را که اثرات تنبیه کننده یا بدون پاداش به دنبال دارد. پیامدهای مشاهده شده نیز بر رفتار مدل شده به همین سیاق عمل می کند. از میان پاسخ های بی شماری که با مشاهده کسب می شوند، رفتارهایی که مؤثر می نمایند بر رفتارهایی که پیامد های منفی را موجب می گردند، ترجیح داده می شوند. واکنش های ارزشیابی مردم در باب رفتار خود نیز در انتخاب پاسخ های آموخته ای که به عمل درمی آیند یا منسوخ می شوند، مؤثر است. مردم آنچه را که موجب رضامندی شخصی است، ابراز کرده و آنچه را شخصاً تأیید نمی کند، طرد می نمایند.

### ویژگی های الگو

ویژگی هایی که یک الگو می تواند دارا باشد و تقلید از آن را تحت تأثیر قرار می دهد:

- ۱- **شبهت به الگو گیرنده:** در زندگی واقعی، ما ممکن است تحت تأثیر کسی قرار داشته باشیم که ظاهراً بسیار شبیه خود ماست تا فردی که به طور آشکار و معناداری از ما تفاوت دارد.
- ۲- **سن و جنس الگو:** به عنوان مثال احتمال اینکه ما رفتار خود را شبیه رفتار فردی از جنس خود کنیم بیشتر است تا شخصی که از جنس مخالف باشد. یک الگوی

بزرگسال، احتمال تقلید بیشتری در یک کودک ۴ ساله ایجاد می کند تا در یک کودک نوجوان ۱۶ ساله که در حال کشمکش برای کسب استقلال از بزرگترها است.

۳- **پایگاه و حیثیت الگو:** در یک تحقیق، مشخص شده عابران پیاده وقتی می بینند که یک فرد شیک پوش و مرتب از چراغ قرمز چهارراه رد می شود بیشتر امکان دارد از رفتار او تقلید کنند تا از کسی که سر و وضع نامرتبی دارد و چنین کاری را انجام می دهد.

نکته قابل توجه این که، ویژگی مشاهده گران (مقلد یا الگو گیرنده) در تعیین اثربخشی الگوگیری عامل مهمی به شمار می آید. بعضی افراد به ویژه کسانی که اعتماد به نفس و عزت نفس پائینی دارند و همچنین اشخاص که در گذشته برای تقلید از رفتار کسی مورد تقویت قرار گرفته باشد به مراتب احتمال بیشتری دارد که از رفتار یک الگو تقلید کنند تا کسانی که از نظر این ویژگی ها در سطح بالایی هستند.

### فرضیه های تحقیق

- بین میزان تماشا برنامه ها و فیلم ها با میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یاد سپاری و الگوبرداری از حجاب بازیگران و مجریان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فرآیند الگوپذیری (میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یاد سپاری و الگوبرداری) حجاب زنان جوان از برنامه های سیما بر حسب تأهل تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین فرآیند الگوپذیری (میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یاد سپاری و الگوبرداری) حجاب زنان جوان از برنامه های سیما بر حسب گروه های سنی تفاوت معناداری وجود دارد.



- بین فرآیند الگوپذیری (میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری) حجاب زنان جوان از برنامه های سیما بر حسب نوع حجاب در بیرون از منزل تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین فرآیند الگوپذیری (میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری) حجاب زنان جوان از برنامه های سیما بر حسب سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین فرآیند الگوپذیری (میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری) حجاب زنان جوان از برنامه های سیما بر حسب سطح درآمد خانواده تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش شناسی پژوهش

#### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی می باشد در مطالعات توصیفی بر خلاف مطالعاتی که هدفشان کشف روابط علت و معلولی است هدف توصیف منظم و مدون موقعیتی ویژه به صورت واقعی و عینی یعنی (آنچه هست) می باشد. (نادری، ۱۳۶۸، ۶۲)

این تحقیق از آنجایی که به بررسی وضع موجود می پردازد در قلمرو تحقیقات توصیفی قرار دارد و از آنجایی که به بررسی نقش فرآیند الگوپذیری حجاب زنان جوان از برنامه های سیما از دیدگاه زنان جوان ساکن شهر اصفهان می پردازد تحقیق از نوع پیمایشی می باشد.

### جامعه آماری

جامعه شامل گروهی از افراد است که دارای یک یا چند صفت مشترک هستند که این صفات مورد توجه محقق می باشد. جامعه ممکن است همه افراد یک نوع خاص و یا عده محدودتری از همان گروه را در بر گیرد (جان بست، ۱۳۷۱، ۴).  
جامعه آماری این تحقیق کلیه ی زنان ۱۵-۲۴ ساله ی ساکن شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ هستند.

بر اساس آمار گزارش شده ای که وجود دارد:

تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله ی شهر اصفهان ۹۶۳۵۰ است.

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله ی شهر اصفهان ۱۱۸۵۷۵ است.

تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله ی حومه اصفهان ۱۱۶۵۳ است.

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله ی حومه اصفهان ۱۲۴۹۴ است.

تعداد کل زنان ۱۵-۲۴ ساله ی استان اصفهان ۲۳۹۰۷۲ نفر است. (مرکز آمار استان اصفهان)

### روش نمونه گیری و حجم نمونه

عوامل متعددی ممکن است در اندازه نمونه مورد استفاده در تحقیق و مؤثر واقع شدن آن مؤثر باشند. اندازه نمونه با هزینه های طرح، مدت زمان اجرای طرح و دقت احتمالی آماری در ارتباط است (خوی نژاد، ۱۳۸۰، ۳۳۰).

با توجه به پراکندگی جامعه آماری در مناطق شهر اصفهان، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با خطای ۵ درصد (خطای جوابگویی) و  $d=7\%$  (دقت احتمالی مطلوب)، با فرمول  $N = \frac{(t^2)(pq)2}{d^2}$  ۲۰۰ نفر برآورد شده است، روش نمونه گیری. در این پژوهش از روش نمونه گیری متناسب در منطقه استفاده گردیده است. به طوریکه نمونه ها از هر منطقه و متناسب با جمعیت آن منطقه انتخاب شدند.

### ابزار جمع آوری داده‌ها

ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه بوده که این پرسشنامه<sup>۴</sup> محقق ساخته شامل ۵ سؤال در زمینه عوامل فردی پاسخگویان و ۱۲ سؤال در زمینه میزان تماشای برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیون، ۸ سؤال در خصوص میزان توجه بینندگان به حجاب بازیگران و مجریان، ۵ سؤال در خصوص عوامل مؤثر در جلب توجه پاسخ دهندگان به حجاب بازیگران و مجریان، ۵ سؤال در خصوص میزان به یادسپاری حجاب بازیگران و مجریان، ۵ سؤال در خصوص میزان برداشت و الگوبرداری از حجاب بازیگران و مجریان، ۲ سؤال در خصوص تأثیر متقابل برنامه‌های سیما و جامعه بر الگوی حجاب، ۳ سؤال در خصوص تغییر حجاب تحت تأثیر برنامه‌های سیما و ۳ سؤال در خصوص میزان رضایت از حجاب بازیگران سریال‌های ایرانی و خارجی و مجریان زن بوده است.

### روایی ابزار اندازه‌گیری

مفهوم روایی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶، ۱۷۰). جهت سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری این پژوهش از روایی محتوایی استفاده شده است روایی محتوایی یک آزمون معمولاً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. از این رو روایی محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. جهت سنجش روایی اندازه‌گیری این پژوهش پرسشنامه مقدماتی در اختیار کارشناسان به عنوان داور قرار گرفته و آنان روایی پرسشنامه را تأیید نمودند.

### پایایی ابزار اندازه‌گیری

مفهوم پایایی با این امر سر و کار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶، ۱۶۹) جهت سنجش پایایی

ابزار اندازه گیری از آلفای کرونباخ استفاده شده است اعتبار پرسشنامه ۰/۸۲ بر اساس مطالعات مقدماتی برآورد گردید که حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه گیری می باشد.

### روش های تجزیه و تحلیل

تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی، آزمون t مستقل، تحلیل واریانس، آزمون توکی استفاده شده است.

### تعریف مفاهیم و متغیرهای به کار رفته

#### تعریف الگو

به عقیده گابریل تارد روانشناس اجتماعی، تقلید و الگوپذیری واقعه<sup>۱</sup> اجتماعی اساسی است و قوانینی وجود دارد که طبیعت و اثر تقلید را تشریح و توصیف می کند، تحول اجتماعی نیز از این حیث ممکن است که افراد از آنچه تازه و خیره کننده است تقلید کنند. طبق تعریف دیگری الگو شخص یا اشخاص واقعی یا خارجی است که رفتار و اعمال او می بایست به منزله ی محرکی باشد تا افراد از اعمال و رفتار او (الگو) پذیرش داشته باشند. هربرت بلومر در سال ۱۹۳۷ با روشنگری های ویژه<sup>۲</sup> خویش از نظام اندیشه ای هربرت مید عنوان کنش متقابل نمادین را برای اولین بار به کار برد و بدین شکل، دبستان ویژه جامعه شناسی خویش را بنیان نهاد. کنش متقابل نمادین در حقیقت آمیزه ای از مبانی جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی است. و اساس این نظریه را عمدتاً می توان در نظام «مید» یافت. مید مفهوم خودآینه ای، هورتن کولی را برگرفته و نظریه تکوین شخصیت فرد را توضیح می دهد. از نظر کولی هویت انسان یا خود، از راه کنش متقابل اجتماعی شروع به رشد نموده و از همان طریق کامل می گردد. فراگرد آگاهی به ماهیت خود از طریق انعکاس رفتارهای دیگران را خود آینه ای، گویند. خود، که همان هستی انسان است. از نظر کولی (۱۹۲۲) با

سه مرحله تکوین می یابد: ۱- تصور شخص از جلوه های که او نزد دیگران دارد. ۲- تصور شخص از قضاوتی که دیگران درباره جلوه او دارند. ۳- احساس عاطفی (مثلاً احساس نخوت یا حقارت) که شخص نسبت به آن جلوه دارد. (علی علاقه بند، ۱۰، ۱۳۸۰. به نقل از اعزازی، ۱۳، ۱۳۷۳)

«مید» فراتر از «کولی» در پی بیان مکانیزم تشکیل خود و وجوه داخلی آن برآمد. مطابق نظر مید انسان دارای خود است و این خود، او را موجودی می سازد که از دیگر موجودات جهان هستی ممتاز می کند. ولی این خود چیزی نیست که در آغاز تولد همراه انسان باشد. بلکه خود در پویش تجربه و فعالیت اجتماعی به وجود می آید. بدین معنی که خود نتیجه تجربه اجتماعی هر فرد و با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی هر جامعه به وجود آمده و رشد می کند.

**تعریف حجاب و عفاف:** حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و به ویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند اما با جستجو در متون دینی و فرهنگنامه ها به نکته قابل توجهی می رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این گونه تعریف کرده اند. «الحجاب، المنع من الوصول» حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می شود. برخی گفته اند حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنا پنهان کردن است و به عنوان شاهد آیه شریفه «و من بیننا و بینک حجاب» (فصلت، آیه ۵) را ذکر کرده اند. در دیگر کتاب های لغت حجاب را به معنای پرده آورده و نوشته اند: همراه محجوبه؛ زنی که پوشانیده است خود را به پوشیدنی. با توجه به معانی ذکر شده در می یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و به ویژه زنان را حجاب می گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می شود. عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است که در

مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می نویسد: العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها غلبه الشهوده؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود. البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است، گاه به معنای خودنگهداری و پاکدامنی است و گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است. اگرچه می توان برای هر دو معنا واژه عفت را آورد و ضرری به مفهوم آن نمی خورد. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می دارد. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضاء و جوارح از هر گونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه از حجاب، تنها پوسته ای و ظاهری بی معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعبیری همچون؛ من قلب پاکی دارم، خدا با قلبها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و ... خود را سرگرم کرده و مصداق «لیفجر امامه» (بلکه انسان می خواهد آزاد باشد و گناه کند؛ قیامت آیه ۵) می شوند. انسان هایی چنین باید در قاموس اندیشه خود نکته ای اساسی را بنگارند و آن این است که درون پاک، بیرونی پاک می پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاکی به نام بی حجابی و بدحجابی نخواهد شد. امام خمینی (ره) پیام آور ارزشهای الهی درباره حجاب و عفاف می فرماید: «توجه داشته حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ ارزش های شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده است - چه برای مرد و چه برای زن - برای این است که آن ارزش های واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دست های فاسد استعمار پایمال شوند این ارزشها زنده بشوند.

### معنای واژگانی چادر

واژه چادر در زبان سانسکریت هندی به صورت chatur، در زبان اسلاوی (روسی) shator، به کار رفته است. واژه انگلیسی cover، به معنی پوشش با این واژه ریشه مشترکی دارد. در فرهنگ لغت، ذیل واژه چادر نوشته شده است "پارچه ای که زنان بر چهره، دست و سایر اعضاء و بر روی همه لباس ها می پوشند". در زبان قدیمی ایرانی واژه chad یعنی پوشاندن چهره و دست است. در پارسی کهن و میانه و زبان اوستائی واژه سدره به معنی پیراهن و بالا پوش به کار رفته است (دهخدا، ۱۶)

### یافته‌های پژوهش

- سن

یکی از متغیرهایی که در پژوهش حاضر مورد توجه بوده و گمان بر آن است که بتواند تفاوت های جامعه آماری را بر اساس میزان الگو برداری از حجاب تبیین کند، متغیر سن است که در جدول زیر توزیع افراد بر اساس آن می توانیم شاهد باشیم.

جدول و نمودار (۱): توزیع فراوانی افراد بر حسب سن

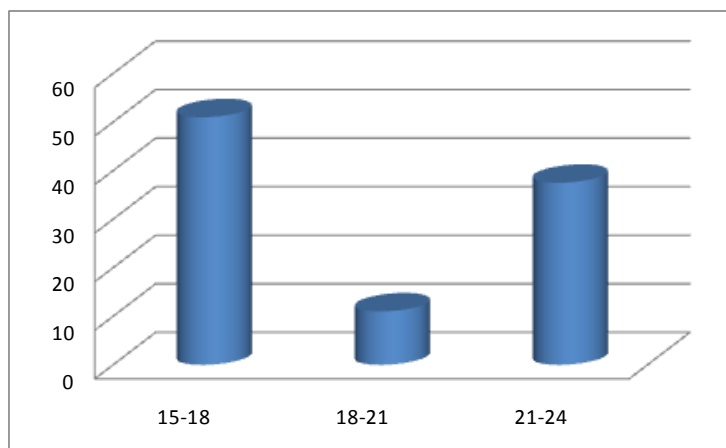
سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۵-۱۸	۱۰۲	۵۱.۰	۵۱.۳	۵۱.۳
۱۸-۲۱	۲۲	۱۱.۰	۱۱.۱	۶۲.۳
۲۱-۲۵	۷۵	۳۷.۵	۳۷.۷	۱۰۰.۰
جمع	۱۹۹	۹۹.۵	۱۰۰.۰	
نا معتبر	۱	۰.۵		
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰.۰		

در این جدول، ستون اول گروه بندی سن را نمایش می دهد. ستون دوم فراوانی هر گروه را نشان می دهد و با توجه به نتایج آن یک داده گم شده داریم (missing system = داده گمشده) به این معنی که یک نفر سن خود را وارد نکرده. در سومین ستون درصد فراوانی هر گروه را داریم. ستون ۴ درصد فراوانی هر گروه را در کل داده های موجود به ما می دهد (بدون در نظر گرفتن داده گم شده). ستون ۵ نیز درصد تجمعی ستون ۴ را نمایش می دهد.

۱۹۹	تعداد متغیر
۱	نا معتبر
۱۸.۰۰	میانه
۱۹.۵۷	میانگین
۳.۱۵۳	انحراف استاندارد

در این جدول نیز میانگین و میانه و انحراف استاندارد را شاهدیم. در این میان تقریباً ۵۱ درصد پاسخگویان ۱۵ تا ۱۸ ساله بوده اند (۱۸ ساله ها جزء این گروه نیستند) و بیشترین فراوانی را تشکیل می دهند.

نمودار سن و درصد فراوانی آن





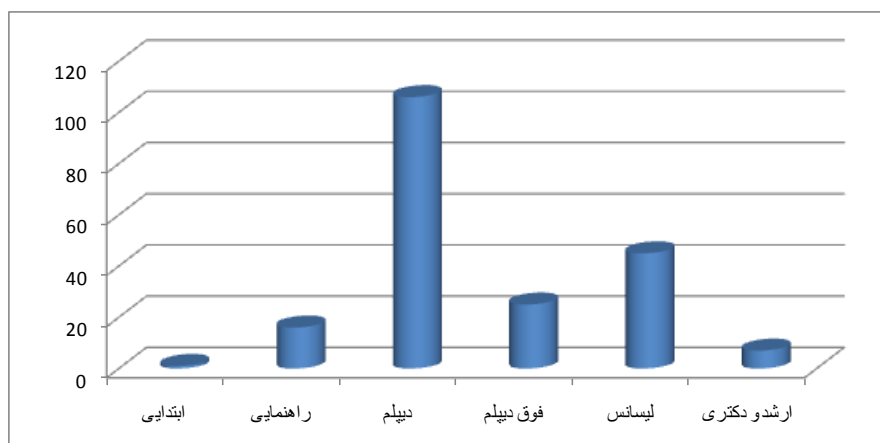
## تحصیلات

متغیر تحصیلات یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای ما را در این پژوهش است که توزیع افراد جامعه را بر اساس این متغیر می‌توانیم در جدول زیر ببینیم.

جدول و نمودار (۲) توزیع افراد بر حسب سطح تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
ابتدایی	۱	۰.۵	۰.۵	۰.۵
راهنمایی	۱۶	۸.۰	۸.۰	۸.۵
دبیرستان و دیپلم	۱۰۶	۵۳.۰	۵۳.۰	۶۱.۵
فوق دیپلم	۲۵	۱۲.۵	۱۲.۵	۷۴.۰
کارشناسی	۴۵	۲۲.۵	۲۲.۵	۹۶.۵
کارشناسی ارشد	۷	۳.۵	۳.۵	۱۰۰.۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

در این متغیر داده گمشده نداریم، بنابراین ستون ۳ و ۴ مشابه‌اند. چون متغیر تحصیلات کد بندی است، میانگین برایش معنی ندارد. بنابراین دومین جدول را در اینجا نداریم. مد نیز دیپلم می‌باشد.



حدود ۱۰۲ نفر از پاسخگویان در این پژوهش دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند و کمترین میزان با ۱ نفر مربوط به سطح ابتدایی است.

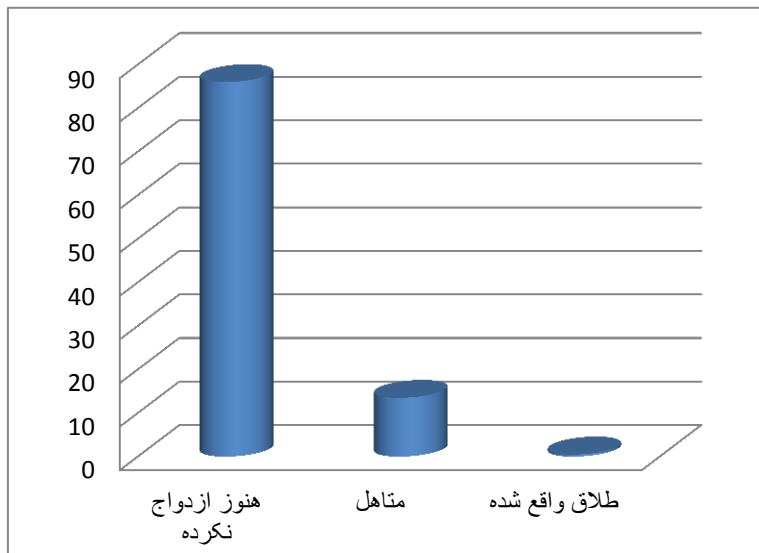
### وضعیت تأهل

در جدول زیر، توزیع فراوانی افراد را بر اساس یکی از متغیرهای زمینه ای دیگر یعنی وضعیت تأهل شاهد هستیم.

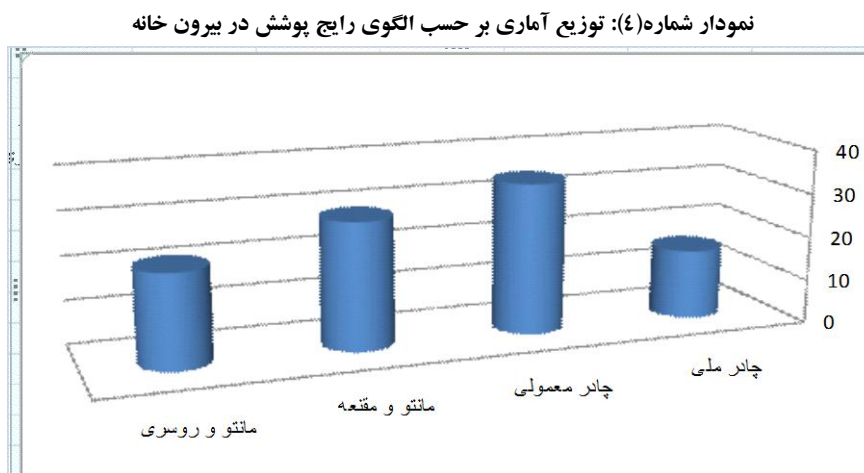
جدول و نمودار (۳). توزیع فراوانی افراد بر حسب وضعیت تأهل

تعداد متغیر	۲۰۰
نا معتبر	۰
میان	۰.۱۵
مد	مجرد
انحراف استاندارد	۰.۳۶۷

متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
متغیر				
مجرد	۱۷۲	۸۶.۰	۸۶.۰	۸۶.۰
متاهل	۲۷	۱۳.۵	۱۳.۵	۹۵.۵
طلاق واقع شده	۱	۰.۵	۰.۵	۱۰۰.۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	



۱. حدود ۸۸ درصد از افراد نمونه ازدواج نکرده که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند. برتری مجردان نسبت به متأهلان ناشی از قرار گرفتن نمونه های آماری در دامنه سنی ۱۵-۲۴ سال می باشد.



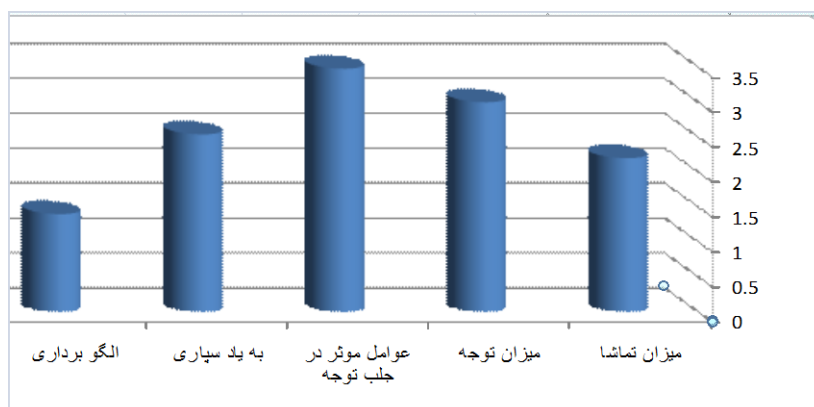
یافته های جدول نشان می دهد بیشترین الگوی پوشش رایج نمونه های مورد مطالعه چادر معمولی با ۳۴/۲ درصد و کمترین درصد مانتو و روسری با ۲۱/۲ درصد بوده است.

جدول شماره (۵): ضریب همبستگی بین میزان تماشای برنامه ها و فیلم های سیما با میزان توجه ، عوامل مؤثر در جلب توجه، یادسپاری و الگو برداری

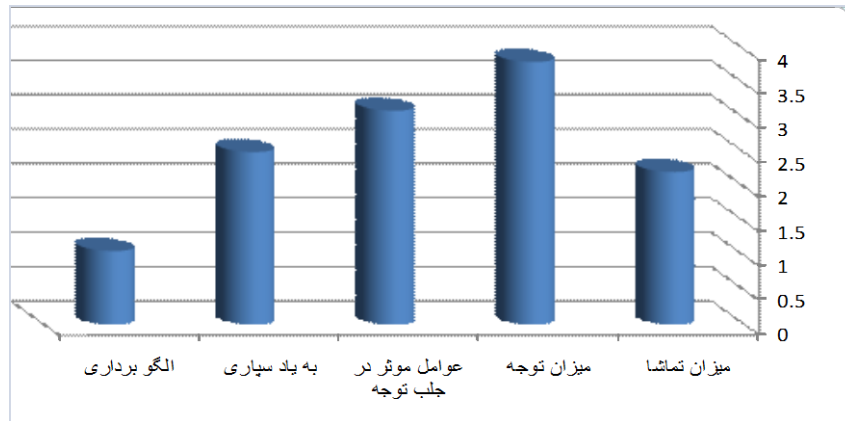
میزان تماشا	میزان توجه	عوامل مؤثر در جلب نوع پوشش	یاد سپاری	برداشت و الگو پذیری
ضریب همبستگی	R= 0/398	R=0/178	R=0/180	R=0/016
معناداری	P=0/000	P=0/003	P=0/002	P=0/784
تعداد	N=280	N=280	N=280	N=280

نتایج جدول نشان می دهد، بین میزان تماشای برنامه ها و فیلم ها با میزان توجه به حجاب، عوامل مؤثر در جلب توجه به حجاب بازیگران و مجریان و به یادسپاری نوع حجاب در سطح  $P \leq 0/01$  معنادار بوده است.

نمودار شماره (۶): میانگین نمره فرآیند الگوپذیری پوشش زنان از برنامه های سیما در زنان مجرد



نمودار شماره (۷): میانگین نمره فرآیند الگوپذیری پوشش زنان از برنامه های سیما در زنان متأهل



بر اساس یافته های این پژوهش ، در خصوص میزان توجه به حجاب برنامه های سیما، عوامل مؤثر در جلب توجه به حجاب بازیگران و مجریان و به یادسپاری نوع حجاب در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار بوده است. به عبارت دیگر میزان توجه به حجاب برنامه های سیما، عوامل مؤثر در جلب توجه به حجاب بازیگران و مجریان در زنان مجرد بیشتر از متأهلان است.

جدول شماره (۸): مقایسه میانگین نمره فرآیند الگوپذیری پوشش زنان از برنامه های سیما بر حسب نوع پوشش در بیرون از منزل

P	F	مانتو و روسری		مانتو و مقنعه		چادر معمولی		چادر ملی		نوع پوشش متغیر
		S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	
۰/۰۷۸	۲/۲۹	۰/۵۸۲	۲/۰۲	۰/۶۷۶	۲/۲۳	۰/۶۲۱	۲/۲۹	۰/۶۱۰	۲/۲۱	میزان تماشا
۰/۱۰۳	۲/۰۸	۰/۶۹۹	۲/۷۹	۰/۸۰۱	۳/۰۷	۰/۷۱۶	۲/۸۴	۰/۸۱۴	۳/۰	میزان توجه
۰/۰۱۷	۳/۴۳	۰/۹۰۹	۳/۴۸	۰/۸۳۸	۳/۴۱	۰/۸۸۲	۳/۰۹	۰/۸۰۸	۳/۴۰	عوامل مؤثر در توجه به نوع پوشش
۰/۳۲۱	۱/۱۷	۱/۰۱	۲/۳۳	۰/۹۶۸	۲/۶۴	۰/۹۴۷	۲/۵۷	۱/۰۸	۲/۴۷	به یاد سپاری
۰/۱۱۵	۱/۹۹	۰/۹۸۲	۱/۳۷		۱/۴۰	۱/۰۹	۱/۰۵	۱/۱۱	۱/۲۹	الگو برداری

یافته‌های جدول نشان می‌دهد  $F$  مشاهده در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار بوده است بنابراین بین نظرات زنان با توجه به نوع پوشش در بیرون از منزل تفاوت وجود دارد.

جدول شماره (۹): مقایسه میانگین نمره فرآیند الگویذیری پوشش زنان از برنامه های سیما بر حسب درآمد خانواده

p	f	بالا		متوسط		پایین		
		s	$\bar{X}$	s	$\bar{X}$	s	$\bar{X}$	
۰/۱۳۶	۲/۰۰	۰/۵۷۸	۲/۴۳	۰/۶۴۴	۲/۱۸	۰/۳۷۳	۲/۴۰	میزان تماشا
۰/۱۳۳	۲/۰۳	۰/۶۵۹	۳/۲۶	۰/۷۷۳	۲/۹۰	۰/۴۸۱	۲/۸۷	میزان توجه
۰/۱۱۶	۲/۱۷	۰/۵۵۸	۳/۶۶	۰/۸۹۷	۳/۲۷	۰/۷۱۵	۳/۵۱	عوامل موثر در توجه به نوع پوشش
۰/۷۲۱	۰/۳۲۷	۰/۹۷۶	۲/۶۶	۱/۰۰	۳/۵۳	۰/۶۸۱	۲/۳۷	به یاد سپاری
۰/۴۵۰	۰/۸۰۱	۱/۰۷	۱/۳۷	۱/۰۷	۱/۲۵	۶۰/۱	۰/۹۰۷۰	الگو برداری

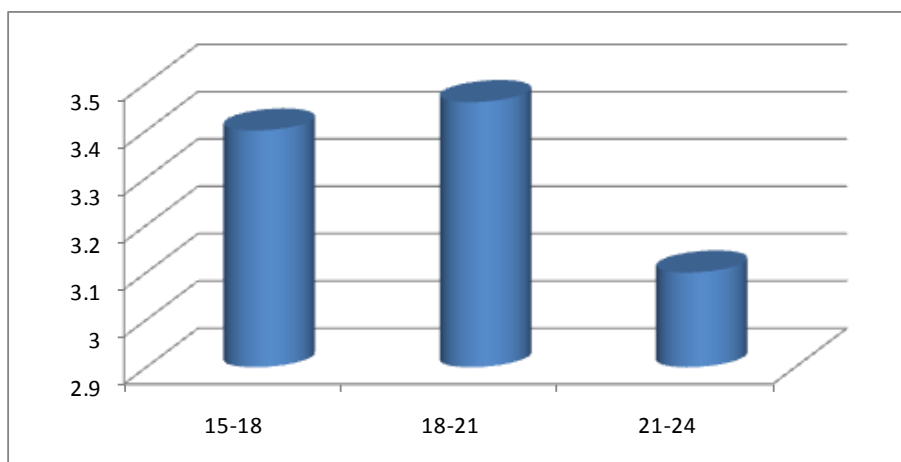
یافته های جدول نشان می‌دهد  $F$  مشاهده در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار نبوده است بنابراین بین نظرات زنان با توجه به سطح درآمد خانواده تفاوت وجود ندارد.

جدول شماره (۱۰): مقایسه میانگین نمره فرآیند الگوپذیری پوشش زنان از برنامه های سیما بر حسب سطح تحصیلات

P	F	لیسانس به بالا		فوق دیپلم		دیپلم		راهنمایی		ابتدایی		مدرک تحصیلی
		S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	S	$\bar{X}$	
		متغیر										
۰/۴۵۸	۰/۹۱۱	۰/۶۹۷	۲/۲۰	۰/۵۱۷	۲/۲۱	۰/۶۱۰	۲/۲۱	۰/۶۰۳	۲/۲۸	۱/۰	۱/۸۶	میزان تماشا
۰/۱۵۱	۱/۶۹	۰/۷۸۰	۲/۹۳	۰/۷۳۶	۳/۰۲	۰/۷۵۶	۲/۹۵	۰/۷۲۷	۲/۸۶	۰/۷۹۴	۲/۳۶	میزان توجه
۰/۰۶۵	۲/۲۳	۰/۹۲۷	۳/۴۰	۰/۸۳۹	۳/۳۴	۰/۷۹۶	۳/۳۵	۰/۹۱۰	۳/۲۱	۱/۱۸	۲/۵۶	عوامل مؤثر در توجه به نوع پوشش
۰/۲۸۱	۱/۲۷	۱/۰۶	۲/۳۳	۰/۸۲۲	۲/۶۷	۰/۹۳۱	۲/۶۱	۱/۱۹	۲/۴۱	۰/۷۳۲	۲/۷۲	به یاد سپاری
۰/۵۰۱	۰/۸۴۰	۱/۱۳	۱/۲۹	۱/۰۹	۱/۳۲	۱/۰۳	۱/۲۶	۱/۱۳	۱/۲۱	۰/۸۶۴	۰/۶۶	الگو برداری

یافته‌های جدول نشان می‌دهد F مشاهده در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار نبوده است بنابراین بین نظرات زنان با توجه به تحصیلات تفاوت وجود ندارد.

نمودار شماره (۱۱): مقایسه میانگین نمره عوامل مؤثر در جلب توجه به حجاب بازیگران و مجریان تلویزیون در ۳ گروه سنی پژوهش



همچنین با توجه به یافته های پژوهش بین نظرات زنان با توجه به در گروه های سنی مختلف تفاوت وجود دارد.

### نتیجه گیری

۱. بیشترین تعداد پاسخگویان که تقریباً ۵۱ درصد پاسخگویان بوده اند ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند (۱۸ ساله ها جزء این گروه نیستند) و بیشترین فراوانی را تشکیل می دهند و کمترین تعداد پاسخگویان که تقریباً ۱۱ درصد پاسخگویان بوده اند ۲۱ تا ۱۸ ساله هستند (۲۱ ساله ها جزء این گروه نیستند).
۲. حدود ۱۰۲ نفر از پاسخگویان در این پژوهش دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند و کمترین میزان با ۱ نفر مربوط به سطح ابتدایی است.
۳. حدود ۸۸ درصد از افراد نمونه ازدواج نکرده که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند. برتری مجردان نسبت به متأهلان ناشی از قرار گرفتن نمونه های آماری در دامنه سنی ۲۴-۱۵ سال می باشد.
۴. ۵ درصد پاسخگویان از نظر سطح درآمد خانواده پایین، ۸۸/۶ درصد متوسط و ۶/۴ درصد بالا بوده اند.
۵. تقریباً ۵۰ درصد پاسخگویان دارای پوشش مانتو و مقنعه و مانتو و روسری بوده اند و ۵۰ درصد دارای پوشش (چادر) بوده اند.
۶. در مورد رنگ های مورد استفاده برای پوشش، رنگ های روشن به میزان ۳۴ درصد و رنگ های تیره به میزان ۶۶ درصد بوده اند در این ویژگی الگوی پوششی با الگوی پوششی ترویجی از سوی نهادهای مذهبی و حاکمیتی می باشد.



۷. بیشترین میزان رضایت بینندگان از نوع حجاب "مجریان زن" با میانگین ۳/۶۵ و "میهمانان زن" با ۳/۱۵ و کمترین میزان رضایت از نوع حجاب "بازیگران زن" مجموعه های خارجی " با ۲/۶۷ بوده است.

### میزان تماشا

نیمرخ تماشای برنامه های تلویزیون توسط بینندگان بیانگر این است که بیشترین میزان تماشا از مجموعه ها و فیلم های ایرانی می باشد و پس از آن در شبکه استانی برنامه زنده رود و در مرتبه سوم مجموعه های خارجی بوده است. این نتایج نشانگر این است که هنوز برنامه های مبتنی بر قصه و داستان جاذبه اول برنامه های سیما است.

### میزان توجه

میزان توجه به نوع حجاب نمایش داده شده در برنامه های تلویزیون بیانگر آن است که بیشترین توجه به ترتیب به حجاب بازیگران مجموعه ها و فیلم های ایرانی است. پس از آن میزان توجه به نوع حجاب مجریان زن و رفتارهای نمایش داده شده در برنامه هاست. و در رتبه سوم نوع حجاب میهمانان زن برنامه های تلویزیون است نوع پوشش بازیگران مجموعه های خارجی و فیلم های خارجی است در رتبه چهارم و دارای کمترین میزان توجه بوده است.

### عوامل مؤثر در جلب توجه به نوع حجاب

عوامل مؤثر در جلب توجه بینندگان در نوع حجاب بازیگران و مجریان به ترتیب عبارتند از تازگی و جدید بودن نوع حجاب که حاکی از استقبال بینندگان از نوع پوشش های برنامه های تلویزیون است و پس از آن رنگ لباس بیشترین توجه را به خود جلب نموده است در مرتبه های بعدی مدل پوشش ها و تنوع در پوشش و مدل تکرار شده و در مرتبه آخر همخوانی نوع حجاب نمایش داده شده با الگوی حجابی بینندگان می باشد.

### یادسپاری

بیشترین میزان یادسپاری بینندگان از نوع حجاب بازیگران زن در مجموعه های ایرانی و فیلم های سینمایی ایرانی و پس از آن نوع پوشش مجریان زن بوده است و کمترین یادسپاری مربوط به نوع پوشش زنان در تبلیغات تجاری است.

### الگوبرداری

بیشترین میزان الگوبرداری بینندگان از بازیگران زن فیلم های ایرانی و پس از آن مجموعه های ایرانی و مجریان زن تلویزیون بوده است. کمترین الگوبرداری از فیلم ها و مجموعه های خارجی بوده است. همچنین تقریباً ۳۴ درصد از بینندگان اصلاً از هیچ الگوی حجاب در تلویزیون الگوبرداری نمی کنند و گروه مرجع آن ها تلویزیون نمی باشد.

### نتایج روابط دوجه دوی متغیرها

۱. بین میزان تماشای برنامه های تلویزیون با میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه و به یادسپاری رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان تماشای برنامه های تلویزیون میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه و میزان به یادسپاری، حجاب بازیگران و مجریان افزایش می یابد. بیشترین درصد اشتراک واریانس مربوط به میزان تماشای برنامه های تلویزیون با میزان توجه به نوع حجاب بازیگران و مجریان برنامه های تلویزیون بوده است. بنابراین فرضیه اول این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید است.
۲. بین فرآیند الگوپذیری حجاب زنان از برنامه های سیما در خصوص میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه و الگوبرداری برحسب وضعیت تأهل بینندگان تفاوت معنی داری دارد به عبارت دیگر میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه و الگوبرداری از حجاب مجریان و بازیگران فیلم ها در مجردها بیشتر است. بنابراین فرضیه دوم این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید است.

۳. بین فرآیند الگوپذیری حجاب زنان از برنامه های سیما در خصوص عوامل مؤثر در جلب توجه و الگوبرداری برحسب گروه های سنی بینندگان تفاوت معنی داری دارد به عبارت دیگر عوامل مؤثر در جلب توجه بینندگان و الگو برداری از حجاب مجریان و بازیگران فیلم ها در گروه های سنی ۱۸-۱۵ سال بیشتر از دو گروه سنی دیگر است. بنابراین فرضیه سوم این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید است.
۴. بین فرآیند الگوپذیری حجاب زنان از برنامه های سیما در خصوص عوامل مؤثر در جلب توجه و الگوبرداری برحسب نوع پوشش بیرون از منزل بینندگان تفاوت معنی داری دارد به عبارت دیگر عوامل مؤثر در جلب توجه بینندگان و الگو برداری حجاب مجریان و بازیگران فیلم ها در پاسخگویان دارای چادر کمتر از پاسخگویان دارای حجاب مانتو و روسری بوده است. که این تفاوت ناشی از فاصله پوششی و نگرشی می باشد. بنابراین فرضیه چهارم این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید است.
۵. بین فرآیند الگوپذیری حجاب زنان جوان از برنامه های سیما در خصوص میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری برحسب مدرک تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه پنجم این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید نمی باشد و رد می شود.
۶. بین فرآیند الگوپذیری حجاب زنان جوان از برنامه های سیما در خصوص میزان تماشا، میزان توجه، عوامل مؤثر در جلب توجه، به یادسپاری و الگوبرداری برحسب سطح درآمدی خانواده ها تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه ششم این تحقیق با استناد به این نتایج قابل تأیید نمی باشد و رد می شود.

### پیشنهادها

- ۱- ارائه الگوهای حجایی متناسب با قشرهای مختلف تحصیلی، درآمدی و فکری در برنامه ها و فیلم ها
- ۲- ارائه الگوهای رفتاری، پوششی زنانی که توانسته اند در تلفیق خود در خانواده و نقش اجتماعی خویش توفیق یابند.
- ۳- ارائه الگوهای حجایی مناسب به تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی
- ۴- ایجاد همخوانی بین نوع پوشش بازیگران جوان با بزرگسالان
- ۵- ایجاد وحدت رویه ارائه الگوهای پوششی در برنامه های تلویزیون
- ۶- ایجاد وحدت رویه بین الگوهای پوششی برنامه های سیما با الگوی نهادهای آموزشی و اداری

## منابع

۱. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، نشر مرندیز، گناباد، چاپ اول ۱۳۷۳
۲. باندروا، آلبرت، ترجمه فرهاد ماهر، ۱۳۷۲، نظریه یادگیری اجتماعی، راهگشا، چاپ اول
۳. بست، جان، ۱۳۷۴، روش های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، رشد، چاپ اول
۴. جعفری، مرتضی، ۱۳۷۴، تاریخچه حجاب در ایران، امیر کبیر
۵. خوی نژاد، غلامرضا، ۱۳۸۰، روش تحقیق در علوم تربیتی، سمت، چاپ اول
۶. دهخدا، لغت نامه
۷. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، ۱۳۷۶، روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، آگاه
۸. علاقه مند، علی، ۱۳۸۰، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان، چاپ بیست و هفتم
۹. کازینو، ژان، ترجمه باقر ساروخانی، ۱۳۶۷، منوچهر محسنی، جامعه شناسی و وسایل ارتباط جمعی، اطلاعات، چاپ دوم
۱۰. گیدنز، آنتونی، صبوری، منوچهر، ۱۳۷۹، جامعه شناسی، نشر نی، چاپ ششم
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، مجموعه آثار، جلد ۱۹
۱۲. نادری، سیف، ۱۳۶۸، روش تحقیق در علوم تربیتی، بدر، چاپ اول

## بررسی علل بدحجابی دانشجویان و ارائه راهکارهایی جهت ترویج و توسعه فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاه

زهرة زیودار

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، گروه حسابداری، اصفهان، ایران (Zivdar@iauda.ac.ir)

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت آباد - تلفن تماس: ۰۹۱۲-۲۳۴-۲۳۶۸

جواد فروزنده

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، گروه حسابداری، اصفهان، ایران

(Forouzandeh@iauda.ac.ir)

آدرس: دولت آباد - بلوار دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت آباد - گروه حسابداری

### چکیده

رسالت اصلی دانشگاه اسلامی، تربیت انسان است و هدف اساسی دانشجوی، رسیدن به کمالات والای انسانی است. از سوی دیگر وظیفه دانشجوی مسلمان این است که باید کوشش کند تا به بالندگی علمی، آموزشی و پژوهشی رسیده و از این طریق جامعه دانشگاهی را سیراب کند. همگان بر این مسئله واقف اند که دانشگاه مبداء تحولات هر کشور به شمار آمده و فضای غالب آن باید علم اندوزی و دانش محوری باشد. مدرسه علمی و دینی جوانان جامعه نباید به بستری برای خدشه دار کردن اصول و ارزش های آن مبدل شود؛ چرا که این ضایعه، دانشگاه را از رسالت خود که ایجاد محیطی سالم برای رشد علمی و معنوی دانشجویان است، منحرف می سازد. نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاه ها نیازمند حرکتی هدف مند و روش مند است که برای تحقق این امر کسانی که به باور حجاب؛ البته حجاب توأمان با اعتماد به نفس رسیده اند باید آثار این کرامت الهی را به سایر جوانان منتقل کنند؛ علاوه بر این اساتید محترمی که در دانشگاه های اسلامی مشغول تدریس هستند باید به رعایت ارزش های اسلامی پرداخته و محیطی را برای دانشجویان فراهم آورند که آن ها بتوانند در ضمن رعایت پوشش کامل؛ در مباحث علمی به آسانی و بدون

هیچ ترس و وا همه ای از مورد تمسخر قرار گرفتن؛ مشارکت داشته باشند. در این تحقیق سعی گردیده که در ابتدا به لزوم حجاب و ترویج فرهنگ عفاف در جامعه اشاره و سپس دلایل بد حجابی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد و در آخر پس از شناخت این دلایل راهکارهایی جهت توسعه و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاه ها پیشنهاد گردد.

**واژه‌های کلیدی:** حجاب - بد حجابی - دانشجو - دانشگاه

## مقدمه

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حجاب، بیشتر کاربردش به معنی پرده است. شاید بتوان گفت به حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. پوشش زن در اسلام این است که در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد (مطهری، ۱۳۵۳)

قرآن مجید هنگامی که مسئله حجاب را بیان می کند، می فرماید: «ای پیامبر به زنان و دختران و زنان مومنان بگو خویشتن را با جلباب (چادر) بیوشانند» و در بیان فلسفه ضرورت حجاب می فرماید: «برای اینکه شناخته نشده و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند.» در این قضیه؛ حجاب پوشیده نگهداشتن شخص محجوب از دید بیگانگان و غرض ورزان است که با همین چشم های هرزه خویش می بینند.

پایبند نبودن به حجاب آرامش خانواده و جامعه را برهم می زند و به التهاب دامن می زند. شهید مطهری در این زمینه می گوید: «فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار می رود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود. در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

مساله بدحجابی امری نیست که نیازمند ارائه آمار و ارقام باشد، بلکه فقط با نگاهی جامع و اندیشمندانه وجود آن و ضرورت مقابله با آن آشکار و مبرهن می گردد، خصوصاً از جهت آثار و توابعی که بدحجابی می تواند در قالب ارتباطات نامشروع و نامعقول دختران و پسران و سایر مفاسد و انحرافات اجتماعی در بر داشته باشد. این امر در مورد دانشجویان



دانشگاه مهمتر جلوه می‌کند زیرا دانشجویان آگاه‌ترین قشر جوان کشورند که به عنوان الگو و اسوه جامعه امروزی بوده و به عنوان آینده سازان جامعه و خانواده محسوب می‌شوند. آن چه در ابتدای امر ضروری می‌نماید این است که لزوم شناخت حجاب از رعایت آن مهم تر است؛ ما باید دلایل ضرورت حجاب را به جوانان بیاموزیم؛ چنان چه نسل جوان جامعه متوجه ضرورت این امر شوند دیگر نیازی به اجبار نیست. برای فرهنگ سازی و ترویج حجاب و عفاف ابتدا باید به تشریح محسنات این ارزش پرداخت. در این مقاله سعی گردیده ابتدا به آثار رعایت حجاب و عواقب بد حجابی اشاره و سپس عمده دلایل بد حجابی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد و در انتها راهکارهایی برای بهبود فرهنگ حجاب و عفاف ارائه گردد. (حسینی، ۱۳۸۵)

### آثار رعایت حجاب (رفیع پور، ۱۳۷۸)

#### آثار معنوی

❖ با رعایت حجاب، فرد از دستور الهی اطاعت کرده و از دین اسلام عملاً حمایت و از آن تبلیغ به عمل آورده است.

#### آثار روحی و روانی

❖ بی‌حجابی باعث ایجاد هیجان‌های شدید در میان مردان مخصوصاً جوانان می‌شود. چرا که غریزه جنسی نیرومندترین غریزه در فرد است که با عشوهِ گری و آرایش و برهنگی زنان، این غریزه شعله‌ورتر گردیده، باعث بیماری‌های عصبی و امراض روانی می‌شود. زنان با رعایت حجاب خویش، باعث ایمنی و سلامت نیمی از افراد جامعه، از مبتلا شدن به بیماری‌های روانی خواهند شد. پس به نمایش گذاشتن اندام و زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت بیماری روانی است بلکه بیماری‌زا بوده و امراض روانی در دیگران نیز ایجاد خواهد کرد.

### آثار خانوادگی

- ❖ حجاب باعث استحکام بنیان خانواده‌ها بوده و نبودش باعث فحشا و منکرات و رواج آنها گردیده و استحکام خانواده‌ها را متزلزل می‌کند.
- ❖ عدم کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده، چون در اثر ازدیاد زنان بی‌حجاب و بی‌بند و بار و آرایش کرده و عشوه‌گر، مردان تمایل کمتری به ازدواج خواهند داشت، چرا که زنان رنگارنگ و آرایش کرده، در همه جا حاضر بوده و مردان با دیدن آنها و با توجه به هزینه‌های زیاد و مسولیت‌های ناشی از ازدواج و پدر شدن دیگری نیازی در خود برای تشکیل خانواده نمی‌بینند، چون تصور می‌کنند با ازدواج، خود را محدود خواهند کرد.

### آثار اجتماعی

- ❖ ارزش و احترام به زن.
- ❖ استواری و استحکام جامعه.
- ❖ یکی از راه‌های پیشگیری از بی‌عفتی می‌باشد.
- ❖ باعث ترک خودآرایی در انظار عمومی می‌باشد.
- ❖ مانع اختلاط نامناسب زن و مرد می‌گردد.
- ❖ ایجاد محیط امن برای زن و مرد در جامعه.
- ❖ احیاء مقام زن و پیشرفت وی در جامعه.

### آثار اقتصادی

- ❖ تلاش و فعالیت بیشتر: در صورت با حجاب بودن زنان، وقت مردان صرف هوی و هوس و چشم‌چرانی، و وقت زنان صرف آرایش نخواهد شد.
- ❖ صرفه‌جویی: زنان نیاز به هزینه‌های زیاد برای خرید لباس‌های مبتذل و وسایل آرایشی آنچنانی نداشته و این باعث بهبود وضع اقتصادی حداقل در سطح خانواده

شده جلوی هزینه‌های اضافی بیشتر از حد معمول گرفته خواهد شد. و در مقابل پسران جوان وقتی گوهرهای زیبا و زینت‌ها و عشوه‌گری‌های دختران و زنان را در کوچه و بازار و پارک و خیابان و... نبینند، دچار چشم‌چرانی، هوی و هوس، تجاوز به ناموس مردم، بیماری روانی، بلوغ زودرس، زنا، افکار پریشان، بی‌میلی به کار و تحصیل و در نهایت تعطیل شدن نیروهای انسانی خود نخواهند شد.

❖ متانت و رواج مد پرستی دینی به جای پیروی از مدهای غیر دینی.

### آثار اخروی

❖ از آثار اخروی حجاب که در اثر رعایت و انجام دستور الهی مترتب می‌گردد،

همانا خشنودی خدا و پاداش اخروی و بهشت جاودانه است.

❖ از آثار اخروی حجاب ساکن شدن در بهشت‌های متفاوت می‌باشد.

### آثار شوم بی‌حجابی و بدحجابی (۷)

۱. پشت پا زدن به قانون خداوند.
۲. سقوط شخصیت انسانی زن.
۳. آلت دست قرار گرفتن زنان برای اغراض سیاسی و اقتصادی و ...
۴. کاهش جذابیت زنان.
۵. برهم خوردن امنیت جامعه به خصوص امنیت زنان.
۶. از هم پاشیده شدن پیوند خانواده‌ها. (فروپاشی نظام خانواده)
۷. افزایش کودکان سرراهی.
۸. افزایش التهاب و بیماری‌های روحی روانی و کاهش سلامت جسمانی.
۹. افزایش جنایات.
۱۰. انحطاط و فساد اخلاقی، بی‌بند باری.
۱۱. تضعیف معنویت و ارزشهای متعالی.

۱۲. رکود فعالیت های اجتماعی و سستی جامعه بشری.

۱۳. ترویج فرهنگ مصرف، صرف هزینه های غیر ضروری (اسراف) و زیان های اقتصادی ناشی از آن.

۱۴. عذاب الهی.

### تحقیقات پیشین بر روی علل بد حجابی

از یک دیدگاه میتوان عوامل بد حجابی را این گونه قلمداد کرد: هجوم فرهنگ غرب و تلاش استعمار برای نابودی حجاب، اعتقاد به آزاد غلط و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول، اعتقاد به دست و پا گیر بودن حجاب برای کار و تلاش، پیروی از هوس های نفسانی و خوش گذرانی بی قید و بند، دگرگونی ارزش ها، الگوهای دروغین، تقلید کورکورانه که به دلیل جهل و کمبود اعتماد به نفس نشأت گرفته است، جایگزینی فرهنگ های بیگانه به جای اسلام، بی محتوایی و عدم استقلال فکری و ضعف تجزیه و تحلیل منطقی و سستی و سهل انگاری به دلیل ضعف اراده (باقری خسرو، ۱۳۷۰)

تحقیقات متعددی در سال های اخیر به منظور شناسایی علل بد حجابی در بین جوانان، دانش آموزان و دانشجویان صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه باهنر کرمان تحقیق جالبی بر روی دانشجویان دختر صورت گرفت تا دلایل بد حجابی آنان مشخص گردد. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه بود که بین ۴۰۰ دانشجوی دختر که ۲۰۰ نفر آنان بد حجاب و ۲۰۰ نفر دیگر با حجاب بودند توزیع شد. نتایج این تحقیق نشان داد که وضعیت دینی دانشجویان در بد حجابی آنان موثر است، وضعیت روانی دانشجویان در بد حجابی آنان موثر نیست. خصوصیات شخصی مانند رشته، تعداد واحدهای گذرانده، نوع دیپلم، تاثیری بر بد حجابی ندارد. نگرش های سیاسی بر بد حجابی تاثیر گذارند. وضعیت خانوادگی در برخی از جنبه ها تاثیر گذار و در برخی جنبه ها بی تاثیر است. (علوی، حمید رضا، ۱۳۸۶)

تحقیق دیگری که در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بابک صورت گرفته، نشان داد که خانواده ها در حفظ ارزش حجاب نقش موثری دارند. پابندی خانواده ها به فرائض مذهبی و بکارگیری شیوه های مناسب رفتاری توسط خانواده و مسوولین آموزشی نقش مهمی در حفظ ارزش های حجاب دارد. (اسلامی، ۱۳۷۸)

مطالعات موردی دیگر نیز در این زمینه انجام گردیده که هر یک دلایل متعددی را برای بد حجابی بیان میدارد. در بخش بعدی علل بدحجابی دانشجویان به طور مختصر عنوان خواهد شد.

### علل بدحجابی در بین دانشجویان

۱. ناآگاهی از احکام پوشش و حجاب در اسلام.
۲. تعلیم و تربیت نادرست.
۳. ضعف اعتقادی و ایمانی.
۴. برداشت غلط از آزادی.
۵. غرب زدگی.
۶. بهره‌وری سودجویانه از زن.
۷. توطئه استعمارگران.
۸. لجاجت و موضع‌گیری لجاجانه.
۹. وضعیت اعتقادی والدین نسبت به امر حجاب.
۱۰. فقدان هویت ملی و دینی.
۱۱. عدم تحکیم بنیان خانواده.

### راه کارهایی جهت ترویج و توسعه فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاه

- برگزاری کلاس های عقیدتی با حضور اساتید مجرب
- برگزاری جلسات عمومی قرائت قرآن و محفل های انس با قرآن

- برگزاری سمینارها و کنفرانس هایی در رابطه با حجاب و عفاف
- بررسی جلسات نقد و بررسی مساله حجاب با حضور اساتید مجرب
- برگزاری نمایشگاه هایی در رابطه با سیر تحول حجاب در ایران و سایر کشورها
- انتصاب مدیران متعهد به حجاب در پستهای اجرایی و مهم
- انتخاب اساتید و دانشجویان نمونه با اولویت حجاب برتر
- تجلیل از افراد با حجاب و موفق در رسانه های گروهی
- آشنا کردن هر چه بیشتر دانشجویان با مفاهیم عمیق و کاربردی دین
- اهتمام به مثبت نگری و زیباندیشی در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در تألیف کتب درسی
- آشنا کردن نسل جوان با فلسفه و ضرورت حجاب
- تبیین صحیح حجاب از دیدگاه قرآن و سنت
- تبیین آثار حجاب و آثار شوم بدحجابی و بی حجابی
- تبیین جایگاه غیرت برای مردان
- دادن الگوهای درست در مورد حجاب اسلامی به نسل جوان ، الگوسازی غیر مستقیم
- شناسایی ترندهای استعمارگران
- پرورش رشد فکری و فرهنگی تبیین شخصیت زن
- آسان کردن ازدواج و ...
- نهادینه کردن فرهنگ ایرانی \_ اسلامی در شخصیت کودکان
- داشتن نگاهی انتقادی به برنامه های ماهواره و سایت های اینترنتی نامناسب، نه تقلید کورکورانه

- بالا بردن کمیت و کیفیت برنامه‌های ماهواره ایرانی برای ترویج بیشتر فرهنگ ایرانی \_ اسلامی
- مطرح کردن و بحث و گفتگو در مورد پوشش، مد و حجاب زنان در رسانه‌های جمعی داخلی
- ارائه پوشش مناسب برای زنان در طرح‌ها و رنگ‌های متنوع و متناسب با فرهنگ ایرانی \_ اسلامی
- در پیش گرفتن سیاستی متعادل و مستمر در برخورد با بدحجابی
- ترویج فرهنگ اصیل اسلامی به وسیله افراد مجرب و آموزش دیده

### نتیجه‌گیری

حجاب یک پدیده دینی همراه با مولفه‌های عقلانی است که در شکل‌گیری شخصیت افراد در دوران نوجوانی تاثیر بسزایی دارد. حجاب در سلامت فردی و اجتماعی نقش به‌سزایی دارد. سلامت فردی چون موفقیت‌های معنوی، مصونیت و آرامش، حفظ سلامت و زیبایی، احترام، حفظ حریم و سلامت اجتماعی چون مبارزه با تهاجم فرهنگی، کاهش مفاسد، حفظ تحکیم خانواده، جهت‌بخشی افکار و رشد و پیشرفت کار. حجاب در بهداشت روانی نیز تاثیر به‌سزایی دارد. همانطور که می‌دانید بهداشت روانی به بهزیستی روانی و پیشگیری از ایجاد مشکلات روانی اطلاق می‌گردد چه بسا که در این پیشگیری حجاب نیز نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌نماید و منجر به ایجاد آرامش روانی در جامعه می‌گردد، آرامشی که باعث تسهیل امور در اجتماع می‌گردد. دلایل متعددی در بروز بی‌حجابی و یا بدحجابی در جامعه ما نقش دارد. تربیت خانوادگی، ضعف معنویت، الگوبرداری‌های غلط، عدم برنامه‌ریزی مناسب برای آموزش کودکان در سنین کمتر، کوتاهی‌های وزارت آموزش و پرورش و.... برای بهبود فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاه و جامعه، راهکارهایی ارائه گردید که مهمترین آنان برای قشر دانشجو عبارتند از: آشنا

کردن هر چه بیشتر دانشجویان با مفاهیم عمیق و کاربردی دین. اهتمام به مثبت نگری و زیباندیشی در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در تألیف کتب درسی. آشنا کردن نسل جوان با فلسفه و ضرورت حجاب. تبیین صحیح حجاب از دیدگاه قرآن و سنت و....



## منابع

۱. اسلامی، محمد، (۱۳۷۸) "نقش خانواده در رعایت مساله حجاب"، مجله علوم رفتاری، شماره ۲.
۲. باقری، خسرو، (۱۳۷۰)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مدرسه.
۳. حسینی، حسن، (۱۳۸۵)، **مد**، مجله زنان، شماره ۱۷.
۴. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، **آنا تومی جامعه**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. علوی، سید حمیدرضا، (۱۳۸۶)، **عوامل موثر بر عوامل بد حجابی در دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان** " فصلنامه تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، صص ۸۸-۶۳
۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۳)، **مساله حجاب**، تهران، قم، انتشارات صدرا.
۷. مقاله "علل بی حجابی و بد حجابی"، وبلاگ خرابه کوچه کربلا، جمعه ۳ آذر ۱۳۸۵، آدرس اینترنتی: <http://kharabehsham.blogfa.com>

## مدیریت حجاب و عفاف از دیدگاه قرآن و اهل بیت

سیدمحمدجواد آزمون

باشگاه پژوهشگران جوان، مهندسی نفت بهره برداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

Email: Javad.Azmoon20@yahoo.com

### چکیده

پوشش اسلامی از احکام ضروری اسلام است، زیرا اصل قانون حجاب اسلامی صرفاً از ضروریات فقه نیست، بلکه از ضروریات دین مبین اسلام است. چه این که نص صریح قرآن بر آن گواهی می‌دهد و آن گونه که برخی توهم کرده‌اند تنها ظهور برخی از آیات دلیل بر وجوب حجاب نیست تا جایی برای اختلاف برداشت باشد. بنابراین هیچ مسلمانی نمی‌تواند در ضرورت حجاب تردید کند، زیرا هم قرآن مجید به آن تصریح کرده و هم روایات بسیاری بر وجوب آن گواهی می‌دهد. به همین جهت فقهای شیعه و سنی، به اتفاق به آن فتوا داده‌اند. همان طوری که نماز و روزه به دوران خاصی اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز چنین است و ادعای عصری بودن آن، غیر کارشناسانه می‌باشد.

خداوند متعال در آیه سی سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه بعد به زنان مسلمان فرمان می‌دهد از چشم چرانی اجتناب کنند و در رعایت پوشش بدن از نامحرمان کوشا باشند:

قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون؛

**کلمات کلیدی:** حجاب، عفاف، حیا، زن مدرن، اسلام،

### نگاهی به مقوله حجاب

اصل پوشش بدن بدون نظر به حدود آن سابقه‌ای به اندازه حیات انسان دارد و جز بعضی از مکاتب (که بر برهنه زیستی اصرار می‌ورزند) همه افراد به نوعی آن را لازم می‌دانند. این پدیده به رغم ارتباطش با خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی انسان، دست کم به سه نیاز وی پاسخ می‌دهد:

۱) حفاظت از سرما و گرما و برف و باران.

۲) حفظ عفت و شرم.

۳) آراستگی، زیبایی و وقار.

### رابطه حجاب و پوشش اسلامی

در ابتدای بحث به رابطه حجاب و پوشش اسلامی می‌پردازیم:

حجاب به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. این واژه تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل به مفهوم پنهان شدن از دید مرد بیگانه است. بدین سبب هر پوششی حجاب نیست. در قرآن آمده است:

وإذا سألتموهن متاعاً فأستلوهن من وراء حجاب

چون از زنان پیغمبر متاعی خواستید، از پس پرده بخواهید.

این آیه درباره‌ی زنان و بیش‌تر در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی فرود آمده است، نه پوشش زن در مقابل نامحرم. به کارگیری کلمه حجاب در خصوص پوشش زن اصطلاحی نسبتاً جدید است و همین سبب گردیده بسیاری گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

ویلیام جیمز دورانت می‌گوید: «این امر مبنای پرده پوشی میان مسلمانان به شمار می‌رود». برخی مدعی شده‌اند حجاب به وسیله ایرانیان به مسلمانان و اعراب سرایت کرده، در حالی که آیات مربوط به حجاب، قبل از مسلمان شدن ایرانیان نازل شده است و در عهد

جاهلیت همان طور که ویل دورانت می گوید و کتب تفسیر شیعه و سنی تأیید می کند، اعراب چنین پوششی نداشتند و عادتشان نیز «تبرج و خودنمایی» بود که اسلام آن را ممنوع ساخت. (ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى؛" و زینت های خود را مانند زمان جاهلیت آشکار نکنید). آن چه از قدیم به ویژه نزد فقها در بحث نماز و ازدواج رواج داشته، واژه ستر و ساتر به معنای پوشش و وسیله پوشش آن در مقابل نامحرم بوده است. بنابراین وظیفه پوشش اسلامی بانوان به معنای حبس و زندانی قرار دادن آنان نیست. در نتیجه منظور عدم مشارکت این گروه عظیم در فعالیت های اجتماعی نیست، بلکه این وظیفه بدان معنا است که زن در معاشرت با مردان، بدنش را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد و مشارکتش در فعالیت ها بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد.

#### حجاب باید جنبه فرهنگی داشته باشد

بدان که پوشش از برای زنان، به مثابه حفاظت از دُرّ بوده که از دزدان روزگار می شود و اما این حراست می باید جنبه فرهنگی داشته باشد نه تحمیلی که اگر به زور انجامد بر خلاف اهداف شارع مقدّس می رود و امکان اصلاحات نفسانی فردی و عمومی را از دست می دهد. در کیفیت آن می باید به شرایط مدنی و محلی بنگرند و مصالح خانواده را در ابعاد اعتباری و اخلاقی رعایت کنند. آنچه که به فقه شیعه مربوط است، پوشاندن تمامی اندام است و تنها مجوّز برای باز گذاردن دو کف و روی دستان است و گردی صورت، یعنی محلّ تیمّم. البته قید نشده که این پوشش باید با چادر صورت گیرد اما چنانچه بانویی با مانتو، دامن و یا کُت و شلوار، بتواند نظرات جنس مخالف را از خود دور کند، می تواند جایگزینی برای مدل سنتی باشد.

علّت رنگ مشکی چادر، دافعه آن بوده، ولی اگر کسی با چادر سیاه، حالتی ناستوار و غیر اصولی داشته باشد حجابش لوث شده و قادر به تأمین امنیّت روح و جسم و اعتقادات خویش نخواهد بود. نکته مهم آن است که اصل در قانون حجاب، کمک به حفظ عفت،

عصمت و پاکدامنی بوده و یقیناً نجابت و تقوا را نمی‌توان با لباس تأمین نمود بلکه فکری می‌خواهد الهی و احساسی شریف را می‌طلبد که قدر خود را بداند و با طرح خویش به عنوان ابزار تعشق و تعیّش از منزلت اولیّه خود نگاهد و قیمت و بهای خداداده را ارزان نفروشد که مقام بلندی را حق تعالی به زنان داده که به مردان نداده و آن در تعریف از مادران نمودار گشته و در مسئولیت‌های خانه‌داری، همسر داری و فرزند داری عیان شده و در یک کلام آنکه: زن، معمار مهمّی در ساختمان وجود است که با تعهدات او، جامعه به سمت ربوبی می‌رود و فساد او، یک اجتماع بزرگ را متلاشی می‌سازد و همیاری وی در جا انداختن نسخه‌های معنوی، زحمات انبیاء را به بار می‌رساند و همّت ایشان در تحقّق آرمان توحیدی، حرف نخست را می‌زند. لذا حفظ چنین موجود بی‌ظنّی، یک امانت‌داری صحیح را می‌طلبد. (آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی)

### فلسفه حجاب زن

برای روشن شدن فلسفه حجاب زن و راز تفاوت آن با پوشش مردان، توجه به مطالب ذیل لازم است:

#### ۱ - توجه به رابطه ی پوشش با فرهنگ دینی

بر اساس فرهنگ اسلامی، انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال و معنویّت خلق گردیده است. اسلام با تنظیم و تعدیل غرایز به ویژه غریزه جنسی و توجه به هر یک از آن‌ها در حدّ نیاز طبیعی، سبب شکوفایی همه استعداد های انسان شده و او را به سوی کمال سوق داده است. پوشش مناسب برای زن و مرد عامل مهمی در تعدیل و تنظیم این غریزه است.

#### ۲ - توجه به ساختار فیزیولوژی انسان

نوع پوشش زن و تفاوت آن با لباس مرد رابطه‌ای مستقیم با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. در تحقیقات علمی در مورد فیزیولوژی و نیز روان‌شناسی زن و مرد ثابت

شده که مردان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز حساس‌ترند و چون تأثیر حس بینایی زیادتر است و چشم از فاصله دور و میدان وسیعی قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشح هورمون‌ها در مرد صورتی یکنواخت و بدون انقطاع دارد، مردان به صورتی گسترده تحت تأثیر محرک‌های شهوانی قرار می‌گیرند اما زنان نسبت به حس لمس و درد حساس‌ترند و به محرک‌های حسی پاسخ می‌دهند. حس لامسه بروز زیادی ندارد و فعالیتش محدود به تماس نزدیک است. از این گذشته چون هورمون‌های جنسی زن به صورت دوره‌ای ترشح می‌شوند و به طور متفاوت عمل می‌کنند، تأثیر محرک‌های شهوانی بر زن صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کمتر است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه گرفته است. اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی (چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر) به محیط خانواده و در چهارچوب شرع و قانون اختصاص یابد و اجتماع تنها برای کار و فعالیت باشد، بر خلاف سیستم غربی که حضور در جامعه را با لذت جویی جنسی به هم می‌آمیزد و تعدیل و تنظیم امور جنسی را به هم می‌ریزد. اسلام قائل به تفکیک میان این دو محیط است و برای تأمین این هدف، پوشش و حجاب را توصیه نموده است، زیرا بی بند و باری در پوشش به معنای عدم ضابطه در تحریک‌گریزه و عدم محدودیت در رابطه جنسی است که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست.

### آثار و فواید رعایت حجاب و پوشش دینی

۱- بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش عطش سیری ناپذیری شهوت است.

۲- تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین. با رواج بی‌حجابی و جلوه‌گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های خود تلقی

می‌کنند و افراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آن چه دارند و ندارند، قرار می‌گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه زندگی را می‌سوزاند.

۳- استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیت. دختر و پسری که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارآیی آن‌ها کاسته می‌شود و حکومت شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است.

۴- بالارفتن ارزش واقعیت زن و جبران ضعف جسمانی او.

حیا، عفاف و حجاب زن می‌تواند در نقش عاطفی او و تأثیرگذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیل و عشق در مرد است و حریم نگه داشتن یکی از وسائل مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. اسلام حجاب را برای محدودیت و حبس زن نیاورده، بلکه برای مصونیت او توصیه کرده است، زیرا اسلام راضی به حبس، رکود و سرکوبی استعدادهای زن نیست، بلکه با رعایت عفاف و حفظ حریم، اجازه حضور زن را داده اما از سوء استفاده شهوانی و تجاری منع کرده است. در واقع حجاب موجب محدودیت مردان هرزه می‌باشد که در صدد کام جویی‌های آزاد و بی‌حد و حصر هستند و مصونیت زنان از دست این گروه از مردان منظور است.

### ضرورت پوشش اسلامی در قرآن

پوشش اسلامی از احکام ضروری اسلام است، زیرا اصل قانون حجاب اسلامی صرفاً از ضروریات فقه نیست، بلکه از ضروریات دین مبین اسلام است. چه این که نص صریح قرآن بر آن گواهی می‌دهد و آن گونه که برخی توهم کرده‌اند تنها ظهور برخی از آیات دلیل بر وجوب حجاب نیست تا جایی برای اختلاف برداشت باشد. بنابراین هیچ مسلمانی نمی‌تواند در ضرورت حجاب تردید کند، زیرا هم قرآن مجید به آن تصریح کرده و هم روایات بسیاری بر وجوب آن گواهی می‌دهد. به همین جهت فقهای شیعه و سنی، به اتفاق به آن فتوا

داده‌اند. همان طوری که نماز و روزه به دوران خاصی اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز چنین است و ادعای عصری بودن آن، غیر کارشناسانه می‌باشد.

خداوند متعال در آیه سی سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه بعد به زنان مسلمان فرمان می‌دهد از چشم چرانی اجتناب کنند و در رعایت پوشش بدن از نامحرمان کوشا باشند:

قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک از کی لهم ان الله خیر بما یصنعون؛  
ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته و دامن خود را از نگاه نامحرمان بیوشانند. این کار برای پاکی و پاکیزگی شان بهتر است و خداوند به آن چه می‌کنند آگاه است. «غض» در لغت عرب چنان که مرحوم طبرسی در مجمع البیان و راغب اصفهانی در مفردات گفته‌اند، به معنای «کاستن» است و «غض بصر» یعنی کاهش دادن نگاه، نه بستن چشم. البته متعلق این فعل و این که از چه چیز چشمان خود را فرو بندند، ذکر نشده است، اما با توجه به سیاق آیات، به ویژه آیه بعد روشن می‌گردد مقصود آن است که خیره خیره زنان نامحرم را تماشا نکنند و از چشم چرانی پرهیزند. از سوی دیگر ممکن است مقصود از «حفظ فرج» در این آیه پاکدامنی و حفظ آن از آلودگی به زنا و فحشا باشد، ولی عقیده مفسران بزرگ قرآن، نیز مفاد روایات (از جمله سخن امام صادق(ع)) این است که مراد از حفظ فرج در همه آیات قرآن کریم، پاکدامنی و حفظ آن از آلودگی به فحشاء است، جز در این دو آیه که به معنای حفظ از نظر و وجوب پوشش در مقابل نامحرم است. سپس در آیه بعد می‌فرماید:

قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن...؛

ای پیامبر! به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را از نگاه بیگانگان بیوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم آشکار نکنند، مگر آن چه پیداست و روسری‌های خویش را به گریبان اندازند تا سر و گردن و سینه



و گوش‌ها پوشیده باشد و پاهایشان را به زمین نکوبند تا آن‌چه از زینت پنهان می‌کنند معلوم شود ...

در این آیه، خداوند در خصوص پوشش بانوان، آن‌چه را بر زنان مؤمن لازم است به دو شکل گسترش می‌دهد:

۱- پوشاندن سر و گردن.

۲- پوشاندن زینت‌ها.

"خمر" جمع خمار و به معنای روسری و سرپوش است. "جیوب" از واژه "جیب" به معنای قلب و سینه و گریبان است.

در تفسیر مجمع آمده است: "زنان مدینه، اطراف روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند و سینه و گردن و گوش‌های آنان آشکار می‌شد. بر اساس این آیه موظف شدند اطراف روسری‌های خود را به گریبان‌ها بیندازند تا این مواضع نیز مستور باشد."

فخر رازی یادآور می‌شود که خداوند با به کار گرفتن واژه‌های "منوب" و "علی" که مبالغه در القا را می‌رساند، در پی بیان لزوم و وجوب پوشش کامل این نواحی است. ابن عباس در تفسیر این جمله می‌گوید: "یعنی زن مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند."

برخی ادعا می‌کنند حجاب به معنای مقابله با برهنگی را قبول داریم، ولی در هیچ جای قرآن از پوشش مو سخن به بیان نیامده است. نادرستی این سخن معلوم شد، زیرا با چشم پوشی از گفتار ابن عباس و نیز شأن نزول آیه، این واقعیت که زنان مسلمان حتی قبل از نزول آیه، موهای خود را می‌پوشاندند و آشکار بودن گردن و گوش و زیر گلویشان تنها مشکل به شمار می‌آمد، تردیدناپذیر است. افزون بر این حکم، میزان پوشش در روایات متعدد گفته شده است. اگر قرار باشد مانند برخی از صحابه (مثل خلیفه دوم) یا گروهی از روشنفکران جدید فقط به قرآن اکتفا کنیم، در کشف جزئیات ضروری‌ترین احکام مانند رکعات نماز

ناکام می‌باشند و اصولاً چنین افرادی هیچ واجب دینی مانند نماز را که در سنت پیامبر آمده نباید انجام دهند.

آیه بعدی حجاب:

"يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ..."

ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌ها (روسری و چادر) خود را بر خویش فروتر گیرند. این برای آن که شناخته نگردند و اذیت نشوند، به احتیاط نزدیک تر است و خدا آمرزنده و مهربان است."

در این آیه دو مطلب قابل توجه است:

۱- جلباب چیست؟ نزدیک کردن آن یعنی چه؟

۲- فلسفه پوشش و حجاب اسلامی.

در مفهوم جلباب اختلاف نظر وجود دارد. آن چه با توجه به کتب لغت و گفتار مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی و فیض کاشانی و اهل سنت مانند قرطبی صحیح تر به نظر می‌رسد، آن است که جلباب، ملحفه و پوشش چادر مانند است، نه روسری و خمار. از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که منظور عبا است. پس جلباب لباس گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را بپوشاند؛ ضمناً همان طور که مفسران بزرگ مانند شیخ طوسی و طبرسی فرموده‌اند، در گذشته نوع روسری که برای زنان معمول بود، روسری‌های کوچک که آن را خمار یا مقنعه می‌نامیدند و معمولاً در خانه از آن استفاده می‌کردند؛ نیز روسری‌های بزرگ که مخصوص بیرون خانه به شمار می‌آمد. زنان با روسری بزرگ که جلباب خوانده می‌شد و از مقنعه بزرگتر و از ردا کوچک‌تر است و به چادر امروزی شباهت دارد، مو و تمام بدن خود را می‌پوشاندند.

نزدیک ساختن جلباب (یدنین علیهن من جلابیهن)، کنایه از پوشیدن چهره و سر و گردن با آن است، یعنی چنان نباشد که چادر یا روپوش‌های بزرگ مانند مانتو تنها جنبه تشریفاتی و رسمی داشته باشد و همه پیکرشان را نپوشاند.

قرآن می‌فرماید:

"بانوان با مراقبت جامه‌شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهند اهل عفاف و حفظاند."

### چرا پوشش ضرورت دارد...؟

خداوند درباره علت ضرورت پوشش اسلامی می‌فرماید: "ذَلِكُ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِبْنَ". برخی آیه را چنین معنا کرده‌اند که: "به این وسیله شناخته می‌شوند آزادند، نه کنیز، پس با آزار و تعقیب جوانان روبرو نمی‌شوند."

بنابراین در عصر حاضر که مسئله بردگی از میان رفته، این حکم منتفی می‌شود، ولی باید گفت: ایجاد مزاحمت و آزار کنیزان نیز روا نیست و حقیقت آن است که وقتی زن پوشیده و با وقار از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، فاسدان و مزاحمان جرأت هتک حیثیت او را در خود نمی‌یابند. معنای آیه این است که به پاکدامنی شناخته شده و مورد آزار قرار نمی‌گیرند.

### دلایل وجوب پوشش سر و گردن

در این قسمت حدود پوشش را که در اسلام بر زن واجب شده است، از دید فقهی بررسی می‌کنیم. پوشانیدن غیر وجه و کفین (صورت و دو دست) بر زن واجب است و از لحاظ فقهی هیچ‌گونه تردیدی در آن وجود ندارد و این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است نه از نظر قرآن و حدیث و نه از نظر فتاوی در این باره تردیدی وجود ندارد. آن چه مورد بحث است، پوشش چهره و دست‌ها تا مچ است.

دلایل وجود پوشش را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: کتاب، سنت و اجماع.

### الف) دلیل قرآنی

همان آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب است که به تفصیل در مورد آن بحث کردیم.

### ب) روایات

روایات به چند دسته تقسیم می‌شود که به آن اشاره می‌کنیم. دسته اول روایاتی هستند که دلالت بر حرمت نظر به وجه و کفین می‌کند که در نتیجه به اولویت اثبات می‌کند که نظر به سایر اعضا، از جمله سر و گردن خانم‌ها جایز نیست. پذیرش این قول منوط به این است که قائل به عدم استثنای وجه و کفین باشیم. دسته دوم روایاتی هستند که جواز نظر به زن را بسته به اراده ازدواج با وی نموده اند، که از مفهوم آن "عدم جواز نظر در غیر مواقع اراده ازدواج" استفاده می‌گردد. بنابراین نظر کردن به خانم‌ها و از جمله به موه‌های ایشان در غیر صورتی که انسان قصد ازدواج دارد، جایز نیست. دسته سوم روایاتی هستند که نظر به زنان بادیه نشین و اعراب را جایز شمرده، چنین تعلیل شده که "لأنهنَّ إذا نُهینَ لا ینتهینَ؛ چون اگر نهی شوند، نمی‌پذیرند". از این سخن معلوم می‌شود که اصل اولی حرمت نظر است و در این موارد به دلیل نهی ناپذیری، حکم حرمت برداشته شده، البته پوشش همچنان بر آن‌ها واجب است. دسته چهارم روایاتی هستند که در مورد حرمت نظر به خواهر زن وارد شده است.

احمد بن ابی نصر بزنطی که از اصحاب عالی قدر حضرت رضا(ع) است می‌گوید:  
 "از حضرت سؤال کردم آیا برای شخص جایز است که به موی خواهر زنش نگاه کند، فرمود: "نه، مگر این که از زنان سالخوده باشد".

از حرمت نظر به موی خواهر زن، حرمت نظر به سایر اعضای بدن به طریق اولی استفاده می‌شود. دسته پنجم روایاتی هستند که در مورد پسر بچه وارد شده است، مانند این که حضرت رضا(ع) به احمد بن ابی نصر بزنطی فرمود:

"وقتی پسر بچه به هفت سال رسید، باید به نماز خواندن وادار شود، ولی تا وقتی بالغ نشده باشد، بر زن لازم نیست موی خود را از او بپوشاند".  
 در این جا هم پوشانیدن مو مطرح است، بنابراین پوشاندن مو بر خانم‌ها واجب است، مگر در جایی دلیل خاصی بر عدم وجوب داشته باشیم.  
 روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر وجوب پوشش سر و گردن خانم‌ها دارد که به خاطر طولانی نشدن بحث از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

### ج) اجماع

یکی از ادله بحث (پس از آیات و روایات) اجماع‌های نقل شده از فقها است که حتی ادعای ضرورت دین و مذهب نیز شده است که در این جا به چند مورد اشاره می‌کنی:

۱- فخر المحققین در کتاب ایضاح می‌نویسد:

نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او را ندارید، حرام است و این مطلب اجماعی است، به جز نگاه کردن به صورت و کفین.

۲- صاحب کتاب جواهر می‌نویسد:

"نباید به بدن نامحرم و زیبایی‌های او نگاه شود، مگر به خاطر ضرورت و این مصلحت اجماعی، بلکه ضروری مذهب و دین است. عده‌ای از فقها قائل شده‌اند که نگاه کردن بدون لذت به صورت و کفین اشکال ندارد".

۳- آیت الله سید محسن طباطبایی حکیم می‌نویسد:

"ضروری مذهب است و در کتاب جواهر الکلام چنین است".

۴- آیت الله خویی می‌نویسد:

"ضرورت پوشاندن (غیر صورت و دست‌ها) اجماعی است و بدون اختلاف".

۵- ابن رشد (فقیه و طیب و فیلسوف معروف اندلس) از کتاب بدایة المجتهد می‌گوید:

"عقیده اکثر علما این است که بدن زن (جز چهره و دو دست تا مچ) عورت است. ابوحنیفه معتقد است که قدمتین (پاها) نیز عورت شمرده می شود".

حجاب حریم آدم هاست. نماد برجسته مسلمانی است. این شاخص ویژه باعث می شود که مسلمانان به خصوص زنان آنها در هر کجای دنیا که باشند، از بقیه مشخص شوند. حجاب سمبل مکتب و مذهبی است که دارندگانش به اعتقادات خود مفتخر هستند. حجاب ضامن سلامت جامعه است. این را ما نمی گوئیم که بزرگان و اندیشمندان نامی فرموده اند. حرمت خانواده در حریم حجاب منزلت می یابد و بنیان اجتماع سالم در سایه سلامت مهم ترین رکن آن (خانواده) ریشه میگیرد. با وجود آنکه دشمنان دین و انقلاب ما همواره در صدد بوده اند تا از حربه "واجب بودن حجاب در اسلام"، برای تخریب چهره جمهوری اسلامی استفاده کنند، اما پنبه های آنها را جوان هایی رشته کرده اند که براساس نظرسنجی مرکز مطالعات اسلامی، اعتقاد به حجاب را بی هیچ قید و شرطی پذیرفته اند و از این سرسپردگی اعلام رضایت قلبی کرده اند. در این نظرسنجی که در پاییز و زمستان چند سال گذشته و پس از سه دوره زمانی یک ساله به پایان رسیده است و جمعیتی بالغ بر دوازده هزار جوان در آن شرکت کرده اند، ۹۸/۷ درصد از جوانان با سطح سواد بالاتر از دیپلم و در مقطع سنی ۱۸ تا ۳۵ سال اعلام کرده اند که صددرصد به حجاب و رعایت آن ایمان دارند.

### آیا حجاب مانع پیشرفت است...؟

حجاب در اصل، کلمه ی عربی است که ما در لسان دری می توانیم آن را پرده هم بگوئیم، کلمه ی حجاب در قرآن عظیم الشان در محلی ذکر شده است که طی آن خداوند مردم را از رفتن بدون تکلف به خانه ی پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم منع فرموده است و حکم فرموده اگر از خانم های خانه تقاضای چیزی را دارند، آن را از عقب حجاب و پرده تقاضا نمایند.

احکام حجاب سر از همین حکم آغاز گردید و هر آنچه از احکام حجاب بعد از آن نازل شد، مجموع آن را "احکام حجاب" خواندند. احکام حجاب در سوره های بیست و چهارمین (النور) و سی و سوم (الاحزاب) قرآن مجید، با همه تفصیلات موجود است.

طی احکام حجاب به زنان امر شده است که در خانه های خویش با وقار بیاسایند، آن چنان که خانم ها در زمان جاهلیت عادت داشتند، حسن و آرایش خود را به نمایش نگذارند، اگر بیرون برآمدن از خانه برای شان ضرور باشد، با چادری بزرگ خود را بپوشانند و زیوری را که از آن آواز آید، نباید در هنگام خروج از منزل بپوشند، در داخل خانه های خویش نیز بین مردان محرم و نامحرم فرق کند، به جز از مردان محرم، خادمان خانه و زنانی که با آنها نشت و برخاست دارند، در مقابل سایرین، با زینت و آرایش ظاهر نشوند. (مفهوم از زینت در اینجا آرایش یا میک اپ است که لباس، زیور خوش نما و استعمال سامان آلات آرایش هم در آن شامل است).

بعد هم زنان را هدایت نموده تا در مقابل مردان محرم نیز چادر را بر گریبان ها و سینه های خویش پهن نموده و محلات ستر بدن خویش را بپوشانند. مردان خانه نیز هدایت نموده است تا ولو اگر نزد خواهران و مادران خویش می روند، اجازه بگیرند (دق الباب کنند). مبادا دفعتاً نگاه آنها به حالتی بیفتد که قسمتی از جسم خواهران و مادران برهنه باشد. این احکامی است که در قرآن ذکر شده است و نام آن را "احکام حجاب" گذاشته اند. نبی کریم صلی الله علیه و سلم در تشریح این احکام فرموده اند که ستر خانم ها (محلات پوشیده، جسم خانم ها) بدون چهره، دست ها تا بند دست و پاها الی بجلک پاها، همه جسم ایشان است که باید حتی از پدران و برادران خویش نیز آن را بپوشانند. همچنان خانم ها نباید چنان لباس باریک یا چسپ بپوشند که خطوط جسم آنها را نمایان سازد به همین گونه رسول الله صلی الله علیه و سلم به جز مردان محرم، تنها نشستن یا تنها بودن زن را با

سایر مردان منع فرموده اند و رسول الله صلی الله علیه وسلم زنان را از این کار منع فرمودند که در بیرون از منزل خوشبویی یا عطراستعمال کنند.

در داخل مسجد هنگام نماز جماعت رسول الله صلی الله علیه وسلم، جایگاه جداگانه ای برای مردان و زنان تعیین نمود و اجازه نداد تا زن و مرد شانه به شانه ی هم در یک صف نماز بخوانند. در زمان پیامبر همه مردان بعد از ختم نماز، تا هنگامی در مسجد می نشستند که زنان از مسجد بیرون شوند.

این همه احکامی است که هر کسی بخواهد می تواند، آن را در سوره (النور)، سوره (الاحزاب) و کتب مستند احادیث، مشاهده کند.

آنچه را ما امروز حجاب می نامیم، ولو اگر در شکل عملی خود شکار افراط و یا تفریط شده باشد، ولی اصول و قواعد آن همان است که خداوند و رسول وی صلی الله علیه وسلم در جامعه ی اسلامی صدر اسلام، در مدینه منوره نافذ نموده بودند. گرچه بند نمودن دهان کسی به نام خدا و رسولش درست نیست ولی باید به صراحت بگوییم که بلند نمودن این شعار که "حجاب مانع پیشرفت ماست" نشانه ی بارزی از ذهنیت دو جانبه و دوگانه ماست و بهتر است بگوییم که هدف اصلی این گونه شعارها نشانه ای از بی اعتمادی ما بر ذات خداوند و رسول خدا صلی الله علیه وسلم است و مفهوم واضح این گونه شعارها این است که گویا خداوند و رسولش در راستای پیشرفت و ترقیمان موانعی ایجاد نموده اند...! و اگر ما چنین فکر می کنیم، پس چرا جبرا خود را مسلمان نشان می دهیم و چرا از پذیرفتن دین خدا و رسولش انکار نمی ورزیم که بر ما العیاذ بالله چنین ظلمی را روا داشته اند...؟! و از این سوال نمی توانیم با این جواب سرسری، بگذریم که خدا و رسولش ما را به رعایت نمودن حجاب امر نموده اند...! چنانچه در بالا تذکر داده شد که حجاب چیست؟ چه معنی دارد و هر کسی بخواهد می تواند احکام تفصیلی حجاب را در سوره های قرآن عظیم الشان



و کتب مستند احادیث مطالعه نمایند و اگر کسی از صحت احادیث منکر باشد، باز هم احکام واضح قرآن را چگونه می تواند انکار نماید...؟

اگر احکام حجاب را که اسلام ما را به آن امر نموده است، اندکی با دقت مطالعه کنیم، سه هدف بزرگ آن را به طور ذیل می توانیم بفهمیم:

۱- تا از اخلاق مرد و زن مواظبت به عمل آمده، دروازه ی آن همه خرابی ها مسدود شود که در نتیجه ی روابط آزادانه ی مرد و زن در جوامع مختلط پدید می آید.

۲- تا محدوده ی کاری زن و مرد از هم جدا گردیده و به این ترتیب وظایفی را که فطرت برای زن سپرده است با سکون و آرامش انجام دهد و خدماتی که مرد مکلف به انجام دادن آن است، با اطمینان بتواند به جا بیاورد.

۳- تا نظام خانه و خانواده را قوی و محفوظ سازد. که اهمیت آن به هیچ وجه کمتر از سایر نظام های زندگی نیست، بلکه بیشتر هم هست. آنانی که بدون حجاب نظام زندگی و خانواده را محفوظ ساخته اند، در حقیقت زن را غلام ساخته و او را از همه حقوق وی محروم نموده اند و کسانی که با اعطای حقوق به زنان، ایشان را از پیروی حجاب معاف ساخته اند، نظام خانواده و زندگی آنها فروپاشیده است و روز به روز پاشیده تر می گردد. در حالی که اسلام از یک سو همه حقوق زن را برایش می دهد و همراه با آن نظام خانواده و زندگی را نیز می خواهد محفوظ نگه دارد و این هدف تا هنگامی حاصل شده نمی تواند که احکام حجاب، برای حفاظت از آن موجود نباشد. بیایید با خون سردی تمام روی اهداف و مقاصدی فکر کنیم که اسلام می خواهد آن را از طریق رعایت حجاب، به دست بیاورد.

اگر اخلاق نزد کسی ارزش داشته باشد، پس باید دقت نماید که در جامعه ی مختلط، وقتی زنان بعد از آن که خود را می آریند و آزادانه گشت و گذار می کنند و در هر بخش کاری در زندگی، در کنار مردان اجرای وظیفه می نمایند، در آنجا چگونه می توان از فاسد شدن اخلاق جلوگیری کرد...؟ و تا چه وقت اخلاق جامعه از فاسد شدن، نگهداری خواهد شد...؟

چنانچه ما در کشور های خود مشاهده می کنیم که به هر اندازه سیستم اداری مختلط افزایش می یابد، به همان اندازه به جرایم جنسی افزوده می شود و این گفته که سبب اصلی این خرابی ها و مفاسد پرده و حجاب است و وقتی پرده نباشد، دل های مردم از زنان سیر خواهد شد، به کلی غلط است. چنانچه در کشورهایی که بی حجابی و آزادی کامل حکم فرماست، نیز دل مردم سیر نشده و خواسته های هوس آلود آنها کار را به سر منزل عریانی کامل رسانید و تا حال از اجازه نامه ی برهنگی کامل، دل آنها سیر نمی گردد. همان گونه که مشاهده می کنیم فعلا هم جرایم جنسی بیشتر در آن دیار اتفاق می افتد و زینت صفحات جرایم آمریکا، انگلستان و سایر کشورها می گردد.

#### آیا این گونه حالت، حالت قابل اطمینان است...؟

این موضوع تنها موضوع اخلاق نیست بلکه موضوع فرهنگ و عنعنه ماست...! به هر اندازه ای که جوامع مختلط افزایش می یابد، مصارف آرایش و لباس خانم ها هم به همان اندازه افزایش پیدا می کند و آنگاه عایدات جایز خانواده ها، برای این مصارف ناکافی گردیده، در نتیجه هر سو رشوت، اختلاس و سایر حرام خوری ها افزایش می یابد. چنانکه همین حرام خوری ها باعث شده، تا هیچ قانونی در کشورها و جوامع ما به طور درست آن، نافذ و تطبیق نگردد و همچنان این نکته هم قابل غور است که کسی در مورد خواسته های خود به نظم و دسپلین عادت نداشته باشد، چگونه می تواند در سایر معاملات پابند نظم باشد.

#### آیات و روایات در مورد حجاب ...

##### سوره احزاب آیه ۵۹

بگو ای پیغمبر زنان و دختران خود را و زنان و دختران مومنین را که نزدیک خود کنند و فرا گیرند روپوش و چادر خود را که این چادر سر کردن زن و روسری پوشیدن او

نزدیکتر است به اینکه شناخته شوند به صلاح و عفت پس به رنج نیفتند از آزار جسوران و خدا آمرزنده مهربان است.

#### سوره احزاب آیه ۵۵

نیست گناهی بر زنان که بی پوشش باشند نزد پدرانشان و پسرانشان و برادران و پسران برادران و پسران خواهرشان و در نزد زنان مومنه و بندگانشان از غلام و کنیزی که این زنان مالک آنها هستند و بترسید از خدا البته خدا بر هر چیز گواهد است ( همه چیز را میداند ).

#### سوره احزاب آیه ۳۲

ای زن های پیغمبر چون شما شرافت یافتید به اینکه زن پیغمبر شدید مثل یکی از سایر زنان نیستید پس اگر پرهیزکار و ترسناک از معصیت خدا و فرمانبردار خدا و رسول او هستید نرمی و نازکی مکنید در گفتار خود با مردان اجنبی که طمع کند در شما آنکه در دلش مرضی از امراض شهوت انگیز و بگوئید گفتاری که پسندیده خدا و رسول است.

#### سوره احزاب آیه ۳۳

و قرار گیرید در خانه های خود و اظهار نکنید زینت و پیرایه های خود را مانند اظهار و خود نمائی زنان در زمان جاهلیت.

#### سوره نور آیه ۳۰

بگو ای پیغمبر برای مومنین که بیوشند چشم های خود را از آنچه نظر بر آنها روا نباشد و محافظت کنند عورت های خود را از حرام، این چشم پوشیدن و حفظ عورت کردن پاکیزه تر است برای ایشان از بی باکی البته خدا آگاه است به آنچه می کنند.

#### سوره نور آیه ۳۱

و بگو برای زن های مومنه که آنها هم بیوشند چشم های خود را از آنچه نظر بر آن روا نباشد و محافظت کنند عورت های خود را از حرام و ظاهر نکنند زینت های خود را مگر آنچه

هویدا و ظاهر است از زینت چون لباس و باید بیندازد مقنعه های خود را بر گریبان های خود که گردنشان پوشیده شود و ظاهر نکنند زینت های دیگر خود را مگر از برای شوهران خود یا پدرها یا پدر شوهرها یا پسران یا پسر شوهران یا برادران یا پسر برادران یا پسر خواهران یا زنان اهل دین خود، یا کنیزان خود اگر چه هم دین ایشان نباشند یا کسانی که بی حاجتند به زنان (چون ابلهان که برای طعمه در پی انسان آیند یا کودکانی) که (از امور جنسی) اطلاع ندارند و باید نزنند زنان پاهای خود را بر زمین تا اینکه دانسته شود آنچه پنهان میدارند از زینت خود (مثل خلخال و غیره که چون دستبند در پا میگردند) و توبه کنید بسوی خدا همه شما ای گروه گروندگان شاید شما رستگار شوید.

مولا علی(ع):

اختلاط و گفتگو مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دلها را منحرف میسازد. (بحارالانوار جلد ۷۴ صفحه ۲۹۱)  
رسول خدا(ص):

بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید (تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند) زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت. (بهشت جوانان صفحه ۴۶۸)  
(عیون الاخبار الرضا جلد ۱ صفحه ۲۴۹، بحارالانوار جلد ۱۰۳ صفحه ۲۴۶)  
حضرت محمد (ص):

خانم ها نباید در وسط جاده حرکت کنند، فقط می توانند در کنار دیوار و حاشیه جاده و خیابان حرکت نمایند. (گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۳)  
حضرت محمد (ص):

هر خانمی که خود را معطر و خوشبو کند (عطر بزند) و سپس از خانه خارج شود، همواره مورد لعنت خدا و ملائکه خواهد گرفت، تا وقتی که به خانه برگردد، هر چند

برگشتش به خانه طول بکشد. (گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۳، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۵۵۹)

امام صادق (ع):

اگر مردی غیرت ندارد، دل او وارونه است. (گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۱۷۴)

مولا علی (ع):

ای مردم عراق، شنیده ام بانوان شما در جاده ها حرکت می کنند و با تنه زدن به مردان راه خود را می گشایند، شما حیا و آزرم ندارید؟ (گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۱۷۴)

به امام صادق (ع) عرض شد خانمها می توانند برای شرکت در نماز عید، به خارج از شهر بروند؟ امام (ع) گفت: نه، مگر زنان پیر با کفشهای کهنه. (گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۱۷۵)

حضرت محمد (ص):

کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می آید که دستهایش به گردنش بسته شده است. آن گاه دستور می رسد او را به جهنم ببرید. (در صورتیکه که توبه نکرده باشد) (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۶۰۷)

حضرت محمد (ص):

کسی که با زن نامحرمی شوخی کند، در مقابل هر کلمه ای که در دنیا به او گفته است، هزار سال حبس میشود. (در صورتیکه که توبه نکرده باشد) و اگر مردی زنی را با رضایت او از راه حرام در آغوش بکشد، ببوسد، یا با او نزدیکی کند یا شوخی کند و با آن زن گناهی انجام دهد، آن زن همان قدر گناهکار است که مرد گناه کرده و اگر مرد به زور این کارها را انجام دهد، گناه هر دو به عهده مرد است. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۶۰۷)

حضرت محمد (ص):

کسی که چشمانش را از نگاه حرام به زنی پر کند، خداوند در روز قیامت چشمانش را با میخ های آتشین و آتش پر می نماید و تا زمانی که خداوند بین مردم حکم می نماید، بدین حالت خواهد بود. آنگاه دستور می رسد که او را به جهنم ببرید (در صورتیکه که توبه نکرده باشد). (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۶۱۵)

حضرت محمد (ص):

خداوند عزوجل از زنی که چشم خود را از غیر شوهر یا غیر محرم خود پر کند، خیلی خشمگین می گردد و بدون تردید اگر چنین کند، خداوند تمام کارهای نیک او را از بین می برد و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد (زنا کند) به عهده خدای متعال است که پس از عذاب نمودن او در قبرش، با آتش او را بسوزاند (در صورتیکه که توبه نکرده باشد). (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۶۱۵)

حضرت محمد (ص):

بهترین مسجد برای زن کنج خانه است. (نصایح صفحه ۳۷ حدیث ۶۸۶)

مولا علی (ع):

پیوسته امت مسلمان به راه خیر قدم می نهند تا زمانی که از فرهنگ و آداب و رسوم (مانند پوشیدن لباس و غذا خوردن و...) از کافران تقلید نکنند و اگر در آداب از بیگانگان پیروی کردند خداوند قادر آنان را ذلیل می گرداند. (بحار الانوار جلد ۷۹ (۷۶) صفحه ۳۰۳  
باب التجمل و اظهار النعمه)

حضرت محمد (ص):

کسی که خود را شبیه غیر مسلمان در آورد، از ما نیست. (نهج الفصاحه صفحه ۵۰۹،

بهشت جوانان صفحه ۱۶۷)

حضرت محمد (ص):

شیطان به حضرت موسی (ع) گفت: ای موسی! با زنی که به تو محرم و یا حلال نیست خلوت مکن (تنها مباش)، به خاطر آنکه هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی کند، مگر این که من همراه آن دو هستم. (و خودم شخصا آن دو را برای گناه و رابطه نامشروع تحریک و وسوسه می کنم) (بحارالانوار جلد ۱۳ صفحه ۳۵۰، جلد ۶۳ صفحه ۲۵۱، جلد ۷۲ صفحه ۱۹۷)

امام صادق (ع):

نگاه کردن به زنان نامحرم تیری از تیرهای مسموم شیطان است، وای بسا که یک نگاه باعث حسرتی طولانی گردیده است. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۵۶۹)

حضرت محمد (ص):

پیغمبر اکرم (ص) نهی فرمودند از اینکه زن بدون اجازه شوهر از منزل بیرون رود، و چنانچه بیرون رفت، همه فرشتگان آسمان و همه جن و انس همگی او را لعن و نفرین کنند، و نهی فرمودند از اینکه زن خود را برای غیر شوهرش بیاراید و آرایش کند، که اگر چنین کاری کند بر خداوند است که او را با آتش بسوزاند (در صورتیکه که توبه نکرده باشد) و نهی فرمودند که زن نزد غیر همسرش یا خویشان محرمش بیش از پنج کلمه در صورت ناچاری سخن بگوید. (من لایحضر الفقیه جلد ۵ صفحه ۳۰۸، امالی شیخ صدوق مجلس ۶۶ صفحه ۴۲۳)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت علی (ع) نقل فرمود که: روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه علیه اسلام برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود: چرا از او رو می گیری او که تو را نمی بیند؟ فاطمه (س) عرض کرد: او مرا نمی بیند، اما من که او را می بینم و او اگر چه مرا نمی بیند ولی بوی مرا که حس می کند. رسول خدا فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن منی.

حضرت محمد(ص) خود پرسید: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟ اصحاب نتوانستند جواب بدهند. این سؤال به گوش فاطمه(س) رسید. فاطمه(س) فرمود: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد وقتی رسول خدا(ص) این سخن را شنید، فرمود: فاطمه پاره تن من است.

امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) می فرماید: روزی رسول خدا از ما پرسید: بهترین کار برای زنان چیست؟ فاطمه(س) پاسخ داد: بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.

روزی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به اسماء فرمود: چه بد است این تخته‌هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه روی آن می گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می دهند و پارچه ای بر بدنش می کشند، حجم بدن او معلوم است. اسماء گفت: من که در حبشه بودم، می دیدم مردم آنجا تابوتی از چوب درست می کردند و مرده را داخل آن می گذاشتند. سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه دار درست کرد و به فاطمه(س) نشان داد. حضرت فاطمه(س) بسیار خوشحال شد و فرمود: این خیلی خوب است. وقتی مرده را داخل آن قرار دهند و پارچه ای روی آن بکشند، دیگر معلوم نمی شود مرده، مرد است یا زن و فرمود: پس از مرگم، مرا در همین تابوت بگذارید. (بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحات ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۵۴، ۸۱، ۱۸۹)

رسول خدا(ص) فرمود: زنان در خانه به جایی که بر کوچه و بازار اشراف داشته باشند نروند، چرا که نگاه مردان به آنها خیره می شود. به آنان سوره نور را بیاموزید چون در این سوره از تحریم و عقوبت زنا و نیز از اجتناب نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

ام سلمه می گوید: روزی من و میمونه خدمت رسول خدا بودیم که ابن مکتوم نابینا آمد. پیامبر به ما دو نفر فرمود چادر به سر کنیم و خود را بپوشانیم. ما گفتیم: یا رسول الله،



ابن مکتوم که نابیناست و ما را نمی بیند. پیامبر (ص) فرمود: آیا شما هم کورید و او را نمی بینید؟!<sup>۱</sup>

امام رضا (ع) در نامه ای به یکی از یاران خود نوشت: نگاه به موی زنان حرام است، چون موجب تحریک و فساد است. (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، باب ۶۱ و ۶۲. بحار الانوار، جلد ۱۰۴، باب ۹۱)

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس به نامحرم نگاه کند، خداوند چشم او را روز قیامت از آتش پر می کند مگر اینکه در دنیا توبه کند.

و نیز فرمود: همه چشم ها در روز قیامت گریانند مگر چشمی که در دنیا از ترس خدا بگرید و چشمی که به نامحرم نگاه نکند و چشمی که در راه خدا شب را تا به صبح بیدار باشد و نیز فرمود: نگاه به نامحرم تیری است مسموم از تیرهای ابلیس. هر کس از ترس خداوند چشم خود را از نگاه حرام باز دارد، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در قلبش حس کند. و نیز فرمود: زنا برای همه اعضای انسان وجود دارد: زنا چشم، نگاه به نامحرم است، زنا زبان، سخن گفتن با نامحرم، زنا گوش، شنیدن سخن نامحرم و زنا دست، لمس بدن نامحرم است.

حضرت محمد (ص):

نابود شدن (جهنمی شدن) زنان امت من بخاطر دو چیز است: ۱. علاقه به طلا (و مال دنیا) ۲. لباسهای نازک و بدن نما، و نابود شدن (جهنمی شدن) مردان امت من در ترک علم (یعنی دنبال فهمیدن دین و احکام آن نمی روند) و جمع آوری مال (جمع آوری مال از راه حلال مشکلی ندارد، در صورتیکه که ما را از آخرت نیز غافل نکند و تا آنجایی که وسعمان می رسد به فقیران کمک کنیم) (ارشاد القلوب جلد ۱ صفحه ۴۳۱)

حضرت محمد(ص) در سفارش هایی که به علی(ع) فرموده است: یا علی ده طائفه از این امت به خدای بزرگ ایمان ندارند و ملحق به کافران اند، که یک گروه از این طائفه دیوثان هستند. (نصایح صفحه ۳۰۳)

حضرت محمد(ص):

بوی بهشت از مسافت پانصد سال راه، شنیده می شود ولی عاق والدین و دیوثان آن را نمی شنوند. عرض شد: ای رسول خدا دیوث کیست؟ فرمود کسی که زنش زنا دهد و او بداند. (خصال الصدوق جلد ۱ صفحه ۸۱)

امام علی(ع):

"و ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن و عزمهن الی وهن و اکفف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب ابقی علیهن و لیس خروجهن باشد من ادخالک من لا یوثق به علیهن و ان استطعت ان لا یعرفن غیرک فافعل. و لا تمرک امراه من امرها ما جاوز نفسها فان المراه ریحانه و لیست بقهرمانه و لا تعد بکرامتها نفسها و لا تطمعها فی ان تشفع لغيرها و ایاک و التغایر فی غیر موضع غیره فان ذلک یدعو الصحیحه الی السقم و البریئه الی الریب "

در امور سیاسی کشور از مشاورت با زنان پرهیز که رای آنان زود سست می شود و تصمیم آنان ناپایدار است. در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا که سخت گیری در پوشش عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد ناصالح را به میانشان آوری و اگر بتوانی بگونه ای زندگی کن که غیر تو را نشناسند. کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار که زن گل بهاری است نه پهلوانی سخت کوش. مبادا در گرامی داشتن زن زیاده روی کنی که او را به طمع ورزی کشانده برای دیگران به ناروا شفاعت کند. پرهیز از غیرت نشان دادن بیجا که درستکار را به بیمار دلی و پاکدامنی را به بدگمانی می رساند. (نهج البلاغه: نامه ۳۱ قسمت ۱۱۶)

## کشف حجاب در ایران

کشف حجاب در ایران پدیده‌ای ناشی از آشنایی با غرب و تجدد خواهی افرادی است که افکار و زندگی غربی رات جربه کرده بودند. در حالی که نخستین نشانه‌های کشف حجاب را می‌توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری مشاهده نمود. رسمیت یافتن آن به دوره دیکتاتوری رضا شاه پهلوی باز می‌گردد. رضاخان که پیش از رسیدن به مقام پادشاهی خود را فردی دیندار و پای‌بند به اصول مذهب نشان داده بود، پس از به قدرت رسیدن به تدریج ماهیت اصلی خود را نمایان ساخت. او که تجددگرایی و تضعیف ارزشهای دینی را سرلوحه برنامه‌های نوسازی فرهنگی خود قرار داده بود، طی اقداماتی مخالفت عملی خود را با اسلام و فرهنگ و سنن اسلامی جامعه آغاز کرد. از جمله این اقدامات می‌توان به حضور روز افزون میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید، بازگشت اشراف‌زادگان تحصیل کرده از فرنگ، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجباری کردن استفاده از کلاه شاپو، صدور قانون متحدالشکل نمودن البسه، کشف حجاب بانوان، ترویج بی‌قیدی در میان زنان، جلوگیری از حضور زنان با حجاب در پارک‌ها، سینماها، تئاترها، هتل‌ها و سایر مراکز عمومی و... اشاره نمود.

رضا شاه که ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی را مانعی جدی بر سر راه فرآیند مدرن سازی می‌پنداشت، پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳، بیش از اندازه تحت تأثیر اقدامات غرب‌گرایانه آتاتورک قرار گرفت. از این رو پس از بازگشت به ایران عزم خود را برای غربی شدن جامعه ایرانی، جزم نمود و مدعی آن شد که اگر مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی به سر گذارند و نسبت به تقیدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد.

مسافرت رضا شاه به ترکیه جدای از آنکه فصل جدیدی در مناسبات دو کشور گشود، تغییرات عمیقی نیز در روحیات و سیاست‌های رضا شاه علی‌الخصوص درباره زنان و حجاب

آنان بوجود آورد. مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی زنان ترکیه را چنین توضیح می‌دهد:

" شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابد و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم، فرمود: صادق، من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان... فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم. "

رضاخان که شدیداً تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسئله را یک سال و اندی پس از سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌نماید:

"نزدیک دو سال است که این موضوعه کشف حجاب، سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد. "

از این رو بخشنامه کشف حجاب جهت تصویب رضا شاه در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در اول دی سال دستور العمل اجرایی غیر رسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال گردد. رضا شاه در روز هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ برای اعطای گواهینامه فارغ التحصیلان به دانشسرای عالی رفته بود، در حالی که ملکه

ایران و دختر بزرگش بدون حجاب بودند و لباس‌های اروپایی به تن کرده بودند، طی نطقی از کشف حجاب و پیشرفت زنان سخن گفت:

"... شما زن‌ها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید... شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست."

بدین سان از فردای آن روز، بر سرکردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع شد و دولت و سایر دستگاه‌های اجرائی در کشور موظف گردیدند برای پیشبرد این طرح در ولایات مختلف بکوشند. به همین منظور از اقدامات تبلیغاتی و انتظامی در حد وسیعی بهره‌گیری شد و حتی مسئولین در بسیاری از موارد، کاربرد قوه قهریه را نیز در اولویت قرار دادند. از این آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند. در اتوبوس زنان با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک زدن به زن‌هایی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذاری نمی‌کردند. حتی بعضی از مأموران بخصوص در شهرها و دهات زن‌هایی را که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده و پاره پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌اش تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن‌ها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند پاره پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند.

تصویب و ابلاغ قانون کشف حجاب بیش از پیش جامعه روحانیت را با محدودیت مواجه کرده بود، اعتراضات علما و روحانیون و مخالفتهای گسترده‌ی مردمی را نیز در سراسر کشور و در شهرهایی نظیر قم، اصفهان و شیراز در پی داشت که مهم‌ترین نمونه آن

قیام بزرگ مسجد گوهر شاد مشهد بود. اگر چه با انتشار خبر قیام گوهرشاد، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شد، اما فقدان رهبری منسجم و خشونت شدید حکومت از جمله عواملی به شمار می‌آیند که نه تنها این اعتراضات را ناکام گذاشتند بلکه رضاخان را نیز مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب نمودند. با این حال قیام گوهر شاد که یک سال پس از بازگشت رضاخان از سفر به ترکیه و مشاهدات وی در مورد بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان ترکیه به وقوع پیوسته بود، از یکسو حکایت از تأثیر بی‌چون و چرای رضاخان از فرهنگ غربی داشت و از سوی دیگر از تعارض این فرهنگ با فرهنگ اسلامی جامعه ایران و عدم پذیرش موازین غیر شرعی توسط مردم نیز خبر می‌داد.

امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که در ۱۲۹۹ کودتای رضاخان را محکوم کرده بود و در برابر سیاست‌های ضد دینی پهلوی اول همچون کشف حجاب، جدایی دین از سیاست، رواج فرهنگ اروپایی در ایران، اهانت به روحانیت و... نیز موضع‌گیری نموده بود، این مسئله را چنین شرح می‌دهند:

"در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است ذی خودشان را قرار دهند، در آن زمان رضا شاه به وضعی و در زمان محمد رضا به وضع دیگر. و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته‌ای که جزء دار و دسته خود آنها بودند و غرب زده بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهران مقاومت کردند. بنابراین اسلام در ایران زنده شد، آن خدمتی که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه‌ای است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود."

اگر چه پس از سقوط رضا شاه قاعده یکسانی در خصوص کشف حجاب و اتحاد شکل لباس وجود نداشت، اما لزوم پاسخ به مطالبات و افکار عمومی، مقامات را به عقب

نشینی واداشت. به عنوان نمونه می توان به استعلام وزیر کشور از نخست وزیر در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱ اشاره نمود که طی آن به صراحت از عقب نشینی اجباری دولت در قبال کشف حجاب سخن به میان آمده است.

در مجموع می توان چنین اذعان نمود که واقعه کشف حجاب در دوران پهلوی از یک سو حکایت از بحران حقوقی زنان در جامعه سنتی ایران داشته و از سوی دیگر زنان را به عنوان عناصر و ابزار نوگرایی رژیم درآورده بود.

### نظر جوانان در مورد حجاب

سید امیرعلی هاشمی، جوان ۲۹ ساله ای که سنگ بنای آدمیت انسان ها را اعتقاد عمیق به خدای واحد می داند و بعد پیمودن راه تعالی را بر پایه همین اعتقاد و بنا بر اصول آن کاری ساده و آسان می داند، می گوید:

"اگر مؤمن به خدای واحد باشی و او را چنان دوست بداری که هر چه بخواهد، خواسته تو باشد، پذیرش اوامر او برای لذت بخش است. در نظر من حجاب و احترام به این اصل مهم که برگزیدگان دین و مکتب ما، آن را ضامن سلامت فردی و اجتماعی توصیف و بر ضرورت آن تاکید کرده اند بخشی از امر الهی است که باید به آن عمل کرد."

وی می افزاید: "خیلی طبیعی است که طرفداران هر مکتب فکری که ریشه های اعتقادی آن را پذیرفته اند از انجام اصول مکتب مورد نظرشان راضی و خشنود باشند. جوانان مسلمان نیز با افتخار به اعتقاد راستین شان به آخرین و کامل ترین دین الهی به سمبل های این دین افتخار می کنند. من به عنوان یک مرد مسلمان که به حجاب باطنی و درونی همچنین حجاب ظاهری که به نوع پوشش افراد مربوط می شود، ایمان دارم و همواره تلاش می کنم تا طبق دستورات الهی در این باره عمل کنم."

در آیه ۲۹ سوره نور چنین آمده است که "به مردان با ایمان بگو نگاه فرو کاهند (یغضوا من ابصارهم)". هاشمی با استناد به این آیه، سخنانش را چنین ادامه می دهد: "عده ای بهانه

می‌کنند که در دنیای امروز و با حضور گسترده زنان در عرصه همه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری جامعه، که کار و تحصیل در کنار مردان اشتغال دارند، رعایت این امر خدایی غیرممکن است. برخی هم مدعی می‌شوند که براساس اصول مدرن و تجددگرایانه، آداب معاشرت نگاه نکردن به مخاطب که ممکن است همکار، هم کلاس، رئیس یا مرئوس از جنس مخالف باشد برخلاف ادب است، اما من معتقد هستم که اینها بهانه‌ای بیش نیست."

به نظر این جوان که دوران تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد پشت سر گذاشته است، کافی است که مردها در خلوت خود حجاب نگاه را تمرین کنند تا دریابند که رعایت آن نه تنها کار ساده‌ای است بلکه لذت بخش هم هست. او می‌گوید:

"در بعضی از شرایط مراوده و مشاوره با همکاران نامحرم غیرقابل اجتناب است، اما باید حواس خود را جمع کنیم که در چنین مواقعی بیشتر، گوش شنوایی باشیم که اصوات را دریافت و شنیده‌ها را ثبت می‌کند. دلیلی ندارد که گفت و گویی بیش از حیطه کاری خود با همکاران نامحرم داشته باشیم و توانایی این را در خود ایجاد کنیم که اگر سخن از حد ضرورت پیش رفت، بتوانیم با قاطعیت آن را قطع و زیاده روی را به شکل مودبانه‌ای به مخاطب تذکر دهیم."

طی سال‌های اخیر همواره اخباری به گوش ما رسیده که حکایت از رشد، ترقی و پیشرفت ایرانیان در عرصه‌های علمی، تحقیقاتی، پژوهشی و امور فرهنگی و معنوی داشته‌اند. بعضی از ابعاد این حرکت رو به جلو که توانسته است شاخص‌های توسعه را به دست بیاورد همواره مورد توجه بوده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، اما ابعادی از این پیشروی ملی مهجور مانده است. موضوعاتی مثل "معنویت و نقش آن در زندگی نسل‌های مختلف ایرانی، تقید ایرانیان به اصول اخلاقی و پای بندی آنها به موازین اخلاقی که رویای جوامع بشری است و همواره مورد تاکید ادیان آسمانی بوده است و اهمیت



موضوع پاک زیستن و انسان واقعی بودن در زندگی، به خصوص برای قشر جوان، از جمله مسایلی است که کمتر سوژه رسانه هایمان بوده است .

مهندسی که دبیر دبیرستان‌های تهران است و در دانشگاه جامع علمی کاربردی نیز تدریس می‌کند، می‌گوید: "نقش اعتقادات و مسائل معنوی در زندگی ایرانیان به قدری است که آنها خواستن و نخواستن‌های مادی شان را هم بر همین اساس تعریف می‌کنند." وی با بیان نمونه‌هایی از میان دانش آموزان و دانشجویان خود می‌گوید: "دانشجوی ۲۴ ساله‌ای در سال گذشته با من درس کامپیوتر داشت. او تمام هم و غم خود را گذاشته بود تا یک سایت کامل و پیشرفته درباره ترویج و تبلیغ دین اسلام ایجاد کند. او همواره از این که در فضای سایبر، سایت‌های زیادی به تبلیغ ادیان و مکاتب دیگر می‌پردازند، ولی چنین دغدغه‌ای میان جوانان مسلمان کمتر وجود دارد، نگران بود. بالاخره هم با فراگیری اصول این کار سایتی ایجاد کرد که محتوای آن همیشه به روز بود. او برای طرح هر موضوع اعتقادی به مطالعه نیاز داشت و به طور دائم با علما و دانشمندان علوم اسلامی در تماس بود تا بتواند اطلاعات دقیق، درست و تازه‌ای را از آنها به دست بیاورد. همین موضوع انگیزه‌ای قوی برای دوستان و هم‌کلاسی‌هایش شد تا رفته رفته به یک گروه تبدیل شوند که یکی از کارهای اصلی شان پرداخت و پردازش مجموعه اطلاعات در سایت شان باشد. مهندس حسنی نژاد تاثیر این حرکت را بالا رفتن سطح آگاهی مجموعه دانشجویان از اصول دین و ریشه واقعی باورهای اسلامی و اشاعه آن در گستره جامعه عنوان کرده و می‌گوید: "برخی از این دانشجویان حول محور حجاب فعالیت می‌کنند. آنها پس از مطالعه درباره این موضوع اذعان می‌کنند که اگر مجموعه فواید و برآیند رعایت این اصل با زبانی مناسب و مبتنی بر اسناد معتبر برای جوانان بیان شود، بی‌شک همان‌ها که امروز درباره رعایت کامل آن بی‌همتی می‌کنند، خواهند پذیرفت که تا به حال برداشت‌ها و دریافت‌هایشان از این مسأله مهم غلط بوده است."

جوانان مسلمان به این اصل موکد اسلامی اعتقاد دارند اما شیوه های عمل به آن را به درستی فرا نگرفته اند. اگر به آنها بگوییم که حجاب علاوه بر آنکه یک واجب دینی است، مانع بی بند و باری هم می شود و در نهایت فرصت کافی برای توجه به سایر ابعاد انسانی را فراهم می آورد. آن وقت در می یابند که برای استفاده از فرصت عمر باید فارغ از این وقت کشی ها به دنبال فرصت بروز و رشد استعدادهایشان باشند.

رعایت نکردن حجاب در جامعه باعث رشد دغدغه های جنسی می شود. این موضوع ادعای ما نیست، بلکه نتیجه تحقیقات یک تیم بزرگ و معروف از روانشناسان آمریکایی است که درباره سلامت جنسی در کشورهای دنیا انجام داده اند و به این نتیجه رسیده اند که در هر جامعه ای که مسائل جنسی در آن از شکل دغدغه بودن خارج شده، اسباب ترقی و پیشرفت فراهم شده است. ما مسلمانان معتقد هستیم اهمیت موضوع حجاب به قدری است که می تواند حافظ جامعه از بحران های پر آشوب مسائل جنسی باشد.

نمی شود چشم ها را بست و لجام گسیختگی ها را ندید. دلما ن وقتی بیشتر می سوزد که آیت الله سبحانی، امام جماعت مسجد امام جعفر صادق (ع) هم تایید می کند که درمان سرکشی های طغیان گر جنسی که متاسفانه این روزها گاهی منشأ پیدایش جنایات خونین در گوشه و کنار می شود، رعایت حجاب باطنی و ظاهری است. او می گوید: "اسباب تاسف است که گاهی می شنویم بیشترین استفاده از برخی ابزار تکنولوژی در دنیای امروز مثل اینترنت در کشور ما، پاسخ یابی برای دغدغه های دیوانه وار جنسی افراد است. در حالی که نسخه این سرکشی ها و دردها را بیش از چهارده قرن قبل برای ما پیچیده اند. کافی است عفت و عصمت خود را افزایش دهیم. مراقب باشیم تا هر آن چه خدا حرام فرموده است را از زندگی حذف کنیم و بعد ببینیم که با چه سرعتی در راه ترقی و تعالی روحی و فکری گام برمی داریم و از شر وسوسه های شیطانی رها می شویم".

کافی است باور کنیم که حجاب تکمیل کننده اعتقادات فردی است. اگر آرزویمان این است که به مرز تعالی انسانی برسیم، پس باید بپذیریم که از مرحله سفالی نفس بگذریم. برای شأن انسانی خود ارزش قائل شویم و حافظ گوهر ناب وجودمان در پوشش حجاب باشیم.

خواهرم می گوید: "همواره به عنوان یک زن مسلمان که آراسته به زینت حجاب کامل بوده ام، از زندگی لذت برده ام. چه در دوران تحصیل و دانشگاه و چه در محیط کار همیشه سعی کرده ام نمونه ای از یک زن معتقد به اصول اعتقادی دین اسلام باشم و همواره هم تاثیر این تلاش را دیده ام. مردها در هر محیط که باشند به محض مشاهده من به عنوان زنی متخصص و با تجربه در حرفه اش که با رعایت دقیق موازین اسلامی در عرصه فعالیت اجتماعی حضور دارد، همواره احترامی بیشتر برایم قائل بوده اند."

### راه کارهایی برای مسئولین در ترویج حجاب

زنان در جامعه امروز نیازمند حجاب و پوشش هستند زیرا همه آنها در بازار کار حضور دارند و حجاب مورد نظر اسلام مهر تأییدی بر حضور زنان در اجتماع و عاملی برای سلامت و پیشرفت آنان است. ارایه الگوی زن مسلمان در این راستا بسیار راه گشاست ولی در کمال تأسف ما در این زمینه تاکنون موفق نبوده ایم و نتوانستیم چهره‌ی کامل و موفقی را از زنان مسلمان به تصویر بکشیم تا به این وسیله دختران در سنین نوجوانی الگویی را برای پیروی داشته باشند. برای الگوی حجاب قرآنی ما باید آموزش خانواده‌ها و القای مزایای حجاب را در رأس فعالیت‌های خویش قرار دهیم تا با این روش خانواده‌ها از آسیب‌های بی‌حجابی و آفات فردی و اجتماعی آن، آگاه و ملزم به رعایت آن شوند. گروه همسالان نیز نقش موثری در رعایت حجاب و ترویج فرهنگ بی‌حجابی دارند پس مدارس نیز باید در این عرصه فعال باشند و با ارایه دلایل عقلی که برای نوجوانان قابل ملاحظه است به ترویج و گسترش حجاب کامل بپردازند. بدحجابی موجود در جامعه دلیل غفلت همگانی است و

تحقق حجاب قرآنی و ترویج آن نیز نیازمند عزم هماهنگی و همت عمومی همه سازمان‌ها و ارگان‌هاست.

توجه نکردن به مقوله حجاب در کتب درسی، نیز یکی از خلاءهای موجود در عرصه حجاب و عفاف است و اگر می‌خواهیم یک مساله فرهنگی را در سطح جامعه نهادینه کنیم باید از کتب درسی شروع کنیم. کتاب‌های درسی ما نیز در این زمینه دچار ضعف هستند و هنوز نتوانسته‌اند چه در زمینه الگو سازی و چه درباره ی قالب کلی حجاب مطلبی را ارائه دهند و از آنجا که قادر به ارائه این تصویر نیستیم تصویر دختران را از کتاب‌های درسی حذف کرده‌ایم. ما باید این فرهنگ را در جامعه نهادینه کنیم که انسان بودن دختر، منوط به با حجاب بودن اوست و حجاب به او این توانایی را می‌دهد که در فضای ایمن استعدادهايش را شکوفا کند که در این زمینه نیز خلاهایی وجود دارد. در نخستین گام باید از افراط و تفریط و برخی آسیب‌هایی چون برخورد فیزیکی با بدحجابی و تحمیل حجاب به جوانان پرهیزیم زیرا این برخوردها، خود آفتی برای تحقق حجاب مد نظر قرآن است.

ریشه‌های بی‌حجابی مهم‌ترین عامل برای رفع این معضل در جامعه است و ما باید ابتدا علت اختلال را بشناسیم سپس روش‌های آن را بیابیم تا مشکل به صورت ریشه‌ای حل و فصل شود. اعتقاد من این است که اعمال روش‌های حکومتی در ترویج حجاب، مقابله با حرمت انسانی به ویژه اشاعه مفهوم حجاب مد نظر قرآن است و آیه ۲۸ سوره زمر که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» دلیلی بر این مدعاست.

ما باید دختران موفق را در رسانه معرفی کنیم زیرا این موضوع خود عاملی برای تبلیغ حجاب و نتایج پر برکت آن در خانواده‌هاست. علاوه بر این، زیبایی امری فطری است پس ما باید پوشش‌هایی در جامعه تولید و عرضه کنیم که علاوه بر برخورداری از ویژگی‌های مد نظر قرآن به لحاظ رنگ نیز برای جوانان جذاب باشند که در حال حاضر کشوری چون

مالزی نمونه موفق‌تری از آرایه این الگوی حجاب است، البته این موضوع تغییر عرف جامعه و اندکی جسارت را می‌طلبد.

تبلیغ و تکرار دو عامل مهم در اشاعه فرهنگ حجاب است و درونی شدن رفتار، مهم‌ترین عامل برای ماندگاری آن است و عامل محرک بیرونی چون تکرار و تلقین نقش مهمی در بیدار شدن ریشه فطری آن رفتار دارد، پس ما باید در برنامه‌ها و میزگردهای مختلف به القای این فرهنگ پردازیم که حجاب عاملی برای تقویت شأن انسانی و حرمت زن است که در آن زمان افراد خود به خود به رعایت آن تشویق می‌شوند.

الغرض، ما باید از گفتن بایدها و نبایدها خودداری کنیم و اولویت کارهای فرهنگی و تربیتی خویش را بر روی پیشگیری قرار دهیم نه درمان تا به این وسیله از بروز آسیب‌های مختلف در جامعه بکاهیم.

### منابع

۱. زن در ادیان بزرگ جهان / جین هولم - جان بوکر
۲. زندگی مذهبی زنان / ریتام گراس
۳. حقوق خانواده «۳» / دکتر مهدی خالصی
۴. آینه همسران (الگوی از زندگی حضرت علی (ع) و فاطمه (س)) / الهام مخدومی
۵. مجموعه مقالات کنگره حضرت زهرا و انسان معاصر / معاونت بسیج استان اصفهان
۶. ازدواج فاطمه زهرا (س) / محمد روحانی، علی آبادی
۷. دین و زندگی «۳» / دکتر محمد مهدی اعتصامی
۸. مختصر حقوق خانواده / دکتر سید حسین صفایی، دکتر اسدالله امامی
۹. انتخاب همسر / ابراهیم امینی
۱۰. نظام حقوق زن / استاد شهید مرتضی مطهری
۱۱. مقالات مذهبی / لیلا بدوی
۱۲. سرزمین اهورایی من / رضا حسین زاده آملی
۱۳. قرآن کریم
۱۴. نهج البلاغه / سید رضی
۱۵. آینه ایزدنا / حر عاملی
۱۶. اثبات الهدات / حر عاملی
۱۷. الاحقاق الحق / نورالله شوشتری
۱۸. اختران ادب / محمد علی انصاری
۱۹. الارشاد / شیخ مفید
۲۰. انسان کامل / حسن حسن زاده عاملی
۲۱. بلاغات النساء / ابن طیفور
۲۲. نیا مقاله الفاطمیه / احمد ابن موسی ابن طاووس
۲۳. پرسش و پاسخ / محمد تقی مصباح یزدی
۲۴. تفسیر / ابن کثیر
۲۵. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن / محمد تقی مصباح یزدی
۲۶. خودشناسی برای خودسازی / محمد تقی مصباح یزدی
۲۷. ریاحین الشریعت / ذبیح الله محلاتی
۲۸. روضه الواعظین / فتال نیشابوری
۲۹. شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید
۳۰. شکوفه های عرفان / مهدی الهی قمشه ای
۳۱. العقد الفریر / ابن عبدربه
۳۲. العمده / ابن البطریق

### منابع اینترنتی (سایت)

۱. [www.ir-psri.com](http://www.ir-psri.com)
۲. [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)
۳. [www.bashgah.com](http://www.bashgah.com)
۴. [www.kayhannews.ir](http://www.kayhannews.ir)
۵. [www.karajquaran.com](http://www.karajquaran.com)
۶. [www.irdc.ir](http://www.irdc.ir)

## زن مدرن در مکتب تربیتی فاطمه (س)

سیدمحمدجواد آزمون

باشگاه پژوهشگران جوان، مهندسی نفت بهره برداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

Email: Javad.Azmoon20@yahoo.com

### سخن نویسنده

عطار در منطق الطیر چنین آورده که وقتی یوسف را به بازار مصر آوردند، مصریان از هر طرف به شوق خرید هجوم آورده و قیمت ها پیشنهاد کردند. در آن میان، پیرزنی خمیده در حالی که ریسمان چند در هم رشته به دست گرفته بود، بانگ برآورد که ای دلال کنعانی فروش:

ز آرزوی این پسر سرگشته ام      ده کلاه ریسمانش رشته ام  
این زمن بستان و با من بیع کن      دست در دست منش نه بی سخن

مرد با خنده گفت: ای سلیم این دُر یتیم صد گنج بها دارد، تو چگونه با ریسمانی می خواهی او را به دست آوری!

پیرزن گفت که دانستم یقین      کین پسر را کس نفروشد بدین  
لیک اینم که چه دشمن چه دوست      گوید این زن از خریداران اوست

من نیز با همان منطق و با بضاعتی کمتر از بضاعت آن پیرزن قلم به دست گرفته تا در مدح خوبرویی که اعز الناس (۱) در نزد رسول اکرم (ص) بود، سطوری بنگارم. بزرگ بانویی که رسول خاتم سیده النساء العالمین می خواندش (۲) و علی (ع) با همه عظمتش به او افتخار می کرد (۳). شاید با مدح آفتاب گرم شویم و نور بگیریم و شوق سفر به سیره او را آب حیات جانهای بی رمق خویش قرار داده و با خود زمزمه کنیم:

آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشی

در عاشقانه‌ترین لحظه‌های نیایشم خود را بر دستان بی‌قرار تو می‌سپارم  
 و از تو یاری می‌جویم که مرا دریایی و اشتیاق و سوسه و گناه را از من بازستانی  
 و روشنایی خورشید حضورت را به من بشناسانی تا از صحن تاریک وجودم،  
 طلایی‌ترین نگاه تو را باور کنم  
 و زیباترین ترانه آفرینش را برایت بسرایم ...

### چکیده

همانا فاطمه(س) عصاره نبوت، دُر صدف بزرگ منشی، سپیده درخشان خورشید و نوری است که از پرتوی آن نورهای دیگر سرچشمه گرفته اند. او برگزیده شرف وجود، مرکز دایره افتخارات، ماهتاب ارزش‌ها، زهره‌ی زهرا درخشان بلندترین جایگاه‌هاست. آن کسی که در درجه عالی در کرانه آسمان و عالم بالا بر جایگاه رفیعی جای گرفته است، نورش می‌درخشد، پرتواش همه جا را روشن ساخته و نامش از تعریف و معرفی بی‌نیازش کرده است.

پیرامون شخصیت و مقام مادی، معنوی فاطمه مرضیه(س) بس کتاب‌ها نگاشته شده و فراوان سخن‌ها رانده شده است، اما گویا اگر هزاران هزار برابر آن نیز از قلمرو ذهن و اندیشه بشر به در آید و صورت گفتار و نوشتار پذیرد، باز قطره‌ای نباشد از اقیانوس بی‌کرانه فضیلت‌های حضرتش. آری، اوج اندیشه اندیشمندان عالم در غواصی به ژرفنای اقیانوس ناکرانمند کوثر، جز حیرانی و شگفتی چاره‌ای نیست. مگر آنکه الهامات ویژه الهی یاریگر اندیشه‌ها و ناطقه‌ها گردد تا بتوان قطره‌ای روح افزا از زلال بی‌مثال کوثر چشید و بر کام تشنه جان‌ها چشانید.

انسان‌هایی پاک سرشت در پی یک زندگی پاک و حیات پاکیزه هستند که زیباترین نماد آن را می‌توان در زندگانی رهبران دینی جستجو کرد. فاطمه(س) از آن مریبان و معلمان اخلاق است که بشر و بلاخص زنان می‌توانند زندگی او را به عنوان بهترین الگو برای رفتار و معاشرت خود قرار دهند. بررسی و شناساندن جایگاه و شخصیت حضرت زهرا(س) در تعلیم و تربیت زنان و نحوه تاثیر گذاری آن که توفیقی است بس ارجمند و بزرگ و تنها کسانی را نصیب می‌شود که تلاش نمایند تا با تمام وجود، جان خویش را سرشار از عشق و محبت به او و فرزندان‌اش کرده باشند. ما در اینجا سعی در شناساندن برخی از ابعاد وجودی آن بانوی بزرگوار به زنان و بلاخص نسل جوان شعیه



داریم، چرا که اغلب نسل جوان ایرانی از شناخت صحیح چهره های متعالی اسلامی یا به کلی ناآگاه هستند و یا اینکه چهره سازنده حقیقی آنها در اثر عشق و علاقه بیش از حد، به صورت شخصیت های تاریخی و افسانه ای در آورده اند. از این رو تلاش این بحث در این جهت بوده که زندگانی حرکت بخش و مترقی حضرت زهرا(س) را از ابعاد مختلف زندگانشان با توجه به متون و اخبار و روایات متعبر و قابل اعتماد، نشان دهد تا زنان و جوانان بتوانند با مطالعه زندگانی ایشان الگو گرفته و شیوه درست زندگانی را انتخاب نمایند. از جمله ابعاد شخصیتی ایشان که می تواند برای ما درس باشد، بدین شرح می باشد.

**کلمات کلیدی:** الگو، حضرت فاطمه، خانواده، تربیت، زن معاصر، الگو پذیری، اسلام

## مقدمه

اگر بخواهیم در زمینه ی جایگاه والای یگانه بانوی دو عالم، دخت مصطفی، همسر مرتضی و مادر مجتبی، جز به بیان قرآن و سنت سخنی برانیم گزافه گفته ایم، چه هیچ چیز جز قرآن و هیچ کس جز فرستاده ی قرآن سزاوار سخن در شأن او نیستند و جز پدر و همسر و فرزندان کس قادر به تکلم در موردش نیست. حضرت فاطمه (س) غنچه ای بود که در طوفان حوادث و طغیان مصائب پژمرد و کوکب تابناکی بود که در خسوف بلایا افول کرد و دیگر روزگار همتای او را نخواهد یافت. این بانوی بزرگوار چنان منزلتی دارد که از صدر اسلام تاکنون قلم های فراوانی در شأن ایشان به حرکت درآمده و زبان های زیادی در منقبتش سخن رانده و لیک هنوز از بیان جایگاه رفیع ایشان قاصرند.

## ضرورت و نیاز به الگو در نظام تربیتی دینی

این موضوع، چگونگی تاسی به خیر النساء العالمین است. به نظر می رسد قبل از ورود به بحث اصلی، ذکر مقدمه ای ضروری باشد و آن اینکه در منطق قرآن، انسان ها برای اینکه بتوانند به هدایت و کمال برسند به دو چیز نیازمندند، نخست به برنامه ای مطمئن و تضمین شده که مسیر حرکت انسان را از آنچه که هست به سوی آنچه که باید باشد مشخص سازد که اصطلاحاً به آن دین و شریعت گفته می شود که از وظایف اصلی پیامبران ابلاغ مبین پیام های آسمانی بوده است که انسان ها با ایمان آوردن به پیامبران، خود را ملتزم به عمل کردن می کنند و با عمل به آنها، در درجه اول نفس خویش را تسلیم خداوند می کنند و در مرتبه بعد از فواید و منافع و مصالح این احکام نیز سود می برند. زیرا بنای نظری این پیامها معارف حقیقی درباره خداوند و خلقت و سیر آفرینش از مبدا به سوی جاودانگی و چگونگی کسب قابلیت بهره مندی انسان از سعادت ابدی است که مصداق تعلیم کتاب است. در مرتبه بعد داشتن الگوهایی که با تاسی به آنها بتوان مشکلات حرکت را آسان کرد و در بزرگ راه ها و کوره راه های دنیا، گم نشد و به مقصد رسید. صرف ابلاغ برنامه برای

رساندن انسان به مقصد کافی نیست. این یکی از ویژگی‌های اساسی مکتب انبیاست که در مکاتب بشری نمی‌توان مشابه آن را پیدا کرد. یعنی نمی‌توان گفت: مثلاً استالین با آن همه شعار درباره حکومت کارگری و مبارزه با ظلم طبقاتی، زندگی خودش، مصداق و نمونه عینی عدالت خواهی و هم سطحی با طبقات کارگر بوده است. اما مسلمین می‌توانند ادعا کنند که پیامبرشان مصداق تام آرمانهای مطرح شده در مکتبشان است. می‌توان به استناد تاریخ مدعی بود و اثبات کرد، شاگردان مکتب محمد(ص) چون فاطمه و علی(ع) تجسم عینی باورهای دینی‌اند و به همین دلیل، حجت خدا بر زمین هستند. همچنان که قرآن این معجزه‌ی جاودانه پیامبر خاتم حجت الهی است.

در حدیث ثقلین(حدیث ثقلین به تعبیرهای متفاوت اما معانی نزدیک به هم آمده است در کتاب الغدیر) که مورد قبول علمای هر دو فرقه است. پیامبر(ص) قرآن و عترت و یا قرآن و اهل بیت را غیر قابل انفکاک از یکدیگر دانسته و فرمودند: اگر به این دو با هم چنگک بزنی هرگز گمراه نمی‌شوی. شاید بتوان گفت اولین و بزرگترین خط گمراهی پس از پیامبر شعار، کفانا کتاب الله بود. زیرا گذشته از اینکه کتاب به مبین و مفسری معصوم نیازمند است انسان‌ها نیز همیشه در کنار برنامه به مربی شایسته، نیاز مبرم دارند. خداوند در قرآن کریم در پاسخ اعتراض کسانی که می‌گفتند، چرا ملکی به عنوان رسول بر ما نازل نشده و انسانی که مانند ماست یعنی، می‌خورد، می‌خوابد و سایر مشخصه‌های بشری را دارد پیام رسان خداوند گردیده، می‌فرماید:

لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا و للبسنا علیهم ما یلبسون

چنانچه فرشته‌ای به رسالت بفرستیم او را نیز به صورت بشری در آوردیم و بر او نیز همان پوشانیم که آنان می‌پوشند. (سوره انعام، آیه ۸)

زیرا شرط تاسی به الگو هم جنسی و احساس هم سنخی در وجود است. اگر پیامبران انسان نبودند و به فرض امکان(این بحث مستقلاً است که عموم انسان‌ها تا در دار عالم

ماده‌اند امکان روایت ملائکه را ندارند و قرآن در همان آیه می‌فرماید اگر ملک نازل شود لقصی الامر و علامه طباطبایی می‌فرماید مرگ انسان فرا می‌رسد (۴) ملک بودند، یک ایراد که می‌توانست مطرح شود این بود که آنها با متقضیات وجود بشر آشنا نیستند و سختی‌ها التزام به این اوامر و نواهی را درک نمی‌کنند.

در واقع آنان با عینیت بخشیدن به ارزشهای معنوی، با تمام وجود دعوت‌کننده و تبیین‌کننده طریق هدایتند و این یک معنای دیگر حجت است. به همین دلیل می‌بینیم قرآن غیر از اینکه رسول اکرم (ص) را به صراحت الگو و اسوه مومنین معرفی می‌کند، لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه (برای شما در رسول اکرم حسنه ای است) (سوره احزاب، آیه ۲۰) از الگوهای فراوان دیگری نیز نام می‌برد و نکته مهم اینکه قرآن ویژگیهای برجسته الگوها را ذکر می‌کند.

قرآن ابراهیم را صدیق، حلیم و اواب و اسماعیل را صادق الوعد، امرکننده به نماز و زکات و مورد رضای خدا معرفی می‌کند و از زنان دو نمونه الگوی نیک و دو الگو و تجسم بدی را با ذکر نکات مثبت و منفی معرفی می‌کند و می‌فرماید: مهمترین ویژگی منفی زن نوح و لوط این بود که خیانت کردند و همسری صالحین نتوانست مانع از عذابشان شود. نکته مهم وجود همسر فرعون اینکه او از فرعون و ظلمش تبری جست و قرب به خدا را بر دنیای فرعونیان ترجیح داد و مریم که کاملاً بر عفت خویش محافظت می‌کرد، برگزیده شد و حامل کلمه خدا گردید و ویژگی مهمی که او را به این مقام رساند، این بود که او تسلیم و مطیع خداوند بود. قرآن در معرفی الگو، مقام را ذکر و شخصیت را مدح و هم علت مقام و مدح را بیان می‌کند. اما به نظر می‌رسد که ما در معرفی الگوها بعضاً به مدح و بیان مقامات معنوی اکتفاء می‌کنیم و متأسفانه گاهی آنقدر بر مدح صرف تکیه می‌کنیم که الگو دور از دسترس تلقی می‌شود و در واقع هدف از معرفی که اقتدای عملی انسانها بود، مغفول می‌ماند. زهرا (س) به عنوان انسانی کامل الگوی تام برای همه مومنین طالب

کمال است و از طرف دیگر به عنوان یک زن الگویی است برای زنان مومنه که بدانند با ویژگیهای زنانه خویش چگونه می توانند به آرمانهای ایمان دست یابند. اگر زهرا(س) نبود با اینکه قرآن رسول اکرم(ص) را به عنوان الگوی مومنین معرفی کرده و ایمان امری مربوط به باطن وجود انسان است و زن و مرد نمی شناسد، باز جای این سؤال در ذهن باقی می ماند که بالاخره در این دنیا بین وظایف زن و مرد تفاوتی وجود دارد و در جاهایی که زنان مومنه با مسئولیت‌های مربوط به بانوان درگیرند، چگونه می توانند حرکت کنند و اصولاً تا کجا می توانند جلو بروند و نمونه کسی که حرکت کرده و رسیده کیست...؟ فاطمه(س) و سیره‌اش پاسخ به تمام این سئوالات است. همین که می بینیم قرآن برای مومنین هم زن مثال می زند و هم مرد، می فهمیم که ما نیز باید برای جامعه از همین شیوه استفاده کنیم به این امید که از کسانی نباشیم که «یا مرون الناس بالمعروف و ینسون انفسهم» (مردم را به معروف امر می کنند و خودشان را فراموش می کنند).

### یک سؤال مهم

گاهی گفته می شود، اگر چه الگوهای دینی انسانی اند اما با توجه به شرایط تکوین و تربیت با دیگران فرق‌های اساسی دارند. مثلاً درباره حضرت زهرا(س) از امام صادق(ع) نقل است که:

«خداوند نور فاطمه را قبل از آنکه آسمان و زمین را بیافریند آفرید» (۵)

این گونه روایات که کم هم نیستند دال بر تفاوت خلقت آنان با سایر مردم است و یا گفته شده که نطفه فاطمه از رطب بهشتی بسته شده (۶).

از نظر محیط و شرایط تربیتی او دخت پیامبر خاتم است و هیچ کس نمی تواند نقش محیط و شرایط را در تربیت منکر شود او از اول تولد در محیطی کاملاً استثنایی رشد و نمو کرده. خانه پدری او مهبط وحی است و پدرش به گفته خداوند صاحب خلق عظیم و مادرش اولین زن مسلمان. کجا شرایط او با دیگران قابل مقایسه است تا بتوان سخن از الگو

گرفتن مطرح شود. او به فرموده رسول (ص) ملکی در لباس انسان است (۷) پس ما نمی توانیم به او اقتدا کنیم چون ما مثل او نیستیم.

برخی مسئله را به این شکل مطرح می کنند که اگر هر کس دیگر نیز در شرایط فاطمه زهرا (س) قرار داشت باز فاطمه می شد، زیرا همه چیز برای رشد و کمال معنوی در اختیارش بوده و این مسئله تفاوت مهمی بین او و دیگران ایجاد کرده است.

### پاسخ سؤال

جواب نقضی به این سؤال این است که از گویند سوال شود آیا فاطمه زهرا (س) مثلاً پیامبر (ص) مکلف به تکالیف الهی بودند...؟ اگر گفته شود مکلف نبودند که خلاف بداهت عقل و صراحت آیات قرآنی است و اگر گفته شود مکلف بودند، بنابراین تکلیف فرع بر اختیار است. اگر تصور شود خداوند تکلیف می کند بدون اختیار، که خلاف عدل و حکمت است و از خداوند صادر نمی شود. اگر برای فاطمه امکان گناه نکردن و امکان غیر فاطمه بودن وجود نداشته باشد، در این صورت مورد تکلیف امر و نهی الهی قرار نمی گرفت، درحالی که همه می دانند حتی رسول اکرم (ص) مکلف به عمل به اوامر و نواهی الهی است.

اما برای پاسخ تفصیلی باید گفت: کسی نقش شرایط را در تربیت منکر نیست. سخن این است که شرایط خارجی هیچگاه صدور فعل را از فاعل مختار، به حد ضرورت نمی رساند به این معنا که گفته شود فاعل نمی توانست این کار را نکند.

بله شرایط تربیتی فاطمه بسیار خاص است ولی او خواسته که فاطمه باشد نه اینکه نمی توانسته چیز دیگر باشد. مثالی که قرآن درباره الگوهای خوب و بد می زند حامل این پیام نیز هست. آسیه تمام شرایطش برای کفر و استکبار آماده بود اما از دنیای فرعون اعراض کرد. زنان لوط و نوح با صالحین بودند اما مجبور به اصلاح نشدند و کفر ورزیدند، این همان نقش اختیار و اراده آدمی در شکل دادن به شخصیت خویش است.

### آیا اختلاف زمان و مکان می تواند مانع الگوگیری باشد...؟

سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا اختلاف شرایط زمان و مکان می تواند مانع تاسی به الگوهای دینی باشد؟ برخی می گویند: عصر پر هیاهوی معاصر و مسائل و معضلات انسان علی الخصوص زن امروز، با مسائل و شرایط زمانی و مکانی جامعه فاطمه زهرا(س) کاملاً متفاوت است. به نظر می رسد ماشین و فرهنگ مدرنیته ارزشها را عوض کرده و شرط واقع نگری این است که بپذیریم در دنیای امروز باید دنبال الگوهای دیگری بود، چون نمی توان زمان را به عقب برگرداند ناچار باید از فاطمه(س) تجلیل کرد به عنوان زنی متعالی در زمان خودش و با ملاک ها و معیارهای روزگار خودش. اما برای نسل امروز باید الگوهایی را معرفی کرد که از ویژگی عصری و به روز بودن بهره مند باشد.

این سخن دو وجهی است. اگر منظور این باشد که با حفظ محرومیت الگوهای دینی و اعتقاد به ثبات مفاهیم ارزشی تلاش کنیم افراد نزدیک به زمان خویش را نیز به عنوان الگوهای قابل دسترس معرفی کنیم، سخن درستی است و اشکالی ندارد، اما اگر منظور این باشد که با گذشت زمان ملاک ها و ارزشها عوض می شود و باید با ارزشهای جدید و به روز افرادی که به عنوان الگو مطرح شوند، این سخن باطلی است که در قسمت بعد به این مطلب خواهیم پرداخت.

### نمونه پدر از نسل نو

یکی از عوامل موثر در شکل گیری شخصیت افراد، وراثت است. حضرت فاطمه(س) بسیاری از ویژگی های رفتاری و گفتاری پدر را، تحت تاثیر این عامل، به ارث برده بود. افزون بر این ویژگی ها که غیر اکتسابی است، او در دیگر اوصاف و اخلاق نیز به صورت اکتسابی از پدر تاثیر پذیرفته بود. از این رو، روایات فراوانی نشانگر آن است که فاطمه(س) پدر خویش را الگو قرار داده و نمونه کاملی از انسان تربیت یافته رسول خدا(ص) شده بود. با این که میان پدر و دختر چهل و پنج سال فاصله سنی بود، که از نظر جامعه شناسان بیش از

یک نسل دوره‌ی زمانی است. با این وجود دختر از نسل جدید، پدری از نسل گذشته را الگوی خود قرار داده است. او در رفتار و کردار شباهت زیادی به پیامبر داشت. جالب آن است که در رویداد غم‌انگیز کربلا نیز افراد از دو نسل با فاصله سنی زیاد حضور دارد که بر سر اصول و آرمان‌های واحدی مبارزه می‌نمایند. میان امام حسین (ع) و برادرش ابوالفضل (ع) بیست و دو سال فاصله زمانی بود، اما عباس (ع) بر سر آرمان‌های مشترک با برادر و رهبرش جانفشانی کرد.

برای الگوگیری فاطمه (س) از پدر، شواهدی تاریخی فراوانی وجود دارد. از برخی از زنان پیامبر اعظم (ص) روایت شده است که می‌گوید:

در آن بیماری که منجر به درگذشت رسول خدا (ص) گردید، در حضور او بودیم که فاطمه (س) از در آمد. او چنان مانند پدرش راه می‌رفت که آدمی را به اشتباه می‌افکنند (۸). این همسر پیامبر (ص) همچنین می‌گوید: نزد آن حضرت نشسته بودم که بانوی دو عالم وارد شد. به خدا قسم راه رفتنش همانند راه رفتن پدر بود. این گونه شباهت را افزون بر عائشه، جابر بن عبدالله انصاری نیز تایید کرده است. او می‌گوید: من هرگاه فاطمه (س) را در حال راه رفتن می‌دیدم، به یاد پیامبر (ص) می‌افتادم (۹).

یکی از همسران رسول خدا (ص) درباره چگونگی سخن گفتن فاطمه (س) نیز اظهار نظر کرده و می‌گوید: هرگز کسی را در نحوه سخنرانی، صحبت کردن و نشستن شبیه تر از فاطمه (س) به پیامبر (ص) ندیدم.

روایات یاد شده، این درس را به ما می‌آموزند که تأسی به رفتار فاطمه (س)، تأسی به رفتار رسول خدا (ص) است، چه این که زهرا (س) پدر را الگوی خود قرار داده است.



### مادر حضرت فاطمه (س)

هیچ اندیشه و تفکری قادر نیست سهم مادران را، در تکوین شخصیت فرزندان نادیده بگیرد. شیر پاک، گوشت و پوست و استخوان پاکی را رشد می دهد و بنیه پاک فرزندی را پی ریزی می نماید که می تواند گلی باشد از گل‌های بهشت:

نخستین مکتب تعلیم هر فرد      بود در زندگی دامان مادر

«پاکی مادر حضرت زهرا چنان جلوه گر است که او را در ظلمانی ترین شب تاریخ یعنی عصر جاهلیت ملقب به نام « طاهره » می نمایند».

وفا و عشق و عفت زینت اوست      ندارد غیر از این زینت خدیجه

نویسندگان آنگاه که زبان به ستایش و ثنای ریحانه نبی می گشاید در کنار تقدیم واژه‌های مدح و تمجید به آستان کبریائی ایشان، گلوآژه‌های تکریم خود را در طبقی از تواضع، پیشکش بارگاهی می نمایند که ظرف بلورین و شفاف وجودش، قابل فیض نور فاطمه (س) شد. جوهری در بیت زیر عنوان می کند به جز خدیجه (س) که خود مظهر عصمت و بی آلاشی است، مادر دیگری نمی تواند زاینده وجود طاهره و معصومه ای مثل حضرت زهرا (س) باشد:

بجز خدیجه کبری که هست مظهر عصمت      نژاد مادر دیگر زنی به عصمت زهرا

خوش دل تهرانی در مدیحه ای که در شأن حضرت خدیجه (س) سروده و آنرا مختوم به میلاد حضرت فاطمه (س) نموده است، لیاقت داشتن دختری چون زهرا (س) را تنها شایسته توانگر بانوی بطحا می داند که در راه آئین محمدی همه هستی خود را با جان و دل فدا کرد. او مال کثیر خود را وقف واهی خدایی نمود و خداوند هم به پاداش این بصیرت و ایثار، کوثری به او بخشید که تا راه خدا باقی است، نام کوثر هم باقی است:

توانگرتر زن بطحا بود او	گرامی بانوی دنیا بود او
خدیجه در ره آئین این مرد	همه هستی خود از جان فدا کرد
خدا هم در ازای هستی او	گرامی گوهری بر وی عطا کرد
چه گوهر به ز اعطینا و کوثر	چه اختر بهتر از زهرای اطهر

فاطمه(س) میراث دار مادری است که سراپای وجودش به حیا و عفا و وقار آراسته است:

همین وارستگی شایسته اوست	چو زهرا را بود مادر خدیجه
کشد بار عطای آسمانی	چو باشد مادر کوثر خدیجه
چه کوثر آنکه یکتا همچو طاهاست	صدف شد بر چنین گوهر خدیجه

### همسر حضرت فاطمه زهرا (س)

تاریخ برای ما باز گو می کند، کسان بسیاری شوق انتصاب به رسول خدا(ص) و وصلت با زهرا(س) را در ذهن می پروراندند. کسانی که افتخارشان به شتران سرخ موی و درهم و دینار فراوان بود و ارزش آنها به شمار اصله خرمایی بود که در خرماستان های شهر به نام خود ثبت کرده بودند اما رسول معظم، با نمایش گوشه ای از کرامات و قدرت الهی خود و تبدیل مشتی سنگریزه به درّ و مرجان ضعف آنها را به رخشان کشیده، فرمود: «کسی که دنیا در نظرش چنین است احتیاجی به مهر زیاد ندارد باید کفویت در تقوی و پارسائی باشد».

با خطبه ای ملکوتی و به امر الهی، فاطمه(س) به عقد مردی درآمد که دوباره قلم با ذکر نامش سرگردان شده و نمی تواند با چه عبارتی جلالت او را توصیف کند و با به صف کشیدن کدام کلمات شکوه او را بیان نماید:

ای گریبان حقیقت چاک تو      آسمان سرگشته ادراک تو

درخزانه شعر و ادب فارسی، رشته های سخن و بیاناتی به دست می آید که گواه بر،  
توجه شعرا به مسئله زوجیت این دو نور آسمانی و برکات لایتناهی آن است.

بلی اینگونه زن شایسته آن مرد حق بودی      که باشد طیبین را طیبیاتی این چنین شایا

مردی که هر عصر و زمانی آرزو می کند ای کاش مادر تقدیر تمام توانش را به کار  
گیرد تا چون او بی یکبار دیگر متولد شود اما:

پدرها بعد از این هرگز نبینند      که دیگر مادری اینسان پسر زاد

ذهن ها حسرت درک یک نقطه از کتاب فضایل و عظمت او را قرین همیشگی خود  
می بینند چرا که:

در بلندای تو پر می ریزد      بال افلاکی ادراک بشر

و در جهان همه شور و شری که هنوز سؤال (ها علی بشر کیف بشر!) بی جواب مانده،  
زبان قاصر ما به مدد بیان خوشدل تهرانی فقط می تواند بگوید:

بین زنان، نمونه چو شویش که در رجال      آری سزای مرد چنان بود فاطمه  
کفو علی ولی خدا شیر کردگار      زینت فزای کون و مکان بود فاطمه

همسر لبریز از حیا و عفاف فاطمه (س) کسی است که یک جلوه از طهارت او را با  
ابیات تصویر آفرین (خوشدل) بازگو می کنیم. شاعر در این سروده ضمن اشاره به نبرد امیر  
مومنان با عمرعاص معتقد است، ذوالفقار علوی که هرگز طعم کندی و ترس نچشید به  
واسطه تلاطم حیا و شرم صاحبش در مقابل بی شرمی مشاور حيله تراش و بی حیای معاویه  
لرزید و کند شد:

گواه این سخنم شیر حق علی ولی است      که دست حق بدو بستی ز پهلوانان دست  
ولی به عرصه فرزند عاص بی آزارم      نگشت چیره که بد بی حیا و فاسد و پست

تنها شاه مُلک حیا، همتا و انیس ملیکه حسن و عفاف تواند بود و جز سرچشمه حیا و عفاف و قلب طپنده شرم و آزرَم فاطمه زهرا(س)، کس دیگری برازندگی آشنایی با قلب اقیانوس صفت علی(ع) را ندارد:

غیر از تو که آیت جمالی      همتای علی مرتضی نیست  
مانند تو ای ملیکه حسن      با قلب علی کس آشنا نیست

### معنا و مفهوم الگوگیری

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد اینکه در این بحث، الگو گرفتن به معنای تقلید کردن به کار نمی‌رود. در تقلید صرف انسان ناچار به فهم و تحلیل نیست، مانند تقلیدی که کودک از برخی رفتارهای پدر و مادر می‌کند، در حالی که وقتی دعوت به الگوگیری از زندگی حضرت زهرا(س) با فاصله زمانی بیش از هزار و چهارصد سال می‌شود، معنایش این است که براساس آثار به جای مانده از سیره یعنی نوع مشی و اصول و منطق حاکم بر زندگی آن حضرت بتوانیم خط سیری مشخص کنیم و آن اصول را استنباط کرده و حجت عمل خویش قرار دهیم. اصولاً همه انسان‌ها خط مشی و اصول ندارند ولی نوادری هستند دارای اصول که می‌توان از لابه لای زندگی‌شان آن اصول را دریافت و به کار بست و رستگار شد. فاطمه(س) قطعاً یکی از آنان است.

### چند نکته قابل تامل و تاسی در زندگی حضرت زهرا(س)

#### فاطمه(س) مومنه است

وقتی از فاطمه زهرا(س) سخن گفته می‌شود، معمولاً قرب و نزدیکی ایشان به پیامبر مانع از این است که ما ایشان را به عنوان یک مومنه حقیقی با بررسی التزام عملی به لوازم ایمان مورد لحاظ قرار دهیم. اما تامل در زندگی کوتاه ولی جاودان ایشان، آشکار می‌سازد که بارزترین اصل حاکم به وجود زهرا(س) چه در دوران مکه و چه در مدینه در حضور پدر

و چه بعد از مرگ پدر همین اصل ایمان خالص است. فاطمه چون مادر گرامیش از سابقین در ایمان به خدا و پیامبر بود و پیامبر به این مسئله چنین اشاره می‌کند:

إن ابنتی فاطمه ملا الله قلبها و جوارحها ایمانا إلی مشاسها، فتنفرغت لطاعة الله (۱۰).

و ما از معصومین (ع) می‌بینیم که به ایمان فاطمه احتجاج کرده‌اند.

اینکه خداوند با تاکید به مومنین می‌فرماید:

«و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر

الصابرین» (سوره بقره، آیه ۱۵۴)

قطعاً شما را به گرسنگی و ترس و کاستی در مال و جان می‌آزمایم و به صابرين بشارت باد.

این سنت الهی در زندگی فاطمه (س) به شدیدترین شکل جاری شد و باید اعتراف کرد

که او به بهترین نحو بهای ایمانش را با صبر بر مشقات فراوان پرداخت. چه او را متولد سال

پنجم بعثت بدانیم و یا پنج سال قبل از بعثت، (روایات شیعه زهرا (س) را متولد پنجم بعثت و

از روایات اهل سنت پنج سال قبل از بعثت فهمیده می‌شود) (۱۱) شعب ابی طالب را تجربه

کرده. تاریخ از آن دوران وارد تفصیل نشده و فقط همین اندازه مسجل است که آن گروه

محاصره شده که به جرم پرستش خدای واحد طرد شده بودند، گاهی چند روز را با یک

دانه خرما به سر می‌بردند. خداوند به واسطه سبقت در ایمان، مومنین مهاجر را بر انصار و

انصار را بر تابعین برتری داده و فرموده:

«السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا

عنه و اعد لهم جنات تجری تحتها الانهار خالدین فیها ابدان ذلك الفوز العظيم»

آنان که در صدر اسلام سبقت به ایمان گرفتند از مهاجر و انصار و آنان که از آنها تبعیت

کردند، خدا از آنها خشنود است و آنان از خدا خشنودند و بهشتی که در زیر درختان نهرها

جاریست برایشان مهیا ساخته که در آن جاودانند و این به حقیقت سعادت بزرگ

است. (سوره توبه، آیه ۱۰۰)

فاطمه قطعاً از سابقین مهاجر است. بعد از سال نهم بعثت یا عام الحزن پیامبر، که خدیجه (س) و ابوطالب (ع) از دنیا رفتند فاطمه (س) است و پیامبر و سختی آزار و اذیت و فشار قریش. تاریخ ثبت کرده دختری که دوان دوان به طرف پدرش می رفت تا فضولات شتر که بر سر او ریخته‌اند تمیز کند، فاطمه بود (۱۲). تا زمان هجرت پیامبر تنها زنی که در خانه پیامبر نقش نگهداری و تقویت روحیه و آرامش بخشی به پدر را به عهده دارد، فاطمه است.

از امام صادق نقل است که:

«اگر علی خلق نشده بود کفوی برای فاطمه در روی زمین نبود» (۱۳).

کفویت این دو کفویت ایمانی است، تجلی این ایمان فاطمه را صدیقه و زهرا و محدثه کرده است. در روایتی که از سلمان و عمار نقل شده، آمده که وقتی حضرت صدیقه (س) به امیرالمومنین فرمودند من می‌توانم از آنچه که بوده و آنچه که هست و آنچه واقع خواهد شد تا قیامت به تو خبر دهم و امام این مطلب را به پیامبر اطلاع دادند، پیامبر فرمودند: «این را بدان که نور فاطمه از نور من است» و در آخرت حدیث استدلال کردند به این عبارت که «المومن ينظر نور الله»

(۱۴) به عبارتی تمام این علم را حاصل ایمان دانستند.

بنابراین کسانی که می‌خواهند از فاطمه (س) پیروی کنند باید به ایمان و حقایق ایمانی بیندیشند و تلاش کنند به لوازم ایمان صادقانه عمل کنند.

### فاطمه (س) زاهده است

طبق تعالیم انبیاء، دنیا گذر گاهی است که آدمی باید برای سفر اخروی، خود را در آن آماده کند. به فرموده امیرالمومنین (ع):

«آدمی باید بداند که برای آن جهان آفریده شده نه برای این جهان و برای نیستی نه برای زندگی جاودان و برای مردن نه زنده بودن» (۱۵).

اگر کسی این حقایق را باور کرده باشد باید چون زهرا(س) ساده زندگی کند. فاطمه(س) هیچ گاه به زر و زیورهای دنیا و لذات آن توجه نکرد. با رفاه زدگی و دنیا طلبی و زیاده خواهی نمی توان پیرو زهرا بود. فاطمه(س) دو دوره مهم از تاریخ اسلام را تجربه کرده است، دوران سختی و تنگدستی مکه و ابتدای هجرت و دوران گشایش اقتصادی بعد از فتح خیبر که طبق قرآن حتی برخی زنان پیامبر نیز متقاضی بهره مندی بیشتر از دنیا بودند. اما کسی نقل نکرده فاطمه از پیامبر تقاضای مال کرده یا در این دو دوره زندگی تفاوتی کرده باشد. برعکس از سختی تحمل فقر و صبر بر آن حکایت ها نوشته اند. در نزدیک به ده سال زندگی مشترک با امیرالمومنین نقل است که او خود به تنهایی تمام مسئولیت زندگی مشترک را به دوش داشت. دستاس می کرد، آب می کشید، نان می پخت و نگهداری چهار فرزند با فاصله تولد های نزدیک به هم را خود به عهده داشت و اکثر اسباب زندگی او سفالین بود. کسی نوشته فاطمه(س) چون زنان اشراف انصار و مهاجر زیوری تهیه کرده باشد یا خانه ای و اسبی و شتری. وسایل زندگی او ساده ترین وسایلی بود که در خانه سائرن نیز وجود داشت. این در حالی است که او دختر رئیس حکومت مدینه است و اگر زهد به معنای اعراض از دنیا به قصد طلب چیز دیگری باشد، باید گفت فاطمه از همه دنیا به قصد کسب لقای دوست اعراض کرد.

### فاطمه (س) ذاکره است

در تاریخ نوشته اند که وقتی فشار کارهای منزل زهرا را به سختی انداخته بود، امیر المومنین پیشنهاد کردند که با مشورت پیامبر کمک کاری به خانه بیاید. اما پیامبر به دلیل فشاری که مسلمانان تحمل می کردند به زهرا تسبیحات آموزش دادند و فاطمه از این پیشنهاد خوشنود شد و سه بار گفت از خدا و رسول راضی گشتم.

به فرموده امام صادق(ع) تسبیحات زهرا مصداق ذکر کثیر در آیه شریفه:

«یا ایها الذین امنوا اذکرو الله ذکر کثیرا و سجوه بکره و اصیلا». (۱۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید ذکر و یاد خدا را بسیار کنید و دائم صبح و شام به تسبیحات و تنزیه پردازید (سوره احزاب، آیه ۴۱) می باشد.

امام صادق (ع) درباره این تسبیحات می فرماید:

«خداوند به چیزی بالاتر از تسبیح فاطمه تمجید نشده و اگر چیزی بالاتر از آن وجود داشت پیامبر اکرم آن را به فاطمه می بخشید» (۱۷).

و می فرمایند که: «ما بچه‌های کوچک خود را همان طور که به نماز امر می کنیم به تسبیحات فاطمه (س) امر می کنیم... هر کس آنرا ملازم کند از شقاوت رهایی می یابد» (۱۸).

### فاطمه (س) صدیقه است

از امام صادق (ع) سوال شد:

«چه کسی حضرت فاطمه (س) را غسل داد؟ فرمودند: فاطمه را علی (ع) غسل داد، چرا که فاطمه صدیقه بود و صدیقه را باید شخص صدیق غسل دهد» (۱۹).

صدق به معنای راستگویی از امهات فضائل اخلاقی است و از امیر المومنین نقل شده است که فرمودند:

«بنده ای مزه ایمان را نچشد تا دروغ را وانهد چه شوخی باشد و چه جدی» (۲۰).

راستگویی کلید نجات و دروغ ویران کننده ایمان دانسته شده است و از ویژگیهای متقی صدق منطبق است. اما این مرتبه با همه اهمیتش مقدمه است.

از پیامبر نقل شده که فرمودند:

«بنده پیوسته راست گوید تا خدا او را صدق نویسد» (۲۱).

مرتبه صدق لسانی تحقیقا در عالی ترین صورتش در حضرت زهرا (س) متحقق بوده و گواه آن روایات متعدد که در کتب شیعه سنی ضبط است. از جمله روایت مشهور عایشه که فاطمه راستگو ترین افراد بود و یا اینکه «کسی جز پیامبر راستگوتر از فاطمه نیست» (۲۲).



آن صدقی که به زهرا(س) اطلاق می شود، صدق به معنای تطابق تام بین عمل و اعتقاد است. انسانی که به خدا و قیامت و آسمانی بودن پیام رسول ایمان آورده، باید تلاش کند به لوازم ایمان خویش عمل کند. به هر میزانی عمل کند به همان میزان به مرتبه صدق در ایمان نزدیک می شود. اگر کسی به همه لوازم باورهایش عمل کند و هیچ تفاوتی بین اعتقادات و عملش وجود نداشته باشد، چنین فردی به نهایت صدق رسیده و به همین دلیل صدیقه درباره حضرت زهرا(س) در روایات به عصمت تعبیر شده است.

### فاطمه در همه حق های جامعه اش محور است...

نکته شگفت انگیز در زندگی اسوه های دینی جمع اوصاف بعضاً متضاد است وقتی از عبادت و تسبیح و مقام صدق و تحدیث حضرت زهرا(س) سخن گفته می شود به ذهن متبادر می گردد که صاحب این فضائل حتماً باید دیر نشینی خلوت گزیده باشد که خود را وقف پرورش روح و کسب معنویات کرده و در نهایت به این کمالات رسیده است. حتی وقتی از مریم و مقامش گفته می شود همه می دانند مریم به نذر مادرش وقف معبد بود. اما فاطمه محدثه، عابده و صدیقه است و تمام این مقامات را در عین حضور فعال در درگیری های اجتماعی جبهه حق و باطل کسب کرده است. پیامبر در مدینه در راس یک قدرت سیاسی است با تمام لوازم یک حکومت و دخترش زهرا(س) در کنار پدر و همراه او. فاطمه(س) هیچ گاه فرصت دیر نشینی نداشت. مشغله های پیامبر قبل از هجرت و مسائل اداره زندگی مشترک خانوادگی علاوه بر مسائل اجتماعی فاطمه(س) را کاملاً فعال و پرکار به تصویر می کشد و یکی از بارزترین صحنه های حضور اجتماعی فاطمه، دفاع از حقی است که بعد از پدر نادیده گرفته شد. او به مسجد آمد و خود را معرفی کرد (انا فاطمه و ابی محمد) و خطبه ای خواند در اوج فصاحت و بلاغت و در عین حال آشکار کننده عمق معرفت دینی و علمی او. فاطمه(س) احساس می کند باید از حقی دفاع کند. او به قصد حادثه سازی و خود نمایی های جاهلانه در هیچ صحنه ای هیچ گاه حاضر نشد. غضب فدک

توسط عمال خلیفه اول فرصتی را برای فاطمه فراهم می کند که آخرین اعلام خطر را در دور شدن از سنت و سیره پیامبر بنماید. او مانند یک رهبر آسمانی و آگاه و آینده نگر و دلسوز، مسائل جهان اسلام را تحلیل می کند. نیت های پشت پرده و کینه های پنهان سرباز کرده، خطر فرصت طلبان منافق و مشرکین به ظاهر مسلمان شده و اجتهاد در مقابل نص و دور شدن از اطاعت پیامبر را گوشزد می کند و فریاد بر می آورد:

«چون خدای تعالی همسایگی پیغمبران را برای رسول خویش گزید، دو رویی آشکار شد و کالای دین بی خریدار. هر گمراهی دعوی دار و هر گمنامی سالار. هر یاوه گویی در کوی و برزن در پی گرمی بازار. شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را بخود دعوت کرد و دید چه زود سخنش را شنیدید و سبک در پی او دویدید و در دام فریث خزیدید و به آواز او رقصیدید. هنوز دو روزی از مرگ پیغمبرتان نگذشته و سوز سینه ما خاموش نگشته، آنچه نبایست، کردید و آنچه از آنتان نبود بردید و بدعتی بزرگ پدید آوردید. به گمان خود خواستید فتنه برنخیزد و خونی نریزد، اما در آتش فتنه افتادید. و آنچه کشتید بیاد دادید. که دوزخ جای کافران است و منزلگاه بد کاران. شما کجا و فتنه خواباندن کجا...؟ دروغ می گوئید. او راهی جز راه حق می پوید...! و گرنه این کتاب خداست میان شما...! نشانه هایش بی کم و کاست هویدا. امر و نهی آن روشن و آشکار» (۲۳).

هر منصفی حکم خواهد کرد که این سخنان فراتر از طلب فدک است. فاطمه (س) تحلیلی دقیق از تحولات صحابه بعد از رحلت پیامبر دارد و رد پاهای انحراف افکار را به خوبی نشان می دهد. در میان مخاطبان اصلی سخن، به نظر نمی رسد کسی بوده باشد که منظور فاطمه (س) را از بدعت پدید آمده در نیافته باشد. مگر تعجیل در بیعت در سقیفه و اعلام شتابزده گرفتن بیعت در مسجد پیامبر، با بهانه خواباندن فتنه فرضی نبود. فاطمه فتنه را تغییر جهت امامت به خلافت می داند و می گوید فتنه آن چیزی است که در آن واقع شدید،

نه آن چه که به خیال خود می خواستید از آن جلوگیری کنید. آن فتنه فرضی بهانه‌ای برای کسب قدرت است و شما اگر به خودتان مراجعه کنید دروغ بودن آن را می فهمد.

به طور کلی مطالعه و دقت در سیره عملی صدیقه طاهره (س) نکات اساسی خط سیر انسانی را که می خواهید از حسیض خاک به فراخنای ملکوت برسد ترسیم می کند. فاطمه (س) زنی است که ایفاگر تمام نقش‌های حیات دنیوی یک زن، تجسم عینی آرمانهای شریعت خاتم و ملاک و معیار تام فضیلت است. همه کسانی که پیش فرض های معقول و مقبول معرفت شناسی، جهان شناسی و انسان شناسی دینی را پذیرفته اند با تاسی به محبوبه رسول الله (ص) راه هدایت را آسان طی می کنند.

به نظر می رسد که اگر جامعه دینی بخواهد راه الگو گیری انسان امروز، از فاطمه زهرا (س) را هموار کند چاره ای ندارد جز اینکه تلاش کند تا نگاه دنیا مدارانه به مفاهیم اساسی سعادت و کمال را تغییر داده و با مبانی انسان شناسی قرآنی همسو نماید.

انسان گرفتار در بینش مادی گرایانه با تکیه بر عقلانیت سودگرا نمی تواند افقهای سیر انسان کامل را دریابد. کسانی می توانند به فاطمه (س) اقتداء کنند که خط سیر حرکت کمالی انسان را به گونه ای بشناسند که او می شناخت. پیام اساسی زندگی حضرت زهرا (س) این است که ایمان خالصانه به اسلام و التزام عملی به لوازم آن تنها راه تضمین شده و مطمئن برای صعود معنوی انسان به قله ای است که فاطمه (س) خود بر اوج آن می درخشد.

اگر بخواهیم در زمینه جایگاه والای یگانه بانوی دو عالم، دخت مصطفی، همسر مرتضی و مادر مجتبی، جز به بیان قرآن و سنت سخنی برانیم گزافه گفته ایم، چه هیچ چیز جز قرآن و هیچ کس جز فرستاده‌ی قرآن سزاوار سخن در شأن او نیستند و جز پدر و همسر و فرزندان کس قادر به تکلم در موردش نیست. حضرت فاطمه (س) غنچه‌ای بود که در طوفان حوادث و طغیان مصائب پژمرد و کوکب تابناکی بود که در خسوف بلایا افول کرد و دیگر روزگار همتای او را نخواهد یافت. این بانوی بزرگوار چنان منزلتی دارد که از صدر

اسلام تاکنون قلم های فراوانی در شأن ایشان به حرکت درآمده و زبان های زیادی در منقبتش سخن رانده و لیک هنوز از بیان جایگاه رفیع ایشان قاصرند.

### گفتار پایانی

فاطمه (س) یک زن بود، آنچنان که اسلام می خواهد که زن باشد. زن شایسته و بانویی نمونه در تمام مراحل و همه حالات. مظهر یک «دختر» نمونه در برابر پدرش، مظهر یک «همسر» در برابر شویش، مظهر یک «مادر» در برابر فرزندانش، مظهر یک «زن مبارز و مسئول» در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش. در اندیشه و رفتار و زندگی، «چگونه بودن» را به زن پاسخ می داد. با توجه به اینکه نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است، صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان جامعه سرچشمه می گیرد. زن، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند و می تواند عکس آن هم باشد.

حضرت زهرا(س) غیر از اینکه یک شخصیت آسمانی است دارای مراتب و درجات معنوی و روحانی، آموزگار بشریت بالاخص زنان محسوب می شود و درس زندگانی ایشان الگوی همه زنان است. بی شک ایشان أسوه کاملی بوده که هیچ بشری به اوج پرواز او نمی رسد. او معنای مباحثی مانند اشتغال زنان، مدیریت اجتماعی آنان و حجاب به معنای خاص و غلیظ آن از جمله مباحث جدی امروز است که در این بحث به نحو مبسوط و به دور از مباحث سیاسی و سخنان افراد با گرایش های خاص، بلکه با توجه به آیات الهی و رفتار عملی پیامبر اسلام و حضرت زهرا(س) مورد بررسی قرار می گیرد. در نهایت، اینکه عده ای از یاوران حضرت مهدی(عج) را زنان تشکیل می دهند پس شایسته اخذ مناصب مدیریتی هستند و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند.

فاطمه زهرا(س) تنها زن معصوم اسلامی است که نقش رهبری دارد و به عنوان «حجّت» و «اسوه» برای مردم معرفی و اطاعتش نیز واجب می باشد. بنابراین ابعاد فکری و زندگی باید کاملاً شناخته شود و پیروان ایشان باید بدانند که زنان نمونه در مسائل تربیتی و پرورش، از چه شیوه‌هایی استفاده کنند و بدانند که زن موجودی است اجتماعی که در صورت لزوم در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بایستی دخالت داشته باشد.

مطابق حدیث شریف ثقلین دو امر گرانبار در میان امت اسلامی به ودیعه گذاشته شد. اول آنها کتاب خدا و دوم عترت پاک پیامبر(ص) است. تردیدی نیست که حضرت زهرا(س) در زمره عترت می باشد و همانگونه که تمسک به اهل بیت و قرآن کریم انسان را از مهلکه و گمراهی نجات می بخشد، تمسک به وجود سراسر مبارک صدیقه کبری نیز همین نقش را دارد. مطابق شریعت اسلام و مذهب شیعی هم سکوت معصوم حجت است و هم سخن او و هم تقریر و تایید او.

بنابراین همان طوری که قرآن کریم تمام ابعاد کلامی و اوامر و نواهی آن حجت است و در ابعاد مختلف انسانی برای بشر الگو است، کلام آن حضرت نیز همین نقش را دارد. شخصیت زهرا(س) در ابعاد مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می تواند از زندگی کوتاه و پر مغز او درس بگیرند. زندگی فاطمه زهرا(س) اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید، اما این زندگی، از جهت جهاد، مبارزه، تلاش، کار انقلابی، صبر انقلابی، درس، فراگیری و آموزش، سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است.

فاطمه زهرا(س) به ظاهر یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است، اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است.

### منابع

۱. بحار الانوار / علامه مجلسی / ج ۴۳ / ص ۲۳.
۲. بحار الانوار / علامه مجلسی / ج ۴۳ / ص ۷۹.
۳. نهج البلاغه، نامه شماره ۲۸، ۸۹۲۲.
۴. رسائل توحیدی، علامه طباطبایی، ترجمه شیروانی بحث افعال الهی، مبحث فرشتگان.
۵. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴.
۶. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴.
۷. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴.
۸. ابو علم، توفیق، فاطمه الزهراء (س) ترجمه علی اکبر صادقی، ۱۰۸.
۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ۱۳۲، ابن حجر.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.
۱۱. رجوع شود به بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷-۹.
۱۲. سید جعفر شهیدی به نقل از انساب الاشراف ص ۱۲۵ و منابع دیگر.
۱۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۷ و الامالی شیخ طوسی، ص ۴۳.
۱۴. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴.
۱۵. نهج البلاغه - نامه ۳۱.
۱۶. مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۳۷.
۱۷. اصول کافی، ج ۳ ص ۳۴۳ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۴.
۱۸. بحار الانوار، ج ۸۵ ص.
۱۹. بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۸۴.
۲۰. اصول کافی، ج، ص ۲۸.
۲۱. اصول کافی، ج، ص ۲۸.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۹.
۲۳. به نقل از ترجمه فدک از کتاب زندگانی فاطمه زهرا (س) نوشته سید جعفر شهیدی ص ۱۳۱.

## راهکارهای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاه

اصغر محمدی

عضو هیات علمی تمام وقت رسمی قطعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، مربی پایه ۱۳

دانشجوی دکتری جامعه شناسی mohamadi1391@yahoo.com

دانشگاه آزاد؛ آدرس محل کار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، گروه علوم اجتماعی ۴-۵۱-۰۳۲۲۶۲۴۰۵۱

تلفن همراه: ۰۹۱۳۴۰۸۵۱۱۹

### چکیده

واژه حجاب دارای معانی از قبیل: پوشش زن، پوشیدن، پرده، حاجب و غیره است. بررسیها نشان می دهد که حجاب و پوشش بویژه زنان اختصاص به دین اسلام ندارد و در سایر ادیان الهی و حتی در ایران قبل از اسلام حجاب وجود داشته است. فرهنگ حجاب و عفاف یکی از دستورات الهی و اسلامی است که در آیات و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به مسأله حجاب توجه خاصی شد، بطوری که دختران و زنان کشور به عنوان نیمی از جمعیت بعنوان الگو و نمونه ای در حوزه حجاب و عفاف برای سایر جوامع قرار گرفتند. در دهه های اخیر فرهنگ غرب به شکل حساب شده و با برنامه ریزی در صدد برآمده به اشکال مختلف مسأله حجاب و عفاف دختران و زنان را کم رنگ کند و بعضاً یکی از راههای مبارزه با کم حجابی و نامناسب بودن عفاف، سیاستگذاری های دانشگاهها و مرکز آموزش عالی در این حوزه است. در این مقاله سعی خواهد شد علاوه بر توجه به مفاهیم حجاب، تاریخچه و کارکردهای حجاب مطالعه راهکارهای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب مورد بررسی قرار گیرد.

از مهمترین راههای ترویج: تشویق، گنجاندن مباحث حجاب در کتب درسی، نظارت، تبلیغات، همایشها، مسابقات، میزگردهای علمی و مذهبی، نمایش فیلمها، اردوهای مذهبی و سیاحتی و..... که در اصل مقاله توضیح داده می شود.

**واژه های کلیدی:** فرهنگ عفاف و حجاب، دختران و پسران، دانشگاه

**روش تحقیق:** در این مقاله روش تحقیق روش توصیفی است.

**مقدمه**

در طول تاریخ، بشر برای رشد و ارتقاء فکری و اعتقادی خود نیازمند به انسانهای متعالی ( پیامبران، امامان و اولیا... ) بوده تا راه کمال و رستگاری را از راه انحراف و غیر الهی تشخیص دهد. یکی از مسائل مهم در این زمینه مسأله حجاب و پوشش بویژه برای دختران و زنان بوده است. بررسی پیرامون پدیده مزبور نشان می دهد که حجاب اختصاص به دین اسلام ندارد و بلکه از سوی پیامبران بویژه در ادیان الهی نظیر: یهود، مسیحیت و ... مطرح شده است.

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحول عمده ای در حوزه فرهنگی و اعتقادی ایجاد کرد. یکی از دستاوردهای فرهنگی گسترش حجاب و محو بی حجابی در سطح کشور بود که این پدیده در دهه اول انقلاب بیشتر نمایان بود. در سالهای اخیر به عقیده برخی از اندیشمندان و شواهد موجود به نظر می رسد که حجاب در ایران بویژه در شهرهای بزرگ و دانشگاهها کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

**بیان مسئله**

واژه حجاب دارای معانی از قبیل: پوشش زن، پوشیدن، پرده، حاجب و غیره است بررسیهای موجود نشان می دهد که حجاب اختصاص به دین اسلام ندارد و در سایر ادیان الهی نیز مورد توجه بوده است.

در قرون اخیر بدلیل تغییر و تحولات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، در جوامع پیشرفتهایی در ابعاد مختلف بوجود آمده است از سوی دیگر زمینه برای بروز آسیبهای اجتماعی و انحرافات پدیدار شد. یکی از آسیبهای اجتماعی که به نظر می رسد منشا نخستین آن در غرب و سپس به سایر جوامع از جمله کشور ما اشاعه یافت پدیده بی بندوباریهای اجتماعی مخصوصاً (بدحجابی) باشد.



به عقیده بعضی از صاحب‌نظران گسترش بدحجابی و کاهش حجاب در بین نسل جوان می‌تواند عوارض و پیامدهای متعددی نظیر: گسترش فساد و فحشاء، اضمحلال کانون خانواده، پیامدهای روانی، عقده مند کردن مردان و سقوط شخصیت، پیامدهای فرهنگی نظیر: بدآموزی، تخریب فرهنگ ملی و اسلامی، تغییر گروه‌های مرجع و ... داشته باشد.

تحقیق مزبور بنا به دلایل ذیل دارای اهمیت است که عبارتند از: نخست: به نظر می‌رسد که در سالهای اخیر به دلیل «ریزش دیواره‌ها»، مرزهای کشورهای و خانواده‌ها به وسیله امواج شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و اینترنت شکسته شده است. از سوی دیگر وسایل مزبور برای رشد آگاهیهای مردم و جامعه لازم است در عین اینکه وسایل مزبور پیامدهایی به ویژه برای نوجوانان و جوانان دارد که در گسترش بدحجابی هم تاثیر دارد.

دوم: فقدان توجه به حجاب و سست شدن پوشش و حجاب برخی از دختران و زنان به تدریج عوارض و پیامدهای اجتماعی بدنبال دارد از قبیل: گسترش فساد و مهیا شدن زمینه برای افزایش بی بندوباریهای اجتماعی و ... است.

### واژه حجاب

کلمه حجاب دارای معانی متعددی است از قبیل: پوشیدن، پرده و حاجب است ولی بیشتر به معنی پرده می‌باشد. «ابن خلدون کلمه حجاب را به معنی پرده و حائل نه پوشش بکار برده است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۹)

در گذشته دانشمندان اسلامی کلمه (ستر) را به معنی پوشش به کار می‌برده اند اما در حال حاضر در مورد پوشش زن کلمه حجاب را استعمال می‌نمایند. معنای عمومی و رایج لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار می‌رود به خاطر پشت پرده واقع شدن زن است. همین امر باعث شده که عده‌ای گمان می‌کنند اسلام خواسته زن همیشه پشت پرده و در خانه باشد. «پوشش زن در اسلام اینست که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۹).

در کتاب لسان العرب آمده است حجاب به معنای پوشش است زن محجوبه یعنی زنی که به وسیله ای پوشیده شده است. در فرهنگ معین و عمید برای حجاب معنای متفاوتی ارائه شده است. که عبارتند از: پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان پوشانند روی بند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشانند» (محمدی، بررسی ابعاد روان شناختی و ... ، حجاب، همایش حجاب، ۱۳۸۱: ۱۸۳)

### تاریخچه حجاب

در مورد تاریخچه کامل حجاب اطلاعات دقیقی در دست نمی باشد ولی نکته قابل ذکر این است که حجاب در ایران باستان، قوم یهود و احتمالاً در هندوستان وجود داشته و حتی دارای قوانین و دستورات معین و مدون بوده است. در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و توسط آیین اسلام در آنجا گسترش یافته است.

«زنان ایرانی در دوره های مختلف از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دارای پوشش بوده اند. در زمان ماد با جامه ای دو تکه خود را می پوشانیدند و .... با پارچه شنل مانندی روی سر می انداخته اند که حالتی شبیه به چادر داشته است. در عهد اشکانیان زنان قبایی تا زانو بر تن می کردند با شنلی که بر سر افکنده می شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می آویختند زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین بر سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است» (مهریزی، ۱۳۷۹: ۴۵)

«کنت گوینو در کتاب سه سال در ایران نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلامی در میان ایرانیان باقی ماند. او معتقد است که آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی زن نبوده است بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است مدعی است که خوسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بود که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۵ و ۲۶)

همانطوری که گفته شد در برخی جوامع از جمله هند باستان حجاب وجود داشته است «آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است از گفتار ویل دورانت در جلد دوم تاریخ تمدن بر می آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج یافته است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۷)

با ظهور اسلام و با انتقال تدریجی آیات و آموزه های دینی و قرآنی از طرف خداوند به حضرت پیامبر اکرم (ص) به تدریج زمینه برای رشد فکری و مذهبی انسانها بویژه مسلمانان بوجود آمد. با وحی آیات و روایات مربوط به حجاب و همچنین احادیث ائمه اطهار پیرامون موضوع مزبور کم کم پوشش و حجاب زنان مسلمان فراگیر شد. این امر باعث گردید که زنان، خانواده و بطور کلی جامعه از بسیاری از آسیبهای اجتماعی در امان بمانند.

### کارکردهای حجاب

#### کارکرد فردی حجاب

بر طبق مطالعات انجام شده حجاب دارای اثرات فردی بر دختران و زنان می باشد که به شرح ذیل است: ۱- آرامش جسمی روانی: یکی از شیوه های رسیدن به آرامش روانی، ایجاد حریم بین زن و مرد و جلوگیری از بی بند و باریهای اجتماعی می باشد. از جمله سفارشات اسلام توصیه به حفظ پوشش و مخصوصاً برای زنان و محدود کردن نگاه مرد و زن به یکدیگر است. فقدان توجه به این سفارشات بتدریج باعث اختلالات روانی می گردد. «به عقیده علمای روانشناسی شدت امیال لذت بخشی که انسان در خود احساس می کند با شدت واکنشهای غم و اندوه وی در ارتباط است. اگر افراد در معرض پراکنجستگی جنسی قرار نگیرند افسرده نیز نمی شوند» (هاشم نژاد، نگاهی گذرا بر حجاب ...، همایش حجاب (۱۳۸۱: ۸۷)).

۲- سلامت و زیبایی: حجاب زن را از آفات و بیماریها بیمه کرده و جمال و زیبایی او را پایدار می‌کند. حضرت علی (ع) فرموده است: «پوشیدگی زن برای او سودمندتر و زیبایی او را پایدارتر می‌سازد». (اکبری، ۱۳۷۶: ۱۰۶ به نقل از غرر الحکم) مستر همفر می‌گوید: «زنان دارای حجاب محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست» (اکبری، ۱۳۷۶: ۱۰۵).

۳- رشد موفقیت‌های معنوی: بر طبق روایات اسلامی هر چه حجاب زن بهتر باشد می‌تواند در پرهیزگاری و تقوای او هم موثر باشد. لذا یکی از شیوه‌های مهم برای رستگاری زن و مرد بویژه زن حفظ حجاب و پوشش او در میان نامحرمان و در جامعه است زیرا با پوشش مناسب بدن خود را از چشم دیگران محفوظ می‌دارد و همین امر سبب آرامش فکری و مصون ماندن روح و روان او در مقابل وسوسه‌های شیطانی می‌شود.

۴- مصونیت: همانطوری که یک سپر محافظ جان و سلامتی یک سرباز می‌شود حجاب نیز محافظ سلامت روح و روان یک زن است.

### کارکرد حجاب بر خانواده

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که فرزند از ابتدا در آن متولد، رشد و به بلوغ می‌رسد. عوامل متعددی در بقاء و استمرار خانواده نقش دارد. یکی از عوامل موثر توجه به اعتقادات مذهبی و بویژه حفظ پوشش و حجاب است. بر اساس تعالیم اسلامی ارضاء تمایلات جنسی در چهارچوب خانواده مشروعیت می‌یابد و خارج از آن با دین منافات دارد. حفظ حجاب بویژه توسط مادر می‌تواند بعنوان الگو و نمونه برای سایر فرزندان مخصوصاً دختران باشد. از سوی دیگر بدحجابی مادر و یا دختر، خانواده را دچار مشکلاتی اخلاقی می‌کند همچنین مصرف انواع لوازم آرایشی و خرید لباسهای متعدد و بر اساس مد روز، اقتصاد خانواده از متزلزل و زمینه را برای بروز اختلافات خانوادگی فراهم می‌نماید.

«در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است مقایسه آنچه دارد یا آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند و ... ناگهان زن جوانتری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را بر باد داده است». (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۳۳)

### پیامدهای بدحجابی

بر اساس مطالعه انجام شده افزایش بدحجابی در جامعه منجر به عوارض، پیامدهایی می‌گردد که به شرح ذیل بیان می‌شود.

۱- پیامدهای روانی: از دیدگاه روان‌شناسان هر انسانی دارای بعد فردی، روانی و روحی می‌باشد. اگر ابعاد روحی و روانی افراد مورد توجه قرار گیرد زمینه برای سلامتی فرد و در کل برای جامعه فراهم می‌گردد. همانطوری که قبلاً گفته شد، تداوم حجاب سبب آرامش جسمی و روانی، سلامت و زیبایی، موقعیتهای معنوی، مصونیت و ... می‌شود.

اگر بدحجابی در جامعه رواج یابد پیامدهایی بدنبال دارد که عبارتند از: الف) عقده مند کردن مردان: هر انسانی وقتی چیز مورد علاقه اش را ببیند به آن میل و رغبت پیدا می‌کند. حال اگر آن شیء یا چیز در اختیار او قرار گیرد تعادل روحی و روانی کسب می‌کند. ولی اگر به خواسته و آرزوی مورد علاقه اش مثل امیال و لذتهای جنسی نرسد زمینه عقده در او فراهم می‌شود. حال هر چه گرایش به بدحجابی در جامعه بیشتر شود عقده‌های روانی افزایش می‌یابد زیرا ساختار اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی جامعه ما با کشورهایی که بی‌بندوباری‌های جنسی در آنها عادی و معمولی است متفاوت بوده و مکانهای رسمی برای ارضا تمایلات جنسی وجود ندارد و فرهنگ اسلامی با آن مخالف است زیرا منجر به فروپاشی خانواده می‌گردد.

ب) سقوط شخصیت: طبق دستورات اسلامی حجاب یکی از مهمترین الزامات برای افراد جامعه بویژه زنان است. البته قبلاً گفته شد که در ادیان الهی نیز حجاب حتی سخت‌تر از دین اسلام بوده ولی در طول زمان دچار دگرگونی و تحریف شده است. لذا اگر حجاب زنان حفظ نشود زمینه برای سقوط شخصیت زن بوجود می‌آید.

۲- پیامد خانوادگی: بر طبق موازین ملی و دینی خانواده نخستین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود که انسان از بدو تولد و حتی دوران قبل و بعد از آن را در کانون خانواده سپری می‌کند. یکی از علل اصلی تداوم خانواده حفظ حجاب و معتقدات مذهبی زن و شوهر است. حال هر چه بدحجابی در جامعه افزایش یابد. عوارض ناگواری بر کانون خانواده ایجاد می‌کند که به شرح ذیل است.

الف- تزلزل نهاد خانواده: بر طبق مطالعات انجام شده در جوامع غربی یکی از عوامل اصلی فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها بی بندوباری و فقدان حجاب می‌باشد. بی‌حجابی سبب شده که انجام و ارضای تمایلات جنسی در چهارچوب خانواده صورت نگیرد تمایلات و ارضای غریزه جنسی در خارج خانه و در بسیاری از موارد با زنان بیگانه و یا بالعکس مردان بیگانه صورت گیرد. تداوم چنین امری سبب سستی و سردی در روابط زن و مرد در کانون خانواده می‌گردد.

ب- بلوغ زودرس جنسی جوانان: معمولاً بر طبق تعالیم اسلامی بلوغ جنسی دختران از سنین ۹ تا ۱۰ سالگی و پسران ۱۴ و ۱۵ سالگی آغاز می‌شود و خصوصیات به ترتیب زنانگی و مردانگی در دو جنس کم‌کم ظاهر می‌شود. اما در جوامعی که بی‌حجابی ارزش و تمدن و رشد محسوب می‌گردد بدلیل اختلاط جنسی در بسیاری از موارد تحریکات جنسی سبب رشد زودرس ویژگیهای جنسی شده و جوانان با دیدن زنان و دختران بی‌حجاب و یا بدحجاب تحریک شده و زودتر از موقع مقرر به بلوغ جنسی می‌رسند.

ج- دوستی های غیر واقعی: یکی دیگر از آثار بدحجابی در جامعه گرایش دختران و پسران به انتخاب دوست، از جنس مخالف خویش می باشد که تحت عنوان دوست پسر یا دوست دختر سبب بروز مشکلاتی در خانواده ها می گردد. تداوم چنین مساله احتمال خواستگاری بویژه برای دختران را کاهش می دهد.

۳- پیامدهای اجتماعی: به عقیده بسیاری از جامعه شناسان و صاحب نظران مسائل آسیبهای اجتماعی، اکثر انحرافات ناگهانی بوجود نمی آید بلکه به تدریج شرایط آن در جامعه هموار می شود و لذا از حالت عادی به حالت مرضی و انحراف تبدیل می گردد. برخی از پیامدهای اجتماعی بدحجابی را می توان به شرح ذیل مطرح نمود. که عبارتند از:

الف) سرایت اجتماعی: هنگامی که به تدریج بدحجابی در جامعه تحت تاثیر عوامل متعددی ترویج یابد کم کم در نزد مردم و مسئولان دیگر بعنوان یک انحراف و آسیب مطرح نمی شود و حالت عادی پیدا می کند. لذا حالت قبح و زشتی آن شکسته می شود و اقشار و گروههای مختلف سنی بویژه نوجوانان و جوانان دختر از آن پیروی نموده و سعی می نمایند در ایده ها، گرایشها، اعمال و رفتارهای خویش نمایان کنند.

ب) گرایش به بدحجابی: بررسی های تاریخی نشان می دهد که روند کشف حجاب در کشور به صورت تدریجی بوده و نخست با کم حجابی و بدحجابی و نهایتاً به حالت بی حجابی گردیده است. رواج بدحجابی در جامعه به تدریج اقشار مختلف بویژه نوجوانان و جوانان دختر را به سمت بی حجابی سوق می دهد و این روند می تواند در میان مدت اثرات سوء داشته باشد.

ج) شکاف و فاصله نسل ها: رواج کم حجابی در جامعه بویژه بین والدین و فرزندان می تواند منجر به افزایش فاصله نسلیها گردد. معمولاً هر نسلی با توجه به تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی، از نظر حالات روحیات، ایده ها و نگرشها و ... با نسل قبل و بعد تفاوتی دارد اما نباید این تفاوتها به حدی برسد که بین نسلیها شکاف فکری، اعتقادی و

ایدئولوژیکی بوجود آید. یکی از راههایی که می‌تواند شکاف نسلها را افزایش دهد پدیده کم‌حجابی و بدحجابی است. پیامد شکاف نسلها منجر به بروز مسائل و مشکلات از قبیل: نابسامانی‌های خانوادگی، فقدان تبعیت فرزندان از والدین، تعارضات فرهنگی در خانواده و جامعه و ... می‌گردد.

(د) آسیبهای اجتماعی: بر طبق مطالعات آسیب‌شناسان اجتماعی، بروز و گسترش یک انحراف به تدریج زمینه را برای آسیب‌های اجتماعی دیگر ایجاد می‌کند. پدیده بدحجابی در بروز برخی انحرافات بطور مستقیم و در بعضی غیرمستقیم تاثیر دارد. بدحجابی در انحرافات ذیل تاثیر عمده دارد که عبارتند از: بی‌بندوباری‌های اجتماعی، فحشاء، لواط، سست شدن کانون خانواده‌ها، دوستی‌های کاذب.

۴- پیامدهای مذهبی و اعتقادی: در آیات و روایات اسلامی مطرح شده حجاب امری لازم برای سلامت جامعه محسوب می‌شود. در نقطه مقابل بدحجابی در واقع نوع نافرمانی و اطاعت نکردن از تعالیم اسلامی و نبوی می‌باشد. که به برخی از پیامدهای مذهبی آن اشاره می‌گردد:

(الف) غفلت از یاد خدا: در قرآن آیات متعددی برای چگونگی ارتباط با خداوند بیان شده است همچنین ادعیه صحیح نقش موثری در این امر دارد. اما آفات بدحجابی یا بی‌حجابی باعث فراموشی یاد خداوند در خانواده و جامعه می‌گردد.

(ب) تکذیب آیات الهی: همانگونه که گفته شده آیاتی در مورد مساله حجاب و رعایت آداب و شئون اسلامی بر حضرت پیامبر اکرم (ص) نازل شده است تا زمینه رشد، سعادت و رستگاری انسانها گردد. حال فقدان توجه به حجاب به مثابه نادیده گرفتن و ناچیز شمردن آیات و نشانه‌های الهی می‌باشد.

(ج) عذاب آخرت: بر طبق تعالیم اسلامی بغیر از دنیای مادی، دنیای غیر مادی (آخرت) وجود دارد که اعمال، رفتارها و کردارهای انسان در آنجا مورد محاسبه و میزان خداوند قرار



می‌گیرد. انسانهای صالح و نیکوکار و با تقوا جایگاه برتر در نزد خالق هستی دارند و انسانهای گنهکار و خلافکار جایگاه پست و در خور اعمال آنان داده می‌شود. زنی که به فرائض دینی و انسانی توجه کرده جز مقربان در گاه خالق هستی است و زنی که به دستورات دینی و بویژه مساله حجاب توجه نکرده و با بدحجابی زمینه فساد و اعمال زشت را در جامعه ایجاد نموده مورد عقوبت حق قرار می‌گیرد.

د) فقدان قبولی عبادات: یکی دیگر از پیامدهای مذهبی بدحجابی این است که مقبولیت بسیاری از اعمال و کردارهای انسان در نزد خالق هستی منوط به رعایت اصول و شرایطی می‌باشد. طبق دستورات اسلامی و الهی یکی از الزامات در جامعه اسلامی مساله حجاب و تداوم آن در جامعه است. اکنون این سوال مطرح می‌شود که چگونه یک زن یا زنان در جامعه، کم حجاب و یا بدحجاب باشند اعمال آنان مورد رضایت خداوند قرار می‌گیرد؟ تعالیم دینی، زنان و مردان را از مختلط شدن نهی کرده و در صفوف نماز جماعت و جمعه زن و مرد باید جدا باشند. چگونه می‌توان ادعا نمود که زن به فرائض اسلامی توجه کند ولی در جامعه و در نزد نامحرمان، بدحجاب و یا بی حجاب باشد؟

۵- پیامدهای فرهنگی: طبق بررسی‌های انجام شده هنگامی که یک انحراف و آسیب اجتماعی در جامعه (به عنوان مثال بدحجابی) بوجود می‌آید پیامدهای متعددی در اجتماع ایجاد می‌کند یکی از پیامدهای آن عوارض فرهنگی ناشی از این مساله است که به شرح ذیل توضیح داده می‌شود: الف) بدآموزی: وقتی در محیط اجتماعی بدحجابی گسترش یابد بتدریج پدیده مزبور بر خانواده‌های مذهبی و اصالت دار تاثیر سوء می‌گذارد و این امر سبب می‌گردد که بسیاری از دختران و زنان محجبه و با ایمان بتدریج برخی از الگوها و رفتارهای زنان و دختران بدحجاب را فراگیرند.

ب) تخریب فرهنگ ملی و اسلامی: بر طبق اسناد تاریخی در ایران قبل از اسلام حجاب وجود داشته است، با ورود اسلام حجاب رسمیت بیشتری پیدا کرد. یکی از

افتخارات فرهنگ ایرانیان است که در طول سده های متعدد حجاب از زیر ساختهای نظام اجتماعی و خانوادگی جامعه ایرانی بوده است. در طول تاریخ پیرامون موضوع مزبور ادبیات غنی در حوزه نثر و نظم و هنر توسط اندیشمندان، شعرا و هنرمندان مطرح شده است و از این طریق بسیاری از زنان الگو و اسوه تاریخ ایران و اسلام به نسل حاضر معرفی می شوند.

با گسترش بدحجابی در جامعه به تدریج ادبیات و هنر و دستاوردهای فرهنگی در حوزه مساله حجاب و پوشش زن دچار تخریب می گردد و ادامه این روند زنان الگو و اسوه تاریخ ایران و اسلام به فراموشی سپرده می شوند چنین امری در درازمدت اثرات جبران ناپذیری بر فرهنگ ایرانی و اسلامی وارد می سازد.

ج) تغییر گروههای مرجع: گروههای مرجع گروههایی هستند که افراد و مخصوصاً جوانان آنها را بعنوان الگو در زندگی قرار داده و سعی می کنند نگرشها، رفتارها و اعمال خود را مطابق با آنان در آورند. انسان در هر دوره از زندگی دارای گروههای مرجع است. از مهمترین گروههای مرجع شامل: ورزشکاران هنرمندان، دانشمندان، علمای دینی و ... است. رواج بدحجابی در جامعه سبب می گردد که جوانان بویژه دختران و پسران مجرد در انتخاب گروههای مرجع خویش دچار سرگردانی شوند و دختران و زنان بدحجاب یا بی حجابی را در عرصه های ورزشی و هنری و ... به عنوان الگو برگزینند. چه بسا برای برخی از نوجوانان و جوانان دختران و زنان بی حجاب غربی الگو و مرجع شده که این امر در رفتار و نوع پوشش و ظاهر آنان مشخص و نمایان است.

۶- پیامدهای اقتصادی: همانطوری که ملاحظه می شود پدیده بدحجابی یک مساله و مشکل اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود ولی موضوع مزبور دارای عوارض اقتصادی نیز می باشد که به شرح ذیل بیان می شود: الف) تغییر الگوها و مدل های البسه و پوشاک: وقتی جامعه به سمت مدگرایی و مصرف گرایی سوق پیدا می کند تولید کنندگان برای رقابت و بازار فروش ملزم هستند که الگوها، طرحها و مدل های تولیدی خود را متناسب با

تغییرات و دگرگونیها تبدیل کنند. این مساله برای آنان هزینه و سرمایه بر خواهد بود. لذا وقتی هزینه‌های تولید افزایش یابد قیمت کالاها و خدمات نیز بیشتر می‌گردد، این امر برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان زیان آور است. گرایش به بدحجابی سبب ترویج مدها، طرحهای پوشاک و کالاهای جدید می‌گردد اگر چه این مساله زمینه‌های اشتغال را افزایش می‌دهد ولی مصرف کنندگان بویژه دختران و زنان قسمت قابل توجهی از درآمد زندگی خود را بصورت ناآگاهانه و یا آگاهانه به سمت خرید اجناس و کالاها انتقال می‌دهند (ب) تغییر اولویت‌های اقتصادی خانواده‌ها: امروزه از مهمترین مسائل کشور مساله اشتغال، ازدواج و مسکن جوانان است. ترویج بدحجابی سبب می‌شود که خانواده‌ها و بسیاری از جوانان وجوه خود را برای بکارگیری پس انداز در زمینه مسائل مهم زندگی (اشتغال، مسکن و ...) فراموش کنند و در ایام مختلف سال نه بر اساس نیاز بلکه بر حسب تفنن و تنوع و وجود مدهای جدید در پوشاک، کفش، لوازم آرایشی و ... قسمتی از درآمد و پس انداز خود را صرف خرید اشیاء، لوازم، پوشاک و اجناس کنند که نبود آنها هم ضرر چندانی به خانواده و جامعه نمی‌زند. لذا اولویتهای زندگی فراموش می‌شود.

### راههای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاهها

همان طوری که گفته شد یکی از مسایل مهم و تفاوت‌های اساسی فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی مسأله عفاف و حجاب است یکی از مهمترین شیوه‌ها و راههای نفوذ فرهنگ غربی در کشورهای اسلامی و بویژه ایران بکارگیری ابزارها و شیوه‌های فرهنگی مخصوصا در رابطه به رواج بدحجابی و پوشش نامناسب دختران و زنان است.

در دهه‌های اخیر به اشکال مختلف از قبیل: برنامه‌های شبکه‌های خارجی و ماهواره‌ای، ورود پوشاک و البسه غیر مجاز خارجی، cdها و سایتهای اینترنتی، ایجاد عقاید و گرایشهای انحرافی و... برای اشاعه بدحجابی اقداماتی در سطح جامعه و مراکز فرهنگی مخصوصا دانشگاهها صورت گرفته است. در رابطه با این مسأله این سوال طرح می‌شود که

برای مقابله با تهاجم فرهنگی در حوزه حجاب با چه شیوه‌ها و راه‌هایی به ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاهها به طور اخص و در سطح مراکز فرهنگی و اجتماعی به طور اعم اقدام نمود که به شرح ذیل بیان می‌شود.

#### - نقش نظارت

از نظر بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی و دینی یکی از شیوه‌های انجام و گسترش هنجارها و ارزشها و هنجارهای اجتماعی در جامعه و در سطح موسسات و سازمانهای اجتماعی مسأله نظارت است. نظارت به دو شکل رسمی و غیر رسمی می‌باشد.

نظارت رسمی معمولاً از طریق سازمانهایی از قبیل نیروی انتظامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد و معمولاً نظارت رسمی زمانی ضروری و لازم می‌گردد که نظارت غیررسمی کارایی لازم را نداشته باشد. از شیوه‌های نظارت رسمی جریمه کردن، تعلیق کردن، زندان کردن و ... است.

نظارت غیررسمی معمولاً توسط سازمان خاص و به صورت سازماندهی معین و خاصی صورت نمی‌گیرد اگرچه در این نظارت برنامه ریزی هم بسیار مهم می‌باشد و در واقع اولین مرحله نظارت است. از تکنیکهای آن: اطلاع دادن، هشدار دادن، آگاه کردن، تذکر دادن، قهر کردن با فرد متخلف و خطا کار، کم احترامی کردن و اخم کردن (اقتباس از کوئن ۱۳۷۲:۲۰۳).

با توجه به مطالب مزبور بر اساس موارد ذیل برای گسترش فرهنگ حجاب لازم است که نظارت غیر رسمی در سطوح مختلف دانشگاه صورت گیرد. ۱- نظارت از طریق اساتید: معمولاً هر فردی در مراحل و دوره‌های سنی خود نیاز به گروه مرجع است گروه مرجع فرد یا افرادی هستند که افراد دیگر آنها را در رعایت رفتار و اعمال الگو و مرجع قرار می‌دهند (اقتباس از کوئن ۱۳۷۲:۱۳۸) یکی از گروههای مرجع اساتید است. نقش نظارتی اساتید از

طریق: آگاه کردن، هشدار دادن و ... در زمینه مسایل اخلاقی و بویژه مسأله حجاب می تواند بسیار کارساز باشد.

لازم به ذکر است که در تحقیق پیرامون عوامل مؤثر بر بدحجابی در شهر اصفهان تقریباً ۲۷ درصد از زنان محجبه و بیش از ۳۰ درصد از زنان و دختران بدحجاب بیان نموده که معلمان و استادان زن از حجاب لازم برخوردار نمی باشند از آنجایی که معلمان و استادان برای بسیاری از اقشار جامعه بویژه دانشجویان بعنوان گروه مرجع محسوب می شوند لذا بدحجابی آنان می تواند در افزایش بدحجابی نسل جوان تاثیر داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۴: ۶۸)

۲- نظارت از طریق کارمندان: بسیاری از افراد معتقدند که مسأله نظارت یا به عبارتی از منظر دینی امر به معروف و نهی از منکر می بایست صرفاً از طریق سازمانهای مرتبط از قبیل: دادگاهها، نیروی انتظامی و ... صورت گیرد. اما به عقیده بسیاری از اندیشمندان اسلامی و روایات دینی مسأله نظارت اختصاص به فرد یا قشر خاص ندارد بلکه لازم است تمام گروهها و اقشار اجتماعی به آن توجه داشته باشند. در مسأله حجاب اختصاص به برخی از اعضای کمیته انضباطی و دانشجویی ندارد بلکه فراگیری آن نیاز به همکاری کلیه کارمندان دانشگاه لازم است: زیرا اولاً دانشگاه بدون وجود دانشجو معنا و مفهومی ندارد ثانیاً دانشجویان در بخشها و قسمتهای مختلف دانشگاه از مراکز آموزشی، خوابگاهی، رفاهی، ورزشی، پژوهشی و ... حضور دارند. ثالثاً توجه به مسأله فرهنگ حجاب و عفاف بر سلامتی روانی و معنوی دانشگاه تأثیر مثبت دارد. رابعاً بی مسئولیتی و بی تفاوتی کارمندان و اساتید نسبت به حجاب در واقع به نوعی سکوت و چراغ سبز برای اندک دانشجویان بدحجاب قلمداد می شود.

### مساله تشویق

برطبق مطالعات بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان یکی از راههای ترویج فعالیت ها و رفتارهای مفید و سودمند در جامعه از طریق تشویق و پاداش است که مسأله حجاب و عفاف از این امر هم مستثنی نمی باشد. مصداقهای تشویق می تواند در موارد ذیل در دانشگاهها صورت گیرد.

الف- روز زن: هر سال به مناسبت ولادت حضرت فاطمه (ص) روزی به نام روز زن تعیین شده از این فرصت بسیاری از سازمانها و بویژه دانشگاهها می توانند با تشویق مادی و غیرمادی دانشجویان دختر زمینه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب را بهبود بخشند.

ب- روز پرستار و بویژه روز دختر: بزرگداشت روز پرستار و روز دختر در دانشگاهها می تواند بهانه ای برای ترویج فرهنگ حجاب شود تشویق دانشجویان و یا کارکنان زن محجب در این زمینه مؤثر است.

ج- در جشنواره معرفی دانشجویان برتر از نظر علمی: معمولاً هر سال در بسیاری از دانشگاهها برنامه ها یا جشنواره ای برای معرفی دانشجویان ممتاز علمی برگزار می شود در این برنامه ها می توان به معرفی دانشجویان ممتاز در زمینه امور فرهنگی و بویژه پوشش اسلامی را مشخص نمود.

کارکردهای تشویق عبارتست از: ۱- تشویق باعث می شود که دانشجویان بویژه دختر بیشتر متوجه شوند که مدیران و اعضای هیات علمی دانشگاه به فرهنگ عفاف توجه لازم دارند ۲- تداوم تشویق سبب می شود که بعضاً دانشجویان کم حجاب به سمت پوشش بهتر گرایش پیدا کنند. ۳- عامل تشویق در برخی از مواقع از سایر فنون و تکنیکها و شیوه های نظارتی اثر و کارکرد بهتری دارد.

- گنجانیدن مباحث حجاب در کتب درسی
- در زمینه ترویج فرهنگ حجاب سازمانها و نهادهای مختلف از قبیل: وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون (شبکه های داخلی و ملی)، مساجد و مراکز دینی، آموزش و پرورش، دانشگاهها... اقداماتی انجام داده و خواهند داد. اما آنچه مسلم است نقش آموزش و پرورش و دانشگاهها در جای خود دارای اهمیت است. بررسیها نشان می دهد که در دانشگاهها در این زمینه کاستی هایی هنوز وجود دارد.
- امروزه تنوع و حجم گسترده شبکه های خارجی و بعضا پخش فیلمهایی که ارزشها و هنجارهای ملی و اسلامی را خدشه دار می سازد در زمینه مسایل عفت، پوشش و حجاب آیات و روایات، احادیث و داستانهای متعددی از صدر اسلام به یادگار آمده است. یکی از راههای ترویج گنجانیدن آیات قرآنی همراه با ترجمه و تفاسیر آن در دروس دانشگاهی بویژه دروس عمومی و بعضا دروس دیگر حائز اهمیت است.
- بیان احادیث و روایات معتبر از معصومین (ع) در دروس دانشگاهی پیرامون حجاب و پوشش «این نکته قابل تامل است که در تحقیقی ۴۱ درصد از دختران و زنان با حجاب و ۲۰ درصد از زنان بدحجاب معتقد بودند که کتب جنسی بر روند بدحجابی تأثیر دارد» (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۲) "در تحقیق مزبور ۵۷ درصد از زنان محجبه و ۷۴ درصد از زنان کم حجاب حتی یک کتاب در مورد حجاب مطالعه نکرده اند" (محمدی ۱۳۸۴: ۹۵)
- ارائه درس مستقل و یا فصلهایی از دروس معارف و اندیشه های اسلامی به مسأله حجاب و عفاف دارای کارکردهای ذیل است. ۱- بسیاری از جوانان و بویژه دانشجویان اطلاع کافی از فلسفه حجاب ندارد که این امر باعث رشد علمی و آگاهی آنها می شود. ۲- بیان مسأله حجاب همراه با استدلالهای عقلی و دینی باعث می شود که انتخاب فرهنگ حجاب و عفاف از حالت تقلیدی به حالت تقلید همراه با رشد بصیرت گردد. ۳- بیان استدلالهای ملی و باستانی در مورد این که ایرانیان حتی قبل از

اسلام دارای پوشش و حجاب بوده و دلایل تاریخی - عقلی و دینی آن توضیح داده شود.

#### - برگزاری مسابقات

از شیوه‌های دیگر برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در محیط‌های دانشگاهی و آموزشی برگزاری مسابقات است که به اشکال ذیل می‌باشد.

الف- مسابقات کتابخوانی: در مورد حجاب آثار و منابع متعددی از گذشته تا به امروز چاپ شده است. از طریق کتابخوانی و انجام مسابقات می‌توان دانشجویان را به مسأله عفاف و پوشش آشنا نمود.

ب- مسابقات شعر و نظم: بررسیها نشان می‌دهد که از گذشته تا به امروز ایرانیان در زمینه نظم و شعر بویژه در حوزه ادبیات فارسی آثار ارزشمندی به بشر ارائه نموده اند که بسیاری از آثار و منابع آن به زبانهای خارجی ترجمه شده است. همانطوری که می‌دانیم بیان برخی از مضامین و عناوین از طریق نظم و شعر جذاب تر و به صورت طولانی مدت در ذهن مخاطبان قرار می‌گیرد. لذا بیان مضامین پیرامون حجاب و عفاف برای اقشار مختلف بویژه دانشجویان و جوانان می‌تواند آثار ذیل را داشته باشد. ۱- با استفاده از شعر می‌توان با جمله یا ابیاتی کوتاه دنیایی از معانی و مفاهیم را به مخاطب انتقال داد. ۲- ماندگاری در حافظه افراد: یکی از مزیت‌های نظم نسبت به نثر این است که چون نظم و نثر بر نظم و قافیه و... استوارتر است لذا بیشتر در ذهن مخاطبان قرار می‌گیرد. ۳- حالت حماسی داشتن: از آنجایی که شعر بر نظم و ترتیبی خاص استوار است لذا می‌توان با احساس و هیجان و شور ادبی به مخاطبان انتقال داد.

ج- مسابقات نقاشی و کارهای دستی: امروزه در حوزه هنر و بویژه در رشته هنر در دانشگاهها نقاشی و ... اهمیت خاص دارد. همچنین بسیاری از دانشجویان حتی در رشته‌های دیگر بویژه دانشجویان دختر بنا به علاقه و انگیزه تمایل به نقاشی، مسایل



طبیعی، مادی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و... وجود دارند. برگزاری مسابقات نقاشی پیرامون حجاب و عفاف ... کارکردهای ذیل را به دنبال دارد که عبارتست از: ۱- ابتکار و نوآوری: این امر سبب می شود که دانشجویان متبحر در نقاشی پیرامون پوشش اسلامی ابتکار و نوآوری از خود بروز دهند که ممکن است در طراحی و الگوی حجاب مؤثر واقع گردد.

۲- نمایش (نقاشی) یک موضوع یا پدیده مثل عفاف و حجاب می تواند در جذابیت و زیبایی آن تأثیر داشته باشد.

۳- تبدیل ذهنیت به عینیت: با استفاده از نقاشی می توان افکار و ذهنیت دانشجویان را به عینیت مبدل نمود.

### میزگردهای علمی و مذهبی

شواهد نشان می دهد که امروزه اندیشه ها و مکتبهای غربی به اشکال مختلف در صدد تخریب و ایجاد شبهه و انحراف در اندیشه ها و مبانی دینی و اخلاقی جوانان و دانشجویان بویژه در مسائل دینی و اعتقادی و حجاب هستند. از اهداف اساسی اندیشه های انحرافی ایجاد شبهه و ابهام در مسایل مربوط به عفاف و حجاب و در بلند مدت کم رنگ کردن حجاب و افزایش فساد اخلاقی و ترویج در بین جوانان است. با توجه به مطالب مزبور یکی از شیوه های ترویج فرهنگ عفاف و حجاب برپایی میزگردهای علمی و دینی پیرامون آن است. از مهمترین آثار و کارکردهای میزگردها عبارتست از:

۱- کاهش و مهار شبهات و ابهامات در مورد مسایل دینی بویژه عفاف و حجاب است زیرا این امر باعث می شود که مبانی اخلاقی و دینی دانشجویان استحکام یابد.

۲- جرأت طلبی: میزگردهای علمی همراه با جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه سبب می‌گردد که دانشجویان در چارچوب قانونی و دینی در محیط آموزشی سؤالات خویش را مطرح نمایند.

۳- ترویج استدلال و تعقل: میزگردهای علمی و دینی زمینه‌ای را فراهم می‌کند که روحیه استدلال و تعقل در مورد مسایل مذهبی بویژه حجاب بهبود یابد و تداوم آن سبب تقویت مبانی فکری و دینی دانشجویان شود.

### تبلیغات

- بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه برای افزایش مصرف کالاها و خدمات و برای رونق رشد واحدهای تجاری، مالی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای ... تبلیغات امری بسیار مهم و حیاتی است. این نکته قابل یادآوری است که تبلیغات اگر در مسیر حقیقت نباشد به نوعی منجر به دست کاری کردن واقعیات می‌شود اما اگر در مسیر درست و واقعی صورت گیرد در رشد آگاهی و بیداری افراد جامعه بسیار مهم است. در حال حاضر کشورهای استعماری سعی می‌کنند به اشکال مختلف در کشورهای جهان سوم بویژه ایران نفوذ پیدا کنند یکی از شیوه‌های نفوذ از طریق تبلیغات و با استفاده از رسانه‌های گروهی رواج بدحجابی و ایجاد شبهات در مورد حجاب و فقدان آزادی زنان است.

مستر همفر انگلیسی معتقد بود «باید حجاب از زن مسلمان گرفته شود. می‌گویند پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا فساد در میان مسلمانان رواج و برای پیشبرد این نقشه لازم است اول زنان غیر مسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند» (اکبری، ۱۳۷۶: ۱۷۱)

با توجه به مطالب چنین می‌توان نتیجه گرفت که امروزه صدها شبکه و کانالهای تلویزیون و ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی برنامه‌ها و فیلمهای مبتذل در مورد فقدان

حجاب و فساد اخلاقی در طی شبانه روز پخش می کنند آیا این تبلیغات و برنامه ها بر بنیاد و شالوده فرائض دینی و بویژه حجاب لطمه وارد نمی کند؟ آیا وقتی تبلیغات وسیعی بویژه در خارج کشور علیه حجاب صورت می گیرد مسوولان و برنامه ریزان فرهنگی و مخصوصا در دانشگاهها باید سکوت نمایند یا خیر؟

«بر اساس تحقیق: ۴۵ درصد از دختران با حجاب و ۴۹ درصد از دختران و زنان بد حجاب اظهار داشته اند که فیلمهای خانوادگی و روابط دختر و پسر تأثیر عمده ای بر بد حجابی دارد» (محمدی ۱۳۸۴: ۱۰۴)

### همایشها و جشنوارهها

یکی از راهها و شیوه های علمی برای استفاده از نظرات و اندیشه های متفکران و کارشناسان در مورد موضوعات مختلف از جمله حجاب و عفاف برگزاری همایشها و جشنواره ها می باشد که کارکردهای آن عبارت است از: ۱- بررسی ابعاد مختلف پدیده: از آنجایی که همایشها ممکن است در سطوح مختلف منطقه ای، داخلی، ملی و حتی بین المللی صورت گیرد لذا مسأله مزبور از این امر هم مستثنی نمی باشد.

نکته دیگر اینکه پوشش و حجاب یکی از مسایلی است که دارای ابعاد روان شناسانه، اجتماعی و جامعه شناسانه، فرهنگی و دینی و دنیوی و بعد اخروی دارد. بررسی آن از ابعاد مزبور باعث می شود که دانشجویان به اهمیت آن بیشتر پی ببرند.

۲- آشنایی با ابعاد آسیب شناختی حجاب: حجاب اگرچه دارای کارکردهای متعدد است اما رواج بدحجابی پیامدها و آسیبهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ... دارد و تبیین و بررسی آن در همایشهای مختلف باعث افزایش شناخت و بینش افراد می گردد.

۳- نقد و بررسی دیدگاهها: بررسی کتب و منابع و اسناد مختلف مبین آن است که مسأله حجاب و عفاف اختصاص به دین اسلام ندارد و در سایر ادیان و ... مطرح بوده است حتی تا اوایل قرن بیستم تا حدودی در غرب مسأله حجاب وجود داشته است. از طریق همایشها

می توان دید گاههای مختلف پیرامون موضوع را بهتر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. و از این طریق سطح درک و رویکرد دانشجویان و جوانان را ارتقاء داد.

۴- تکامل مباحث فرهنگ و حجاب: همانطوری که می دانیم در همایشها اکثر مباحث و موضوعات توسط صاحب نظران و کارشناسان از فیلتر و روزنه داوری عبور می کند لذا مطالب گلچین می شود که این امر امکان چاپ و تکثیر آن را فراهم می کند.

- برگزاری همایشها و جشنواره های متناوب در دانشگاهها و مراکز آموزشی علاوه بر جذب و تمایل دانشجویان می تواند در تکوین و تکامل مسایل مربوط به فرهنگ عفاف و حجاب موثر واقع گردد.

#### نمایش فیلمها

- نمایش فیلمها: امروزه نقش رسانه ها بویژه (تلویزیون در انتقال و گسترش مفاهیم و ابعاد مختلف جامعه بسیار اهمیت دارد. از آنجائیکه برنامه های تلویزیون متعدد و متنوع بوده لذا در این راستا می توان با استفاده از برنامه های داستانی، مستند، فیلمها و... در ارتباط با فرهنگ عفاف و حجاب اقداماتی موثر انجام داد از فواید و کارکردهای آن عبارتست از:

۱- شناسایی ابعاد مسئله: با نمایش برنامه ها و فیلمهای مرتبط با مسایل اخلاقی و حجاب و بدحجابی می توان از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... مسأله را مطرح کرد.

۲- شناخت واقعیات اجتماعی: با نمایش فیلمهای مرتبط با بحث می توان واقعیتهای اجتماعی پیرامون مسأله را مورد شناخت و بررسی قرارداد و حتی صحنه های واقعیات را از غیر واقعیت تمیز داد.

۳- نقد و بررسی: با نمایش فیلمها و... و در صورت امکان نقد و بررسی آن در داخل دانشگاه سطح فرهنگی و اخلاقی دانشجویان را ارتقا داد.

### اردوهای مذهبی سیاحتی

- از شیوه‌ها و روشهای عینی و عملیاتی در رابطه با بهبود وضع حجاب و پوشش اسلامی برگزاری اردوهای مذهبی و زیارتی و حتی دیدار با علمای اسلامی است. شرکت در این بازدیدها باید به شکلی برنامه ریزی شود که صرفاً دانشجویان عضو انجمنهای مذهبی و علمی و بسیج نباشند بلکه شرکت آزاد بوده و حتی المقدمان دانشجویان کم حجاب نیز حضور داشته باشند. همچنین برنامه ریزی علمی و حساب شده بوده و از همکاری و مساعدت دانشجویان نیز استفاده کافی گردد. از کارکردهای این مسأله عبارت است از:

۱- همکاری متقابل دانشگاه و دانشجویان: معمولاً در هر فعالیت گروهی تعامل افراد تأثیر مهمی در رشد و پیشرفت آن دارد که بازدید اخلاقی و زیادش از این امرهم مستثنی نمی باشد.

۲- روحیه نشاط و شادابی: در دانشگاهها برخی از دانشجویان غیر بومی (غیراستانی) و بعضاً در خوابگاههای دانشجویی اقامت دارند. حضور آنها همراه با دیگر دانشجویان در بازدیدها و اردوهای مذهبی تأثیر مهمی در روحیه نشاط و شادابی دارد.

۳- گرایش بیشتر به مسأله حجاب و عفاف: از آنجایی که یکی از مسایل مهم در اماکن مذهبی رعایت شئون اسلامی و اخلاقی است حفظ پوشش و بعضاً حضور فیزیکی و ذهنی در اماکن مزبور بر بهبود حجاب موثر است.

۴- حفظ حجاب برتر (چادر) در اماکن مذهبی: معمولاً براساس عرف و مبانی اسلامی برای حضور و ورود به اماکن مذهبی از قبیل: مساجد، حسینیه‌ها، زیارتگاهها (معصومین و امامزادگان) حجاب برتر (چادر) الزامی است. آیا این مسأله برای بسیاری از دانشجویان نهادینه نشده که علت آن چیست؟ چرا در محیطهای مذهبی محجبه و غیر آن حجاب کمتر رعایت می شود.

### نتیجه گیری

برطبق پژوهش مزبور نتایج ذیل حاصل می گردد: واژه حجاب معانی متعددی از قبیل: پوشش، پرده و... دارد.

- در مورد تاریخچه حجاب اطلاع دقیقی در دست نیست ولی در ایران باستان، قوم یهود و احتمالاً هندوستان حجاب وجود داشته است ولی در عرب قبل از اسلام حجاب وجود نداشته است.

- در واقع اسلام باعث شد که حجاب در ایران جنبه ملی و بویژه دینی پیدا کند و کامل تر گردد.

عفاف و حجاب کارکردهای متعدد دارد که عبارتست از: ۱- کارکرد فردی شامل: آرامش جسمی و روانی، سلامت و زیبایی، موفقیت‌های معنوی، مصونیت و... ۲- کارکرد حجاب بر حفظ و استحکام خانواده ۳- کاهش آسیب‌های اجتماعی شامل: بهبود سلامت روانی و کاهش مفاسد و انحرافات اجتماعی ۴- کارکرد علمی چون زمینه ساز رشد علمی و فرهنگی می شود.

بدحجابی دارای پیامدها به شرح ذیل می باشد: ۱- پیامدهای روانی شامل: عقده مند کردن مردان و پسران (دانشجویان)، سقوط شخصیت ۲- پیامدهای خانوادگی: تزلزل خانواده بلوغ زودرس جنسی جوانان، دوستی غیر واقعی ۳- پیامدهای اجتماعی: سرایت اجتماعی، گرایش به بدحجابی، شکاف نسل‌ها ۴- پیامدهای مذهبی: غفلت از یاد خدا، تکذیب آیات الهی، عذاب آخرت ۵- پیامدهای فرهنگی: بدآموزی، تخریب فرهنگ ملی و اسلامی، تغییر گروه‌های مرجع ۶- پیامدهای اقتصادی: تغییر الگوها و مدل‌های البسه و پوشاک.

به نظرمی رسد از مهمترین شیوه های ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاهها

عبارتند از:

- ۱- نقش نظارت: منظور نظارت غیررسمی (غیرمستقیم) بعضی از طریق آگاه کردن اساتید و کارمندان بویژه زن در مورد مسأله حجاب و عفاف و کمک و مساعدت کارکنان و اساتید به مسوولان دانشگاه برای ترویج عفاف و حجاب.
- ۲- تشویق: در بسیاری موارد تشویق و پاداش تأثیر عمده ای در رشد و بهبود یک پدیده دارد. از مصداقهای آن در روز زن، روز دانشجو، معرفی دانشجویان برتر از نظر علمی و اخلاقی و اسلامی.
- ۳- گنج‌نابیدن مباحث عفاف و حجاب در کتب درسی که این مسأله می تواند در دروس معارف اسلامی، فارسی عمومی، متون اسلامی، قرآن و غیر باشد.
- ۴- برگزاری مسابقات شامل: مسابقات کتابخوانی، شعر و نظم، نقاشی و کارهای دستی و هنری که رشد علمی، هنری و اخلاقی و مذهبی دانشجویان را به دنبال دارد.
- ۵- میزگردهای علمی و مذهبی منجر به کاهش شبهات و ابهامات در مسایل دینی و مخصوصاً در حوزه حجاب می گردد و منجر به تقویت استدلال و تعقل دینی دانشجویان می گردد.
- ۶- تبلیغات: در زمان معاصر نقش تبلیغات در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم است. تبلیغات در دانشگاه می تواند در مواردی از قبیل: نصب بنرها، پوستر، تصاویر و عکسها و... در مکانهای اصلی دانشگاه مثل کلاسها و... باشد.
- ۷- همایشها و جشنواره‌ها: از مهمترین آثار همایشها، مطالعه ابعاد مختلف حجاب، ابعاد آسیب شناسی حجاب و نقد و بررسی دیدگاهها.
- ۸- نمایش فیلمها: پخش و نمایش فیلمهای تاریخی و مذهبی مرتبط با بحث حجاب و اخلاق اسلامی در دانشگاهها بر ترویج حجاب نیز تأثیر دارد.
- ۹- اردوهای مذهبی و سیاحتی: از آنجایی که اکثر دانشجویان در دوره جوانی بسر می‌برند و دارای ویژگیهایی از قبیل: پر تحرکی، نوگرایی، تمایلات جنسی، روحیه نشاط و شادابی، پرازانرژی بودن ... هستند لذا برگزاری اردوهای مزبور در رفع اوقات فراغت، شادابی، حفظ پوشش و عفاف... تأثیر دارد.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه امام علی (ع) ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، بضعه الرسول.
۳. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۷۷ (اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان) تهران، نشر جهاد.
۴. اکبری، محمدرضا، ۱۳۷۶ (تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر) [بی ما]، شهید حسین فهمیده.
۵. اکبری، محمود، ۱۳۸۲ (زندگی شیرین) قم، گلستان ادب.
۶. انصاریان، حسین، ۱۳۸۱ (نظام خانواده در اسلام) قم، انتشارات ام الیها.
۷. حبیب اللهی، حسین، ۱۳۷۳ (حجاب در بی حجابی) قم، انتشارات داوری.
۸. علم مهرجردی، نسرین، ۱۳۸۱ (رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی) تهران، انتشارات آن.
۹. محمدی اشتهازی، محمد، ۱۳۶۸ (پوشش زن در اسلام) قم، انتشارات ناصر.
۱۰. مجموعه مقالات همایش حجاب (با تکیه بر رویکردهای علمی - کاربردی) ۱۳۸۱، حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۱۱. مصطفوی، سید جواد، ۱۳۸۲ (بهشت خانواده) جلد اول، تهران، دارالفکر.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ (مساله حجاب) تهران، صدرا.
۱۳. مهدی زاده، حسنی، ۱۳۸۱ (حجاب شناسی (چالشهای و کاوشهای جدید) قم مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی.
۱۴. مهریزی، مهدی، ۱۳۷۹ (آسیب شناسی حجاب) تهران، جوانه رشد.
۱۵. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، ۱۳۷۲ (مقدمه ای بر روانشناسی زن) قم، شفق.
۱۶. یزدخواستی، بهجت، ۱۳۷۲ (زنان و تغییرات اجتماعی) اصفهان، مانی.
۱۷. عنایت، حلیمه، ۱۳۷۶، (بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر حجاب و گرایش بدحجاب دختران دانش آموز دبیرستانی شهر شیراز) کمیسیون امور بانوان استان فارس.



## رسانه راهکاری مناسب جهت توسعه فرهنگ حجاب

دکتر فائزه تقی پور

عضو گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)

Faezeh.Taghipour@gmail.com

عفت طالبی

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی

e talebi e.talebi20@gmail.com

### چکیده

مقاله حاضر با محور قرار دادن مساله حجاب و عفاف در صدد معرفی رسانه به عنوان راهکاری مناسب جهت گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در محیط دانشگاه است. در این راستا به مباحثی از جمله مفهوم و آثار حجاب، رابطه فرهنگ و حجاب و وظایف رسانه ها اشاره شده و در پایان راهکارهایی جهت فرهنگ سازی حجاب از طریق رسانه ها مطرح می شود. این مقاله با روش مروری تحلیلی انجام شده و یافته ها حاکی از این بود که با توجه به خصوصیات تأثیر گذاری، همه گیر بودن، قابلیت نوآوری، برجسته سازی و توانایی الگوسازی جهت تقویت هویت دینی؛ رسانه ها می توانند به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در ترویج و توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاهها مطرح شوند.

**واژگان کلیدی:** حجاب، رسانه، فرهنگ، هویت دینی

## مقدمه

یکی از مسائلی که ممکن است سلامت فرد و جامعه را تهدید کرده، اثرات آسیب زایی بر فرهنگ، اخلاق، اعتقادات و امنیت جامعه داشته باشد، عدم رعایت هنجار است. واجبات اسلامی در حیطه روابط بین فردی \_ اجتماعی و خانوادگی و هنجارهای جامعه تعریف می شوند. حجاب نماد عفت و عزت زنان و از شاخص های مهم فرهنگ دینی و از ارکان اصلی هویت ملی ایرانیان بوده و یکی از هنجارهای اجتماعی است که رعایت آن ارتباط تنگاتنگی با نظم، امنیت و عفت عمومی دارد و سلامت جامعه وابسته به آن و حفظ و گسترش آن از وظایف همه نهادها ی جامعه می باشد. زنان توان اثر پذیری و اثر گذاری بالایی دارند و رسانه ها به عنوان یکی از عوامل فرهنگی تأثیر گذار بر افکار عمومی و بالاخص بانوان می توانند با قدرت نفوذ خود در جهت گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاهها موثر واقع گردند، چرا که بی حجابی مقدمه هنجار شکنی و زمینه ساز احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و تهاجم فرهنگی است. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۸)

دین اسلام برای تمام ابعاد زندگی انسان چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی دستوراتی جامع ارائه کرده تا در پرتو آنها انسان بتواند سعادت دنیوی و اخروی را به دست آورد. (آقایانی چاوشی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۸) یکی از این دستورات عملی ها که در جامعه ما نسبت به آن حساسیت زیادی وجود دارد، حجاب می باشد. در فرهنگ اسلام، محور اصلاحات، فرهنگ سازی است. لذا با فعالیت های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی می توان فضای اجتماعی جامعه را به سمتی هدایت کرد که زنان به صورت طبیعی و خودجوش به رعایت عفاف و حجاب رغبت نمایند. بدین ترتیب، اقدامات بازدارنده باید در حد ضرورت، نقش تکمیلی خود را ایفا نمایند زیرا اسلام به پیشگیری معتقد تر است تا به مداوا. واتسون<sup>۱</sup>

---

1 - Watson

معتقد است: "هیچ شکلی از لباس مانند حجاب این قدر موضوع مناقشه نبوده است". وی با تکیه بر ابعاد و اهداف حجاب که ریشه در حجب و حیا و شرم از برهنگی دارد معتقد است که حجاب جایگاه ویژه‌ای در مباحث فرآیند جهانی شدن و پست مدرنیته دارد. ساختن محیط سالم در دانشگاه‌ها و محیط‌های فرهنگی و هنری از طریق اجرای شیوه‌های صحیح و مؤثر از اقدامات ضروری در ارتقای اخلاق اجتماعی و تربیت عمومی است در نتیجه برای توسعه فرهنگ حجاب در دانشگاه و اثربخشی شیوه‌های تربیتی مربوط به فرهنگ حجاب، از یک سو باید رغبت و نیاز درونی نسبت به این مسأله در افراد ایجاد شود تا انگیزه کافی برای رعایت حجاب مناسب را داشته باشند و از سوی دیگر باید روشها و شیوه‌های ترویجی فعال و مناسب جانشین شیوه‌های غلط و منفعل امروزی گردد. اما رسانه‌ها چه نقشی در ترویج فرهنگ حجاب در دانشگاهها دارند؟

### مفهوم حجاب

حجاب به معنای پوشش بدن و به عنوان نماد اسلامی و وسیله‌ای برای تزکیه نفس و تقوی است. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۸) اما در لغت - اصطلاح عرفی و شرعی معانی دقیق‌تری دارد:

**الف: حجاب در تعریف لغوی** به معنی پرده، چادر، روپوش، روبند، آنچه که با آن چیزی را بپوشانند و چیزی که مانع بین دو چیز دیگر باشد آمده است.

**ب: تعریف عرفی:** حجاب تحت تاثیر شرایط خاص جغرافیایی، اقلیمی، سبک زندگی و آداب و رسوم خاص مناطق می باشد. برای مثال پوشش زنان اقوام مختلف کرد، لر و بلوچ و ... در ایران تابع عرف می باشد.

**ج: تعریف شرعی:** استفاده از واژه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاحی جدید است زیرا در اصطلاح فقها کلمه "ستر" که به معنی پوشش بوده به کار می رفت. حجاب در اسلام به این معناست که زن بایست در مواجهه با نامحرمان تمام بدن خود را بپوشاند و در کمال وقار و

حیا و بدون خودنمایی در اجتماع حضور یابد. (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۵) هرچند پوشش بانوان در اکثر ادیان الهی مورد توجه قرار گرفته است اما این مساله در دین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در آیات قرآن کریم و احادیث مختلف مانند آیه ۳۱ سوره نور، آیه ۵۹ سوره احزاب و آیه ۵۳ سوره احزاب بارها به آن اشاره گردیده است. "وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَنِ وَّرَاءَ حِجَابٍ: اگر از آنها متاع و کالای مورد نیاز خود را مطالبه می کنید از پشت پرده از آنها بخواهید". (آیه ۵۳ سوره احزاب) و نقل است از فاطمه‌ی زهرا (س): "زن هنگامی به خدا نزدیک‌تر است که سخت مراقب حجاب و عفت خود باشد." (خرمی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴)

### آثار حجاب

با توجه به نقش حجاب در استقلال فکری و سیاسی و اجتماعی جامعه، رعایت حجاب آثار و نتایج بسیاری در دو بعد فردی و اجتماعی بر جای می گذارد.

### آثار فردی حجاب

آثاری که از حجاب در زن به جای می ماند، ابتدا در روح و روان او پدیدار می شود زیرا وقتی فرد با آزادی برای خود پوششی را انتخاب می کند و به آن احترام می گذارد و آن را مقدس می داند، در خود احساس آرامش و سربلندی می کند. (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸، صص ۸۹-۹۰)

۱: **موفقیت‌های معنوی:** زن پوشیده از بین خود و خدا، خدا را برگزیده است و از بین احکام دین و خواسته‌های نفس به احکام دین روی آورده است. چنین انتخابی به روحیه و تفکر و عمل او حال و هوای دیگری می بخشد و از موفقیت‌های دیگری مانند درک شیرینی عبادت، عمل به تکالیف شرعی و پرورش استعدادها برخوردار می شود. (اکبری، ۱۳۷۷، ص ۹۸)

۲: حفظ احترام و ارزش فردی: بی‌حجابی ارزشهای زن را تحت الشعاع ظواهر جسمی اش قرار می‌دهد و او را فدای هرزگی‌ها و طمع‌ها می‌کند و تنها راه بالا بردن شخصیت زن حجاب اوست. (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۹۱)

۳: مصونیت و امنیت زن: زن موجودی گرمی و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است، ارزش او فراتر از آن است که در معرض و دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد. (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۰) حفظ حریم زن باعث مصونیت اوست که منجر به آرامش روحی می‌شود زیرا در این حالت کسی جرأت ندارد به او تعرض کند.

### آثار اجتماعی حجاب

رعایت حجاب در جامعه دارای تبعات و آثار متعددی است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. کاهش انحرافات جنسی: از لحاظ جرم‌شناختی علت اصلی انحرافات جنسی تحریکات جنسی نامشروع است که ریشه در بدحجابی و خودنمایی زنان دارد لذا رعایت حجاب می‌تواند از میزان انحرافات جنسی در جامعه بکاهد.

۲. تأمین آسایش و آرامش عمومی: فشار ناشی از سرکوبی انگیزه جنسی بر هم‌زننده آرامش روانی افراد در اجتماع است، لذا رعایت حجاب آرامش عمومی را به همراه خواهد داشت و این فضا برای همه‌ی افراد جامعه آسایش به همراه دارد.

۳. فراهم شدن بسترهای رشد و پیشرفت در عرصه عمومی: جامعه‌ی عاری از بی‌بندوباری و بی‌قیدی باعث می‌شود که جوانان انرژی‌های مثبت خود را جهت رشد و شکوفایی استعدادها در زمینه‌های گوناگون به کار بندند و از هدر رفتن انرژی خود در راه امیال و شهوات جلوگیری نمایند.

### تاریخچه حجاب

نیاز به پوشش و پرهیز از برهنگی از گرایش‌های فطری انسان است که خداوند در وجود بشر به ودیعه نهاده است. بررسی تاریخ اقوام و ملل گوناگون مؤید این نظر بوده که بشر از آغاز خلقت با میل فطری کوشیده تا اندام خود را از دیگران بیوشاند، لیکن شکل و حدود پوشش با توجه به آداب فرهنگی - اجتماعی و نگرش دینی در هر عصر و دوره ای متفاوت بوده است. (آقایانی چاوشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶) زنان یونانی حجابی داشتند که در جزیره خیوس تا مدت‌ها رواج داشته است. زنان شهر تب از حجاب خاصی استفاده می‌کردند که مانند روبند صورتشان را می‌پوشاند، دختران اسپارتی پس از شوهر کردن حجاب می‌گرفتند و سر را می‌پوشاندند. در ایران باستان، در میان قوم یهود و در هند نیز حجاب وجود داشته است. در کیش آرایشی زنان محترم و اشرافی محبوب بوده‌اند، آنها برای متمایز بودن از زنان عادی صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را دراز نگه می‌داشتند. (حداد عادل، ۱۳۸۶، صص ۵۳-۵۴) لباس، سر و وضع ظاهری و سیمای اشخاص در ایران قدیم اهمیت و نقشی بیش از یک وسیله صرفاً پوششی در برابر گرما و سرما را داشت و جزئی از فرهنگ ملی و عامل طبقه بندی و شناخت شخصیتها بود. (نجاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰) آمیختگی مذهب و فرهنگ در نوع پوشش مردم ایران و به خصوص زنان چنان بود که پس از انقلاب مشروطه با وجود کوشش عده ای از کشف حجاب در ایران استقبال چندانی نشد. (جمشیدیها، رضوی، ۱۳۹۰؛ ص ۳۸)

ادیان توحیدی پیش از اسلام نیز همگی بر پوشش زنان متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم خود تاکید داشته‌اند و در دین یهود و کتابهای آنان به صراحت در مورد لزوم پوشش برای زنان سخن به میان آمده است و بی‌حجابی زن را مجوزی برای طلاق او از طرف مرد می‌دانسته‌اند و از نظر مسیحیت نیز حجاب حکمی الهی و ضروری تلقی شده است، حتی در

عصر جاهلیت قبل از اسلام نیز مردم به نوعی از پوشش اعتقاد داشته اند. (صفی یاری، ۱۳۹۰، صص ۵۴-۵۵)

لذا اسلام واضح قانون حجاب نیست بلکه آنرا قانون مند و متعادل نموده تا با روحیه و سرشت زن سازگار باشد. حجاب حفاظی برای آسیبهای اجتماعی - روانی است. نوع آفرینش زن باعث شد که خداوند برای حراست و حفاظت زن از دسترس بیگانگان تدبیری بیندیشد که آن داشتن حجاب است. یعنی حضور در لباسی که بتوان بدون آسیب به انجام وظایف دینی اجتماعی و علمی پرداخت. دلایل عقلی و توصیه های دینی بسیاری درباره فواید حجاب وجود دارد از جمله امنیت اجتماعی، سلامت روانی و بهداشت جسمی و استحکام بنیان خانواده. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۸) اسلام با توجه به ساختار فطری انسان مهم ترین تضمین کننده شخصیت زن را حجاب می داند.

### فرهنگ حجاب

زندگی و رفتارهای اجتماعی انسان تابع فرهنگ یک جامعه است. فرهنگ کلیتی پیچیده و در هم تافته ای از اندیشه و عمل که همه اعتقادات، باورها، آرمانها، ارزشها، هنرها، علوم و فنون، آداب و رسوم و عادات و رفتاری که فرد به عنوان عضوی از افراد جامعه به دست می آورد را در بر می گیرد. گیدنز فرهنگ را به معنای ارزشها، هنجارها و کالای مادی ویژه یک گروه معین و یکی از مشخص ترین ویژگی های ارتباط اجتماعی انسانی میداند. (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۲۶)

جهان از بعد فرهنگی محصول یک ابزار است که از طریق آن افراد، دنیای پیرامون خود را تفسیر و تعبیر می کنند و بر اساس آن زندگی، جهان از این زاویه دید؛ از ارزشها و رسوم و هنجارهایی که یک جامعه خاص را تعریف می کند، ساخته شده است، پوشاک، حمل و نقل، غذا و ... همگی به عنوان الگوهایی برای بیان معانی فرهنگی که جهان را می سازند به کار می رود. (منصوری، ۱۳۸۹، ص ۴۴) پوشش و حجاب تحت تأثیر ساختارهای

فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی و بالاخص ارزشها و هنجارهای حاکم بر یک فرهنگ و از سوی دیگر متأثر از رفتار افراد جامعه است. میان پوشش و فرهنگ رابطه تنگاتنگی برقرار بوده و اگر در جامعه ای پوشش افراد تغییر کند فرهنگ نیز متحول شده و تغییر در فرهنگ نیز تغییر در پوشش را به همراه خواهد داشت. رابطه لباس و فرهنگ به اندازه‌ای قوی است که وقتی یک فرد بیگانه وارد محیطی می‌شود نخستین علامتی که او را می‌شناساند همان نوع لباس اوست. لباس مبین افکار و اعتقادات، باورها و شخصیت هر فرد است و حداقل پاسخگوی سه نیاز آدمی است: محافظت انسان از سرما، گرما، برف و باران - حفظ عفت و شرم - زینت (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۶۶-۷۰) گیلمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) یک وظیفه دیگر را نیز برای لباس در نظر می‌گیرد با عنوان نماد گرایی. او عنوان می‌کند که پوشش امروزه بیشتر جنبه نمادگرایی و نمایشی یافته است (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵) لذا یکی از تلاشهای رسانه‌ها می‌تواند در راستای کم رنگ کردن جنبه‌ی نمایشی پوشش انجام پذیرد. در جامعه‌ی الهی که در آن نهادهای فرهنگی و ارزشی حاکم هستند نقش اول همواره از آن فرهنگ است و عناصر فرهنگی با پویایی خود به تکامل همه‌ی جنبه‌های انسانی کمک می‌کنند. حجاب نیز به عنوان قوی‌ترین عامل برای کنترل رشد فرهنگ ارزش‌مند است. با آنکه حجاب و رعایت عفاف هیچ‌گونه محدودیتی برای پیشرفت زنان ایجاد نکرده اما در سالهای اخیر شاهد کم رنگ شدن پوشش اسلامی هستیم. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی و فرهنگ حجاب به دلیل عدم استفاده از کارشناسان متعهد و مجرب، عدم تحول کتابهای درسی و دانشگاهی، تدوین مطالب غیر جذاب و نامناسب با طبع جوانان، سنگ اندازی بیگانگان با سست کردن اعتقادات دینی از طریق تبلیغات رسانه‌ای با ترویج فرهنگ آزادی خواهی غربی و فرهنگ تساهل و تسامح، گسترش فرهنگ مصرف و بالارفتن خواسته‌های جوانان و تمایل زنان به خودنمایی، سستی نهادهای فرهنگی در معرفی الگوهای مناسب و نا آشنایی دختران با الگوهای جدید، سبب شده است که فرهنگ حجاب به درستی در جامعه



تبیین نشود (اسحاقی، ۱۳۸۸، صص ۸۰-۸۵) نگاه استراتژیک به حجاب، وجود سازمانهای مسؤول با نگرشهای همسو، ارائه الگوی متناسب با نیاز و منطبق با سلیقه‌های متفاوت و معیارهای شرعی، تلاش برنامه ریزی شده برای اوضاع فرهنگی در زمینه حجاب، توجه به جنبه‌های اخلاقی - تربیتی حجاب از عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه فرهنگ حجاب می‌باشند. (صافی یاری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷) یکی از وظایف مهم مسؤولان فرهنگی کشور نظارت بر فرآورده‌های فرهنگی، تولید و نمایش فیلم و رفتار بازیگران و جلوگیری از تبدیل شدن سینما و تلویزیون ایران به صحنه‌ی ترویج مدهای غربی است. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۳۲) درونی سازی باورهای دینی کار اصلی در حوزه توسعه فرهنگی است و یکی از بهترین راهها برای رسیدن به این هدف برنامه ریزی های فرهنگی با استفاده از ابزار رسانه ها می باشد. در ارتباط با گسترش فرهنگ حجاب و عفاف چهار اصل برنامه ریزی در تربیت، وظیفه مداری، مخاطب شناسی و شیوه یابی مؤثر است. (جاوید، ۱۳۸۸، صص ۲۰۴-۲۰۷)

### وظایف رسانه‌ها و توسعه فرهنگ حجاب

از عوامل مهم در بهبود وضعیت فرهنگ حجاب و حیای عمومی رسانه‌های جمعی همچون سینما و تلویزیون، مطبوعات و کتابها و .. می باشند و در این میان سهم رسانه های دیداری - شنیداری به دلیل آنکه بخش اعظم جامعه ساعات بسیاری از وقت خود را به تماشای برنامه های تلویزیون اختصاص می دهند بیشتر است. سیاست یک دست سازی فرهنگی و جهت دهی خرده فرهنگهای فعال برای شکل گیری حاکمیت واحدی استاندارد، تحت عنوان فرهنگ ملی عمدتاً از مجرای رسانه اعمال می شود و در تأثیر گذاری عمیق آن تردیدی نیست. رسانه ها در ساختار فرهنگ اجتماعی مردم نقش مهمی دارند و می توانند با نوع برنامه های خود آنان را به فساد یا صلاح بکشند. همواره تأثیرات بنیادی از آن رسانه‌های جمعی است زیرا دست اندرکاران امور فرهنگی - تربیتی در همه کانون های فرهنگی جامعه

در معرض آموزش های این رسانه اند و کار آنها زمانی مؤثر است که در جهت مقابل رسانه ها عمل نکنند. (اسحاقی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۳-۹۹)

اگرچه از مهم ترین وظایف مطرح برای رسانه ها، وظایف خبری، آموزشی، راهنمایی، رهبری، تفریحی و تبلیغی است. (معمد نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰) چندسال پس از آن رایت<sup>۱</sup> نقش انتقال میراث و ارزشهای فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر مطرح ساخت. همچنین کلاس<sup>۲</sup> به وظایف ارتباط فکری و وظایف روانی - اجتماعی اشاره می کند. یکی از عناصر مطرح در وظایف ارتباط فکری پرورش اندیشه ها، احساسات و عقاید است، که در این راستا پیرامون مسائلی که فرهنگ سازی و توسعه ی یک رفتار از طریق ایجاد ارتباط فکری محقق می شود، مطرح است. فرهنگ اجتماعی یک جامعه و تشریح افکار و ایدئولوژیها از دیگر وظایف رسانه ها برشمرده می شوند. (ساروخانی، ۱۳۸۶، ص ۸۵) با توجه به این وظایف رسانه ها قادرند مسایل مطرح در محیط اجتماعی و به خصوص حجاب را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح کرده و آثار و فواید آن به خصوص در محیط های آموزشی را به صورت سریال، داستان و یا فیلم نمایش دهند. در طبقه بندی وظایف روانی و اجتماعی، توسعه ی همبستگی اجتماعی مطرح شده که در فلسفه حجاب نیز، رعایت آن به نوعی این همبستگی را ایجاد می کند.

### فرهنگ سازی حجاب از طریق رسانه ها

در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی از خط، کلام و روزنامه تا اینترنت و تلویزیون تعاملی با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله ی افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش عمده ای دارند. در عصر ارتباطات بخش عمده ای از ساختارهای فرهنگی به کمک رسانه ها منتقل می شود.

1 -Wright

2- Clouse

### تأثیرگذاری رسانه‌ای

رسانه‌ها با برتری دادن به طرح یک مسأله به مردم می‌گویند که به چه فکر کنند. توجه زیاد رسانه‌ها به مسأله حجاب، نظر افکار عمومی را به این مسأله جلب می‌کند. (جاوید، ۱۳۸۸، صص ۱۶۸-۱۶۹) مارشال مک لوهان<sup>۱</sup> (۱۹۶۴) با بیان جمله "رسانه پیام است" به اهمیت رسانه در دنیای امروز اشاره داشته و بیان می‌دارد: "اثر فناوری در سطح عقاید یا مفاهیم رخ نمی‌دهد بلکه نسبت‌های حسی یا الگوی درک را به طور مداوم و بدون مقاومت عوض می‌کند". به نظر وی مهم‌ترین اثر رسانه‌ها این است که بر عادات درک و تفکر ما اثر می‌گذارند. (سورین<sup>۲</sup>، تانکارد<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸، ص ۳۹۳) شواهد مبتنی بر این است که در دریافت پیامهای ارتباط جمعی، درک گزینشی رخ می‌دهد. درک گزینشی یا اثرپذیری درک افراد از خواست‌ها، نیازها و دیگر عوامل روانشناختی نقش مهمی را در هر نوع ارتباط بازی می‌کنند. معنی درک گزینشی این است که افراد می‌توانند نسبت به پیام مشابه به گونه‌های متفاوتی واکنش نشان دهند، لذا فرآیند دریافت و تفسیر پیام متضمن درک است. درک "فرآیند پیچیده‌ای است که طی آن افراد محرک‌های حسی را گزینش می‌کنند، سازمان می‌دهند و به تصویری معنی‌دار و منسجم از جهان تفسیر می‌کنند." این تعریف نقش فعالی را که شخص در درک بازی می‌کند آشکار می‌سازد. درک تحت تأثیر عواملی مانند تصورات گذشته که اغلب در سطح ناآگاهانه‌ای عمل می‌کنند، انتظارات فرهنگی بدین معنی که فرد گرایش قوی دارد که صحنه‌هایی از فرهنگ خود را ببیند تا اینکه صحنه‌هایی از یک فرهنگ ناآشنا را مشاهده نماید، انگیزه‌ها و نیازها، خلیقات و حالات و نگرش افراد قرار دارد. (سورین، تانکارد، ۱۳۸۸، صص ۹۳-۱۱۵)

1- McLuhan

2- Severin

3- Tankard

### حجاب و ارتباط میان فرهنگی رسانه

در مطالعات جدید رسانه و دین، هوور<sup>۱</sup> استدلال می کند که دیگر نباید رسانه ها و دین را حوزه ها و عناصری جداگانه فرض کرد که بر یکدیگر تأثیر می گذارند؛ بلکه آنها به شکلی ظریف در ارتباط هستند و نمادهای مذهبی، آموزه ها، معانی و علایق مذهبی را به خوبی انتقال خواهند داد. (کلارک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، ص ۲۰) اگر حجاب را در ظاهر به عنوان نماد و بنیاد آنرا با تزکیه نفس و توسعه فرهنگ حجاب را با آموزه ها همسو بدانیم، رسانه ها نقش بسزایی در فراگیری آن ایفا می کنند.

گونزالس<sup>۳</sup> به این مسأله تأکید دارد که موضوعات دینی با آگاهی از ارتباطات بین فرهنگی شروع شده و الهیات از هر نوعی؛ نشان و نماد فرهنگی خواهند داشت. رسانه های قدیمی مانند تلویزیون و رسانه های جدید و دیجیتال مانند اینترنت بافتی فرهنگی ایجاد می کنند که اندیشه دینی در آن به وقوع می پیوندد. این رسانه ها بر وقت مردم تسلط دارند و تصاویر و مفاهیمی عرضه می کنند که جهان آنها را تعریف کرده، رویدادها یا حوزه تعلقات را برجسته می سازند و جایگاه آنها را در جامعه تعیین می کنند. (سوکاپ<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۳۶۸)

البته برخی نظریه پردازان از جمله باد<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) نگاه انتقادی به عملکرد رسانه و توسعه فرهنگ های مذهبی داشته و به آثار نامناسب، صنایع فرهنگی جدید، مد، اهداف اقتصادی و لذت گرایی اشاره می کند. اما اکثر اندیشمندان علوم رسانه و ارتباطات نقش مؤثری برای رسانه قائل هستند. رسانه های متنوعی که دینداران از آنها بهره می گیرند، از امکانات ارتباطی فضای مجازی گرفته تا رسانه های الکترونیک و از رسانه های چاپی گرفته تا هنرهای اجرایی، کم و بیش با چهارچوبهای معنایی دینی سازگار شده، اگر چه هنوز و شاید همواره

1 -Houwer

2- Clark

3 -Gonzales

منتقدان دینی و غیر دینی انتقادهایی به آنها داشته باشند. چرا که اجتماعات و جنبشهای دینی با استفاده از ابزارهای نوین و نیز نوسازی روشهای سنتی ارتباطات در داخل و خارج اجتماعات خود طی دهه های اخیر، تغییراتی در رویکردهای مذهبی و مبادله معناها داشته است. (گیویان، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

### نوآوری و اشاعه رسانه‌ای

رسانه‌های جمعی به سرعت می‌توانند به مخاطبان دسترسی یافته، اطلاعات را گسترش دهند و نگرش‌ها را تغییر دهند. به همین دلیل در زمانی که مؤلفه‌ها و شاخص‌های استاندارد جهت ارائه وجود ندارد رسانه‌ها به عنوان یک عامل نوآور می‌توانند راهگشا باشد. به تعبیر راجرز<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) نوآوری یعنی "فکر، روش یا شیئی که فرد یا واحد دیگری از اقتباس آن را نو تصور می‌کند." و هدف از اشاعه نوآوری شناختن افکار، روش‌ها و اشیای جدید و گسترش آنها در پهنه یک نظام اجتماعی است به طوری که در فرآیند اشاعه بر پذیرش یا رد یک نوآوری تأکید ویژه‌ای می‌گردد. به تعبیر راجرز نوآوری دارای ویژگیهایی است مانند امتیاز نسبی (درجه‌ای که تصور می‌گردد یک نوآوری بهتر از فکری است که می‌خواهد جایگزین آن گردد)، سازگاری (درجه‌ای که تصور می‌گردد نوآوری با تجارب گذشته و ارزشهای موجود و نیاز اقتباس‌گران احتمالی سازگار است)، پیچیدگی (درجه‌ای که تصور می‌گردد شناخت نوآوری و استفاده از آن دشوار است)، آزمایش‌پذیری (درجه‌ای که بتوان نوآوری را به طور محدود تجربه کرد) و مشاهده‌پذیری (درجه‌ای که نتایج نوآوری مشهود باشد). به نحوی اگر پیامهای رسانه‌ها در حمایت از نوآوری یا تغییر نگرش در گروه کوچک همراه باشد بیشترین اثر گذاری را خواهد داشت. راجرز و شومیکر<sup>۲</sup> (۱۹۷۱) ترکیبی از رسانه‌های جمعی و ارتباطات میان فردی را موثرترین راه برای رسیدن به افکار

1 -Rogers

2 -Shoemaler

جدید و متقاعد ساختن افراد می‌دانند. به نظر آنها استفاده از بحث‌های آزاد رسانه‌ای با حضور گروه‌های کوچک سازمان یافته جهت بحث در مورد محتوای موضوعات از روش‌های مناسب اشاعه نو آوری در سطح رسانه‌های جمعی است، چرا که بحث‌های رسانه‌ای با کاهش احتمال مواجهه گزینشی و درک گزینشی به افزایش اثر پیام‌های معطوف به تغییر کمک می‌کنند. (سورین، تانکارد، ۱۳۸۸، صص ۳۱۲-۳۲۱)

### نقش رسانه در فرهنگ سازی حجاب و تقویت هویت دینی

وقتی فرد در محیط‌های آموزشی و به خصوص دانشگاه حضور می‌یابد، با شناسایی مجدد خود و ساختارهای هویتی مواجه می‌شود. هویت اجتماعی بخش عمده‌ای از این نوع هویت را شامل شده که تحت تأثیر محیط دانشگاه بسیار قابل تعمق است.

تاجفل<sup>۱</sup> هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند زده و این عضویت را متشکل از عنصر شناختی، عنصر ارزشی و عنصر احساسی می‌داند. عنصر ارزشی با در نظر گرفتن پیامدهای ارزشی مثبتی که فرد برای تعلق و ارتباطش نسبت به دین قائل است، اهمیت می‌یابد. (عباسی قادی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰)

گیدنز به گونه‌شناسی هویت دینی اشاره کرده و بازاندیشی پیرامون آنرا منحصر به دوران مدرن می‌داند و دو شکل برای آن قائل است. اول هویت دینی سنتی که ارزش‌ها، احساسات و شناخت‌های این نوع هویت در شرایط جامعه پذیری به فرد منتقل شده و کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع کسی که این نوع هویت را دارد، کمتر حقایق و قطعیت‌های دینی را مورد پرسش و بازبینی قرار داده و ارزش‌های دینی را امری نسبتاً مطلق در نظر می‌گیرد. دوم هویت دینی بازتابی است، که ارزش‌ها، احساسات و شناخت، بیشتر مورد بازبینی و نقد قرار می‌گیرد و فرآیند شک‌اندیشی در مورد آنها، ویژگی سیال و موثری

1- Tojfel

در تغییرات اجتماعی دارد. این هویت فرد را تشویق به سؤال و بازبینی می کند. (موفقیان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵)

### حضور فراگیر و همه گیر رسانه

گربرنر<sup>۱</sup> و همکارانش به تأثیرات تلویزیون علاقه نشان دادند، چرا که به نظر آنها تلویزیون نقش بسزایی در زندگی مردم داشت. نظام پیام رسانی تکراری و مداوم TV موجب تقویت ارزشها و رفتارها شده و گستردگی زیاد تلویزیون باعث می شود تعداد زیادی از افراد تحت پوشش قرار گیرند. پس تلویزیون با این مشخصه قادر است، در دراز مدت، ادراکهای افراد را با قرآیندی ظریف که نام آنرا فرهنگ سازی نهاده اند، زیر نفوذ قرار دهد. طبق نظر پژوهشگران تلویزیون بذر ادراکهای (کاذب) اشخاص را همانگونه می کارد که باغبانی سبزیجاتی را در باغ خود کشت می کند. با این ویژگی رسانه و به خصوص تلویزیون نقش عمده ای در توسعه فرهنگ حجاب خواهد داشت. (لازار<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰)

### بحث و نتیجه گیری

عدم برنامه ریزی مشخص و مدون و عدم هماهنگی میان نهادهای فرهنگی و سیاست گذار راه را برای عده ای افراد مغرض و سود جو فراهم ساخته، آنان از این فضای نامناسب نهایت بهره برداری را داشته و مروج لباس های نامناسب شده اند. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۳۲) لذا در توسعه فرهنگ حجاب، بایستی میان تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی و نیز میان فعالیت های فرهنگی، ارشادی و اجرایی هماهنگی و هم سویی وجود داشته باشد. ایجاد هماهنگی میان خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط اجتماعی و رسانه های جمعی می تواند جامعه را به سوی تثبیت فرهنگ حجاب در جامعه سوق دهد. با توجه به تأثیر رسانه در

1- Gerebner

2-Lazar

ارتباطات میان فردی، ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت هویت دینی؛ لزوم گسترش و ترویج فرهنگ حجاب در محیط دانشگاهها از طریق رسانه ها امری ضروری به نظر می رسد. با توجه به مطالب ذکر شده فعالیت های زیر توسط رسانه ها در راستای تحقق این هدف راهگشا خواهد بود.

برنامه ریزی دقیق جهت معرفی و تحلیل آسیبها و خطرات عدم رعایت حجاب از طریق برگزاری نشستها و میزگردها با حضور مشاوران و صاحبان امر و بانوان. مانورهای فرهنگی - تبلیغی در خصوص گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاهها مانند تهیه فیلم - گزارش - مصاحبه و کلیپهای آموزشی از ثمرات رعایت حجاب و عفاف بانوان. معرفی الگوی پوشش عقیفانه از طریق صدا و سیما در سطح کلان و تبلیغات پیوسته و مداوم.

تشکیل کمیته ها و ستادهایی در راستای برنامه ریزی فرهنگی بین بانوان و مسئولان که رسانه می تواند نقش هماهنگ کننده را داشته باشند.



## منابع

۱. آقایانی چاوشی، اکبر و همکاران، ۱۳۸۶، حجاب برتر مقایسه دیدگاه کارکنان و مراجعه کنندگان زن به مراکز درمانی، مجله علوم رفتاری، شماره ۲، دوره ۱: ۱۵۵-۱۶۱.
۲. آقایانی چاوشی، اکبر و همکاران، ۱۳۸۹، دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر، مجله علوم رفتاری، شماره ۱، دوره ۴: ۷۷-۸۱.
۳. احمدی، خدابخش و همکاران، رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی خانوادگی اجتماعی، مجله علوم رفتاری، شماره ۲، دوره ۴: ۹۷-۱۰۲.
۴. اکبری، محمدرضا، ۱۳۷۷، تحلیلی و عملی از حجاب در عصر حاضر، تهران: انتشارات پیام عترت.
۵. اسحاقی، سید حسین، ۱۳۸۷، گوهر عفاف، قم، موسسه بوستان کتاب.
۶. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۸۶، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ هفدهم، انتشارات سروش.
۷. خرمی، حسین، ۱۳۸۴، با طلا باید نوشت، انتشارات امام عصر عج.
۸. جمشیدیها، غلامرضا و نجفیان رضوی، لیلا، ۱۳۹۰، شیوه های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره ی اول پهلوی، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۳، دوره ۲: ۳۷-۵۶.
۹. جاوید، محمدجواد، ۱۳۸۸، تاملی بر ابعاد عملی و تجربی حجاب، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۱۰. سورین ورنر جی، تانکارد جیمز دبلیو، ۱۳۸۸، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۶، جامعه شناسی ارتباطات. انتشار اطلاعات.
۱۲. صالحی امیری، رضا، ۱۳۸۶، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، انتشارات ققنوس.
۱۳. صفی یاری، مسعود، ۱۳۹۰، راز حجاب؛ چاپ هفتم، انتشارات نورالسجاد.
۱۴. عظیمیان، مریم، بهشتی، سعید، ۱۳۸۸، بررسی فلسفه و قلمروی حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن، مجله تربیت اسلامی، شماره ۸، سال ۴: ۷۵-۱۰۳.
۱۵. عباسی قادی، مجتبی، ۱۳۸۷، بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران. فصلنامه رسانه، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۱۶. قائمی، علی، ۱۳۷۳، حیات زن در اندیشه اسلامی، تهران: انتشارات امیری.
۱۷. گیویان، عبدالله، ۱۳۸۶، دین فرهنگ و رسانه. فصلنامه رسانه. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۱۸. لازار، ژودیت، ۱۳۸۶، افکار عمومی، ترجمه مرتضی کتبی، نشر نی.

۱۹. موفقیان، ناصر، ۱۳۸۳، تجدد و تشخص، گیدنز، آنتونی، تهران: نشر نی.
۲۰. معتمد نژاد، کاظم، ۱۳۸۶، وسایل ارتباط جمعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. منصوری، علی، ۱۳۸۹، حجاب و پوشیدگی در شهر سازی ایرانی - اسلامی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۰، دوره ۲۹: ۳۸-۴۹.
۲۲. نجاتی، غلامرضا، ۱۳۷۵، خاطرات بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۳. نظیفی، عباس و همکاران، ۱۳۸۹، آسیب شناسی فلسفه قانونی حجاب، انتشارات دادگستر.
۲۴. واتسن، هلن، ۱۳۸۲، زنان و حجاب، ترجمه مرتضی بحرانی، فصلنامه زنان، سال ۵، شماره ۲۰.

#### منابع خارجی

1. Lark .B .2002. Communication and Misson.20 CSokaP.A , Bakly , Rabinson .2001. Televangelism reconsidered. Atlanta: Scholars Press.

## راهکارهای ترویج و توسعه فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاه

### لیلا نارنجانی

مربی گروه علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، اصفهان  
و عضو هسته پژوهشی زنان واحد دولت آباد

### علی سلیمانی

دانشیار گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان

### چکیده

در تعریف عام هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه حجاب نامیده می شود، اقسام حجاب شامل حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ حجاب، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. در این مقاله حجاب از دیدگاه قرآن کریم معرفی می شود و با بیان جایگاه اجتماعی پوشش به مشکلات بد حجایی دانشجویان پرداخته و در نهایت راهکارهایی را برای این مساله ارائه می گردد.

**کلمات کلیدی:** حجاب، دانشگاه، هنجار، مدگرایی

## مقدمه

یکی از هنجارهای ملی و دینی جامعه اسلامی ایران، فرهنگ حجاب و پوشش کامل زنان و مردان هنگام حضور در دانشگاه است. این هنجار در منطق دین، طیف گسترده‌ای از رفتارهای مختلف از پوشش کامل اندام به استثنای مواضع خاص گرفته تا شیوه گفتار، نگاه، راه رفتن، استفاده از زیورآلات، آرایش کردن و کاربرد مواد خوش بوکننده را در بر می‌گیرد. افزون بر آن، به برخی امور حاشیه‌ای هم چون نوع دوخت، جنس لباس، رنگ و تناسب لباس با سن فرد نیز ارتباط می‌یابد. از این رو، حجاب کامل به معنای رعایت دقیق این مجموعه، متناسب با عرف اجتماعی و نقض کامل آن نشانه بی‌حجابی است. رفتار فرد باحجاب به دلیل رعایت معیارها و ضوابط و هم‌سوئی با ارزش‌های اجتماعی با واکنش‌های مثبت و رفتار بد حجابان و بی‌حجابان با واکنش‌های منفی از طرف دانشگاه روبه‌رو می‌شود.

پدیده (بی‌حجابی) که گونه‌ای انحراف و کج روی اجتماعی به شمار می‌رود، پدیده‌ای است که جامعه ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در برخی شهرهای بزرگ و به ویژه در میان برخی گروه‌های جامعه با آن روبه‌رو بوده است. با وجود رخ دادن دگرگونی‌های بنیادین در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی و توفیق نسبی در زدودن برخی مظاهر فرهنگ بیگانه، دانشگاه تاکنون نتوانسته است این معضل اجتماعی را به طور کلی حل کند و به این ضرورت فرهنگی و خواست همگانی، پاسخی شایسته بدهد. چه عواملی در شکل‌گیری این معضل موثر بوده و هستند و چرا تاکنون، با وجود حساسیت‌های شدید فرهنگی و اقدامات سازمانی، توفیق چندانی حاصل نشده است و چه موانعی برای درمان چنین معضلی وجود دارد. این مقاله با هدف شناخت این معضل و تبیین چرایی و جست‌وجوی دلایل شکل‌گیری و بقای آن از در دانشگاه تنظیم شده است. این مقاله با

مطالعه به صورت کتاب خانه ای و با تحلیل پژوهش های انجام شده و مشاهده های میدانی نگاشته شده است.

### تعریف حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند.

### هنجار پوشش

نابهنجار دانستن یک رفتار هنگامی عقلانی است که از قبل، شکل قاعده مند آن متناسب با معیارهای مشخص، معلوم شده باشد. از این رو، معرفی قلمرو حجاب مقدم بر تعیین حدود نقیض آن، یعنی بی حجابی است. حجاب از رفتارهای بهنجار و ارزشی و از ضروریات و مسلمات اسلام است. بر اساس آن چه در رساله های عملیه مراجع تقلید بیان شده و قوانین موجود کم و بیش با ارجاع به آن تنظیم و تصویب شده و عرف عام جامعه بر اساس آن رقم خورده، حجاب در قالب هنجاری زیر صورت بندی شده است:

زن باید بدن خود را از نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است) بپوشاند. ۱

### انواع حجاب

#### حجاب چشم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

#### حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (احزاب؛ ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

### حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند.

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (نور؛ ۳۱) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد؛

### حجاب و عفت

دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر.

### جایگاه اجتماعی پوشش

الگوی پوشش و کیفیت لباس در هر جامعه، بیش از آن که از شرایط اقلیمی، موقعیت تمدنی، اوضاع اقتصادی، نظام سیاسی، موقعیت سنی، جنسی و شغلی افراد، خواسته های شخصی و زیباشناختی افراد اثر بپذیرد، از ساختار باورها، ارزش ها، هنجارها، ایدئولوژی ها، الگوها، آداب و عادت ها و سلیقه های گروهی اثر می پذیرد. لباس، نشان دهنده ناخودآگاه فرهنگی جامعه است. لباس پوشیدن، نشانه اجتماعی بودن انسان است و مانند دیگر جنبه های اجتماعی بودن انسان بر اساس ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و انتظارات جمعی، شکل می یابد. ضرورت هم نوایی با اقتضاهای فرهنگ غالب و رعایت انتظارات جمعی، کمترین هزینه ای است که زندگی اجتماعی در ساحت های مختلف بر افراد تحمیل می کند. این هم نوایی برخلاف تصویر خام و ابتدایی آن، به معنای پذیرش قطعی اشکال متعین و تمکین بی چون و چرا در برابر الزامات انعطاف ناپذیر و تسلیم شدن در برابر اراده و خواست جمعی نیست، بلکه به معنای هم نوایی صوری، تشبه و هم آوایی ظاهری و تخلف نکردن آشکار از حداقل های هنجاری جامعه است. در حوزه پوشش نیز جامعه، انتظار خویش را نه در چارچوب قالب های معین، بلکه در قالب گزینه های متنوعی مطرح ساخته است که امکان اعمال گزینش های فردی همواره وجود خواهد داشت. ۲

در جامعه ما، به دلیل حساسیت های خاص درباره الگوی پوشش بانوان گزینه های محدودتری فراروی آنها قرار دارد و دخالت سلیقه کمتر است.

به دلیل الزامات ارزشی و هنجاری جامعه، پوشش، اجباری و گریزناپذیر است و افراد در هر شرایطی باید از آن برخوردار باشند. رعایت این حداقل، نیازمند حضور و مشارکت اجتماعی است و رعایت نکردن آن، به عنوان تخلف اجتماعی، واکنش هایی را برخواهد انگیخت. درجه این واکنش را میزان حساسیت و آستانه صبر جامعه تعیین خواهد کرد. هر جامعه به طور متوسط، از میزانی از تخلف و ناهم سوئی، با نگاه به سطح انتظار، در همه



عرصه های رفتاری از جمله پوشش، چشم پوشی و آن را تحمل می کند یا واکنش به آن را بنا به ملاحظاتی به تاخیر می اندازد. باید دانست اعضای جامعه میان ارزش های مسلط و ارزش های ثانوی یا مدگرایی، حق انتخاب اجمالی دارند. پیوستگی با هنجارها و ارزش های جمعی اجباری نیست، بلکه موجب ایجاد محدودیت در مسیر انتخاب و تصمیم اعضای اجتماع خواهد شد. هم نوایی نسبی با محیطی معین، همواره با امکان استفاده از حاشیه آزادی و برخورداری از خودمختاری همراه خواهد بود. از این رو، رخ دادن رفتارهای ناهم خوان و ناهم سو با انتظارات جامعه و ظرفیت های هنجاری آن، چندان خلاف انتظار نیست.

### دلایل بدحجابی در دانشگاه

(الف) نداشتن تلاش جدی و برنامه ریزی شده برای فرهنگ سازی حجاب باعث شده بدحجابی به صورت معضلی برای دانشگاهیان تبدیل شود. بی توجهی به جنبه های اخلاقی و تربیتی حجاب و پی آمدهای منفی رعایت نکردن آن در دانشگاه و نهادینه سازی حجاب با محدود ساختن وظایف خود به تنظیم قوانین و تعیین مجازات های قانونی بدون تلاش برای طراحی ساختارهای تکمیلی، دانشگاه را از جنبه های اساسی حجاب غافل ساخته است.

(ب) کم توجهی به الگو سازی و معرفی الگوها و اسوه های هم سو با ارزش ها و حساسیت های فرهنگی و متناسب با نیازها و تمایلات نسل جوان (پ) برای زدودن انحصار از برخی چهره های ساختگی رسانه ای که بیشتر هم ناهم گون و غیر ارزشی هستند می باشد. در برنامه ریزی همه جانبه برای مبارزه فعال با تهاجم فرهنگی غرب به ویژه در مقوله الگوها و سبک پوششی و آرایشی نیز جدیت چندان به چشم نمی خورد.

(ت) توجه ناکافی به نقش و اهمیت ساختارهای نظارتی و کنترلی غیر رسمی و برنامه ریزی مناسب برای بهره گیری از مشارکت جمعی در حل معضل های اجتماعی هم چون امر به معروف و نهی از منکر که با رفتارهای شتاب زده و ایجاد حساسیت های مقطعی و سلیقه ورزی های ناسنجیده به بهانه احیای سنت (نهی از منکر) در عرصه اجتماع، متعرض

زنان و دختران دارای پوشش نامناسب می شوند. به اعتقاد برخی جامعه شناسان، برخوردهای ناسنجیده با انحراف ها و منحرفان، در دراز مدت به گردهم آمدن این افراد در قالب گروه های سازمان یافته می انجامد. (تقابل می تواند افراد هم فکر و هم عقیده را در گروه های با ثبات یا حتی کم ثبات گرد هم آورد تا بتوانند هنجارهای مورد نظر خود را) و غالباً نیز ایدئولوژی خود را) استحکام بخشیده و توسعه دهند. (۳)

### جمع بندی

#### فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاه

در اینجا منظور از دانشگاه، دانشگاه های موجود در کشور عزیزمان ایران است. مسلماً دانشگاه به عنوان جزیی از اجتماع که وظیفه اصلی آن آموزش و به وسیله آن ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه است نیز مبرا از مساله حجاب نمی باشد و چون در این مکان مقدس دانشجویان دختر و پسر که در یک رده سنی جوان قرار دارند در کنار هم مشغول به تحصیل هستند و در تعامل با هم می باشند. لذا توجه به مساله حجاب رنگ تازه ای می گیرد. در اینجا حجاب به عنوان یک مساله عنوان شده است چرا که ذهن اساتید، دانشجویان، دفاتر فرهنگ و مسئولان دانشگاه را بسیار به خود معطوف ساخته است که "مناسبترین پوشش در سطح دانشگاه چیست؟" و یا به طور دقیقتر "بهترین پوشش در دانشگاه که علاوه بر رعایت موازین اسلامی، دانشجویان را نیز به خود جذب کند چیست؟" چرا که اگر دانشجو آن پوشش را دوست نداشته باشد از آن نیز استفاده نمی کند و یا به گونه ای استفاده می کند که قوانین اسلامی رعایت نشود (البته در اینجا منظور آن دسته از دانشجویانی هستند که با توجه به تعریف حجاب، حجاب کاملی ندارند). به نظر می رسد قبل از اعمال اجباری نمودن حجاب بایستی مطابق دستورالعمل قرآن کریم، به فرهنگ وجودی حجاب پرداخته شود. در واقع حجاب شخصیتی ویژه برای شخصی که آن را رعایت می کند ایجاد می کند و زمانی حجاب فراگیر می شود که این شخصیت برای دانشجویان نمایان و احساس شود. یعنی زمانی

که دانشجویان بر فواید حجاب آگاه گردند بدون هیچ لزومی و الزام خاصی آن را رعایت می‌کنند. بنابراین در این زمینه اساتید دانشگاه از نقش ویژه‌ای برخوردار هستند. اساتید دانشگاه که نعمت وجودی حجاب را تجربه کرده‌اند و بر ارزش آن کاملاً واقف هستند به خوبی می‌توانند در امر توسعه حجاب و آگاه‌سازی دانشجویان بر رعایت حجاب نقش داشته باشند. بنابراین در این زمینه اساتید بایستی با ظرافت خاصی عمل نمایند به گونه‌ای که از تمام جوانبی که در قرآن کریم به آن اشاره شده است تمامی ابعاد حجاب را با روش مناسبی آموزش داده تا دانشجویان با درک صحیحی از حجاب از دیدگاه قرآن آگاه شوند و بر آن تسلط یافته تا بتوانند با استفاده از آن به پیشرفت‌های ویژه‌ای در شخصیت انسانی خویش دست یابند. در این حالت دانشجویی که شخصیت انسانی او مطابق دستورالعمل قرآن پرورش یافته است نه تنها در دانشگاه که به این ارزش دست یافته است، حجاب را رعایت می‌کند بلکه حتی در تمامی مکان‌هایی که رعایت حجاب لازم است، حجاب خود را رعایت می‌کند. در واقع هدف اصلی دانشگاه از نظر فرهنگی که توسعه‌دهنده فرهنگ حجاب می‌باشد رعایت حجاب تنها در دانشگاه نیست بلکه ساختن شخصیت انسانی دانشجوی برای رعایت حجاب در عرصه زندگی خود و استفاده از فواید آن می‌باشد. بنابراین برای درمان بدحجابی بایستی براساس راهکاری‌های اصولی بر پایه دستورات قرآن اقدام نمود.

### راهکارها

از بررسی (بی‌حجابی) چنین به دست آمد که ریشه‌های پیدایش و گسترش این پدیده متعدد است و درمان اصولی آن نیز نیازمند برنامه‌ریزی همه‌جانبه و اعمال سیاست‌های مختلف، متناسب با شرایط و امکانات و محدودیت‌های موجود در دانشگاه خواهد بود. مهم‌ترین این سیاست‌ها و راه‌کارها عبارتند از:

۱. در پیش گرفتن سیاست‌های اصولی در برخورد با معضله‌های فرهنگی به ویژه

بی‌حجابی.

۲. تعریف مشخص و ترسیم الگوهای حجاب مطلوب و معرفی همگانی آن متناسب با روح تنوع طلبی و مدگرایی انسان معاصر و ضرورت‌ها و اقتضاها‌ی فرهنگی، مثلاً در نظر گرفتن لباس فرم در دانشگاه مانند برخی نهادها.
۳. تقویت جنبه‌های ارزشی، اخلاقی و تربیتی پوشش و تکریم پاس داران این عرصه، با گذاشتن کارگاه‌های مختلف و آشنایی با ابعاد حجاب از دیدگاه قرآن کریم.
۴. تحقیر ابتدال در پوشش به شیوه‌های مختلف فرهنگی و تبلیغی به جای تکیه صرف بر وضع قوانین و برخوردهای رسمی.
۵. تبیین و تبلیغ آثار مثبت و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب، و ایجاد هدف و انگیزه در بین دانشجویان.
۶. تبیین و تبلیغ آثار منفی بدحجابی و بی‌حجابی برای دانشجویان و افشای سیاست‌های تهاجمی دشمنان.
۷. تلاش برای انتقال فرهنگ حجاب از طریق دانشگاه با الگوسازی برای نسل جوان.
۸. پاسخ‌گویی به شبهه‌های مربوط به پوشش و ضرورت‌های آن با آرامش بدون داشتن تعصب‌های غلط.
۹. تلاش برای تقویت حریم‌های مردانه و زنانه در گستره وسیع نظام اجتماعی.
۱۰. تقویت حس مسئولیت والدین در برابر دانشجویان.
۱۱. بسترسازی مناسب برای ازدواج به موقع دانشجویان و ارضای جهت‌دار هیجان‌ها.
۱۲. بهینه‌سازی محصولات فرهنگی به ویژه کتاب‌ها، نشریات، فیلم‌ها و غنی‌کردن آرشیو دانشگاه با این محصولات فرهنگی.

## منابع

۱. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۱۵ توضیح المسائل مراجع عظام، مسئله ۲۴۳۵، ج ۲.
۲. حسین شرف‌الدین مقاله ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی
۳. لوئیس آ. کوزر، نظریه‌تقابل‌های اجتماعی، ترجمه: عبدالرضا نواح، ص ۲۷۴.

## طراحی الگوهای اعتقادی در خانواده به عنوان مبدع تربیت اخلاقی فرزند

زهرة سادات میرمقتدایی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان - تلفن: ۰۹۱۳۳۲۹۴۳۵۸

email:mirmoghtada@yahoo.com

### چکیده

**مقدمه:** برای دستیابی به اهداف تربیت دینی، توسعه فرهنگ تعالی اهمیت ویژه ای دارد. در حقیقت پویایی تربیت دینی در شرایط کنونی به پویایی روشها، نگرشها و برنامه هایی وابسته است که در سطح خانواده، نظامهای آموزشی و سیاستهای حاکم بر جامعه مطرح می شود و باید از حالت کلیشه ای و تحمیلی خارج شده و با روشهای علمی و صحیح ارایه شود. برای توسعه فرهنگ دینی در جامعه و اثربخشی شیوه های تربیتی مربوط در دل و جان افراد، از یک سو باید رغبت و نیاز درونی نسبت به این مسأله در آنان ایجاد شود تا انگیزه کافی برای بروز رفتار سالم را داشته باشند و از سوی دیگر باید روشها و شیوه های تربیتی فعال و مناسب جانشین شیوه های غلط و منفعل تربیتی گردد.

با عنایت به تعریفی که از «تربیت» و «دین» به عمل آمده می توان گفت تربیت دینی فرایندی است دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام برداشته، به سوی هدفهای مطلوب رهنمون گردد. عشق کلید تربیت دینی است. کسب فضایل اخلاقی باید به واسطه عشق به خداوند حاصل شود. هیچ تربیت و آموزشی بدون زمینه سازی، موفق نیست. اگر مجموعه عناصر و عوامل تاثیرگذار در ارسال یک پیام ارزشی، از وحدت و هماهنگی لازم در عمل برخوردار نباشد، نمی تواند موثر واقع شوند و چه بسا آثار یکدیگر را خنثی کنند. کودک متأثر از تمام انگیزه های خانوادگی است و رفتار او از این محیط تأثیر می پذیرد. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی کودک، احساسات، علایق، ویژگی های اخلاقی و

شخصیتی و حتی منطق قضاوتی و ارزشی خود را به او منتقل می‌کنند و کودک با علاقه و وجد تمام این معیارها را درونی می‌کند و شخصیت در حال تکوین خود را با آن وفق می‌دهد.

**هدف:** هدف اصلی مقاله بررسی تفصیلی نقش خانواده در تحول اعتقادی و ایجاد باورهای دینی-مذهبی و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی بصورت الگوهای اعتقادی در جهت دگرگونی در این زمینه است.

**مواد و روشها:** مقاله مروری فوق یک مطالعه کتابخانه‌ای بر روی آخرین و جدیدترین مقالات موجود در کتب و سایتهای مرتبط بوده و با نگاهی اجمالی به نقش خانواده در آموزش تربیت دینی می‌پردازد.

**کلید واژه‌ها:** خانواده- راهکارهای آموزشی- باورهای دینی و مذهبی - تربیت دینی

در تربیت اخلاقی، تربیت دینی از جایگاه رفیع برخوردار است. امروزه بین دو حوزه تربیت و اخلاق فرقه‌هایی مطرح شده است تا آن جا که صاحب نظران علوم تربیتی و حوزه اخلاق آن دو حوزه را دو علم مستقل می‌دانند، بو علی سینا می‌گوید: ماهیت تعلیم و تربیت عبارت است از «برنام ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی». اما اخلاق نیز ماهیت و تعریفی دارد که تنها به معنای اصطلاحی آن بسنده می‌شود: «اخلاق گاهی به معنای صفات نفسانی استعمال می‌شود و گاهی به عنوان صفت فعل به کار می‌رود یعنی کار اخلاقی». «علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان دارد بحث می‌کند و هم چنین کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله و زشت را نشان می‌دهد». سوال اول این است که آیا اصولاً امکان دارد که تربیت اخلاقی تحقق پیدا کند؟ علم روان‌شناسی به بررسی ویژگی‌های مختلف روحی - روانی انسان می‌پردازد. در وجود آدمی انگیزه‌هایی تعبیه شده است که به ناچار باید به آن‌ها آگاهی پیدا کنیم. برخی از انگیزه‌ها طبیعی است و پاره‌ای دیگر اکتسابی. گر چه تفکیک این دو در انسان خیلی سخت است اما در این جا برای آموزش آن، این دو را تفکیک کرده ایم. نمونه‌هایی که برای انگیزه‌های طبیعی ذکر شده عبارت از غرائزی است که رفتارهای آدمی را شکل می‌دهد. به جای غرائز مفهوم نیاز را نیز می‌توان استفاده کرد. غرایز، نیازها و یا انگیزه‌های طبیعی در یک طبقه بندی به سائق‌ها - نیاز به امنیت، نیاز به تعلق داشتن و مورد تحسین واقع شدن - نیازهای فطری (شناختی - عاطفی) شناخته شده است. تفاوت اساسی انسان با سایر حیوانات، در روحی است که انسان دارد، روح الهی انسان که به نفس ناطقه نیز مشهور است، او را از سایر حیوانات جدا می‌سازد خداوند وقتی راجع به خلقت انسان صحبت می‌کند، خاطر نشان می‌سازد که به انسان روحی داده است که از آن تعبیر به «روح من» می‌کند. این روح، یعنی روح خدائی به هیچ یک از موجودات دیگر



داده نشده است. این روح منحصر به فرد، خود نیازهایی دارد که از آن نیازها تعبیر به نیازهای فطری می شود. به این ترتیب «نیازهای فطری، نیازهایی هستند که از روح الهی انسان سرچشمه می گیرند».

### نیازهای فطری

نیازهای فطری بدین ترتیب طبقه بندی شده است:

۱- حقیقت جویی، ۲- نیاز به اخلاق یا فضایل، ۳- نیاز به زیبایی، ۴- خلاقیت و ابداع، ۵- نیاز به عشق و پرستش

آن چه در این جا مورد بررسی قرار می گیرد «نیاز به اخلاق» است. موضوع سوال اصلی ما این است که آیا ذاتاً امکان تربیت اخلاقی وجود دارد یا نه؟ در پاسخ به این سوال به این جا رسیدیم که در فطرت انسان «نیاز به اخلاق» تعبیه شده است.

### نیاز به اخلاق

انسان برای زندگی اجتماعی خود ناگزیر از وضع قوانین و اطاعت از آن است. در اجتماع، قوانین سعی می کنند حدود هر کس را تعیین و آنان را موظف به رعایت حقوق دیگران نماید. این قوانین گاه به مقررات اجتماعی و گاهی به اخلاق اجتماعی شهرت پیدا کرده اند. این مقررات و یا اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می آیند. انسان به طور طبیعی نیازمند به این گونه قوانین نیست، بلکه از آن جایی که برای رفع حوائج خود ناگزیر از زندگی اجتماعی است، لذا این مقررات را برای تنظیم حیات اجتماعی خویش وضع و رعایت می کند. مقصود از نیاز انسان به اخلاق، نیاز به مقررات اجتماعی و بین فردی نیست، بلکه مقصود از نیاز به اخلاق، تمایل طبیعی آدمی برای داشتن کمالات و خیرات اخلاقی است. انسان گذشته از این که در اجتماع زندگی می کند، فضیلت را دوست دارد و طالب آن است. انسان اگر در جهان به تنهایی هم زندگی کند، باز خود را مجاز به انجام هر کاری نمی داند. او از این که بر نفس خویش مسلط باشد، احساس

لذت می نماید و این سرمایه اولیه اخلاق به شمار می آید. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می نماید. از این رو از ضعف عقل گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می شود. تجربه ثابت کرده است که انسان از داشتن فضیلت های اخلاقی احساس رضایت مندی کرده و از صفاتی چون ظلم و تضییع حقوق و کارهای منافی عفت شرمسار است. این قضیه به ما در فهم امکان ذاتی تربیت اخلاقی کمک می کند. بنابر این به حکم عقل، تربیت انسان امری کاملاً طبیعی است در غیر این صورت وجود چنین نیازهایی چه معنایی دارد؟ علت دیگری که خارج از تفکر و تجربه انسانی است، وجود مکتب های گوناگون دینی و غیر آن است که هر کدام به طریقی به فضیلت های اخلاقی توصیه می کنند. اگر در این که آیا تربیت اخلاقی امکان دارد یا نه، شکی کنیم، کافی است که به ادیان الهی توجه کنیم. اگر چنین امکانی وجود نداشت، این همه ادیان در عصرهای گوناگون برای نسل های مختلف تلاش نمی کرد. می دانیم در کتب آسمانی پاره ای از مطالب به تاریخ و برخی به عقاید و در قسمت های دیگری به اخلاق پرداخته است. اگر انسان به اخلاق نیاز نداشت و یا تربیت اخلاقی در انسان بی تأثیر بود، آمدن این همه توصیه های اخلاقی لغو و بیهوده می شد و خداوند کار عبث و بی ثمر مرتکب نمی شود. پس امکان دارد که بگوئیم تربیت اخلاقی در انسان کار ساز است. علاوه بر وجود دین و شریعتی که توصیه به اخلاق می کند، رسولان الهی نیز چنین تکلیفی را بر عهده دارند. رسالت پیامبران رهنمون ساختن انسان ها به سعادت است. آنان تلاش کرده اند تا ارزش های اخلاقی را توسعه دهند. پس اگر امکان تربیت اخلاقی وجود نداشت ارسال رسولان هم کاری لغو و بیهوده بود در حالی که خداوند حکیم است. سومین مؤید برای وجود امکان تربیت اخلاقی، باور و اعتقاد به معاد است. معاد و بازگشت به جایگاهی که صواب از ناصواب و سره از ناسره بازخوانی می شود منجر به بروز رفتارهای اخلاقی و پایبندی به ارزش ها می شود. وجود باور به معاد و بازگشت انسان ها به

میز محاکمه مؤید دیگری بر وجود چنین امکانی است. در واقع معاد محرکی است برای خود سازی و توجه به پاک سازی نفس از آلودگی ها. بنابر این با توجه به قرائن مذکور آن چه امید تکامل و پابندی اخلاقی در انسان را روز افزون می کند التفات بشر به معاد است. امروزه با نگاهی گذرا به مراکز تربیتی از جمله مهد کودک ها، مدارس علمی، مراکز باز پروری، ندامت گاه ها و ... می توان به این نتیجه رسید که رشد و تربیت اخلاقی در انسان ها قطعی و غیر قابل انکار است. با توجه به آن چه بیان شد اگر بگوییم انسان قابلیت تربیت ندارد مستلزم تناقض شده ایم.

### مهم ترین عوامل موثر در تشکیل شخصیت اخلاقی انسان

به طور اجمال عوامل موثر در هدایت و تربیت اخلاقی انسان به دو بخش تقسیم می شود.

الف - عوامل بیرونی که عبارتند از: ۱- عامل وراثت و ژنتیک. از دوران های کهن، تاثیر اجمالی وراثت در ساختار هویت و شخصیت انسان محور بحث و مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان و عالمان اخلاق بوده است. «ژن» از پدران و مادران و نیاکان به نسل های بعد منتقل می شود. این ژن ها حاوی ویژگی ها و زمینه های موروثی است که از اولین بنیاد های شخصیت به شمار می رود. ۲- عامل فیزیولوژیکی. وضعیت و ویژگی های ساختمان بدنی، عضوی، عصبی، و فیزیولوژیکی از عوامل موثر در ساختار شخصیت به شمار می آید. ۳- عوامل طبیعی و مادی. موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی محل تولد و نشو و نما ی کودک نیز تاثیر مهمی در پیدایش نژاد های گوناگون و ساختار های شخصیت متفاوت در نوع بشر دارد. ۴- عوامل اجتماعی. این عامل در ردیف مهم ترین عناصر شکل دهنده ساختار شخصیت بشر شناخته شده است.

از جمله عوامل اجتماعی می توان به کانون خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط های عمومی، رسانه های گروهی، تاریخ و ... اشاره کرد. گروه های سنی هم چنین در شمار

مهم‌ترین عوامل بیرونی همواره مدّ نظر علما و اخلاق بوده است. در حوزه اخلاق رابطه استاد و شاگردی هم از عناصری است که در شکل دهی شخصیت اخلاقی بسیار نقش آفرینی می‌کند.

ب - عوامل درونی. درباره نقش و تأثیرات ژرف عوامل روانی و درونی، نظیر اندیشه و تعقل، فطرت، غریزه، گرایش‌ها، اراده و... علمای اخلاق نکات مهمی بیان کرده‌اند. وجدان یا ضمیر ناخودآگاه از دیگر عوامل مهم در تربیت اخلاقی شمارش شده است.

### اصول موضوعه نظام اخلاقی اسلام

راه کار اسلام برای تربیت اخلاقی حاوی سه اصل اساسی و مهم است. اصل اول حق انتخاب انسان در طول زندگی است. اختیار بشر در این که کدام راه را برگزیند نهایت احترامی است که خداوند به انسان گذاشته است. دومین اصل در نظام اخلاقی اسلام، این است که انسان دارای مطلوب نهایی است. انسان در این نظام پوچ‌گرا و ولنگار نیست و تمام کارهایش بر اساس عنصر «مطلوبیت» پایه ریزی شده است. مطلوب مورد نظر انسان، مطلوبیت و خاستگاهی ذاتی است. این هدف نهایی، همان چیزی است که بالفطره برای انسان (بدون در نظر گرفتن عقیده) مطلوب است که از آن به سعادت، فلاح و فوز و... تعبیر می‌کنیم همه دنبال سعادت‌اند اما راه رسیدن به آن و یا مصداق سعادت را در پاره‌ای موارد اشتباه می‌کنند. باید دقت کرد که تشخیص مصداق سعادت با پیروی از دین، مطمئن و جاودان است. تمام بایدها و نبایدهای قرآن، زمینه وصول به سعادت را فراهم کرده است. از دیگر اصول موضوعه، اصل تأثیر تلاش انسان در وصول به هدف است. اعتقاد به این اصل و آگاهی از تأثیر اعمال و رفتار انسان نسبت به سرنوشت وی برای وادار کردن شخص به حرکت و تلاش در مسیر اهداف عالی اخلاقی، لازم و ضروری خواهد بود. این اصل نشان می‌دهد که تلاش هدر نمی‌رود و نتیجه بخش خواهد بود هم چنین نشان می‌دهد که بدون تلاش، رستگاری تحقق‌پذیر نیست، و دیگران توان تغییر سرنوشت او را ندارند. این اصل

می‌رساند که انسان نمی‌تواند سربار دیگران شود و نمی‌تواند مشکلاتش را به عهده دیگران بگذارد. آیاتی که در قرآن به نوعی بحث جزاء را مطرح می‌کند، این اصل را روشن می‌سازد. با توجه به آن چه گذشت، آیات قرآن اشاره می‌کند که تربیت اخلاقی امری است که با تلاش انسان و داشتن هدف و غایت نهایی در سایه خواستن انسان امکان پذیر است. در جامعه کنونی گر چه تهاجم فرهنگی با تمام قوا در حال فعالیت است، اما تا انسان نخواهد و نپذیرد بیگانگان موفق نمی‌شوند. تهاجم زمانی کارساز است که انسان هدف نهایی نداشته باشد و زمانی کارساز است که انسان به توصیه‌ها و قرآن و اهل بیت - علیهم السلام - عمل نکند و تلاش در رسیدن به سعادت را از خود نشان ندهد. پس در عصر ما عنصر اصلی برای رسیدن به تربیت اخلاقی، توجه تمام و کامل به «وحی» است. وحی که در قالب قرآن و یا کلام اهل بیت است، قانون اساسی است. این قانون ساختمان حیات معنوی انسان را ترسیم کرده است. پس اخلاق و تربیت زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً اهداف معاندین و دشمن درونی (نفس) معلوم شود ثانیاً به سوی هدف نهایی قرآن، با تلاش و حوصله حرکت کرده تا در سایه اختیار و آزادی به مطلوب نهایی واصل شود. وجود عالمان ربانی، نیکان و صالحان و افراد باتقوی و معتمد نشان می‌دهد که در عصر کنونی امکان تربیت اخلاقی وجود دارد. و از قبل از تولد تا آخر عمر باید مراقب بود تا به فلاح و رستگاری نائل شد. به نظر می‌رسد بهترین راه برای تربیت جامعه و فرد، الزام انسان‌ها به رعایت قوانین و مقررات مربوطه است.

ابزاری که امروزه در اختیار ما است چه ابزاری که به گونه‌ای افراد را محدود می‌کند مانند حریم خانواده و یا مراکزی که محدود کننده است و هم چنین مراکزی که به نوعی در ساختار اخلاقی جامعه موثرند مانند رسانه‌ها، می‌تواند زمینه‌های تربیت را ایجاد کند. عنصر امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین عوامل کنترل اخلاقی جامعه است که باید به آن پرداخته شود.

## ابعاد یادگیری تربیت دینی در حریم خانواده

### - بعد شناختی

خانواده‌ها نخست باید به کودکان اندیشیدن را بیاموزند. فکر، نخست با احساس آغاز می‌شود. از ترکیب تاثرات حسی، عقل حسی و مفاهیم، و از ترکیب مفاهیم، ادراک عقلانی حاصل می‌شود. خانواده نخست باید آموزش را از آشنایی کودک با طبیعت آغاز کند. بدین معنا که درباره نظم و زیبایی سخن گفت: سپس رابطه طبیعت را با خدا تبیین کرد، به تدریج که کودک رشد می‌کند می‌توان مفاهیم دینی را بدو آموخت. باید به کودک آموخت که تصور خداوند در هر حالت و هر شکل باید همراه با تقدیس و تکریم باشد.

### - بعد رفتاری

مربی در خانواده چه در جایگاه پدر و مادر و چه در جایگاه خواهر و برادر باید سعی کند تا در کودک فضایل اخلاقی به ملکات اخلاقی مبدل گردد. برخی از فلاسفه معتقدند که باید فضایل اخلاقی چنان در روح آدمی رسوخ کند که حتی در خواب هم به عمل خلاف نیندیشد و این ممکن نیست مگر آنکه عادات نیک از کودکی در وی پرورش یابد. به همین جهت تربیت را فن تشکیل عادات دانسته‌اند. گرچه برخی از علمای تعلیم و تربیت جدید تشکیل عادات را روشی تلقینی دانسته‌اند آن را مغایر با تربیت می‌دانند، اما اکثر متفکرین تعلیم و تربیت بر این نکته اتفاق نظر دارند که باید تلاش کرد تا از طفولیت، کودک در خانواده خود به عادات نیک خو گیرد و پرورش یابد. داشتن الگو از راههایی است که کودک می‌تواند به وسیله آن دارای عاداتی نیک و رفتاری پسندیده گردد. گرچه محیط پیرامون آدمی، جامعه، فرهنگ، حکومت و به خصوص مدرسه، تاثیر بسزایی در تربیت دینی و اخلاقی کودک دارد، اما خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کودکان از سالهای نخستین زندگی خود از طریق الگوپذیری به یادگیری می‌پردازند. علاقه کودک به پدر و مادر و محبتی که از ایشان می‌بیند سبب می‌شود تا به همانند سازی با ایشان همت

گمارد. به همین جهت است که رفتار والدین نقش اساسی در تربیت فرزندان خواهد داشت. الگو پذیری کودک از والدین در خانواده بنحو احسن صورت گیرد لذا یکی بودن کردار و گفتار در خانواده مهم می باشد. وقتی خانواده ای خود از مقیدین صلاه باشند، نونهالان چنین خانواده ای نیاموخته، اهل نماز می شوند. چیزی که نیاز به آموختن دارد، فصول نماز است نه اصول نماز. غریزه تقلید یکی از عزایز نیرومند و ریشه دار انسان است. اگر این غریزه نبود کودک چگونه می توانست بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن و... را فرا گیرد؟ در خانواده والدین به عنوان اصلی ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا مربی از سرشوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که خود بتواند فطرت خداجوی خود را کشف کند و تجربه دینی را بطور حضوری شهود نماید. این ممکن نخواهد شد جز با عشق. عشق کلید تربیت دینی است. کسب فضایل اخلاقی باید به واسطه عشق به خداوند حاصل شود. انسان کامل کسی است که بتواند گرایش های والای انسانی، همچون کمال طلبی، حقیقت جویی، خداجویی، علم طلبی، عدالت خواهی و... را در خود کشف کند و پیوراند. در حقیقت جمال معنوی است که می تواند دل را مهبای کمال سازد. برای شناخت حقیقت می توان از عقل و استدلال و نیز دل مدد جست. در گرایش کودکان و نوجوانان به امور دینی و مذهبی عناصر مختلفی نقش دارند. از جمله مهمترین و مؤثرترین این عوامل خانواده می باشد. تربیت و آموزش، انتقال اطلاعات نیست بلکه تغییر در جهان بینی است. هیچ تربیت و آموزشی بدون زمینه سازی، موفق نیست. اگر مجموعه عناصر و عوامل تاثیرگذار در ارسال یک پیام ارزشی، از وحدت و هماهنگی لازم در عمل برخوردار نباشد، نمی تواند موثر واقع شوند و چه بسا آثار یکدیگر را خنثی کنند. عناصر و عوامل تاثیر گذارنده در محیط خانه، مدرسه و جامعه در القای یک ارزش معنوی و رسانیدن پیام و بیان روح مذهبی، اگر عملاً یکدیگر را نفی کنند و یا در برنامه ها و اظهار مطالب، هر کدام راه و هدفی متفاوت و مغایر با یکدیگر ببینند، در ذهن فرد تناقض بوجود می آورند و پیام منجر

به ایجاد انگیزه، شوق، اراده و عمل نمی‌شود. اما در این میان، یک نکته مهم و قابل توجه را نباید فراموش کرد که اگر تربیت دینی و مذهبی خانواده‌ای اساسی و ریشه‌ای باشد، فرد تربیت شده می‌تواند در برابر تندبادهای مختلف فرهنگی و اجتماعی مقاومت کند و از مسیر صحیح زندگی خارج نشود. آموزش و پرورش روحیه مذهبی مناسب، ابتدا از خانه شروع می‌شود و خانواده نقش مهمی در انتقال فرهنگ دینی از خود بروز می‌دهد.

### - آداب و عبادات مذهبی

آداب و عبادات مذهبی چون پاسخی به عالی‌ترین نیازهای معنوی است، اگر بطور طبیعی و با جلب رضایت قلبی ارائه شود، احساس خوشایند را در آنان برمی‌انگیزد و مربی آن را براحتی جذب می‌کند، چرا که عواطف و احساسات، مهمترین نقش را در تکوین، رشد و پرورش شخصیت جوان و نوجوان دارند. بدیهی است زمانی که کودکان و نوجوانان در معرض یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارند، لازم است برای این موضوع زمینه‌سازی شود تا همراه با آموزش، احساس خوشایند در او ایجاد گردد و به این ترتیب، نتیجه‌ای مطلوب به بار آورد. در اینصورت، تقویت چنین گرایش فطری نیز بسیار آسان و طبیعی خواهد بود. کسب عاداتها و رفتارهای مذهبی بیش از آنکه متاثر از اندرزها و سخنان والدین باشد، معلول پذیرش رفتار، عواطف و احساسات مرتبط و همراه با مهر و محبت آنان است.

با برانگیختن احساساتی خوشایند در حین انجام فرایض مذهبی در کودکان و نوجوانان، زمینه یادگیری رفتارها و احساسات مطلوب فراهم می‌گردد و این نیز به نوبه خود موجب تقویت انگیزه و گرایش به نیایش و ارتباط با پروردگار متعال می‌شود. یادگیری بیشتر رفتارها و گفتارهای کودکان و نوجوانان، براساس مشاهداتی است که نسبت به اعمال والدین دارند و نیز احساسی که فضای ارتباطی خانواده در آنها پدید می‌آورد، در این امر



موثر است. در کانون خانواده است که گرایش دینی افراد تقویت می شود و خمیر مایه شخصیت مذهبی در آنان تکریم می یابد.

بسیاری از رفتارها و گرایشهای کودک و نوجوان، از قبیل گرایش به نماز و روزه، شرکت در کارهای خیر و اهمیت دادن به وظایف و تکالیف دینی، غالباً متأثر از تجارب خوشایند تربیتی آنان در خانه و خانواده است. کودکان بشدت نیازمند و تشنه یادگیری هستند و احتیاج به امنیت و آرامش خاطر و اتصال به یک قدرت، رحمت و عطف دارند. آوای ملکوتی قرآن و نوای دلنشین اذکار نماز، حتی در دوران بارداری مادر موجب جنب و جوش و شکوفایی گرایش و احساسات دینی در کودک می شود. خانواده باید تلاش کند که آموخته‌های مذهبی کودکان با تجارب و احساسات خوشایندی شکل بگیرد. سعه صدر، ابراز احساس خرسندی و روحیه رضایتمندی، گرایش به این احساسات مذهبی را برای کودکان گوارا می سازد. مشاهده رفتار اطرافیان (بخصوص والدین) انگیزه ای قوی و غنی برای یادگیری و آموزش فرزندان است. وقتی که کودک نسبت به رفتار و نحوه حرکات و حرف زدن والدین و اطرافیان کنجکاو می شود، باید توجه داشت که کنجکاوی وی بی هدف و بی نتیجه نیست، بلکه متضمن الگوگیری و مشارکت فعالانه او به صورت تجربه ای جدید در فرازهای حساس زندگی است. زمانی که نوجوان، الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در موقعیتها و شرایط مختلف زندگی، در رفت و آمدها، میهمانیها و برخورد بستگان و دوستان مشاهده می کند احساس شادمانی، شوق و شغف سراسر وجودش را فرا می گیرد و عمیقاً نسبت به رفتار آنها کنجکاو می شود و از آنان الگو می گیرد. مهیا کردن چنین فضایی، بخصوص اگر همراه با مشارکت فعال کودکان و نوجوانان و همسالان آنان باشد برایشان بسیار دلنشین و دلپذیر است و همین امر بتدریج گرایش به امور مذهبی و روحیه اجتماعی را در آنان تقویت می کند. بدیهی است هر قدر الگو محبوبتر باشد، یادسپاری رفتار آسانتر می گردد. نگاهها و حالات و به سر بردن در این لحظات، غرق

در سرور و شادی می شوند و سعی دارند که خود نیز این قبیل رفتارها را با اشتیاق تمام باز آفرینی کنند. پدر و مادر و اهل خانه اگر در رفتارهای خود، به راست گویی، صداقت، عفاف و حجاب، صبر و بردباری و توجه به حساسیت نسبت به اوقات نماز ارج بنهند و در عملکردهای خود ثابت قدم باشند، تاثیر گذاری و درون سازی گفتار و رفتارشان به مراتب بیشتر از زمانی است که تنها با گفتار و یا اجبار، فرزندان خویش را به کارهای مذهبی وادار سازند، در حالیکه خود در عمل سهل انگاری می کنند. لحظه های حساس و پرجاذبه رفتار پدر و مادر در ایجاد فضای دوستانه، صمیمی و دلنشین عاطفی در مواجهه با فرزندان، سبب می گردد که آنان بدون زحمت، رفتار مورد علاقه خود را مورد توجه و تقلید آگاهانه قرار دهند. پدر و مادر و اعضای خانواده، اگر توجه داشته باشند که در خانه، سفر یا گردش، در میمهمانی و یا در حین کار و بطور کلی در هر موقعیتی به اصول و احکام دینی پایبند باشند و به آن اهمیت دهند، در تلقی و نگرش فرزندان نسبت به فرایض دینی تاثیر مضاعف خواهد داشت.

### خانواده و گرایش مذهبی

خانواده ها از لحاظ گرایشهای دینی به مذهبی، فاقد مذهب و ضد مذهب تقسیم شده اند. خانواده های فاقد مذهب و ضد مذهب اساساً به غنی سازی پایه های اعتقادی فرزندان خود نیازی نمی بینند در حالی که خانواده های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه های اعتقادی فرزندان خود راهکارهایی را جستجو، و از این لحاظ احساس وظیفه می کنند تا بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند. نقش شگفت انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست. شکوفایی استعدادها و ارزشهای والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. شهید مطهری معتقد است که تعلیم و تربیت، بحث ساختن افراد انسانهاست. یک مکتب که دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد و به اصطلاح، سیستم حقوقی

و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد؛ یعنی مکتبی که می‌خواهد در مردم طرح‌های خاص اخلاقی، اقتصادی و سیاسی را پیاده کند بالاخره اینها را برای انسانها می‌خواهد؛ اعم از اینکه هدف فرد باشد یا جامعه. با توجه به تعاریف ارائه شده، آموزش یکی از ارکان تربیت است؛ آموختن انواع رفتارها و اعمال، نگرشها و تفکرات، اعتقادات و باورها. پس در تعلیم و تربیت می‌توان از مربی و مربی، معلم و متعلم سخن گفت. معلم و مربی عرضه کننده، و مربی و متعلم دریافت کننده چیزی است که باید آموخته شود. مواد آموزشی نیز در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین در تعلیم و تربیت با سه رکن سروکار داریم که می‌توان آنها را مانند سه رأس مثلث در نظر گرفت که معلم یک رأس، متعلم رأس دیگر و مواد آموزشی نیز رأس دیگر آن است. البته در بین این سه رکن تعاملات مختلفی در جریان است که در بحثهای تخصصی تعلیم و تربیت مشروحاً بدانها پرداخته می‌شود. مانند انواع روشهای آموزشی و یا استفاده از وسایل کمک آموزشی.

زمانی که این نظام و مواد آموزشی توسط دین عرضه می‌شود، می‌توان از تعلیم و تربیت دینی سخن گفت که در طی آن پیروان یک دین با دستورالعملها و احکام و مقررات دینی آشنا شده، آنها را اجرا می‌کنند؛ چیزی که از آن به شعائر تعبیر می‌شود. شعائر، اعمال مخصوصی است که فرد دیندار برای خشنودی خداوند انجام می‌دهد. رفتار دینی که در قالب شعائر است یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای انسانی است که تا مدت‌ها مورد توجه جدی دانشمندان علوم انسانی قرار نمی‌گرفت. البته به نظر می‌رسد که این رویکرد در حال تغییر است. تاریخ آفرینش انسان نمایانگر این واقعیت است که همزمان با آفرینش انسان بر روی زمین دین نیز متولد شد و همواره پیامبرانی به کار هدایت و راهنمایی انسانها مشغول بوده‌اند. پرستش نیز در ذات و نهاد آدمی نهفته و جبلّی و فطری اوست؛ ریشه و منشأ واقعی مذهب همان فطرت و سرشت انسان می‌باشد. یکی از مباحثی که امروزه حوزه وسیعی از مسائل تعلیم و تربیت را به خود اختصاص داده، تأثیر متغیرهای محیطی بر شکل‌گیری شخصیت

است. از جمله این متغیرهای محیطی دین و آموزشهای دینی معرفی شده است. تحقیقات فراوانی نشان داده است که دین و مذهب می‌تواند نقش سازنده‌ای در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان ایفا کند و مهمتر از آن اینکه این تحقیقات بر نقش مثبت دین در بهداشت روانی انسان صحنه می‌گذارد. تربیت دینی که با آموزشهای محیطی قابل اجراست به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله مهمترین آنها و در درجه نخست به علاقه‌مندی والدین و حسن ظن آنها به دین و اعتقادات مذهبی بستگی دارد. در نتیجه نقش خانواده در تربیت دینی، اساسی و مهم است.

### انواع تربیت دینی

تربیت دینی در مقام اجرا، به دو شکل رسمی و غیر رسمی در قالب نهادهای آموزشی رسمی، خانه و جامعه انجام می‌گیرد و هر کدام نقش اساسی در تدین فرد دارد.

#### ۱- رسمی

«تربیت دینی رسمی» این است که تربیت دینی با برنامه ریزی مدون و از پیش تنظیم شده به وسیله افراد خاصی در نهادهای آموزشی انجام شود. محیط مدرسه جایی است که شخصیت دینی و مذهبی فرد پس از خانواده در آن شکل می‌گیرد. مدرسه ابتدایی بیش از دیگر نهادهای آموزشی در تربیت دینی متربی مؤثر است؛ زیرا متربی در این مرحله از زندگی، گیرنده است و هر چه به او القا شود، می‌پذیرد. در محیط مدرسه، نه تنها معلم و مربی در تربیت دانش آموز مؤثرند، بلکه سایر کارمندان و مسئولان و فضای آموزشی نیز بر ابعاد تربیتی او تاثیر می‌گذارند. دو نهاد خانه و مدرسه مکمل یکدیگرند، بر هم تاثیر متقابل دارند و هر یک نقش خاصی در تربیت کودک ایفا می‌کند.

## ۲- غیر رسمی

این نوع از تربیت دینی در قالب دو نهاد خانه و جامعه بدون طرح و برنامه پیشین انجام می‌گیرد. پس از خانه و مدرسه، جامعه ای که کودک در آن زندگی می‌کند به عنوان یک عامل مؤثر در تربیت دینی وی ایفای نقش می‌کند؛ زیرا کودک تمامی آداب و رسوم اجتماعی و بیش‌تر نگرش‌های دینی و مذهبی را از اجتماع فرا می‌گیرد. اگرچه در زمینه تربیت دینی کودک در جامعه، طرح و برنامه ریزی قبلی پیش‌بینی نمی‌شود، ولی آنچه در جامعه می‌گذرد، اعم از فرهنگ عمومی مردم، روابط اجتماعی، مسائل سیاسی و برداشت‌های دینی، بدون شک، بر ابعاد جسمی و روحی تربیتی تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر فضای حاکم بر اجتماع و محل زندگی فضای دینی و معنوی باشد و هر روز برنامه‌های نماز جماعت و دیگر مراسم دینی و مذهبی در آن برقرار شود، کودکی که در چنین جامعه‌ای پرورش می‌یابد به احتمال بسیار قوی، متدین خواهد بود. به عکس، در جوامع آلوده به انواع انحرافات و بی بند و باری‌های فکری و عملی بعید است افراد صالح و متعهد به ارزش‌های دینی و اسلامی پرورش یابند.

## راهکارهای تربیت دینی

### الف - تفاهم بین والدین

یکی از راه‌های ایجاد ثبات و آرامش در خانواده، تفاهم اعتقادی بین والدین است. رابطه بین اعضای خانواده (همسران با همدیگر و والدین با فرزندان) که از آن به جو یا بافت عاطفی خانوادگی تعبیر می‌شود در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی، آسیب‌شناسان روانی، آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان همگی بر این نکته مهر تأیید می‌زنند که کجرفتاریها و انحرافات اجتماعی در انسانها تا اندازه زیادی ریشه خانوادگی دارد و حتی یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه را روابط خانوادگی دانسته‌اند. رابطه بین زن و شوهر بر بهداشت روانی مجموعه خانواده تأثیر

می‌گذارد و در این مجموعه فرزندان شکننده‌ترند. در محیط گرم و دوستانه خانوادگی که در آن پدر، مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابطی دوستانه و صمیمانه‌اند، معمولاً کودکانی شاد، سالم، با شخصیتی فعال و مثبت و مستقل بار می‌آیند که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت محبت و کمک به دیگران نشان می‌دهند. برعکس در محیطهای خانوادگی از هم پاشیده و زندگی در محیطهای آلوده و منحرف کننده، عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین به تربیت فرزندان، اساس نابهنجاریها را در آنها پایه‌ریزی می‌کند که این امر در نوجوانی و جوانی شدت و حدت بیشتری پیدا می‌کند.

#### ب - بعد الگویی خانواده

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکانهای کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواه ناخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزشها نقش الگو را به عهده دارند. دلایل متعددی وجود دارد که کودک برای فراگیری ارزشها و رفتارهای والدین برانگیخته شود. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز می‌کند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عمل الگو بسیار تأثیرگذارتر از بیان الگوست. بنابراین اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند.

#### ج - جدیت و منظم بودن

آموزش دینی، جدی است؛ بنابراین به نظم و جدیت نیاز دارد. کودک باید پی‌ببرد که هرآنچه به دین مربوط است از ارزش و احترام برخوردار است. پس باید در برابر آن خاضع و خاشع بود. این اهمیت و جدیت در خانواده باید عملاً برقرار شود.

**د - تشویق تفکر و اندیشه**

تفکر در آموزشهای اسلامی یکی از فعالیتهای بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. تعلیم و تربیت مذهبی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به سمت زیباییهای اصیل و ماندگار و جاودان هدایت کند. فرزندان را به سمت زیباییهای الهی و قرآنی بکشاند که پیامبر(ص) و ائمه(ع) الگوهای کاملی از این گونه زیباییها قلمداد می‌شوند. بنابراین به کودکان و نوجوانان باید آموخت که درباره پدیده‌های پیرامون خود بیندیشند و هرچیز را خام و ندانسته قبول نکنند؛ تلاش کنند به عمق معانی و مفاهیم رجوع کنند؛ رفتارها را در نظر بگیرند؛ سؤال کنند و همواره در جهت ارتقا و افزایش دانش و اطلاعات خود باشند. البته در این میان نباید از نقش مشوقهای والدینی غافل شد. صبر، حوصله و دانش والدین در این میان بسیار اساسی است که فرزندان بتوانند در این جهت قرار بگیرند.

**و - تمرین و تکرار**

مفهوم تکرار در یادگیری از اهمیت خاصی برخوردار است. تمرین و تکرار موجب کسب مهارت در یک زمینه و باعث ایجاد عادت و ملکه رفتاری است. در قرآن کریم برخی از مسائل اساسی و مهم، همانند اصول اعتقادی و امور غیبی که این کتاب آسمانی می‌خواهد آنها را در اذهان مردم جا بیندازد مثل توحید، ایمان به غیب، رستاخیز و ... از شیوه تکرار استفاده شده است. تمرین و تکرار موجب کسب مهارت در یک زمینه و باعث ایجاد عادت و ملکه رفتاری است. در قرآن کریم برخی از مسائل اساسی و مهم، همانند اصول اعتقادی و امور غیبی که این کتاب آسمانی می‌خواهد آنها را در اذهان مردم جا بیندازد مثل توحید، ایمان به غیب، رستاخیز و ... از شیوه تکرار استفاده شده است.

**ز - ایجاد رابطه عاطفی**

برقراری رابطه صمیمانه و پرمهر و محبت برای الگو لازم است. ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواستهای آنان پیروی کنند؛ زیرا

می‌ترسند که در غیر این صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین با استفاده از علائق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار مفید باشد.

### ح - استفاده از زمینه‌های تشخیص طلبی

هر جا که این عامل قدرتمند اجتماعی موجود باشد گرایش‌های افراد نیز به همان سمت خواهد بود. بنابراین اگر مشاهده می‌کنیم که گرایش نوجوانان به سمت همسالانی است که برای نظریات و عقایدشان احترام قائل هستند و نوجوانان آنها را بر اعضای خانواده ترجیح می‌دهند، نباید تعجب کرد زیرا نوجوان این نیاز را در جمع دوستان بیشتر فراهم شده می‌بیند. والدین می‌توانند از این عنصر در جهت مثبت استفاده کنند و با فراهم آوردن زمینه‌های تشخیص طلبی، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌خواهی در امور، نوجوان را جذب کنند. والدین می‌توانند در جمع‌های خانوادگی به طور غیرمستقیم به ارزش‌های مذهبی اشاره کنند و کسانی را که از آنها پیروی می‌کنند ستایش کرده، افراد معروف و محبوب و شناخته‌شده‌ای را که از ارزش‌های مذهبی پیروی می‌کنند، معرفی نمایند. سپس به فعالیت‌های مذهبی کودک و نوجوان خود پرداخته، آنها را بسیار کوتاه و گذرا برای حاضران تشریح کنند.

### ط - کنترل‌های غیرمستقیم

مراقبت از برنامه‌های مذهبی کودک و نوجوان، تذکر بموقع و واداشتن آنان به این امور، لازم و حتمی است. در عین حال باید توجه داشت که این کنترل‌ها هر اندازه غیرمستقیم‌تر و هنرمندانه‌تر باشد، مفیدتر است و احتمال گرایش نوجوان را بیشتر می‌کند.

### آسیب‌های تربیت دینی

آسیب‌شناسی تربیت دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقادات و باور دینی و آگاهی و معرفت دینی و یا رفتار عملی، در اندیشه و عملکرد جامعه دینی وارد می‌شود و



یا ممکن است وارد شود. این آسیبها می تواند عوامل و منشاءهای گوناگون داشته باشد ولی عموماً در دو بعد ظاهر می شود بعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین شناسان و یا مدعیان دین شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و یا متظاهران به دینداری است. افراط یا تفریط جزو یکی از آسیبهای مشخص در تربیت اسلامی است که در تمامی جوانب و حوزه های اندیشه و رفتار دینی قابل ظهور است. تاکید به میانه روی و اعتدال در هر میلی و خودداری از فرو افتادن در لغزشگاه افراط و تفریط، از مهمترین توصیه های تربیت دینی است.

#### (۱) ریاکاری و ظاهرسازی

یکی از آسیب های مسلم در تربیت دینی، ظاهرسازی و ریاکاری است که در حوزه مربوط به آموزش و پرورش رسمی در نتیجه ضعف در بعد عملی و درک صحیح معرفت دینی در مجموعه فعالیتهای آموزشی و متون درسی دینی و قرآن، فراهم می گردد و منجر به فراهم نمودن زمینه ظاهرسازی در تربیت دینی خواهد شد. عدم شناخت صحیح مربی و دست اندرکاران مستقیم در امر تربیت دینی باعث خواهد شد که مربی بدون معرفت عمیق، تنها به یادگیری ظاهری و طوطی وار و انجام مناسک و آداب دینی سطحی مورد نظر مربی اقدام نماید. پس یکی از عوامل بسترسازی ریا و تظاهر، در تربیت دینی به ضعف و نقص در معرفت دینی مربوط می شود. الزام، اجبار و فشارهای اجتماعی از دیگر عوامل این انحراف محسوب می گردد. روح دین و تربیت دینی بر آزادی عمل استوار است و تاکید مسلم دین به کسب ایمان توأم با عمل صالح است. پس اجبار و اکراه نمی تواند منجر به ایمان و تربیت دینی گردد. الزام، اجبار و اکراه چون دارای نتایج فوری و بعضاً رضایت بخش برای مربیان است و به رغم آنها متر بیان و دانش آموزان از لحاظ دینی از نظر ظاهری مناسب می آیند می تواند زمینه انحراف در تربیت دینی را فراهم نماید. اعتقاد دینی و رفتار دینی می بایست جان و روح فرد را فرا بگیرد و در اصل، ایمان دینی به دل و روح

انسان برمیگردد، لذا هرگونه رفتاری که خالی از درک صحیح معرفت دینی باشد نمی‌تواند مورد تأیید دین باشد. اجباری نمودن آداب و مناسک دینی چون نماز جماعت، الزام و اجبار چادر و فشارهایی از این قبیل که بعضاً نیز با امتیازهای ویژه اجتماعی همراه می‌گردد، فرد را به این تفکر سوق می‌دهد که برای بدست آوردن امتیازهای ویژه در قبال انجام آداب و مناسک دینی، مبادرت به اعمال مورد پذیرش مربی اقدامی کند و در نتیجه زمینه تظاهر و استفاده ابزاری از دین فراهم می‌گردد. پس تشویق‌هایی که به صورت انحصاری بر انجام آداب و مناسک صورت گیرد و فهم و بینش فرد نسبت به آنها لحاظ نگردد، یکی از آسیب‌های مشخص و معین در تربیت دینی و نظام تعلیم و تربیت رسمی ما به عنوان جامعه دینی محسوب می‌شود.

اگر در امر تربیت دینی، به آداب و مناسک دینی اهمیت اول و اساسی داده شود و معرفت و بینش سطحی عرضه شود، فرد با چنین ضعف معرفتی، انگیزه عمیق و درونی متقنی برای انجام احکام و آداب دینی نخواهد داشت و به ریا و تظاهر کشانده خواهد شد لذا اکتفا نمودن صرف به تامین صورت ظاهر در مناسک دینی؛ تربیت دینی محسوب نمی‌گردد. همانطور که در فصول قبلی اشاره گردید، ایمان بیشتر با قلب، درون و احساس مرتبط است واضح است که در تربیت دینی، می‌بایست آداب و معارف دینی، بر روح و قلب متربی چنگ زده و از درون فرد را به تحول بکشاند. پس در تربیت دینی باید بستر برای جذب عاطفی، قلبی و درونی فرد نسبت به دین مهیا شود و در این راستا و ناظر به همین تحول درونی است که فرد با اختیار و آگاهی لازم، به رفتارهای آشکار بیرونی و عمل صالح مبادرت می‌ورزد تکرار لفظ ایمان و عمل صالح در آیات الهی ناظر به آن است که هر کدام بدون دیگری ناقص و ناتمام است. تربیت دینی در شکل صحیح و سالم آن، باید در پی آن باشد که ایمان و عمل در پیوند با یکدیگر از فرد صادر شود و با ایجاد معرفت مناسب نسبت به آموزه‌های دینی، زمینه تبلور انتخاب و اراده آزاد را در فرد فراهم نماید

چرا که در غیر این صورت بکار بردن لفظ ایمان برای انجام آداب ظاهری و بدون معرفت، صحیح نیست.

با جمع بندی کلیه مطالبی که در باب ایمان و تربیت دینی قبلاً اشاره گردید درمی یابیم فردی متدین است که دارای چهار ویژگی باشد: اعتقاد، تجربه درونی، التزام درونی و عمل.

## ۲) سهل انگاری و قصور والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان

یکی از مهمترین عوامل آسیب پذیری تربیت دینی نوجوانان و جوانان خصوصاً در عصر حاضر، معلول سهل انگاری و در پی گرفتن شیوه بی تفاوتی بیش از حد خانواده ها در تربیت دینی فرزندان می باشد. امروزه پرداختن والدین به رفع تنگناهای اقتصادی، دغدغه نان و لباس و تحصیل فرزندان و عدم استفاده از روش های صحیح آموزش و تربیتی و سستی بعضی خانواده ها در ارزشهای اخلاقی و دینی، نقش نهاد خانواده را در تربیت دینی کمرنگ نموده است.

## ۳) نارسایی و ناکار آمدی کانون ها و نهادهای دینی جامعه

یکی دیگر از عوامل آسیب تربیت دینی را می توان ضعف کانون های دینی در ابلاغ پیام صحیح دین به جامعه دانست آیا حقیقتاً نهادهای دینی در عصر حاضر، متناسب با نیازهای دینی نسل نوجوان و جوانان گام برداشته اند؟

## مؤلفه های مهم تبلیغ رسای دینی

الف) مجهز شدن به زبانهای زنده دنیا

ب) آگاهی از دانش روز

ج) استفاده از شیوه های هنری در تبلیغ

د) بیان دین به صورتی شیوا، دلنشین و زیبا

ح) ارائه عقاید استوار و بیان آن با زبان مناسب

و) ارائه مطالب صحیح و مستند حتی برای کودکان

ز) اولویت سنجی

چ) رعایت اعتدال و خودداری از افراط در تبلیغ و گرایش صرف به یک جنبه

(سیاسی - اخلاقی)

ط) هنر لحظه شناسی

ی) تعلیم مسایل و ارزشهای مورد نیاز زمان بر اساس واقعیات دنیای کنونی

ک) آگاهی از شبهه های احتمالی و پاسخ متقن به عقاید و معارف انحرافی و باطل

#### ۴) عدم پاسخگویی کامل به نیازها و مشکلات نسل نوجوان و جوان

عدم پاسخگویی به موقع و کامل به خواسته ها و نیازهای به حق نسل نوجوان و جوان می تواند منشاء مشکلات متعددی باشد که از مهمترین و حساسترین آن در جامعه دینی القاء ضعف و ناکارآمدی دین در اداره جامعه است و این همان ادعا و شبهه خطرناک دشمنان دین و در مقابل بزرگترین وظیفه متولیان و مسئولان جامعه دینی است که باید عملاً به اثبات آن پردازند.

#### ۵) عدم پاسخگویی لازم به پرسش و شبهات دینی نوجوانان و جوانان

یکی از مهمترین مشکلات سنین نوجوانی و جوانی بحران هویت است در بحران هویت نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است به صورتی که نمی تواند جنبه های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد شک و تردید یکی از عوارض بحران هویت است و در عین حال که جزء لاینفک هویت یابی است اما توقف در شک و تردید و بدون پاسخ گذاشتن سؤالات خصوصاً شبهات دینی می تواند زمینه آسیب دینی را در تربیت مذهبی نوجوان ایجاد نماید.

۶) عدم درک واقعیات دوره نوجوانی و جوانی و به تبع، برخوردهای ناصحیح با آنان فرایند بلوغ یکی از بحرانی ترین دوران زندگی هر فرد است. تمایلات و خواهش های متضاد، تمایل به تنهایی، استقلال طلبی، حساس بودن، ناپختگی شخصیتی،... عموماً از مشخصه های این دوران محسوب می شود. دوسو دوره بلوغ را تولد مجدد و ثانوی می دانست. استانلی که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است این مرحله را دوران فشار و طوفان می نامد. عدم توجه به ویژگی های دوران جوانی و واکنش ها و برخوردهای تند و افراطی بعضی از خانواده ها و دست اندرکاران کانونهای دینی نوجوانان و جوانان را از دین و مظاهر دینی مایوس و ذهن آنان را نسبت به دین و امور دینی مخدوش می نماید و چه بسا برخوردهای ناسنجیده برای همیشه جوانان و نوجوانان را از دین و معارف دینی گریزان نماید.

#### ۷) برداشتها و تفاسیر غلط و استفاده ابزاری از دین

یکی دیگر از عوامل مؤثر در آسیب رسانی به تربیت دینی، برداشت های ناصحیح، غیرمنطقی و سست و ارائه نادرست آن به جامعه و تعلیم و تربیت نسل نوجوان و جوان است. برداشت ها و تفاسیرهای غلط، گاه از جانب افرادی است که بدون داشتن تخصص و اهلیت لازم در درک صحیح دین، در جامعه به ارائه دیدگاه ها و تفاسیر دینی اقدام می کنند و به عمد و یا سهو در فهم و درک معارف حقه دین، ایجاد اختلال می کنند در پاره ای مواقع، اینچنین تلقی ناصحیح از دین رنگ و صبغه سیاسی داشته و با انگشت اشاره مستقیم و غیرمستقیم معاندین صورت می پذیرد و عموماً مخاطبین این ارائه غلط سیاسی و هدفدار از معارف دینی، قشر حساس و غیرمطلع نوجوان و جوان جامعه است. از سوی دیگر گاهی برداشت و ارائه ناصحیح معارف دینی از جانب اصحاب دین و کانونهای دینی است که بدلیل بعضی اندیشه ها و تفکرات خشک و غیرمعقول از دین در چنبره احتیاطهای غیرضرور و سنت های غلط گرفتارند و با عدم درک مقتضیات زمان و جمود فکری، برداشت های

غیرواقعی از دین عرضه می‌کنند که حقیقت دین با آن بیگانه و ناسازگار است و نتیجه آن چیزی جز جدایی افراد خصوصاً جوانان از دین و دیانت نخواهد بود.

#### ۸) عدم تطابق و تضاد میان قول و رفتار دینی و سیاست زدگی متولیان جامعه دینی:

اگر جوان علیرغم تبلیغ و اهمیت دین بر ارزشهایی چون زهد و پارسایی شاهد سبقت متولیان جامعه اسلامی از همدیگر در دنیا خواهی، زیادت طلبی و کسب مقام و موقعیت باشد، در وهله اول از حاکمان اسلامی و در نهایت از دین تصویری غلط برداشت خواهد نمود و در نگرش، درک و التزام اعمال و آداب دینی که از اهداف کلی تربیت دینی است تردید و شبهه خواهد نمود. بدیهی است عدم مشاهده رفتارهای عینی در مریبان و متولیان جامعه دینی از سوی مریبان نوجوان و جوان می‌تواند در هر سه جنبه از اهداف شناختی (مجموعه معارف و اعتقادات دینی)، اهداف عاطفی (قید و پابندی به ارزشهای دینی) و اهداف رفتاری و عملی (عمل به آداب و فرایض دینی)، ایجاد اشکال و اختلال نماید.

#### ۹) تهاجم فرهنگی، آسیب بیرونی تربیت دینی

تا اینجا اغلب عوامل ذکر شده آسیب‌رسان به تربیت دینی را می‌توان آسیب‌های درونی دانست. اما تهاجم فرهنگی دشمن آسیب بیرونی است. تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی امری مثبت لازم و گاه ضروری است و هیچ ملت و تمدنی نمی‌تواند از تبادل و تعامل فرهنگی بی‌نیاز باشد. در بستر تاریخ همیشه این تبادل فرهنگی وجود داشته و ملتها در کنار تبادل و تعامل اقتصادی به فراگیری زبان، آداب و رسوم و حتی معارف دینی از یکدیگر پرداخته‌اند. ترویج ادیان الهی و مذاهب نیز از مقوله همین تبادل و ارتباط فرهنگی بوده است. از مشخصات بارز تبادل فرهنگی این است که جامعه و ملتی با رغبت و بدون الزام و اکراه غیر، گیرنده فرهنگ مورد علاقه از ملتی دیگر است. در حقیقت ملتها با این شیوه فرهنگ خود را کامل می‌نمایند. در تهاجم فرهنگی سخن بر سر این است که ملت و جامعه‌ای فرهنگ خود را برتر و کامل‌تر از فرهنگ‌های دیگر دانسته و با انواع و

اقسام روشها، سعی در تسلط بر فرهنگ‌های دیگر داشته باشد. امروزه قدرتهای استکباری و سلطه‌گر جهانی به خوبی دریافته‌اند که آن حقیقتی که می‌تواند در مقابل توسعه و تجاوز آنها مقاومت کند، انسانهای پاک و با ایمان و افراد معتقد به ارزشهای الهی هستند که بر اصول و اعتقادات خود پای می‌فشارند. بدون شک، تهاجم فرهنگی از واقعیت مسلم جامعه ماست. هر چند با گسترش تکنولوژی ارتباطات، معضل تهاجم فرهنگی مخصوص کشور ما نیست بلکه مساله‌ای جهانی شده و حتی کشورهای غیرمسلمان در صدد چاره‌اندیشی و مقابله با آن برآمده‌اند. اما این واقعیت در کشورهای مسلمان و کشور ما ابعاد و جلوه‌های بیشتری دارد. یکی از جلوه‌های تهاجم در عرصه تربیت دینی، شبهه افکنی و شبهه‌سازی در حوزه فرهنگ و اعتقادات دینی است که به نوبه خود یکی از خطرناک‌ترین تهاجم به شمار می‌رود. شک تردید و شبهه در مبانی دینی، ایجاد ذهنیت و بدبینی نسبت به کانونها و نهادهای مقدس دینی، اشاعه اباحه‌گری، رواج فساد اخلاقی، اعتیاد، ورود و پخش فیلم‌ها و نوارهای مبتذل، سایتهای فسادآور اینترنتی، کتاب‌ها و نشریات اغواکننده در سایه آزادی بیان و اندیشه، همگی از جلوه‌های این تهاجم علیه اعتقادات و ارزشهای دینی است. بدون شک یکی از کاراترین ضربه‌ها به تعلیم و تربیت بویژه تربیت دینی، همین تهاجم همه‌جانبه فرهنگی علیه ایمان و منش مذهبی نوجوان و جوانان است و مقابله و دفاع در مقابل این هجمه نیاز به آمادگی و توان همه نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه دارد. ارائه تعابیر و تفاسیر التقاطی از اسلام، تزلزل ایمان، امید و اطمینان، اختلاف افکنی میان گروهها، جناحها و اقوام، ضعیف جلوه نمودن کارایی دین در اداره جامعه، و ایجاد روحیه یاس و ناامیدی نسبت به آینده در تسریع اثرات این تهاجم، مد نظر دشمنان دین و دیانت می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بجاست که خانواده‌ها با الهام از فرهنگ غنی اسلام و احکام و تعالیم آن به تربیت صحیح فرزندان مراقبت و تربیت نیاز دارد و این جز از طریق عمل صالح و تادب به آداب

شریعت و پرهیز از عوامل غفلت زا میسر نخواهد شد. خانواده به عنوان رکن اساسی تربیت، نقش بسیار مهمی در کمک به رشد و تربیت کودکان ایفا می‌کند، این امر به ویژه در اولین سال‌های زندگی که تجربه‌های اولیه کودک در حال شکل گرفتن است، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری است و اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است. بسیاری از مهارت‌ها در نخستین سال‌های زندگی فراگرفته می‌شوند. در اصل خانه و خانواده پایه‌های اجتماعی شدن و ساختار شخصیت کودک را بنیان می‌گذارند. ایفای نقش پدر و مادر به عنوان عامل پرورشی در چارچوب خانواده شرط استقرار شخصیت سالم کودک خواهد بود.

از خانه و خانواده است که می‌توان پیرامون محور روانی کودکان نخستین نصف‌النهارهای شخصیت را ترسیم کرد، چرا که ساختن انسان در دوران کودکی بسیار آسانتر از زمان بزرگسالی است. طبع لطیف و زمینه مساعدی که کودک در محیط خانواده دارد، بهترین شرایطی است که می‌توان شایسته‌ترین بذره‌های تربیتی را پرورش داد. کودک متأثر از تمام انگیزه‌های خانوادگی است و رفتار او از این محیط تأثیر می‌پذیرد. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی کودک، احساسات، علایق، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و حتی منطق قضاوتی و ارزشی خود را به او منتقل می‌کنند و کودک با علاقه و وجد تمام این معیارها را درونی می‌کند و شخصیت در حال تکوین خود را با آن وفق می‌دهد. ارتباط میان کودک و والدین نیرومندترین و قوی‌ترین نوع ارتباط است. بنابراین وقتی محیط سالم و سرشار از عاطفه و محبت باشد، وجدان کودک رشد مطلوب خود را آغاز می‌کند و احساس امنیت در او شکل می‌گیرد.

وجود آرامش و اطمینان خاطر در خانواده و حسن معاشرت والدین با فرزندان و با یکدیگر ضمن آنکه زمینه اجتماعی شدن را در کودک آماده می‌کند، بزرگترین درس تربیتی را نیز که همان شیوه برخورد و ارتباط صحیح اجتماعی است، به کودکان می‌آموزد.



خانواده در رشد اخلاقی کودک نیز سهم مهمی دارد. رفتار والدین اولین الگوی اخلاقی برای کودکان محسوب می‌شود، آموزش عملی دستورات اخلاقی پسندیده به کودک و بازداشتن مناسب او از ارتکاب کارهای زشت و ناپسند در رشد اخلاقی کودک حائز اهمیت فراوان است. اخلاقی بودن والدین و روابط بهنجار آنان با یکدیگر و با کودک عامل مهم تکوین شخصیت اوست. نوع رابطه‌ای که کودک در محیط خانواده با والدین برقرار می‌کند، اساس و پایه روابط بعدی او با دوستان، همکاران و خانواده‌ای که بعدها تشکیل خواهد داد، قرار می‌گیرد. در ضمن این روابط است که کودک به هویت و ارزش خود پی می‌برد و توانایی برقراری ارتباط با دیگران را کسب می‌کند.

با توجه به این مسائل است که می‌توان ادعا کرد، خانواده خمیرمایه شخصیت انسان را شکل می‌دهد و نگرش‌ها، رغبت‌ها و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه می‌گیرد و تربیت صحیح اولین و اساسی‌ترین پایه سعادت فردی و اجتماعی کودک است.

روانشناسی مشهور به نام گزل معتقد است که کودک در ۵ سالگی نسخه کوچک جوانی است که در آینده خواهد شد. البته او نمی‌خواهد منکر تربیت در دوره نوجوانی و جوانی شود بلکه می‌خواهد بر نقش و اهمیت حیاتی تربیت در خانواده و در خردسالی تأکید کند. به نظر وی بسیاری از رفتارهایی که در نوجوانان و جوانان مشاهده می‌کنیم، متأثر از تجارب تربیتی کودک قبل از ورود به مدرسه است.

بنابراین باید به خانواده به عنوان اولین مدرسه کودک اهمیت فوق‌العاده داد و محیطی فراهم آورد تا خانواده با دقت، صبر، آگاهی و عشق در تربیت کودکان بکوشد. در غیر این صورت عوارض غیرقابل جبرانی در شخصیت کودکان به وجود خواهد آمد و علاوه بر شخص، جامعه نیز متضرر خواهد شد.

خانواده‌ها نباید با ساده‌اندیشی وظیفه تربیت کودکان را به عهده سازمان‌های تربیتی محول کنند. مسئولیت خود را تنها در مهیا کردن امکانات مادی بدانند، زیرا مراکز تربیتی علی‌رغم نقش مهمی که برعهده دارند، هرگز قادر نیستند به جای والدین و محیط خانواده این نقش را ایفا کنند. به‌علاوه وقتی کودک وارد مدرسه شد، دیگر بسیاری از خصوصیات روانی و شخصیتی او شکل گرفته و هسته اصلی شخصیت او ساخته شده است و مدرسه تنها به عنوان تقویت‌کننده یا تثبیت‌کننده الگوهای شخصیتی او می‌تواند عمل کند. بعد از ورود کودک به مدرسه باید بین خانه و مدرسه نیز در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی هماهنگی و همکاری لازم وجود داشته باشد. مسئولان مدرسه باید خانواده‌ها را در روند تربیت‌پذیری دانش‌آموزان سهیم سازند و آنان را نسبت به آتیه فرزندانشان ترغیب کنند، همچنین والدین را به عنوان نیروهای مثبت و جزء جدائی‌ناپذیر برنامه‌های مدرسه قبول داشته باشند و آنها را به عنوان عضو تیم آموزشی پذیرا باشند، چرا که آنها می‌توانند تکمیل‌کننده خدمات آموزش و حامی دست‌اندرکاران مدرسه در مسائل تربیتی به حساب آیند. از آنجا که بخش وسیعی از وقت دانش‌آموز در خانه و بخش دیگری در مدرسه می‌گذرد، هماهنگی بین این دو نهاد رسمی و غیررسمی می‌تواند موجب تسهیل رفتارهای تربیتی باشد. بدون همگامی خانواده با مدرسه نمی‌توان به یک رفتار فرهنگی معتدل بین دانش‌آموزان امید داشت. نبود همکاری و هماهنگی و وجود تعارضات بین روابط پدر و مادر و اولیاء مدرسه عواقب وخیمی را به همراه خواهد داشت. فلسفه و هدف تشکیل انجمن اولیاء و مربیان در مدارس نیز ایجاد هماهنگی و همفکری بین خانواده و مدرسه بوده است و یکی از اصول آن ایجاد تغییرات لازم برای ایفای نقش پرورش صحیح است.

بینش غلط والدین و اولیاء مدرسه در مورد ارتباطات خانه و مدرسه موجب از هم گسستگی روابط خانه و مدرسه می‌شود، به گونه‌ای که والدین از تمام توان فکری خود در راستای بهبود مسائل آموزشی و تربیتی مدرسه بهره نمی‌گیرند و بی‌توجهی آنان به مسائل

تربیتی دانش آموزان و ناهمگونی ارتباط خانه و مدرسه خودبخود بر دوگانگی رفتاری دانش آموزان دامن می‌زند. لازمه حفظ تعادل شخصیت و تعادل روانی فرد، هماهنگی بین الگوهای ارائه شده مدرسه و خانه است، بنابراین همگامی خانواده با مجموعه آموزش و پرورش است که می‌تواند سازندگی فرد، سازندگی جامعه و در نهایت پیشرفت جامعه را به همراه داشته باشد. سازندگی، سلامت و پویایی جامعه آینده مبتنی بر نگرش‌ها، ادراک‌ها و توانمندی‌هایی است که کودکان امروز در خانه و مدرسه کسب می‌کنند؛ بنابراین تلاش خانواده‌ها و مسئولان مدرسه و مراکز تربیتی می‌تواند با هماهنگی و همفکری، هم ساختن فرد و هم ساختن اجتماع آینده را تضمین کند. اگرچه باز هم یادآور می‌شویم که در این رابطه مهم‌ترین نقش را خانواده ایفا می‌کند. بیشترین فرصت و زمان لازم برای رشد کودک در اختیار خانواده اوست بنابراین محیط خانواده در تعلیم و تربیت فرد مهم‌ترین نقش را برعهده دارد. خانه و مدرسه دو نهاد تربیتی مهم به شمار می‌آیند که در صدر عوامل تأثیرگذار بر روند رشد و تکامل رفتار و منش دانش آموزان قرار دارند و مهم‌ترین عامل در تربیت و رشد فکری و اخلاقی، هماهنگی و همسویی نظری و عملی میان مربیان و خانواده هستند. هر یک از دو کانون خانه و مدرسه به تنهایی امکان عمل موفقیت آمیز نخواهد داشت و باید به عنوان یک مرکز و یک نهاد تعلیماتی و تربیتی تلقی شوند و مجموعه سیاست و برنامه‌هایی که آموزش و پرورش طراحی و به اجرا درمی‌آورد باید در این دو کانون بر اساس یک سیاست، یک بینش و یک هدف دنبال شود.

### منابع

۱. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات نی، ۱۳۷۳.
۲. طبرسی، محمدحسن. مکارم الاخلاق. ترجمه میرباقری. تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۵.
۳. کاردان، علی محمد. فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۴. همدانی، احمدرضا. امیرالمومنین علی (ع). ترجمه حسین استادولی. تهران: انتشارات منیر، ۱۳۷۷.
۵. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
۶. هومن، احمد. زندان و زندانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲.
۷. اتکینسون، ریتا. اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست. زمینه روان‌شناسی. ترجمه براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۹.
۸. شاکری‌نیا، ایرج. برخی نکات تربیتی در کلام مولی علی (ع). مقاله ارائه شده در همایش امام علی (ع) خورشید بی‌غروب، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۰.
۹. کی‌نیا، مهدی. مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. سادات، محمدعلی. اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۸.
۱۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۱۲. ستوده، هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۹.
۱۳. فرهادیان، رضا. پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۴. مجلسی، سیدمحمدباقر. بحارالانوار. ج ۲۰ و ۲۳. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۵. رحماندوست، مصطفی. تحلیلی بر وضعیت تربیت دینی معاصر ایران. مقاله ارائه شده در همایش جایگاه تربیت در آموزش و پرورش، ۱۳۷۱.
۱۶. پارسا، محمد. روان‌شناسی کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۸.
۱۷. شاکری‌نیا، ایرج. دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان. مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۹.
۱۸. ری شهری، محمد. میزان الحکمه. تهران: انتشارات موسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۱۶.
۱۹. حر عاملی، حسن. وسائل الشیعه. ج ۵. تهران: انتشارات مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۲۰. احمدی، احمد. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات نخستین، ۱۳۷۴.
۲۱. شهیدی، سیدجعفر. نهج‌البلاغه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۲. جمعی از نویسندگان، در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه،
۲۳. مصباح، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاقی، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۷۶،
۲۴. مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، انتشارات امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱.